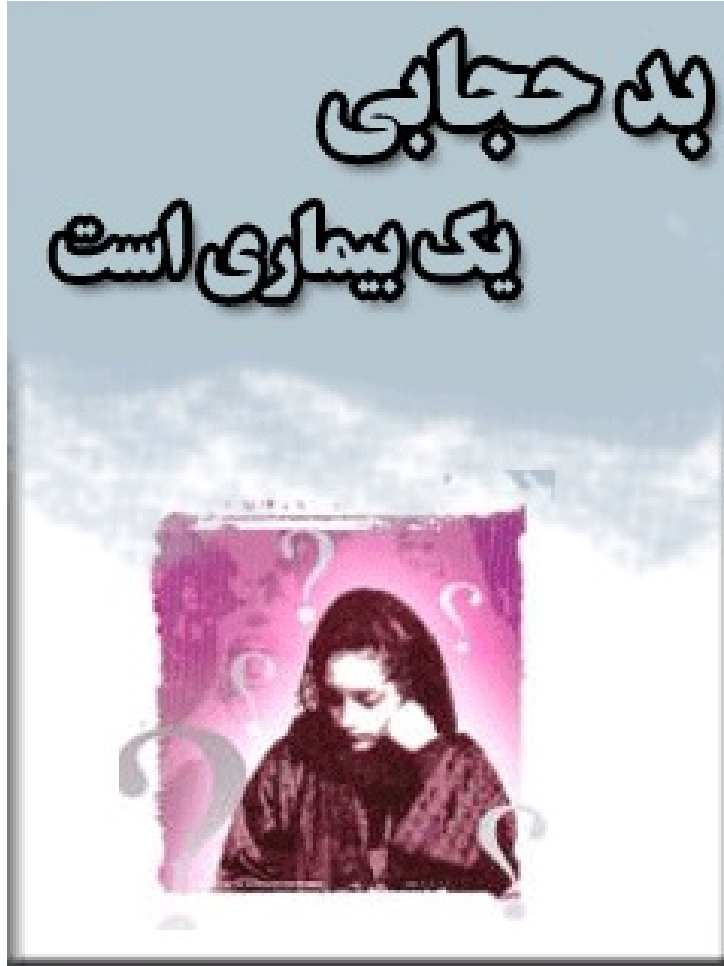


سنتام اللہ علیہا
نورفاطمہ زہرا



کتابخانہ دیجیٹال
www.noorfatemah.org

بد حالی یک بیماری است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بد حجابی یک بیماری است

نویسنده:

احمدی خدا بخش

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	بدحجابی یک بیماری است
۷	مشخصات کتاب
۷	آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی
۱۳	آن روز که حجاب ممنوع شد
۱۵	استفاده عمومی ممنوع
۱۶	اهرم حجاب در دست ترک ها
۱۸	بدحجابی در نگرش جامعه شناختی
۲۵	تجدد و کشف حجاب
۳۱	درباره ریشه‌های بدحجابی
۳۶	عرضه و تقاضای بدحجابی
۴۲	ریشه این بدحجابی ها را باید شناخت
۴۴	بدحجابی یا جلوه فروشی!
۴۷	بی حجابی و بدحجابی، زوال اخلاقی وانحطاط اجتماعی
۴۸	ریشه های بدحجابی
۴۹	چرایی شیوع بدحجابی
۵۲	آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی
۵۷	بدحجابی، زن و مرد ندارد
۶۱	استفاده عمومی ممنوع
۶۲	آثار بدحجابی و خود آرایی
۶۶	حیا و خودآرایی و تاثیر آن در سلامت روانی زنان
۷۴	مسئله بدحجابی و راه مقابله با آن
۷۶	بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی

۸۳	نقش لاقیدی و بی‌حجابی در تخریب حقیقت‌جویی
۱۰۱	حجاب و حریص شدن بر بی‌حجابی
۱۰۲	پیامدهای بدحجابی
۱۰۳	ماهیت‌شناسی پدیده بی‌حجابی، زمینه‌ها
۱۱۶	پیامدها و اثرات سوء ابتذال در پوشش و خودآرایی
۱۱۸	بدحجابی و عوارض آن
۱۲۰	عروسک‌های کاغذی
۱۲۱	ریشه‌های بدحجابی
۱۲۲	آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی
۱۲۸	خودنمایی و تخریب عشق
۱۳۰	آثار بدحجابی و خودآرایی
۱۳۳	بی‌حجابی با رضایت همسر!
۱۳۴	هزینه‌های گزاف خودنمایی
۱۳۵	زنان خیابانی، معلول یا علت؟
۱۳۶	زن یا ملکه زیبایی؟
۱۳۷	خودنمایی با انگیزه همسریابی
۱۳۸	بی‌نیاز از نگاه دیگران
۱۴۰	بدحجابی، ریشه‌ها، آثار و راهکارها
۱۴۳	بدحجابی، ریشه‌ها، آثار و راهکارها (۲)

بدحجابی یک بیماری است

مشخصات کتاب

شماره بازیابی : ۸۶-۲۰۹۵ عنوان و نام پدیدآور : بدحجابی یک بیماری است : گفتگو با دکتر خدابخش احمدی منشا مقاله : رسالت ، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۶ : ص ۱۷ توصیفگر : احمدی، خدابخش توصیفگر : بدحجابی توصیفگر : حجاب توصیفگر : نظارت توصیفگر : جامعه توصیفگر : امنیت

آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی

بشر با وجه به اهمیتی که برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه هم ارزش می‌نهد و بیماری جامعه را بیماری خود می‌داند؛ هم‌چنان که تلاش می‌کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور پرهیزد و یا از واکنش‌های پیش‌گیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را به‌کار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری‌های اخلاقی و روانی پرهیز دهد تا دیگر افراد جامعه به رشد، تعالی و سعادت برسند. بدحجابی از مسائلی است که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند. پوشش نامناسب پی‌آمدها و آثار جبران‌ناپذیری در فرهنگ، اخلاق، اعتقاد، اقتصاد و امنیت جامعه دارد که گاه مسیری انحرافی و بازگشت‌ناپذیری پدید می‌آورد. این نگارش آثار و پی‌آمدهای گسترش بدحجابی را از دو منظر فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌کند. فرهنگ هر جامعه‌ای از جنبه‌های گوناگونی تشکیل یافته است. جنب‌های هنجاری فرهنگ جامعه، از ارزش‌ها و قواعد خاص رفتاری تشکیل می‌شود. هنجارها نشان می‌دهند که چه چیزی ارزش و ضد ارزش است؛ مانند شیوه‌های پوشش برگرفته از فرهنگ آن جامعه. تلقی بد از بدحجابی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب، در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می‌گذارد. قبل از هر چیز باید فرهنگ را تعریف کنیم تا آثار و پی‌آمدهای گسترش فرهنگ بدحجابی روشن شود. معروف‌ترین تعریف از فرهنگ از تایلور انسان‌شناس معروف انگلیسی است. او می‌گوید: فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دانش، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسم و هر استعداد و عادت دیگری را که بشر به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند، شامل می‌گردد. (۱) کلارک نیز می‌گوید: تمامی مظاهر و شئون زندگی یک ملت را فرهنگ آن ملت تشکیل می‌دهد. (۲) بنابراین، رفتارهای اجتماعی معجونی از آن‌چه جامعه از علم و دانش، باورها و مسائل اخلاقی کسب می‌کند و قوانینی است که از دین و آیین افراد سرچشمه می‌گیرد. در کنار این‌ها، برخی رسوم و عادات اجتماعی، در طول زمان سهم بسیاری در شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه دارند که هسته اصلی حیات اجتماعی را به وجود می‌آورند و در الگوهای رفتاری و هنجارهای فردی و اجتماعی بسیار تأثیر گذارند. آثار و پی‌آمدهای فرهنگی بدحجابی عبارتند از: الف) واژگی در برابر فرهنگ بیگانه داد و ستد فرهنگی مفید است، بلکه برای هر جامعه‌ای لازم به نظر می‌رسد. تجربه نشان داده که تعامل یا تبادل فرهنگی از عوامل بالندگی و پویایی جوامع است. حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. (۳) اما در دنیای کنونی، فرهنگی که قادر نباشد عناصر فرهنگی مفید را جذب و عناصر غیر مفید را دفع کند و در الگوهای مختلف اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشد، فرهنگ مهاجم با الگودهی آن را تخریب می‌کند؛ ارزش‌ها و هنجارهای آن را نادیده می‌انگارد و با غلبه و تهاجم، ارزش‌ها و الگوهای مورد نظر خویش را جای‌گزین می‌کند تا در این ره‌گذر به اهداف خود دست یابد. بنابراین، فرآیند بدحجابی، مقدمه تهاجم گسترده‌تر به فرهنگ مقابل و شکستن هنجارها و جای‌گزین ساختن هنجار مورد نظر فرهنگ مهاجم است. چنین جامعه‌ای به نظر اسپنسر، جامعه‌شناس معروف، قدرت دفاعی خود را از دست می‌دهد و در مقابل بیماری‌ها، قدرت مقابله و

دفاع ندارد و با ورود کوچک‌ترین عامل مخرب، از بین می‌رود. احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و بی‌هویتی اجتماعی، زمینه‌ساز پذیرش تهاجم فرهنگی است. بنابراین، جامعه‌ای که دچار تهاجم فرهنگی گردد و تغییرات اجتماعی در آن سریع صورت گیرد، ارزش در آن جامعه ناپایدار است و هنجارشکنی در آن مرسوم می‌شود و در برابر فرهنگ بیگانه همیشه از خود وازدگی نشان می‌دهد و در نتیجه، بحران‌زا می‌گردد. سوغاتی که بدحجابی به همراه دارد، تنها پوشش نامناسب نیست؛ بلکه ترویج لباس‌های نامناسب، بزک کردن‌ها و... را به دنبال دارد. در نتیجه، افراد متحمل بسیاری از الگوهای دیگر از فرهنگ بیگانه می‌شوند. ب) سلطه بیگانگان و تأمین منافع آنان هر جامعه‌ای در پی آن است که به ارزش‌های خود پابندد و جامعه خود را از فرهنگ‌های بیگانه مصون نگه دارد تا افراد از سلامت و ثبات لازم برخوردار باشند. چنین جامعه‌ای سریع‌تر می‌تواند به اهداف خود برسد و آرمان‌های خود را عملی سازد. بنابراین، استعمارگران در جایی که بینند جامعه‌ای مطابق با منافع، اهداف و خواسته‌های آنها پیش نمی‌رود. برای رسیدن به منافع خود و چپاول آن، غیرمستقیم طرح‌هایی می‌ریزند تا افراد را مشغول و سرگرم کنند و به اهداف شوم خود برسند. مانند ترویج بدحجابی و بی‌حجابی است. در طرح استعماری انگلستان به مأموران خود چنین آمده است: باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی، ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند.» (۴) رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: این چیزهایی که شما می‌شنوید درباره مبارزه با دختران محجبه در فرانسه، اینها جرقه‌هایی است؛ آتش‌های زیر خاکستر است و از یک کار عظیم پشت پرده خبر می‌دهد. (۵) به راستی، دشمنان انقلاب اسلامی در تهاجم به ارزش‌های مقدس ما می‌خواهند تقدس‌زدایی کنند. آن‌گاه به اهداف شوم خود برسند. ج) گسترش فساد و تباهی «ارزش‌های جامعه، آن دسته از عوامل و عناصری هستند که اکثریت یک جامعه به اعتبار و اهمیت آنان ایمان دارند و بدان‌ها ارجح می‌گذارند.» (۶) در جامعه‌ای که حجاب، متانت، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود، به بینش و باور خویش سرایت می‌دهد و از طرفی نه تنها زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌سازد و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن، روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و خود و اجتماع را به تباهی و فساد و بالاخره به ضد ارزش‌ها می‌کشاند. زمانی این سؤال مطرح بود که بر اساس روایات، در آخرالزمان زنان پوشیده ولی برهنه‌اند. این پارادوکس را چگونه می‌شود حل کرد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: *يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمَانِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُّبْتَرَجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَجِلَّاتٍ الْمُحَرَّمَاتِ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛* در آخرالزمان که بدترین زمان‌هاست، زنانی هستند که پوشیده اما برهنه‌اند و از خانه با خود آرایشی بیرون می‌آیند. اینان از دین بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها وارد شده و به شهوات تمایل پیدا کرده‌اند و به کوی لذات نفسانی در شتابند و حرام‌ها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند. (۷) بنابراین، امروزه پاسخ این سؤال پاسخ روشن شده است که بعضی زنان پوشش دارند ولی بدحجاب یا بی‌حجابند، پوشش دارند ولی عریان و برهنه‌اند. چنین مسائلی آدمی را از ارزش‌ها دور می‌سازد و در فتنه‌ها وارد می‌نماید و از همه بالاتر گاهی از دین خارج می‌کند. (د) افت تحصیلی و آموزشی فرهنگ هر جامعه‌ای، به آموزش‌های آن بستگی دارد. هر قدر آموزش‌ها از غنای بیشتری برخوردار باشد، فرهنگ آن جامعه بالاتر خواهد بود. نخبگان و فرهیختگان، در پرتو تحصیلات شناخته می‌شوند. جامعه‌ای که دانش‌مندان آن بیشتر باشد، معمولاً از تمدن بالاتری برخوردار است و پویایی در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً مشاهده می‌شود. خلاصه، پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو آموزش آن است. دختران و پسران اگر در کنار تحصیل، دل مشغولی‌های دیگری داشته باشند، از تحصیل باز

می‌مانند و وقت زیادی از فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلی آنان به هدر می‌رود. بسیاری از مشاوران از صحبت‌های دختران و پسران جوان درباره مدهای روز و آرایش‌های جدید گله‌مند هستند. نمی‌خواهیم بگوییم دختران و پسران باید در دانشگاه‌ها کاملاً از هم جدا باشند و دیواری بین آنها کشیده شود. اگر اینها فضای آموزشی را رعایت کنند و محیط را محیط درس بدانند و از آنچه برازنده فضای آموزشی نیست پرهیز کنند، بسیار تحسین برانگیز خواهد بود. به گفته مربیان تربیتی، در مدارس که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و بی‌مسئولیتی به خوبی مشاهده شده است. (۸) زیرا دختران در چنین محیطی، با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند و تمرکز ذهنی و روحی را از آنان می‌گیرند و باعث افت تحصیلی آنان می‌شوند و خود نیز دیگر حوصله درس خواندن ندارند و تمام حواسشان به لباس و نوع پوشش است. روح مطالعه و تحقیق در آنها خاموش می‌شود و افت تحصیلی پیدا می‌کنند. (۹) تضعیف اعتقادات دینی در جامعه جامعه‌ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در سایه ایمان، در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌ماند و دشمنان نمی‌توانند در صفوف آن رخنه کنند و نقشه‌های آنان نقش بر آب می‌شود. این جامعه که دل به خدا سپرده و سرانجام زندگی را رسیدن به خالق خود می‌داند، دل به دیگری نمی‌سپارد و عقاید خود را متزلزل نمی‌کند. در این جامعه، حجاب و پوشش جزء احکام مسلم دین و مذهب به شمار می‌رود و زنان حاضر نمی‌شوند خود را به زینت‌های زودگذر و دنیایی مزین کنند و در پرتو آن عقاید دیگران را متزلزل نمایند و خود نیز زمینه‌ساز فساد در جامعه شوند. تظاهر به بدحجابی نشانه پای‌بند نبودن و بی‌مبالاتی فرد به احکام و اعتقادات اسلامی است؛ زیرا زنان با بدحجابی، چشم‌های هوس‌آلود را متوجه خود می‌سازند و پایه‌های ایمانی مردم را سست می‌کنند و جامعه را به فساد می‌کشانند. «هیچ راهی برای امریکا و ابرقدرت‌ها بهتر از این نیست که بدون جنگ و کشتار و بدون این که پولی خرج کنند و حساسیتی ایجاد نمایند، ایمان را از دل‌های مردم بزدند و بزدایند. این کار به سادگی انجام می‌شود؛ با فیلم‌ها، نمایش‌نامه‌ها و چیزهایی از این قبیل به نام پیشرفت علم و... هیچ راهی بهتر و موفق‌تر از این وجود ندارد.» (۹) و می‌دانیم که باورها و ایمان‌های راسخ نقش بسزایی در بالندگی زندگی جامعه ایفا می‌کنند و زمانی که ایمان به سستی گراید، نفوذ دشمن و به انحراف کشیدن آن جامعه به راحتی صورت می‌پذیرد. بدحجابی پی‌آمدهای اجتماعی نیز به دنبال دارد، از جمله: الف) ایجاد ناامنی و سلب آرامش آرامش و امنیت والاترین نعمتی است که خداوند به جامعه عنایت می‌فرماید و می‌توان گفت، اگر جامعه‌ای فاقد آن باشد به یک معنا، هیچ چیز ندارد و با وجود امنیت، همه چیز دارد. سلامت جسمی و روحی - روانی جامعه در سایه امنیت حفظ می‌شود و خلاقیت و نوآوری بروز می‌کند. زنان بدحجاب نمی‌دانند که چه ضربه‌های و جبران‌ناپذیر خانمان براندازی بر پیکره جامعه وارد می‌سازند. در جامعه‌ای که بدحجابی رواج پیدا کند، چشم و هم‌چشمی‌ها و ارائه هر چه بهتر زینت‌آرایی، تمامی نخواهد داشت و زنان سعی می‌کنند تا چشمان بیشتری را متوجه خود سازند و در معرض دید همگان قرار گیرند و این امر تمامی نخواهد داشت تا جایی که تمام افراد جامعه را آلوده سازد. در نتیجه، ناامنی نه تنها دامان خود بدحجاب را می‌گیرد بلکه خیلی سریع به اجتماع سرایت می‌کند و جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌دارد. بسیاری از کجروی‌های گوناگون اجتماعی مانند مدگرایی، شورش‌ها و درگیری‌های خیابانی، ناهم‌نوایی اجتماعی و آزارهای جنسی، از بدحجابی و بی‌هویتی اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. زنان بدحجاب که به نمودهای ظاهری و تجمل و تنوع می‌پردازند و هر روز به سراغ اسباب آرایش و زیورآلات جالب‌تر و کفش و لباس شیک‌تر می‌روند، از سرمایه‌های معنوی محرومند و جمال معنوی برای آنان نامفهوم است. اینان کمبود خویش را بدین گونه جبران می‌کنند و عطش شخصیت‌یابی را از این طریق فرومی‌نشانند. «آری، بدحجابی، ارزش‌های راستین دختران را تحت‌الشعاع ظواهر جنسی‌شان قرار می‌دهد و آنان را فدای هرزگی‌ها و هوس‌رانی‌های شیادان می‌سازد. بدحجابی ارزش زن را از بین می‌برد و او را تا حد یک کالا پست می‌کند. زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان می‌گذارد و آنچه را که به جنسیت او مربوط می‌شود، به کوچه و بازار می‌کشد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر زنانگی خویش، جای خود را در جامعه باز کند نه با تکیه بر انسانیت خویش. در واقع او بدین ترتیب اعلام

می‌کند که آن‌چه برای او اصل است، زن بودن اوست، نه انسان بودن و نه اندیشه و لیاقت و کارآیی او. چنین زنی قبل از هر چیز اسیر خود است. او به مغازه‌داری شبیه است که دائماً در فکر تزئین و تغییر دکوراسیون و بترین مغازه است». (۱۰) (ب) ترویج رذایل اخلاقی بدحجابی علاوه بر این که خود یک ناهنجار اجتماعی به شمار می‌آید و جامعه را به بی‌بند و باری می‌کشد، زمینه‌ساز بسیاری از زشتی‌های اخلاقی است. وقتی به پوشش و متانت بی‌اعتنایی می‌شود، مسائل اخلاقی دیگر هم از جامعه رخت بر می‌بندد. بدلباسی، بداخلاقی به دنبال دارد، چنان که مدپرستی، هوپرستی می‌آورد. جامعه‌ای که هر روز مد جدیدی را به شکل‌های گوناگون بپذیرد، دچار بسیاری از بیماری‌های اخلاقی چون غرور، تکبر، عصیان، قساوت قلب و فخرفروشی خواهد شد. هرگاه جامعه‌ای به انجام دادن گناه جسارت پیدا کرد و مفسد و معاصی رواج پیدا کرد، زشتی گناه از بین می‌رود و این خود گناه بزرگتری است. یعنی جامعه‌ای که گناه را گناه نداند، به سبب رواج زیاد و همگانی شدن آن، سقوط خواهد کرد. بنابراین، بدحجابی قبح و زشتی گناه را از بین می‌برد و باعث رواج گناهان دیگر می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا اللَّبَاسُ يَحْمِلُكَ عَلَى الْعُجْبِ وَالرِّيَاءِ وَالتَّزْيِينِ وَالتَّفَاخُرِ وَالتَّخَالُفِ فَإِنَّهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَمُورِثَةُ الْقَسْوَةِ فِي الْقَلْبِ؛ لباسی نباشد که تو را به گناه خودپسندی، ریا، آراسته نشان دادن، مباهات به دیگران، فخرفروشی و تکبر، آلوده کند که تمام اینها از آفات دین و موجب سختی دل است. (۱۱) بدحجابی موجب سوء ظن نیز می‌گردد. پوشش، نشانه ترس از خدا و آتش جهنم است و زن باحجاب، خود را به احکام الهی پای‌بند می‌داند. از آن طرف زنان بدحجاب به راحتی احکام الهی را زیر پا می‌گذارند و بی‌مبالاتی خود را به موازین اسلامی اعلام می‌دارند. چنین زنانی در معرض گناه هستند و افراد جامعه به آنها گمان بد می‌برند و زمینه این گناه را تنها زنان بدحجاب به وجود می‌آورند. پس زنان پاک‌دامن و با عفاف، باید کاری کنند که در معرض تهمت قرار نگیرند. (ج) کم‌رنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه زن در بسیاری از جوامع در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... شرکت می‌کند و سهم بسزایی در این زمینه‌ها دارد. بنابراین، حضور زنان در جامعه امری انکارکردنی نیست و روز به روز به این فعالیت‌ها اضافه می‌شود و زنان دوش به دوش مردان در تمامی زمینه‌ها به فعالیت می‌پردازند. حال آیا پوشش می‌تواند بر حضور زن در جامعه تأثیر داشته باشد یا خیر؟ پاسخ بسیار روشن است؛ زیرا اسلام همان‌گونه که به اختلاط مرد و زن نامحرم هشدار داده و آنان را از پی آمده‌های بد و زشت آن بازداشته است، به پوشش و حجاب او توجه خاصی داشته تا حضور او را در جامعه حفظ و سلامت نفسانی جامعه را تضمین کند. زنان بدحجاب در محل کار، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، تمرکز فکری لازم را از دست می‌دهند؛ در حالی که لازمه کار و تلاش جدی در محل کار، حضور قلب و تمرکز حواس است. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی‌پردازد، بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود می‌سازد. در نتیجه، که چرخه فعالیت کاری جامعه را به کندی رهنمون می‌سازد. از طرفی خانواده‌هایی که غیرت دینی بالایی دارند، از حضور دختران و زنان خود در چنین جامعه‌ای نگران هستند و نخواهند گذاشت حضور پرشور آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، جامعه ضرر خواهد کرد و بخش بزرگی از نیروهای کاری را از دست خواهد داد. (د) برهم زدن تنظیم روابط جنسی و عاطفی پوشش و حجاب، نه تنها باعث سلامت اخلاقی جامعه و پای‌بندی به هنجارهای دینی می‌شود، بلکه زمینه بروز و شکل‌گیری بزه‌کاری‌های جنسی را به حداقل می‌رساند و اعضای جامعه را نیز به سوی تشکیل خانواده، تنظیم روابط جنسی و عاطفی و قاعده‌مند کردن آن سوق می‌دهد. حجاب باعث می‌شود فاصله‌های اجتماعی محفوظ بماند و رعایت شود، یعنی هر کسی نمی‌تواند با دیگران هر نوع تعاملی را برقرار سازد. لذا پوشش، تعامل‌ها را الگودار و معنادار می‌سازد. این ویژگی مانع نزدیک شدن غریبه‌ها و در نهایت ارتباط جنسی می‌شود. رعایت حجاب و پوشش مناسب، افراد را از بزرگ‌ترین نعمت یعنی آزادی برخوردار خواهد ساخت؛ زیرا زنان اجازه نخواهند داد کسی بدون اجازه، به حریم شخصی و خصوصی‌شان نزدیک شوید و در این زمینه تصمیم بگیریم. بنابراین اگر افراد پاک و پاکدامن و جامعه سالم می‌خواهیم، باید زنان ما پوشش را کاملاً رعایت کنند؛ چنان که امیر مؤمنان در نهج‌البلاغه به فرزندش امام

حسن (ع) می‌فرماید: *وَ أَكْفُفْ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْتَى عَلَيْنَهُنَّ*؛ از راه حجاب و پوشش بانوان آنها را پوشان؛ زیرا رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به طور سالم‌تر و پاک‌تر حفظ خواهد کرد. (۱۲) ه) افزایش آزار جنسی زنان و دختران با پوشش نامناسب در فعالیت‌های اجتماعی، به جوانان و مردان بزهکار اجازه خواهند داد تا به حریم آنان تجاوز کنند و مورد اذیت و آزار خود قرار دهند. نقطه شروع بسیاری از ناهنجاری‌ها، مزاحمت‌ها و بی‌احترامی‌هایی است که افراد جامعه برای یک‌دیگر به وجود می‌آورند و بدحجابی عامل بسیار مهمی در ایجاد این مزاحمت‌ها به شمار می‌آید، دختران بزرگ کرده با پوشش‌های زننده و گاه بسیار تهیج‌کننده، در جامعه خود را ارائه می‌نمایند تا شاید نگاه‌های آلوده بیشتری را به خود جلب کنند و از این طریق، حس خودآرایی و خودنمایی را به نحوی ارضا کنند، ولی این سرایی بیش نیست و عاقبت پشیمان خواهند شد که دیگر راه بازگشت نخواهند داشت. خداوند در قرآن کریم به پیامبرش (ص) می‌فرماید: *«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»*؛ (۱۳) ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند (به احتیاط) نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است. در شأن نزول این آیه آمده، هنگامی که شب‌ها زنان برای نماز به مسجد می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه بر سر راه آنها می‌نشستند و آنان را با مزاح و سخنان ناروا آزار می‌دادند و مزاحم آنها می‌شدند. این آیه به زنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا از کنیزان، آلودگان و یهودیان شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند. (۱۴) پس جامعه‌ای که بخواهد ثبات امنیتی بیشتری داشته و از ناهنجاری‌ها به دور باشد، باید خود را از عواملی که باعث ناهنجاری و بزه می‌شود، دور نگه دارد و حجاب بهترین وسیله‌ای است که زنان و دختران را از آزار جنسی محافظت می‌کند. (و) جلب نگاه‌های چشم‌چران و هوسباز خداوند به پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: *«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»*؛ (۱۵) به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه نامحرم‌ان فرو گیرند. «شهوت از غرایزی به شمار می‌آید که خداوند در آدمی قرار داده است. شهوتی که باعث بقای نسل و سامان‌دهی زندگی و حیات می‌شود، آرامش و آسایش را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و آثار بسیار مطلوبی در جامعه خواهد داشت. اما اگر از مسیر اصلی خود منحرف شود و در سمت و سویی دیگر قرار گیرد، آثار بسیار بدی برای فرد و جامعه دارد. بدحجابی از مسائلی است که گزینه شهوت را از سیر خود منحرف می‌سازد. زنان بدحجاب، نگاه‌های آلوده مردان هوس‌باز را به خود جلب می‌کنند و آتش شهوت را در دل آنان شعله‌ور می‌سازند. به ویژه در جامعه‌ای که بیشتر افراد آن جوان هستند، نگاه‌های شیطانی به سوی دختران بزرگ کرده و بدحجاب جامعه را به فساد و تباهی رهنمون می‌سازند. آری، در جامعه‌ای که چشم‌چرانی بر اثر بدحجابی رواج پیدا کند، بسیاری از گناهان در آن جامعه رواج پیدا می‌کند و سرانجام، جوانان چشم‌چران بر اثر این گناه خانمان‌سوز، زندگی بسیاری از دختران معصوم و ساده‌لوح را بر باد می‌دهند و آبروی خانواده‌ها را به ارزانی می‌فروشند و زندگی‌ها را سست می‌کنند و سرمایه عفت و پاک‌دامنی را از بین می‌برند. امام صادق (ع) می‌فرماید: *النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً*؛ (۱۶) نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است. چه بسا یک نگاه حسرت طولانی در پی دارد! ز) اختلالات روحی و روانی اختلال روحی و روانی از آثار ناگوار بدحجابی در جامعه است. برخی از دختران و زنان، بر اساس نیاز ذاتی خود برای جلب رضایت محیط و توجه بیشتر بینندگان، به خودآرایی و جلوه‌گری و ارائه پوشش غیرمتعارف می‌پردازند و افکار خود را در بعد تمایلات و تخیلات موهوم، تقویت می‌کنند. بنابراین، پوشش و حجاب ناقص فشارهای فراوانی را بر روح و روان افراد وارد می‌سازد. چنین افرادی همیشه در پی آنند که خود را به گونه‌ای ارائه دهند که افکار و نگاه‌های آلوده و هوس‌انگیز را به خود جلب کنند و شخصیت خود را با خواسته‌های دیگران همگون سازند. این خواسته‌ها محدود نیست و وقتی دختران نتوانند خود را مطابق خواست‌ها ارائه دهند. افراد جامعه ثبات روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و امیدها و آرزوها به ناامیدی می‌گراید. شهید مطهری؛ می‌فرماید: روح بشر فوق العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که

گمان می‌کنیم تحریک‌پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان‌طور که بشر در ناحیه ثروت و مقام، از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در امور جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها که به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری‌های روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود. (۱۷) اگر بتوان از لحاظ پوشش، الگوی مناسبی به جامعه ارائه داد، سلطه‌ای آگاهانه به افراد جامعه پیدا خواهیم کرد و جامعه را از بی‌ارادگی و بی‌اختیاری نجات خواهیم داد. اما با بدحجابی، به افراد جامعه اجازه داده‌ایم که هرگونه می‌خواهند، برای پوشش خود تصمیم بگیرند و مدل‌های متنوع را جای‌گزین کنند و دل‌ها را به سمت و سوی انحرافات اجتماعی سوق دهند که در این صورت، اداره و اختیار از افراد جامعه گرفته می‌شود و جامعه‌ای که از خود اراده‌ای نداشته باشد، اختلالات روحی و بیماری‌های روانی به سراغ آن خواهد آمد و به منجلا بکشیده خواهد شد. «بدحجابی زن در جامعه، سبب نقش بازی کردن او در اسلوب‌ها و مدل‌های گوناگون می‌شود. این اعمال او را به صورت موجودی بی‌اختیار و بی‌اراده، به هر طرف می‌کشد و دیگر بر زندگی‌اش تسلط آگاهانه نخواهد داشت. در زندگی و اعمال خود، نظر دیگران را ترجیح می‌دهد که برای جلوگیری از این امور منفی، حجاب بهترین درمان می‌باشد». (۱۸) ح) تزلزل نهاد خانواده تشکیل نهاد خانواده، مقدس‌ترین پیوند زناشویی است. برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب خانوادگی مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. اگر زن لذت‌های جنسی خود را از محیط خانواده بیرون نبرد و دستورهای اسلام را اطاعت نکند، محیط خانه سالم و آرام‌بخش خواهد بود. ولی اگر عفت را رعایت نکند و لذت‌های جنسی و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشانند، مورد نگاه‌های هوس‌آلود نامحرم قرار خواهد گرفت و ناخواسته عامل پاشیدگی و تیرگی روابط افراد خانواده خواهد شد. وقتی اختلافات زن و شوهر در محکمه‌های قضایی، را ریشه‌یابی می‌کنیم، پی می‌بریم که بسیاری از ناسازگاری‌ها به دلیل رعایت نکردن حجاب است. وقتی زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود، چشم‌ها، به سوی او نشانه می‌روند و او هم دل‌باخته و فریفته چشم‌چرانان می‌شود و کم‌کم از نگاه‌های شوهرش لذت نمی‌برد و از او سرد می‌شود و سرانجام باعث جدایی می‌گردد. گاهی همین امر از طرف شوهر صورت می‌گیرد. بر اثر چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود به دختران و زنان بدحجاب، از همسرش دل‌سرد می‌گردد و لذات‌ها و محبت‌هایش در بیرون از خانه صرف می‌شود. در نتیجه، بنای ناسازگاری با همسرش شروع می‌شود و تیرگی بر کانون خانواده سایه می‌افکند. بنابراین، برای حفظ نظام خانواده و به وجود آوردن محیطی سالم و فرزندان پاک رعایت حجاب ضروری است و باید بالاترین امنیت، یعنی امنیت ناموسی، در خانه حاکم شود. از طرفی بدیهی است، اگر خانواده سالم باشد و پوشش را رعایت کند، جامعه که از اجتماع خانواده‌ها تشکیل شده، سالم و پایدار خواهد ماند. در جامعه‌ای که بیشتر اعضای آن را جوانان تشکیل می‌دهند باید در برابر این فرآیند حساس‌تر باشند؛ زیرا جوانان در برابر مناظر شهوت‌انگیز و تهییج‌کننده، زودتر تحریک می‌شوند و چنین مناظری عامل مهمی در سوق دادن آنان به فساد خواهد شد. در نتیجه، نیروی فعال اجتماع به راه‌های فساد و تباهی کشانده می‌شوند و به جامعه ضربه جبران‌ناپذیری از جهات اقتصادی مادی، اجتماعی و اخلاقی وارد خواهد شد. «آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش بی‌حجابی و بدحجابی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مدام بالا رفته است؛ چرا که «هر آن‌چه دیده بیند دل کند یاد» و هر چه دل در این جا یعنی هوس‌های سرکش، بخواهد، به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دل‌بری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید». (۱۹) به امید روزی که بتوان جامعه را به زیور عفاف و حجاب مزین کرد و از بدحجابی رهایی داد. (پی‌نوشت‌ها: ۱) پرویز صانعی، جامعه‌شناس ارزش‌ها، ص ۵۰۱ - ۵۰۲، کتاب‌خانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۲. (۲)

همان. ۳) فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۰، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۳. ۴) قره العین، «درآمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران»، تهران، نشر نور، ۱۳۶۳، ص ۴۰. ۵) فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۹. ۶) جامعه‌شناسی ارزش‌ها، ص ۱۰۱. ۷) محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲. ۸) ستار هدایتخواه، زیور عفاف، ص ۳، اداره کل آموزش و پرورش خراسان، مشهد، ۱۳۷۴. ۹) محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص ۹۵ - ۹۶، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۷۹. ۱۰) غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی، سروش، ۱۳۷۹، ص ۵۹. ۱۱) عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، پیام حق، ص ۶۹، تهران، ۱۳۷۷. ۱۲) نهج البلاغه، نامه ۳۱ (۱۳) احزاب، ۵۹. ۱۴) ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۵. ۱۵) نور، ۱۶) کافی، ج ۵، ص ۵۵۹، ح ۱۲. ۱۷) مسأله حجاب، صص ۸۷ - ۸۸، صدرا، تهران، ۱۳۷۹. ۱۸) حسین حبیب‌اللهی، حجاب در بی‌حجابی، قم، انتشارات داوری، ۱۳۷۳، ص ۲۴. ۱۹) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۴.

آن روز که حجاب ممنوع شد

کشف حجاب در ایران پدیده‌ای ناشی از آشنایی با غرب و تجددخواهی افرادی است که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده بودند. در حالی که نخستین نشانه‌های کشف حجاب را می‌توان در دربار ناصرالدین شاه قاجار و سپس در محافل روشنفکری مشاهده نمود، رسمیت یافتن آن به دوره دیکتاتوری رضا شاه پهلوی باز می‌گردد. رضاخان که پیش از رسیدن به مقام پادشاهی خود را فردی دیندار و پای‌بند به اصول مذهب نشان داده بود، پس از به قدرت رسیدن به تدریج ماهیت اصلی خود را نمایان ساخت. او که تجددگرایی و تضعیف ارزشهای دینی را سرلوحه برنامه‌های نوسازی فرهنگی خود قرار داده بود، طی اقداماتی مخالفت عملی خود را با اسلام و فرهنگ و سنن اسلامی جامعه آغاز کرد. از جمله این اقدامات می‌توان به حضور روز افزون میسیون‌های مذهبی، تأسیس مدارس جدید، بازگشت اشراف‌زادگان تحصیل کرده از فرنگ، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌های روشنفکری، تغییر نظام آموزشی، اجباری کردن استفاده از کلاه شاپو، صدور قانون متحدالشکل نمودن البسه، کشف حجاب بانوان، ترویج بی‌قیدی در میان زنان، جلوگیری از حضور زنان با حجاب در پارک‌ها، سینماها، تئاترها، هتل‌ها و سایر مراکز عمومی و ... اشاره نمود. رضا شاه که ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی را مانعی جدی بر سر راه فرآیند مدرن‌سازی می‌پنداشت، پس از تنها سفر خارجی‌اش به ترکیه در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳، بیش از اندازه تحت تأثیر اقدامات غرب‌گرایانه آتاتورک قرار گرفت. از این رو پس از بازگشت به ایران عزم خود را برای غربی شدن جامعه ایرانی جزم نمود و مدعی آن شد که اگر مردم لباس متحدالشکل بپوشند، کلاه پهلوی به سر گذارند و نسبت به تقیدات دینی سستی نشان دهند متمدن خواهند شد. مسافرت رضا شاه به ترکیه جدای از آنکه فصل جدیدی در مناسبات دو کشور گشود، تغییرات عمیقی نیز در روحیات و سیاست‌های رضا شاه علی‌الخصوص درباره زنان و حجاب آنان بوجود آورد. مستشارالدوله سفیر کبیر ایران در ترکیه، تأثیرپذیری رضاخان از بی‌حجابی زنان ترکیه را چنین توضیح می‌دهد: «شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابد و در تالار بزرگ خانه ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه گاه بلند می‌گفت: عجب! عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم، فرمود: صادق، من تصور نمی‌کردم ترکها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان؛ ... فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم.» ۱) رضاخان که شدیداً تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود، این مسئله را یک سال و اندی پس از سفر خود به ترکیه در آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین بازگو می‌نماید: «نزدیک دو سال است که این موضوع - کشف حجاب - سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه

رفتیم و زنهای آنها را دیدیم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش به دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بینش برد.» ۲ از این رو بخشنامه کشف حجاب جهت تصویب رضا شاه در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۱۴ از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرستاده شد تا در اول دی سال دستور العمل اجرای غیر رسمی قانون کشف حجاب به تمام ولایات ایران ارسال گردد. رضا شاه در روز هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ برای اعطای گواهینامه فارغ‌التحصیلان به دانشسرای عالی رفته بود، در حالی که ملکه ایران و دختر بزرگش بدون حجاب بودند و لباس‌های اروپایی به تن کرده بودند، طی نطقی از کشف حجاب و پیشرفت زنان سخن گفت: «... شما زن‌ها باید این روز را که روز سعادت و موفقیت شماست روز بزرگی بدانید و از فرصتی که بدست آورده‌اید برای خدمت به کشور خود از آن استفاده کنید... شما خواهران و دختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفه شما این است که برای کشور خودتان کار کنید، سعادت آینده در دست شماست.» ۳ بدین سان از فردای آن روز، بر سر کردن چادر در خیابان‌های تهران ممنوع شد و دولت و سایر دستگاه‌های اجرائی در کشور موظف گردیدند برای پیشبرد این طرح در ولایات مختلف بکوشند. به همین منظور از اقدامات تبلیغاتی و انتظامی در حد وسیعی بهره‌گیری شد و حتی مسئولین در بسیاری از موارد، کاربرد قوه قهریه را نیز در اولویت قرار دادند. از این آموزگاران و دختران دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی‌رفتند. در اتوبوس زنان با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبان‌ها از اهانت و کتک‌زدن به زن‌هایی که چادر داشتند با نهایت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از مأموران بخصوص در شهرها و دهات زن‌هایی را که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده و پاره پاره می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا توی خانه‌اش تعقیب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده اتاق زن‌ها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می‌دیدند پاره پاره می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند. ۴ تصویب و ابلاغ قانون کشف حجاب بیش از پیش جامعه روحانیت را با محدودیت مواجه کرده بود، اعتراضات علما و روحانیون و مخالفت‌های گسترده‌ی مردمی را نیز در سراسر کشور و در شهرهایی نظیر قم، اصفهان و شیراز در پی داشت که مهم‌ترین نمونه آن قیام بزرگ مسجد گوهر شاد مشهد بود. ۱۵ اگر چه با انتشار خبر قیام گوهر شاد، مقدمات اعتراض اجتماعی وسیعی فراهم شد اما فقدان رهبری منسجم و خشونت شدید حکومت از جمله عواملی به شمار می‌آیند که نه تنها این اعتراضات را ناکام گذاشتند بلکه رضاخان را نیز مصمم به اجرای خشونت بار کشف حجاب نمودند. با این حال قیام گوهر شاد که یک سال پس از بازگشت رضاخان از سفر به ترکیه و مشاهدات وی در مورد بی‌بند و باری و بی‌حجابی زنان ترکیه به وقوع پیوسته بود، از یکسو حکایت از تأثیر بی‌چون و چرای رضاخان از فرهنگ غربی داشت و از سوی دیگر از تعارض این فرهنگ با فرهنگ اسلامی جامعه ایران و عدم پذیرش موازین غیر شرعی توسط مردم نیز خبر می‌داد. امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی که در ۱۲۹۹ کودتای رضاخان را محکوم کرده بود و در برابر سیاست‌های ضد دینی پهلوی اول همچون کشف حجاب، جدایی دین از سیاست، رواج فرهنگ اروپایی در ایران، اهانت به روحانیت و ... نیز موضع‌گیری نموده بود؛ این مسئله را چنین شرح می‌دهند: «در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوانی که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است ذی خودشان را قرار دهند، در آن زمان رضا شاه به وضعی و در زمان محمدرضا به وضع دیگر. و بحمدالله بانوان ایران مقاومت کردند و جز یک دسته‌ای که جزء دار و دسته خود آنها بودند و غریزه بودند و با رژیم او مناسب بودند، سایر خواهرها مقاومت کردند. بنابراین اسلام در ایران زنده شد، آن خدمتی که به بانوان کرده است و خواهد کرد ارزشش به اندازه‌ای است که نمی‌توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود.» ۱۶ اگر چه پس از سقوط رضا شاه قاعده یکسانی در خصوص کشف حجاب و اتحاد شکل لباس وجود

نداشت، اما لزوم پاسخ به مطالبات و افکار عمومی، مقامات را به عقب نشینی واداشت. به عنوان نمونه می توان به استعلام وزیر کشور از نخست وزیر در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۱ اشاره نمود که طی آن به صراحت از عقب نشینی اجباری دولت در قبال کشف حجاب سخن به میان آمده است. ۷ در مجموع می توان چنین اذعان نمود که واقعه کشف حجاب در دوران پهلوی از یک سو حکایت از بحران حقوقی زنان در جامعه سنتی ایران داشته و از سوی دیگر زنان را به عنوان عناصر و ابزار نوگرایی رژیم در آورده بود. پانوشته ها: ۱- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ششم، تهران: ناشر، ۱۳۶۲، ص ۱۵۷. ۲- مهدی صلاح، کشف حجاب، زمینه ها، پیامدها و واکنش ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸. ۳- حکایت کشف حجاب، تهاجم فرهنگی غرب و کشف حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ص ۲۵. ۴- محسن صدر، خاطرات صدرا لاشراف، تهران، نشر وحید، ۱۳۶۴، ص ۳۰۵. ۵- علیرضا امینی، تحولات ساسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۴۰. ۶- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۱. ۷- مرتضی جعفری، واقعه کشف حجاب، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهشی و مطالعاتی فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۴۵۹، سند شماره ۲۲۲.

استفاده عمومی ممنوع

درباره پیامدهای بی حجابی در آن هنگام که خداوند بر حضرت آدم احسان کرد و باغ زندگی او را به وجود «حوا» معنا بخشید، غم تنهایی را از او زایل ساخت. از آن زمان به بعد که عالم را بقایی و آدم را امیدی به حرکت آورد، خیمه زندگی بشر بپا شد. در حالی که نیمی از آن را «زن استوار کرده بود، موجودی که بدون او، برای نظام آفرینش، آغاز و انجالی تصور نمی شود. بر همین اساس، در آیین حیات بخش اسلام برای «زن شخصیتی فوق العاده و منزلتی والا مقرر شده است و از او به عنوان موجودی یاد شده که باید مورد تکریم و مشمول مهر و محبت کافی قرار گیرد. به گونه ای که در قرآن کریم سوره ای است به نام «نساء» و مشتمل بر ۱۷۶ آیه. علاوه بر این در اسلام برای تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی، خانوادگی و زناشویی و حقوق زن، قوانین عادلانه ای وضع شده است. و از زنان شایسته آن چنان یاد می کند که گویی هیچ فرشته ای نمی تواند به مقام او نایل آید. در میان قوانین آسمانی که خدای متعال، با توجه به نیاز زن به امنیت و آرامش، بر او مقرر کرده است، حکم «حجاب است. حجاب قانونی است که نه برای محدود کردن استعداد های زنان، بلکه برای محدود کردن خطر هایی است که استعدادها و موجودیت زن را تهدید می کند. دیدگاه اسلام به اجتماع و مسائل آن، کاملا حکیمانه است. اسلام می خواهد جامعه ای آن چنان پاک بسازد که در آن اثری از فساد و انحراف وجود نداشته باشد. از جمله عوامل اساسی که پاکیزگی اجتماع و سلامت اخلاقی را ضمانت می کند، حکم حجاب است. با وجود حجاب، زنان از بی عفتی و عشوه گری و انحراف باز داشته می شوند و موجب صیانت خانواده و جلوگیری از به هم پاشیدگی آن می گردد. «حجاب ایمنی بخشنده و نگهبان جامعه است و هرگز هیچ جامعه ای نمی تواند از پاکی و امنیت اجتماعی برخوردار باشد، مگر وقتی که زنان شان نخواهند بی بند و بار و برهنه باشند زیرا «بی حجابی همچون «وبا» بی است که در صورت گسترش آن در میان توده مردم، بسیار زود همه را آلوده و بیمار می کند. اسلام با دوراندیشی کامل، پیروان خود را به حجاب و ترک خودنمایی امر می کند تا پیش از وقوع حوادث خانمان برانداز و شیوع فساد، ریشه های آن خشک گردد و امکان رشد فساد اجتماعی بوجود نیاید. «بی حجابی و پیامدهای آن ۱. روی آوری جوانان به انحرافات جنسی جوان در دوران بلوغ، به علل مختلف، دچار هیجان و میل جنسی زیادی می گردد. هر گاه این هیجانها و فشارهای جنسی، با دیدن صحنه های تحریک کننده و چهره های بزک کرده زنان بی حجاب، همراه باشد، جوان را آن چنان بی اختیار می کند که دوست دارد با هر وسیله ممکن، شهوت خود را خاموش سازد. چنان که حضرت امام رضا علیه السلام می فرماید: «خدای متعال چشم اندازی به گیسوان زنان را حرام

دانست زیرا موجب تحریک مردان گشته، در نتیجه آن، مفساد و انحرافات بی‌وقفه خواهد پیوست که نه حلال است و نه پسندیده (۱) آیا زنان بی‌حجاب، که عامل اصلی انحراف جوانان هستند، در جرم و کیفر آنان شریک نیستند؟ و آیا اینان نبودند که با خودنمایی و هرزگی خود، غرایز جوانان را تحریک کرده و روانه فساد نمودند؟ به هر حال، زنان بی‌حجاب، باید کیفر نابسامانی‌های اجتماعی و روانی که برای دیگران پیش می‌آورند، به عهده بگیرند. ۲. بی‌حجابی و خیانت‌های خانوادگی از آن زمان که بی‌حجابی در میان زنان رواج یافت، خیانت‌های خانوادگی نیز گسترش پیدا کرد. از آن پس، پیوسته آمار آن رو به افزایش رفته است. بی‌شک در بسیاری از موارد، شوهر خود زمینه این خیانت‌ها را فراهم می‌نماید زیرا با همراه بردن همسرش به مجالس مختلط و منحرف‌کننده و سینماها و تئاترها، عملاً بین او و بیگانگان، آشنایی برقرار می‌کند. بیگانگانی که در اغلب موارد هیچ‌گونه تعهد و ایمانی در آنان دیده نمی‌شود. یا آن که مرد، همسرش را وادار می‌کند تا با مهمانان به گرمی دست دهد و با لبخند، خوش آمدگویی کند. سپس، از آنان پذیرایی کند، آن چنان که گویی همه با او محرمند! همین رفت و آمدها نامشروع، موجب می‌شود که روابط خانوادگی سست گردد و اختلافات زندگی شروع شود. اینجاست که کاخ زیبایی خانواده از هم پاشیده و فرو می‌ریزد و بدبختی کودکان آغاز می‌گردد. ۳. دخترربایی و تجاوزات به زنان و دختران زن و دختری که زیبایی‌های خود را به دیگران نشان می‌دهند و غرایز جنسی مردان را تحریک می‌کنند، باید تاوان این رفتار ناصواب را با ریختن آبرو و پذیرفتن آسیب جسمی و روانی بپردازند. نظر جوانان منحرف به زنان بی‌حجاب، چیزی جز از دست دادن آبروی آنان نیست. پس تجاوز و ربودن آنان امر عجیبی نیست! دختر ربایی در کشورهایی که به حجاب معتقد نیستند، بیداد می‌کند. بر اساس گزارش روزنامه گاردین، در آمریکا (واشنگتن) در هر ۱۵ دقیقه، یک دختر ربوده می‌شود (۲) یا در گزارش آمده است: آمارهایی که از کیف‌های دختران دانشجو در انگلستان به عمل آمده، نشان می‌دهد که ۸۰ درصد آنان، قرص ضدبارداری با خود همراه دارند. (۳) حال سؤال این است، با توجه به سرانجام بی‌حجابی کدام یک از این دو نمونه «زن بی‌حجاب و بانوی باحجاب بهترند؟ کدام یک متین و محترم‌ترند؟ مقام و منزلت کدام عالی‌تر است؟ در آخر می‌توان گفت: تفاوت میان زن بی‌حجاب و باحجاب مانند تفاوت اتومبیل شخصی و اتومبیل همگانی (اتوبوس، تاکسی) است. اتومبیل همگانی مورد استفاده عموم است. ولی اتومبیل شخصی، تنها به صاحبش اختصاص دارد. و زن بی‌حجاب کالای همگانی است زیرا همه مردم قادرند آزادانه از او بهره‌مند شوند. چگونه است که فردی حاضر نیست اتومبیل شخصی خود را به دست راننده‌ای بی‌انصاف یا حتی دوست خود بسپارد چون ممکن است موجب خرابی آن شود. ولی حاضر می‌شود ناموس خویش را در اختیار دیگران قرار دهد تا در معرض انواع بیماری‌ها قرار گیرد. منبع: کتاب «خواهرم حجاب سعادت است»، نوشته: محمد ابراهیم الموحد القروینی، مترجم: یوسف آبادانی پی‌نوشت: ۱. بحارالانوار. ج ۶، ص ۱۰۳. ۲. مجله لبنانی «الدستور»، ۱۹۸۰، ۳. روزنامه مصری «الاهرام»، ۱۹۸۰

اهرم حجاب در دست ترک‌ها

ترکیه از جمله کشورهایی است که نظام موجود در آن را می‌توان به عنوان نمونه‌های بارزی از جدایی ملت _ دولت برشمرد. نظام سیاسی ترکیه سیاستی سکولاریستی را در دستور کار دارد، این در حالی است که مردم ترکیه بیشتر مذهبی بوده و با ارکان سکولاریسم کاملاً بیگانه هستند. اگرچه نظامیان ترک تاکنون توانسته‌اند این تناقض را تا حدی متوازن سازند، اما نشانه‌ها حکایت از این دارند که تناقض مذکور اکنون به حدی رسیده است که نمی‌توان با روش‌های پیشین از بروز پیامدهای منفی آن جلوگیری کرد. یکی از بارزترین مباحث تناقض برانگیز در ترکیه موضوع حجاب است. با روی کار آمدن یک دولت اسلامی در ترکیه جدال میان طرفداران روسری و مخالفان آن وارد مرحله تازه‌ای شده است. در حالی که اسلام‌گرایان ترکیه معتقدند که وجود یک دولت میانه‌رو اسلامی در کشورشان موقعیت برتری را به نسبت نظامیان ارشد سکولارمسلك برایشان به وجود آورده است

سکولارهای این کشور در تدارک مانورهای جدید بر سر رای اخیر یک دادگاه اروپایی پیرامون شکایت دو دانشجوی ترکیه و مشروعیت بخشیدن بیشتر به مبارزه خود علیه حجاب هستند. دادگاه حقوق بشر اروپا هفته گذشته در پی شکایت «لیلا شاهین» و یکی دیگر از دانشجویان ترک علیه دولت ترکیه در ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در دانشگاه‌های این کشور، این شکایت را رد کرد و صریحاً اعلام داشت که ممنوع کردن حجاب مسلمانان، نقض حقوق بشر نیست. این دو دانشجو به دادگاه حقوق بشر اروپایی در استراسبورگ اقامه دعوی کرده بودند که اصرار مسئولان دانشگاه در زمینه برداشتن حجاب آنها پایمال شدن حقوق ایشان محسوب می‌شود. اما؟ قاضی این دادگاه با استناد به قانون اساسی ترکیه اعلام کردند که به منظور دفاع از ارزش‌ها و اصول آزادی می‌توان محدودیت‌هایی را نسبت به ابزار مذهبی اعمال کرد. این رای اگرچه از جمله معدود احکامی است که یک مرجع قضایی در اروپا به نفع حاکمیت ترکیه صادر کرده است، اما در عین حال برای اولین بار توانست اعتراض رسمی نخست‌وزیر دولت ترکیه به حکمی به نفع دولت این کشور را نیز به همراه داشته باشد. «رجب طیب اردوغان»، نخست‌وزیر ترکیه هفته گذشته در جمع هم‌حزبی‌های خود با انتقاد از این حکم گفت: دوست دارم بدانم قانون‌های جدید بزرگ اروپا در این حکم چقدر تاثیر داشته است. اردوغان اگرچه تاکید کرد که این حکم در قوانین ترکیه لحاظ خواهد شد، اما در عین حال قول داد که در این مورد با حزب CHP حزب مخالف دولت به خوبی صحبت شود تا ماجرای قانون آموزش عالی تکرار نشود. قانون جنجال برانگیز آموزش عالی ترکیه که با بحث‌های زیادی در این کشور همراه شد و مخالفت «نجدت سزر» رئیس‌جمهور این کشور را نیز دربرداشت، به طلبه‌ها اجازه می‌داد، مانند دانش‌آموزان عادی به ادامه تحصیل در دانشگاه بپردازند. اما بسیاری از کارشناسان قضایی و حتی سیاسی ترکیه معتقدند که رای اخیر دادگاه حقوق بشر اروپا نه تنها راه احقاق حقوق بانوان محجبه را در ترکیه که در دیگر کشورهای اروپایی مسدود خواهد کرد. براساس این رویکرد برخی از دولت‌های اروپایی که با موارد مشابه حقوقی درگیر هستند، با استناد به حکم اخیر این دادگاه، دانش‌آموزان و دانشجویان محجبه را محکوم خواهند کرد. اما به عقیده عده‌ای دیگر اکنون روندی در اروپا و به خصوص ترکیه در جریان است که از چنین پیامدی جلوگیری خواهد کرد. مخالفت‌های گسترده در فرانسه، به عنوان دومین کشور پرمسلمان اروپایی باعث شد که اخیراً آمارگیری و تحقیقات جدیدی پیرامون میزان پایبندی مسلمانان اروپا به آموزه‌های مذهبی و به ویژه حجاب آغاز شود. در حال حاضر؟؟ میلیون مسلمان در اروپا به سر می‌برند. براساس آخرین آمارها؟؟ درصد از مسلمانان ساکن در این قاره نسبت به دین خود حساس هستند و حاضر به عقب‌نشینی از امور دینی واجب خود نیستند. به گفته برخی از حقوق‌دانان، همه مسلمانان اروپا اعم از کسانی که پوشش اسلامی را رعایت می‌کنند، در این باره اتفاق نظر دارند که مسلمانان باید این اختیار را داشته باشند که درباره نوع پوشش خود تصمیم بگیرند. از ترکیه نیز آمارهای بسیار جالبی منتشر می‌شوند. براساس آخرین تحقیقات که برخی از سایت‌های اینترنتی منتشر کرده‌اند جامعه ترکیه اسلامی تر شده است. موضوع زمانی جالب تر می‌شود که بدانیم افسران جوان تر ترک به نسبت نظامیان قدیمی مذهبی تر شده‌اند. این روند در برخی از رویدادهای سیاسی ترکیه نیز نمود یافته است. با وجود تاکید مقامات ارشد سیاسی ترکیه از جمله رئیس‌جمهور به شدت سکولار این کشور بر لزوم حضور بی‌حجاب زنان سایر مقامات در مهمانی‌ها و دیدارهای رسمی، عدم تبعیت از چنین التزامی اخیراً با صراحت و جسارت بیشتری خود را بروز داده است. در یکی از رویدادهای اخیر، همسر سخنگوی مجلس ترکیه به دلیل سخت‌گیری در مورد بانوان محجبه در یک مهمانی رسمی از حضور در این دیدار سرباز زد. این در حالی بود که رئیس‌جمهور ترکیه و برخی دیگر از شخصیت‌های رسمی ترکیه که خود را پاسدار جمهوری سکولار ترکیه می‌دانند نسبت به بایکوت این رویداد در صورت حضور یافتن همسر سخنگوی مجلس ترکیه با روسری هشدار داده بودند. در حالی که همسر نخست‌وزیر ترکیه نیز از آمدن به این محفل خودداری کرد، همسران سایر مقامات حزب حاکم اسلامی ترکیه بدون هیچ‌واهمه‌ای با روسری و حجاب کامل در آن حضور یافتند. اگرچه سازمان آموزش عالی ترکیه که بر امور دانشگاه‌های ترکیه نظارت می‌کند، در سال‌های گذشته با صدور بخشنامه

ای استفاده از حجاب اسلامی در دانشگاه‌های این کشور را ممنوع کرد، اما اقدامات سهل‌گیرانه‌ای که در مورد سایر اقلیت‌های این کشور از جمله کردها از سوی دولت ترکیه یا چراغ سبز نظامیان این کشور _ به عنوان سردمداران پشت پرده و اصلی ترکیه _ در دستور کار قرار گرفته است، حکایت از روندی دارد که احتمالاً بحث محدودیت‌های حجاب در ترکیه نیز از آن مستثنی نخواهد بود. ترک‌ها تاکنون توانسته‌اند با روی کار آوردن یک دولت میانه‌رو اسلامی تا حدی از فشار شدید افکار عمومی خود بکاهند. شاید برای نظام ترکیه در حال حاضر با توجه به ضرورت ایجاد و حفظ توازن و ثباتی که بیشتر به آن اشاره رفت، بهتر باشد که این فشار را همچنان از طرقی نظیر این در کنترل داشته باشد. حتی اگر رای اخیر دادگاه حقوق بشر اروپا به نفع محدودیت‌های حجاب در ترکیه را ریشه در نگرانی‌هایی بدانیم که با مخالفت علیه ممنوعیت حجاب در فرانسه نمود بارزتری به خود گرفتند، به نظر می‌رسد که این رای را نمی‌توان به عنوان اهرمی جدید برای مخالفان حجاب بانوان ترکیه برشمرد.

بدحجابی در نگرش جامعه شناختی

یکی از رویکردهای مطرح در زمینه تبیین انحرافات اجتماعی، رویکرد گزینش عاقلانه است. طبق یکی از نگاه‌های جدید در این رویکرد، رابطه منحرفانه و کجروانه به منزله بازار انحراف و جرم است که مشتمل بر تقاضا و عرضه می‌باشد. بر طبق برداشت‌های جدید، فرد منحرف در بخش تقاضا قرار دارد و فرد بزه‌دیده به هیچ وجه در این جریان، منفعل و بی‌تأثیر نیست بلکه با قرار گرفتن در بخش عرضه، فعالانه در شکل‌گیری عمل منحرفانه شرکت می‌کند. این مدل تحلیل، در مورد انحرافات اجتماعی و اخلاقی ناشی از عدم رعایت حجاب صحیح کاربرد دارد و مستلزم سیاست‌های کنترلی متناسب با خود است. اگر با این رویکرد به تحلیل برخی متون دینی (آیات مربوط به حجاب) پردازیم، شاهد تأیید این مدل در این آیات خواهیم بود و تشریح حجاب به منزله یک سیاست کنترلی، به خوبی در این مدل معنا می‌یابد. موضوع بدحجابی در جامعه ما از اموری است که ذهن بسیاری از دینداران جامعه را به خود مشغول داشته است. تلقی بدحجابی به عنوان امری نابهنجار و نامطلوب نشانگر این است که ذهنیت فرهنگی و دینی ما برای بدحجابی آثار و تبعات نامطلوبی قائل است و به تعبیر دیگر، آن را علت برخی پدیده‌های نامطلوب دیگر در جامعه می‌انگارد. در این نوشتار سعی شده، با مروری کوتاه بر نظریه‌های علمی ارائه شده در زمینه تبیین (۱) (علت یابی) انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیر تحول آن نظریه‌ها، موضع جدیدترین نظریه‌ها، نسبت به این تلقی رایج در میان دینداران جویا شود و سرانجام با استمداد از بیانات عالمان دینی، از چشم‌انداز دینی به این موضوع پرداخته شود. اما پیش از بیان نظریه‌های مطرح در این زمینه، در ابتدا لازم است، مفاهیم اصلی به کار رفته در این مقاله تعریف گردد. معنی شناسی بدحجابی همان‌گونه که از ترکیب لفظی این مفهوم برمی‌آید، برای تعریف بدحجابی بهتر است، در ابتدا حجاب و حدود آن مشخص گردد و از آنجا که هدف دستیابی به اصطلاح شرعی این مفهوم است، باید دید که حجاب علاوه بر معنای لغوی، در شرع اسلام چه معنایی دارد. از نظر لغوی لغت حجاب به معنای پوشیدن، پرده و حاجب به کار رفته و در هیچ موردی اصالتاً به معنای نوع، سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می‌شود، اطلاق نشده است. (۲) در اصطلاح فقهی نیز برای رساندن معنای پوشش زنان، از لغت حجاب استفاده نشده و نمی‌شود، بلکه از لغت «سِتْر» که به طور دقیق، در معنای پوشش و پوشاندن است، استفاده می‌شود. (۳) در مورد میزان و مقدار پوشش بدن که در شرع اسلام برای زنان واجب شمرده شده است، با نگاهی به رساله‌های عملیه مراجع تقلید می‌توان دریافت که حجاب صحیح و واجب عبارت است از، پوشانیدن تمام بدن به جز قرص صورت و دو دست (از مچ دست به پایین). اما این تعریف فقهی تعریف حداقلی است و با نگرشی وسیع‌تر و دیدی اجتماعی به احکام اسلام شاید بتوان گفت تعریفی ناقص است. به سخن دیگر، برطبق رویکرد عالمان ژرف‌اندیش دینی، با تأمل دقیق در منابع آموزه‌های دینی، می‌توان از جنبه‌های فردی این حکم فراتر رفت و به ابعاد اجتماعی این رفتار متوجه گردید. همان‌گونه که استاد شهید مرتضی مطهری خاطر نشان ساخته است: «پوشش

(و حجاب زن) در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. (۴) بنابراین، مقصود از حجاب اسلامی، آن نوع پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد: ۱- حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد. ۲- با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. طبق این تعریف، حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری نیز هست. با روشن شدن مفهوم حجاب، تصور جامع‌تری از بدحجابی در ذهنمان شکل می‌گیرد. بدحجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند؛ ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند ولی در عین حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش و در یک کلام، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع به گونه‌ای باشد که «زبان‌دار» (۵) باشد، یعنی با زبان بی‌زبانی توجه نامحرمان را به خود جلب نماید. تذکر این نکته لازم است که ویژگی خودنمایی و به تعبیری، زبان‌دار بودن رفتار و پوشش، ربطی به آگاهی و قصد فاعل رفتار یا پوشش ندارد و ممکن است این جلب نظر غیر آگاهانه و غیر عمدی باشد. انحراف اجتماعی انحراف یا کجروی (۶) به رفتار یا کنشی (۷) اطلاق می‌شود که هنجارهای مقبول جامعه را زیر پا می‌گذارد. (۸) در هر جامعه‌ای برحسب موقعیت‌های گوناگون، انتظارات خاصی از اعضای جامعه وجود دارد. بی‌توجهی به این انتظارات به معنای انحراف از آن‌ها محسوب می‌شود. این انتظارات و هنجارها بسته به اهمیتی که جامعه برای آن‌ها قائل است، می‌تواند واکنش‌های متفاوت اجتماعی را در قبال نقض آن‌ها برانگیزد؛ بر این اساس، هنجارهای اجتماعی را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم‌بندی نمود: ۱- شیوه‌های قومی (۹)؛ شیوه‌های قومی به آن دسته از هنجارهای اجتماعی اطلاق می‌شود که نقض آن‌ها هرچند نامطلوب و نابهنجار تلقی می‌شود، ولی واکنش شدید مردم را در پی ندارد و واکنش در حد عدم تأیید آنان محدود می‌ماند. (۱۰) مانند کسی که چشم‌چرانی کند، این رفتار گرچه امری نامطلوب تلقی می‌شود ولی معمولاً مردم با مشاهده آن چندان واکنشی نسبت به فرد مزبور نشان نمی‌دهند. ۲- رسوم اخلاقی (۱۱)؛ یعنی هنجارهای نیرومندی که از نظر اخلاقی مهم محسوب می‌شود و مجازات متخلفان از آنها، شدیدتر و شامل جریمه‌های مالی و فیزیکی می‌شود. (۱۲) برای مثال در جامعه ما حفظ حریم و احترام بانوان از هنجارهای مهم به شمار می‌رود و اگر کسی با گفتن متلک و سایر اذیت‌های کلامی این هنجار را نقض کند، سایر افراد شاهد قضیه به شدت با وی برخورد خواهند کرد. ۳- قانون (۱۳)؛ قانون آن دسته از هنجارهای اجتماعی است که جامعه، آن‌ها را چنان برای بقای خود حیاتی می‌داند که هنگامی تخلفی در مورد آن صورت بگیرد، دولت و ابزارهای حکومتی را به مقابله با آن‌ها وامی‌دارد و متخلف از آن‌ها ممکن است به زندان، محرومیت از حقوق اجتماعی یا اعدام محکوم شود؛ مانند ارتکاب زنا یا به عنف. (۱۴) در این نوشتار مقصود از انحرافات اجتماعی، انحراف از هنجارهای اجتماعی نوع دوم و سوم است، یعنی انحراف‌هایی که واکنش‌های نسبتاً شدید اجتماعی را ایجاد می‌نماید. تبیین‌های مختلف از انحراف اجتماعی انحراف اجتماعی مورد تبیین‌های مختلفی قرار گرفته است، از قبیل: تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی. در تبیین زیست‌شناختی، محور اصلی موضوع، ویژگی‌های بیولوژی و زیست‌شناسی فرد منحرف است که در آن ساختمان بدن تا عوامل ژنتیک شخص کجروی، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. (۱۵) در تبیین روان‌شناختی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خویش تأکید می‌شود. (۱۶) در تبیین اجتماعی که اینجا صرفاً این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد، انحراف اجتماعی نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود؛ بنابراین برای شناخت آن لازم است، مروری کوتاه به رویکردهای کلی و مهم در تبیین کنش اجتماعی شود تا در پرتو آن، پدیده انحراف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. با مروری بر نظریه‌های گوناگون در این حوزه، رویکردهای عمده و مهم در این زمینه به قرار ذیل می‌باشد: ۱- رویکرد کارکردگرا بر طبق رویکرد کارکردگرا (۱۷) «شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند.» (۱۸) برای مثال اگر سؤال شود که چرا در هر جامعه‌ای با وجود سیاست‌های کنترلی، میزانی از انحراف از هنجارهای اجتماعی به چشم می‌خورد، گفته می‌شود که به طور اساسی وجود میزانی از انحراف و هنجارشکنی

در جامعه، برای حیات و بقای آن مطلوب و حتی ضروری است؛ چرا که انحراف و هنجارشکنی موجب می‌شود که هنجارهای اجتماعی از حالت اجمال و ابهام به درآیند و وضوح و روشنی بیشتری برای آحاد جامعه پیدا نمایند و این امر، وفاق بر سر هنجارها را که اساس انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهد، سهل‌تر می‌سازد. (۲) - رویکرد ساختارگرا برحسب رویکرد ساختارگرا (۱۹) «شئون مختلف جامعه را برحسب پیامدهای پیش‌بینی‌پذیر اوصاف ساختاری جامعه تبیین می‌کنند.» (۲۰) به عنوان نمونه در مقام پاسخ به این سؤال که چرا در جامعه ما با وجود مقبولیت عام یک سری ارزش‌های اخلاقی در باب روابط مرد و زن، انحراف اجتماعی در این زمینه با درجات مختلف به چشم می‌خورد، اگر پاسخ داده شود که چون ساختار اقتصادی کشور موجب شده که افراد توانایی لازم برای تأمین حداقل امکانات برای تشکیل خانواده را نداشته باشند و به همین جهت از راه‌های خلاف هنجارهای اجتماعی به تأمین نیازهای غریزی خود روی می‌آورند، در واقع تبیینی ساختاری از این پدیده به دست آمده است. (۳) - رویکرد ماتریالیست‌در رویکرد ماتریالیستی، با تحلیل صورت‌های مختلف تکنولوژی و آرایش‌های اجتماعی حاکم بر تولید (پایه اقتصادی) (۲۱)) می‌توان ویژگی‌های مهم حیات جمعی را تبیین نمود. (۲۲) مطابق این رویکرد، وجود انحراف اجتماعی و هنجارشکنی در جوامع امروزی ناشی از این امر است که در این جوامع اقتصاد سرمایه‌داری حاکم است. تأکید بر فردگرایی یکی از نیازهای حیاتی چنین نظام اقتصادی است و رواج فردگرایی به معنای سست شدن پابندی افراد جامعه به هر چیزی است که لازمه‌اش کنار گذاشتن خواسته‌های فردی و توجه به اقتضائات زندگی جمعی است. چنان که مشاهده می‌گردد، این سه رویکرد در تبیین کنش‌های اجتماعی از جمله انحرافات اجتماعی، بر عوامل کلان اجتماعی (که در خارج از ذهن کنشگر قرار دارند) تأکید دارند و به متغیر فرد کنشگر، ذهنیت و فعل و انفعالی‌هایی که در ذهن او صورت می‌گیرد تا به ارتکاب عملی منتهی می‌شود، توجهی ندارند. هرچند توجه به عوامل کلان به هیچ وجه قابل اغماض نیست و در جای خود ضروری است، ولی از آنجا که کنش، از یک عامل انسانی دارای آگاهی و اراده سرمی‌زند، نقش فرد کنشگر را نباید از نظر دور داشت. در اینجا ضمن اذعان به سودمندی تبیین‌های سطح کلان، برای تبیین در سطح خرد، بر توضیح رویکرد ذیل متمرکز می‌گردد. (۴) - رویکرد گزینش عاقلانه رویکرد گزینش عاقلانه (۲۳)، یک اصل محوری دارد و آن «این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده (سنجشگرانه) است... آدمیان در چند راهی‌ها راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند... عملی عاقلانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف، وسیله مناسبی برای رسیدن به هدفی باشد.» (۲۴) بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینش عقلانی فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد؛ به علاوه، در این رویکرد اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد. (۲۵) در قلمرو جرم‌شناسی، نقطه اوج این نوع تبیین را در آغاز می‌توان در قرن هفدهم میلادی در ایده‌های مکتب کلاسیک در حوزه جرم‌شناسی مشاهده نمود. (۲۶) اصول این تفکر با پیدایش تفکر پوزیتیویستی در حوزه علوم طبیعی و انسانی به دست فراموشی سپرده شد. از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز می‌توان شاهد طرح تدریجی این دست تبیین‌ها بود؛ در این تبیین‌ها از نو، بزهداران کنشگرانی اندیشه‌ورز تلقی می‌شوند که برای ارتکاب رفتارهای انحرافی خود برنامه‌ریزی‌های خاص دارند، از جمله آن‌که قبل از هر چیز، آماج‌های رفتار خویش را مورد توجه قرار می‌دهند و اگر ضررها و خطرهای عمل مورد نظر را بیش از منافع حاصل از آن ببینند، از ارتکاب آن چشم می‌پوشند. (۲۷) - رویکرد عرضه و تقاضا اهمیت رویکرد گزینش عاقلانه در حوزه تبیین‌های خرد از رفتار منحرفانه در این است که اساس و مبنای نظریه‌ها و رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است. یکی از اساسی‌ترین و قدیمی‌ترین این‌ها، رویکردی است که رابطه منحرفانه و کجروانه را به صورت بازار عرضه و تقاضا تصویر می‌کند و فرد کجرو را در جایگاه «عرضه‌کننده» می‌نشانند. (۲۸) «ارلیش» (۲۹) با چنین دیدگاهی نقش عوامل بازدارنده (مانند مجازات‌های قانونی و اجتماعی در نظر گرفته شده) را دارای اهمیتی قاطع در تعیین فراوانی انحراف و کجروی در هر جامعه‌ای می‌داند. (۳۰)

بنابراین برای کنترل روند انحرافات، باید بالا- بردن هزینه جرم از طریق تقویت بازدارنده‌ها، مثل مجازات بزهکار، پلیس و نظام جزایی را در دستور کار قرار داد. (۳۱) اشکالی که در این رویکرد هست، این است که به طور مشخص بیان نمی‌شود که در این بازار انحراف و جرم، نقش تقاضا را چه کسی ایفا می‌نماید. اما روایت جدیدتر تقریر «ون دیک» (۳۲) از این رویکرد است. وی فرد منحرف و آسیب‌ساز را شاخص بخش «تقاضا» و بزه‌دیده (کسی که از رفتار انحرافی آسیب می‌بیند) را شاخص بخش «عرضه» قلمداد می‌کند؛ بدین معنا که آنچه فاعل حقیقی کجروی در بازار جرم و کجروی دارد، صرفاً آمادگی و انگیزه و گاه ابزار لازم برای این کار است؛ در مقابل، آنچه فرد بزه‌دیده عرضه می‌دارد، آسیب‌پذیر نمایاندن خود و ایجاد این باور در فرد منحرف است که می‌تواند انگیزه و توانمندیش برای هنجارشکنی را به فعلیت برساند. بدین سان روشن می‌شود که این روایت از رویکرد گزینش عاقلانه، یک گام از روایت قبل جلوتر است؛ چرا که تحلیل خود را صرفاً بر شخص خاطی متمرکز نمی‌سازد بلکه به نقش آفرین بزه‌دیده در جریان انحراف و کجروی صحنه و تأکید می‌گذارد. به تصریح برخی محققان (۳۳) در خلال دهه ۱۹۹۰، «در میان جدیدترین معارف جرم‌شناختی، دیگر مسأله عمده، مجرم نیست بلکه بزه‌دیده است، یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر کند.» (۳۴) این بیان گرچه به طور مشخص در مورد شکستن هنجارها از نوع قانون (نوع سوم از تقسیم‌بندی هنجارهای اجتماعی) ابراز شده ولی به راحتی می‌توان آن را به سایر هنجارهای اجتماعی نیز تعمیم داد. بدحجابی در رویکرد عرضه و تقاضا تبیین؟ های مختلف از انحراف اجتماعی، به طور عام و نظریه مبتنی بر ایده بازار عرصه و تقاضا به طور خاص، جنبه تبیینی دارند؛ بدین معنا که به دنبال تعیین مقصر اصلی در کنش منحرفانه و هنجارشکنانه نیستند. از این رو، برحسب این نظریه، کسی که عامل انحراف تلقی می‌شود (در صورتی که انحراف در حد نقض قانون باشد)، از نظر حقوقی مسئول شناخته نمی‌شود و لازم نیست بار مجازات را تحمل کند. زیرا همان‌طور که گفته شد، مقصود اصلی این است که در عین اذعان به مسئولیت فرد منحرف و متخلف نسبت به عمل خود، شناسایی زمینه و عوامل کوچک و بزرگی که موجب پدید آمدن و تحقق کنشی کجروانه شده‌اند، فراهم گردد تا بدین ترتیب، سیاست‌هایی که در جهت کاهش انحراف پیشنهاد و اجرا می‌شود، نسبت به برخی عوامل بروز انحراف دچار بزرگی‌بینی بیش از حد و نسبت به برخی دیگر دچار غفلت و جهل نگردد. برای مثال در مورد مبحث اصلی این نوشتار که در حوزه روابط بین مرد و زن می‌باشد، به طور قطع هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در این مورد کاملاً فاقد هنجار و قواعد رفتاری باشد. نقض این هنجارها نیز بسته به اهمیت هنجار نقض شده، واکنش متناسب با خود را در پی خواهد داشت. برطبق نظریه عرضه و تقاضا، در راستای حفظ هنجارها، حریم‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و نیز به دنبال راهکارهایی برای کاهش یا حذف انحرافات علاوه بر اینکه مجازات متوجه فرد منحرف می‌شود، شخص بزه‌دیده هم (که در این موارد معمولاً جنس زن است)، از این سرزنش و سیاست در امان نمی‌باشد، چرا که او هم صرفاً منفعل نبوده است. چون زنان به علت مطلوبیت‌های طبیعی که خواه‌ناخواه در ظاهر و جسم خود، در نظر مردان دارند و نیز به علت مطلوبیت‌ها و جذابیت‌هایی که می‌توانند آگاهانه یا ناآگاهانه (براساس تربیت نادرست) به رفتار خود در منظر مردان ببخشند، در بخش عرضه قرار می‌گیرند. این در حالی است که در وضع عادی، جذابیت‌ها و مطلوبیت‌های مردان برای زنان از سنخ امور ظاهری و جنسی نیست و از این لحاظ آنان عرضه‌کننده نیستند بلکه متقاضی هستند. بنابراین، هر قدر این اقسام زیبایی‌ها از جانب زنان، بیشتر در دسترس مردان باشد، به معنای عرضه بیشتر آن‌ها در برابر انظار متقاضیان است. اقتضای چنین وضعی، بیانگر این پیام (هرچند معمولاً ناخواسته) از جانب زنان بالقوه بزه‌دیده به مردان بالقوه کجرو است که آن‌ها به راحتی به این نوع زنان دسترسی پیدا کنند. در این صورت امکان نقض هنجار سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌گردد. آنچه در این میان مانع بروز کنش کجروانه می‌شود، یکی هزینه بالای کجروی به علت مجازات سنگین قانونی یا اجتماعی و دیگری، کاهش آگاهانه یا ناآگاهانه عرضه از طریق وجود الگوهای رفتاری صحیح در میان زنان است. با چنین مقدمه‌ای روشن می‌شود که بی‌حجابی یا بدحجابی به معنای عام، عرضه هرچه بیشتر است. یکی از راه‌های

کاهش عرضه، رعایت حجاب به معنای عام آن (پوشش اندام و زباندان نبودن رفتار) است، چرا که فرصت‌های هنجارشکنی را از دست کجروان می‌گیرد. البته این نکته نیز شایان ذکر است که این پوشش و محافظت نباید چنان افراط‌آمیز باشد که خود از سویی دیگر به جلب توجه و در نتیجه، به نوع دیگری از عرضه منجر شود. به طور کلی اساس حد و مرز افراط و تفریط در این باب بیشتر به عادات فرهنگی هر جامعه یا اجتماعات کوچکتر برمی‌گردد. برای مثال در اجتماعات روستایی، بیرون ماندن مقداری از موی سر زنان در برابر مردان نامحرم شاید عرضه و مایه جلب توجه نباشد (به همین دلیل برخی مراجع از جمله حضرت امام (ره) در رساله‌های علمیه خود هرچند با احتیاط بسیار، این مقدار را از شمول وجوب ستر استثنا کرده‌اند)، ولی معلوم نیست، همین امر در غیر روستا چنین وضعی داشته باشد. پس از آشنایی با این نظریات، نظرگاه متون دینی در تأیید یا نفی این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما قبل از ورود به این بحث لازم است، نکته‌ای در باب رابطه بین گزاره‌های دینی و نظریات علمی روشن شود. پرواضح است که اعتبار گزاره‌های دینی اسلام، از اعتقاد به مبدأ وحی نشأت می‌گیرد و تأیید یا عدم تأیید علوم تجربی نمی‌تواند و نباید در پایبندی به گزاره‌های دینی دست کم در خصوص ضروریات دین خدشه وارد سازد. اما این نکته را نمی‌توان انکار کرد که اطلاع از این نظریات که حاصل تلاش و کنکاش عقل بشری برای حل مشکلات زندگی و اصلاح راه‌های رفته است، می‌تواند به فهم بهتر و روشتر گهرهای گران‌بهایی که منبع وحی در اختیار دینداران قرار داده، کمک شایان نماید. به علاوه، این نظریه و نظریه‌های مشابه آن تراوش ذهنی کسانی است که در یک بستر فرهنگی خاص با سابقه تاریخی بی‌اعتنایی به گزاره‌های دینی پرورش یافته‌اند و کشانده شدن آنان به اتخاذ چنین مواضع علمی‌ای، به معنای یک عقب‌نشینی از مواضع علمی گذشتگان خود و به یک معنا دلالت‌گر بر آزمون تجربی گزاره‌های دینی اسلام است، امری که امکان آن برای مسلمانان به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی فراهم نیست. حجاب در قرآن عمده متون دینی که در این بخش مطرح می‌گردد، آیات مربوط به حجاب است که دو سوره قرآن، نور و احزاب آمده است. در این نوشتار، به آنچه در این آیات در مورد تعیین حد واجب آمده پرداخته نمی‌شود، بلکه مقصود اصلی بهره بردن از آن‌ها در راستای موضوع بحث است. (۳۵) محدود شدن تقاضا - «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهن ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون». (۳۶) خداوند متعال در این آیه تکلیف مرد نامحرم را در عرصه اجتماع و به هنگام برقرار کردن ارتباط با زن نامحرم مشخص ساخته است. خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که به مردان مؤمن ابلاغ کند که از خیره شدن به زنان پرهیزند و دامان خود را از گناه حفظ کنند. (یا بر طبق تفسیر دیگری، فرج خود را از دیدگان دیگران بپوشانند). محدود شدن عرضه زنان مؤمن همچون مردان باید نگاه خویش را کنترل نمایند. اما آن‌ها علاوه بر این تکلیف مشترک، موظف به انجام تکالیف دیگری نیز هستند. این تفاوت و تکلیف اضافی، نه از روی تبعیض ناروا بین زن و مرد است بلکه متناسب با تفاوت ذاتی این دو جنس است. مرد متقاضی است و همواره از طریق دیدن به دامن خطا می‌افتد، بر خلاف زن که چنین نیست. خطای زن در نحوه عرضه زیبایی‌های خویش است که همان خودنمایی و جلب نظر است؛ از این رو، شارع مقدس با تشریح حجاب در نظر داشته که عرضه، به حیطه خاصی (محیط امن خانواده) محدود شود. محدودیت عرضه، در اصل موجب محدود گشتن تقاضا می‌گردد. زیرا زنان با رعایت و حفظ حجاب، خود را از هوس‌بازی‌های مردان در امان نگه می‌دارند و می‌توانند آزادانه در جامعه حضور پیدا کنند، بدون اینکه مورد اذیت و آزار قرار بگیرند و خود را به راحتی و ارزان در عرضه تماشای مردان قرار دهند. همان‌طور که در مفهوم‌شناسی حجاب ذکر گردید، عرصه حجاب محدود به یک زمینه نیست، بلکه دامنه آن فراتر از حفظ پوشش ظاهری است که به این موارد اشاره می‌گردد: (۱) - پوشش - «یحفظن فروجهن و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخرمهن علی جیوبهن» (۳۷)، «و زیور خویش آشکار نکنند، مگر آنچه پیدا است و سرپوش‌های خویش بر گریبان‌ها بزنند». در فراز انتهایی این آیه، دستور دیگری به عنوان مکمل حجاب شرعی ذکر شده که مؤید نگرش مذکور است: «و پای به زمین نکوبند که زیورهای مخفی‌شان دانسته شود.» زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و گاه برای آن که بفهمانند که زینتی قیمتی به پا دارند، پای خود را

محکم به زمین می‌کوبیدند. مضمون این نهی را می‌توان توسعه داد و هر آنچه عرضه و خودنمایی زن تلقی می‌شود، مانند استعمال عطرها، تندی و آرایش در چهره را می‌توان ممنوع دانست. موارد استثنائی البته در جایی که تقاضایی نباشد، منطبق حکم می‌کند که این حکم لغو شود، چنانچه در ادامه فرازی از این آیه ذکر گردیده است. این موارد استثنائی، گاهی در جانب تقاضا یعنی مرد و گاهی در جنبه عرضه، یعنی زن قرار دارد که به اجمال شامل موارد ذیل می‌گردد: - مردانی که احتیاج به زن ندارند؛ «و زیور خویش آشکار نکنند مگر... مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند.» (۳۸) مقصود از مردان طفیلی، قدر مسلم دیوانگان و افراد ابله است که به علت عدم درک زیبایی‌های زنان در زمینه امور جنسی اساساً در خارج از دایره تقاضا قرار دارند. - کودک نابالغ؛ «کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کام‌جویی از زنان توانا نیستند).» (۳۹) - زنان پیر؛ «و زنان قاعده و بازنشسته که امید ازدواج ندارند، باکی نیست که جامه خویش (یعنی روسری و چهارقد) را بر زمین نهند (البته در صورتی که خود را به زیوری نیاراسته باشد و قصد خودنمایی نداشته باشند؛ و اگر از این نیز خودداری کنند برایشان بهتر است.» (۴۰) این آیه را می‌توان به عنوان استثنایی دیگر بر حکم حجاب که قبلاً ذکر شد دانست و فلسفه آن این است که این زنان به طور عادی، چیزی برای عرضه ندارند و رغبت و تقاضایی نسبت به آنان وجود ندارد؛ از این رو، وجوب حجاب (لزوم پوشانیدن سر در حضور نامحرم) از آنان برداشته شده است؛ ولی همان‌گونه که در آیه تصریح شده این رخصت مشروط به این است که قصد عرضه و خودنمایی در کار نباشد. دستور کلی اخلاقی که در انتهای آیه آمده، مبنی بر ترجیح داشتن رعایت عفاف در هر حالی و در هر سنی، بیانگر توجه بیشتر شارع به جنبه عرضه و سالم نگه‌داشتن اجتماع از زمینه‌های انحراف است. - «والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثمأً مبیناً یا ایها النبی قل لارواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلك أدنی أن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً.» (۴۱) «آنان که بدون جهت مردان و زنان با ایمان را آزار می‌رسانند، بهتان و گناه بزرگی مرتکب می‌شوند. ای پیامبر به همسران و دختران و به زنان مؤمنین بگو که روسری‌های خویش را به خود نزدیک سازند (خود را با آنها پوشانند). این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در شهر نگرانی ایجاد می‌کنند از کارهای خود دست برندارند، ما تو را علیه آنان خواهیم برانگیخت؛ آن‌گاه فقط مدت کمی در مجاورت تو خواهند زیست.» این آیات به خوبی صحنه بازار جرم و انحراف را تصویر می‌نماید. ظاهراً چنان‌که برخی مفسرین گفته‌اند، گروهی از منافقین و افراد منحرف در اوایل شب که هوا تازه تاریک می‌شد، در کوچه‌ها و معابر مزاحم زنان (اکثراً کنیزان) می‌شدند؛ برای مقابله با این پدیده دو راهکار در پیش روی جامعه قرار داده شده است که هر یک در جای خود اهمیت دارد: - رعایت حجاب در خارج از منزل؛ زیرا از این طریق زنان نجیب و عفیف یعنی کسانی که قصد عرضه خود را ندارند، شناخته می‌شوند و بیماردلان از اینکه چشم طمع به آنان بیندند و آنان را مورد اذیت قرار دهند، چشم می‌پوشند. - برخورد فیزیکی و کاربرد زور و اجبار علیه افراد خاطی و منحرف؛ خداوند در این آیه، افراد مزاحم و بیماردل را به حمله و حرکت شدید پیامبر (ص) علیه آنان و حتی تبعید از جامعه پاک اسلامی تهدید می‌کند. نکته مهم دیگر در این باب، مقدم داشتن راهکار فرهنگی است که کانون آن را کنترل بزه‌دیدگان احتمالی و آماج‌های جرم و انحراف بر رفتار خود و محافظت آنان از خود در برابر افراد آماده ارتکاب انحراف و جرم تشکیل می‌دهد. این تقدم در ذکر راهکارها در آیه شریفه، هرچند تقدم زمانی استفاده از راهکار اولی بر راهکار دوم را نمی‌رساند، ولی می‌تواند بیانگر تأکید و اهمیت بیشتر در نظر شارع مقدس باشد. (۲) - گفتار: «یا نساء النبی لستن کاحدٍ من النساء إن اتقین فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قبله مرض و قلن قولاً معروفاً.» (۴۲) «ای زنان پیغمبر، شما اگر پرهیزکار باشید، همچون سایر زنان نیستید؛ مواظب باشید که در سخن، نرمش زنانه و شهوت‌آلود به کار نبرید که موجب طمع بیماردلان گردد؛ به خوبی و شایستگی سخن بگویید.» خودداری از سخن گفتن به شیوه تحرک آمیز، شاخصه دیگر حجاب است.

در این آیه با صرف نظر از اینکه روی سخن با زنان پیامبر (ص) است، به خوبی نشان داده شده مردانی که احتمال انحراف در آن‌ها وجود دارد، آنچه در نزد آنان است، آمادگی درونی و تقاضا است، اما طرف دیگر قضیه این است که در عرصه اجتماع آنچه مایه گسترش این بیماری و خارج شدنش از حالت درونی و باطنی به حالتی بیرونی و عملی می‌شود، عرضه نشود تا از این طریق زن‌ها در امنیت قرار بگیرند و بتوانند آزادانه در اجتماع حضور پیدا کنند. بخشی از آیه ۵۳ همین سوره، نیز همین مضمون را با بیانی دیگر تأکید و تقویت می‌کند؛ آنجا که خداوند به مسلمانان توصیه می‌کند که اگر از زنان پیامبر (ص) درخواستی دارند، خواسته خود را از پشت حجاب و پرده‌ای و بدون داخل شدن در منزل مطرح کنند: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ؛ سپس به علت این توصیه اشاره می‌فرماید: «این برای پاکیزگی دل شما و دل آنان (زنان پیامبر) بهتر است.» «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» از مقدم داشتن «لقلوبکم» یعنی دل شما مردان، بر «قلوبهن» یعنی دل زنان پیامبر (ص)، شاید بتوان استنباط کرد که آمادگی برای انحراف قلبی که مقدمه انحراف عملی است، از راه شنیدن صدای جنس مخالف، در مردان بیشتر و قوی‌تر است لذا خداوند تکلیف بیشتری را متوجه زنان کرده و آنان را به پوشاندن خود از دیدگان نامحرمان و محافظت خود از طریق حفظ حریم در رفتار و سخن واداشته است. ۳- رفتار - «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن»، (۴۳) «و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند.» - «و قرن فی بیوتکن ولا تبرز الجاهلیة الاولی» (۴۴)، «و در خانه‌های خویش قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخستین، به خودنمایی و خودآرایی از خانه خارج نشوید.» این آیه نیز چنان که از سیاق آن پیداست، بر روی خارج شدن زنان پیامبر (ص) از منزل، همراه با عرضه خود به نامحرمان، حساسیت به خرج داده است. البته مقصود از آن حبس کردن زنان ایشان در منزل نیست، چرا که تاریخ اسلام گواه آن است که سیره معمول پیامبر (ص) بر چنین رفتاری استوار نبوده است و نیز فقط حفظ پوشش مراد نیست، بلکه خودنمایی در تمام صور و شیوه‌هایش، اعم از نوع نگاه و رفتار مورد نظر است. در مجموع، آنچه از ملاحظه چند آیه شریفه مذکور به دست می‌آید، این است که در تمام این آیات، بیش از همه بر حفاظت زنان از خود در پوشش، رفتار، سخن و... و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع انحراف در مرحله عمل (و حتی در مرحله نیت و خطورات ذهنی) تأکید شده و فقط در یکی از این آیات به راهکار کنترل از طریق اعمال زور و سیاست‌های بازدارنده راهنمایی شده است. همین امر به ما نشان می‌دهد که در یک جامعه اسلامی، برابر تعالیم دینی و نتایج تحقیقات جدید علمی، در امر کنترل انحرافات اجتماعی و اخلاقی در روابط زن و مرد، نقطه تأکید باید بر مقاوم‌سازی بزه‌دیدگان (زنان) در برابر افراد آماده جرم و انحراف و کنترل عرضه در برابر افراد متقاضی، از طریق کار فرهنگی سنجیده و بلند مدت در زمینه ترویج معنای صحیح حجاب صورت گیرد. فهرست منابع × مطهری، مرتضی: «مسأله حجاب»، انتشارات صدرا، تهران، سال ۱۳۶۶. × سلیمی، علی؛ داوری، محمد: «جامعه‌شناسی کجروی»، کتاب اول، پژوهشکده حوزه دانشگاه قم، ۱۳۸۰. × لیتل، دانیل: «تبیین در علوم اجتماعی»، عبدالکریم سروش، مؤسسه فرهنگی صراط، چ اول، ۱۳۷۳. پی نوشتها:

(۱) - (۲) explanation. - مطهری، ص ۷۸. (۳) - همان، ص ۷۹. (۴) - همان. (۵) - رک. همان، ص ۸۰. (۶) - deviance. (۷) - در مورد تفاوت بین رفتار (behavior) و کنش (action)، رک. سلیمی و داوری، صص ۲۰۸-۲۰۶. (۸) - همان، صص ۲۲۲-۲۲۴. (۹) - (۱۰) folkways. - رک. سلیمی و داوری، صص ۲۴۲. (۱۱) - (۱۲) mores. - سلیمی و داوری، صص ۲۴۲. (۱۳) - (۱۴) law. - رک. سلیمی و داوری، صص ۲۴۲. (۱۵) - نک. همان، صص ۴۰۶-۳۸۴. (۱۶) - نک. همان، صص ۴۲۵-۴۰۶. (۱۷) - (۱۸) - functionalist approach. - لیتل، صص ۱۵۱. (۱۹) - (۲۰) structuralist approach. - لیتل، صص ۱۵۱. (۲۱) - (۲۲) economic base. - رک. لیتل، صص ۱۹۵. (۲۳) - (۲۴) rational choice approach. - لیتل، صص ۶۴-۶۵. (۲۵) - سلیمی و داوری، صص ۳۷۰. (۲۶) - رک. همان. (۲۷) - رک. همان، صص ۳۷۱-۳۷۰. (۲۸) - همان، صص ۳۲۱. (۲۹) - Erlich. (۳۰) - سلیمی و داوری، صص ۳۸۰. (۳۱) - همان، صص ۳۲۱. (۳۲) - (۳۴) Barbara Hudson. (۳۳) - J.M. Van Dik. (۳۵) - در این قسمت، از توضیحات و تفسیر آیات مربوطه در کتاب «مسأله حجاب» (صص ۸۰-

(۱۲۵) استفاده گردیده است. (۳۶) - نور، ۳۰. (۳۷) - همان، ۳۱. (۳۸) - همان، (۳۹) - همان، (۴۰) - همان، ۶۱. (۴۱) - احزاب، ۵۸-۶۰. (۴۲) - همان، ۳۳. (۴۳) - نور، ۳۱. (۴۴) - احزاب، ۳۳.

تجدد و کشف حجاب

حجاب از ضروریات اسلام است. فقهای شیعی، بلکه همه علمای دین از صدر اسلام تاکنون با توجه به دلایل نقلی (آیات و روایات) و عقلی، به وجوب حجاب حکم کرده و آن را از احکام مسلم و ضروری اسلام دانسته‌اند. (۱) و در تشریح دلیل‌ها و حکمت آن رساله‌ها و کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند. بر خلاف پندار، برخی از روشنفکران سکولار، حجاب در ایران باستان و دیگر ملل گوناگون جهان، پیش از اسلام، نیز وجود داشته است. به گفته «ویل دورانت» حجابی که در میان قوم یهود وجود داشته خیلی سخت‌تر از اسلام بوده است. در میان قوم یهود اگر زنی به نقض قانون می‌پرداخت و یا با مردان نامحرم به گفتگو می‌نشست و یا در خانه خود صدایش را به قدری بلند می‌کرد که همسایگان می‌توانستند آن را بشنوند، مرد حق داشت بدون مهریه او را طلاق دهد. (۲) در بیشتر تصاویر مذهبی یهودی و مسیحی زنان دارای روسری و یا پوشش بلندی که شباهت به چادر دارد بوده‌اند. به اعتقاد «سن پل» یکی از قدسیان کلیسا سر زن نباید بدون روسری باشد. (۳) در ایران باستان نیز زنان دارای حجاب بوده‌اند. آنان جز باز گذاشتن دو دست، باز گذاشتن هر یک از قسمت‌های بدن را خلاف ادب می‌دانستند. آنان برای پوشیدن سر از سربندی که در زیر چانه به وسیله دو بست محکم می‌شد استفاده می‌کردند. روی این سربند نیز یک روسری بزرگ به نام «مکنو» می‌پوشیدند. پوشاندن موی سر طبق آئین باستان معمول بود. (۴) البته در اواخر سلسله ساسانیان به علت هرزگی و عیاشی خانواده سلطنتی و آلودگی موبدان و زوال دین زرتشتی پوشش زنان تنها پوشیدگی نبود بلکه نوعی مخفی کردن آنان از طمع شاهزادگان و مردان صاحب قدرت محسوب می‌شد. بنابراین، اگر ویل دورانت می‌گوید: در ایران باستان معمولاً زنان در اندرون خانه نگهداری می‌شدند و حق معاشرت با دیگران را نداشته‌اند؛ و اگر «کنت دو گوینو»، نیز در کتاب سه سال در ایران، می‌گوید آنچه در زمان ساسانیان بوده تنها پوشیدگی زن نبوده بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده (۵) علت خاصی داشته است که بدان اشاره کردیم. پس از پذیرش اسلام از سوی ایرانیان، پوشش زنان ایرانی شباهت به لباس‌های عربی پیدا کرد ضمن آنکه سر نیز پوشیده می‌شد. در روزگار صفویه، هنگام خروج از خانه پوشش همگانی زنان چادر سفیدی بود که سر تا پای آنان به جز دو چشم را مستور می‌داشت. در دوران زندیه و قاجاریه چادر، حجاب رسمی به شمار می‌آمد. صورت را نیز با روبندی از چلوار کلفت می‌پوشاندند. نقاب نیز، یکی از پوشش‌های چهره بود و از مو ساخته می‌شد. (۶) از زمان ناصرالدین شاه در پی سفرهای او به فرنگ تغییراتی در نوع پوشش زنان درباری به وجود آمد و شلیته‌های دامن کوتاه متداول شد و با رفت و آمد فرنگیان به ایران و برخی از ایرانیان به فرنگ، بدحجابی در میان برخی از خانواده‌های اشراف و فرنگ رفته کم و بیش دیده می‌شود. در روزگار مشروطیت روشنفکران غرب‌زده با الگوگیری از غرب، بحث بی‌حجابی را طرح کردند و حجاب را مخالف تمدن و تجدد شمردند. (۷) با رفت و آمد بیشتر ایرانیان به فرنگ و ورود لباس‌های متنوع غربی و خیاطان و طراحان اروپایی به ویژه فرانسوی به تهران کم کم سبک پوشش مردان و زنان تغییر کرد و با فضاسازی و تبلیغ از سوی غرب‌زدگان و تشویق آنان از سوی اربابان‌شان و ورود زن‌ها به اجتماع، رفع حجاب نیز مطرح شد. گروهی رشد و پیشرفت را مترادف با بی‌حجابی دانستند. در برابر آنان عالمان دین و برخی دیگر از روشنفکران اسلامی، طرح این گونه مسائل را مخالف اسلام و عامل خطرناکی برای جامعه اسلامی می‌دیدند. در تاریخ معاصر ایران قره‌العین، وابسته به بایه اولین زنی است که پوشش خود را برداشت و دیگران را نیز، به بی‌حجابی فراخواند. (۸) تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه نیز، از نخستین زنانی بود که حجاب را کنار گذاشت. (۹) صدیقه دولت‌آبادی، نیز از پیشگامان رفع حجاب است. او هشت سال پیش از اعلام رسمی کشف حجاب با لباس اروپایی در خیابان‌ها ظاهر شد و به عنوان نخستین زنی که چادر از سر برداشته شهرت محله به محله و کوچه

به کوچه یافت. (۱۰) رضاشاه و کشف حجاب تبلیغات در جهت نوگرایی و تجددطلبی با آغاز سلطنت رضاشاه بیش از گذشته شد و چون از حمایت دولت جدید نیز برخوردار بود صراحت و سرعت بیشتری به خود گرفت. روشنفکران سکولار با الگوگیری از رهبران فکری خود چون آقاخان کرمانی و... وانمود می کردند که تجددطلبی از جمله بی حجابی با دین ناسازگار نیست. حتی روزنامه جبل‌المتین، علی (ع) را رئیس‌المتجددین نامید. (۱۱) این شیوه منافقانه که حتی به هنگام رسمیت یافتن کشف حجاب نیز به کار گرفته می شد بیانگر بیم و هراس گویندگان و نویسندگان غرب گرا از واکنش مردم مسلمان بود، چرا که پای بندی مردم به عقاید دینی و شعائر اسلامی بسیار شدید بود. مقایسه اوضاع ایران با کشورهای همسایه مانند افغانستان از جمله کارهایی بود که در جهت تشویق مردم مسلمان ایران به تجدد و نوگرایی و فاصله گرفتن از اسلام و آموزه های آن انجام می گرفت. تحولات و دگرگونی هایی که در زمینه غرب گرایی در ترکیه آتاترک صورت می گرفت و نیز اقدامات امان‌الله خان در افغانستان مورد توجه روشنفکران غرب زده ایرانی بود و گاه و بی گاه در مطبوعات انعکاس می یافت. جبل‌المتین، در یکی از شماره های خود با عنوان «تعلیم و تربیت نسوان افغان» تحولات افغانستان را یادآور شد و ملت متمدن ایران را کمتر از آنان در کسب تجدد ندانست. (۱۲) تقلید از ترکیه و آتاترک که کشورش را در جهت خواسته های غربیان هدایت می کرد به شدت مورد توجه رجال ایران و رضاشاه قرار داشت. لحن روزنامه ها نیز صراحت بیشتری یافت به گونه ای که روزنامه جبل‌المتین دلایلی را برای رفع حجاب در روزنامه خود آورد. (۱۳) در این زمان یعنی سال ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷، در دربار از چادر نماز منع شد و حتی همسر رئیس‌الوزرای وقت، مخبرالسلطنه، هدایت، به سبب استفاده از چادر نماز مورد ایراد قرار گرفت به گونه ای که از رفتن به دربار خودداری کرد. (۱۴) با ورود خانواده شاه به صورت بدحجاب به سال ۱۳۰۷، در حرم حضرت معصومه و حمایت رضاشاه از عمل خانواده اش و ضرب و شتم روحانی آمر به معروف و ناهی از منکر مرحوم شیخ محمدتقی بافقی مشخص شد که رژیم شاه مصمم به رفع حجاب و ترویج بی بند و باری است. و برای این کار حتی آمادگی رویارویی با حوزه را نیز دارد. سفر رضاشاه به ترکیه یکی از رویدادهایی که موجب تسریع در اعلام کشف حجاب از سوی رضاشاه شد سفر او به ترکیه بود. فروغی با آشنایی قبلی که با آتاترک داشت زمینه سفر شاه را به ترکیه فراهم کرد. هدف فروغی این بود که شاه از نزدیک با مظاهر تمدن اروپا که در ترکیه رواج پیدا کرده بود آشنا شود و سپس به عنوان سوغات در ایران پیاده کند. رضاشاه در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۱۳، عازم ترکیه شد. سفرش به ترکیه چهل روز طول کشید. آتاترک از او تجلیل شایسته ای به عمل آورد. رضاخان مجذوب سیاست های اسلام زدایی آتاترک در ترکیه شد و قول داد که همان سیاست را در ایران پیگیری کند. او در سخنان خود چنین گفت: به واسطه برداشتن خرافات مذهبی در مدت سلطنت من، هر دو ملت بعد از این، با یک روح صمیمیت متقابل دست در دست هم داده و منازل سعادت و ترقی را طی خواهند کرد. (۱۵) رضاشاه در این مدت با همه زوایای غرب گرایی و شیوه زدودن ارزش های ملی و اسلامی رژیم آتاترک آشنا شد و وقتی به ایران بازگشت تصمیم گرفت که ایران را به پای ترکیه برساند. مخبرالسلطنه که از سال ۱۳۰۶ تا ۲۲ شهریور ۱۳۱۲ به مدت شش سال نخست وزیر رضاشاه بود می نویسد: «فکر تشبه به اروپا از آن (ترکیه) به سر پهلوی آمد.» (۱۶) به هنگام حضور شاه در ترکیه، او از مدرسه ای دخترانه در آنکارا به نام عصمت پاشا دیدن کرد. در آن مدرسه، دختران بی حجاب هنگام ورود شاه با کف زدن های ممتد، مقدم او را گرمی داشتند. (۱۷) رضاشاه پس از این دیدار به سفیر کبیر ایران، مستشارالدوله صادق می گوید: هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم. (۱۸) تأثیر این مسافرت بر رضاشاه چنان مهم است که روزنامه رستاخیز در مقاله ای به مناسبت سالگرد کشف حجاب، ابتدای کشف حجاب را سال ۱۳۱۳، می داند سالی که رضاشاه به دعوت آتاتورک به ترکیه رفت. (۱۹) صدرالاشراف نیز می نویسد: «رضاشاه پس از مسافرت به ترکیه در اغلب اوقات ضمن اشاره به پیشرفت سریع ترکیه از رفع حجاب زن ها و آزادی آنها صحبت و تشویق می کرد.» (۲۰) گسترش مدارس دخترانه به شیوه اروپایی گسترش مدارس دخترانه به شیوه اروپایی یکی دیگر از عوامل زمینه ساز کشف حجاب بود. این مدارس نخست به وسیله مبلغان مسیحی پایه گذاری

شد و بعدها به وسیله برخی از بانوان غرب‌گرا و متجدد‌گسترش یافت. نصیرالدوله وزیر معارف کابینه وثوق‌الدوله به تأسیس یک دارالمعمات و ده دبستان دخترانه اقدام کرد. (۲۱) تا پیش از ۱۳۰۷، فارغ‌التحصیلان این مدارس تنها در مقطع ابتدایی بودند. اما در سال ۱۳۰۷ شمار فارغ‌التحصیلان نخستین مدارس دوره متوسطه دخترانه به ۴۰ نفر و تا سال ۱۳۱۲ بیش از ۲۳۵ نفر شد. (۲۲) در سال ۱۳۰۹ گروهی از دختران کارگزاران حکومتی برای تکمیل تحصیلات خود به پاریس رفتند. با بازگشت آنها دولت تصمیم گرفت که کشف حجاب را از مدارس آغاز کند. و سپس در دبستان‌ها و مدارس دخترانه مأمورین دولتی، مجامعی را با خانواده‌های خود برپا کرده و کشف حجاب را در این مجالس مطرح کنند تا آرام آرام زمینه عمومی فراهم شود. همچنین مقرر شد که مدارس ابتدایی تا سال چهارم مختلط باشد؛ معلم آنها نیز زن باشد تا از همان ابتدا بی‌حجابی را به آنان بیاموزند. در این میان نقش دانشسراهای مقدماتی را نباید نادیده گرفت. این مراکز که تربیت‌کنندگان معلمان و مربیان بودند کشف حجاب را به عنوان یک فرهنگ به دانش‌آموزان می‌آموختند. در بسیاری از موارد از این مراکز به عنوان مجالس جشن و خطابه در نکوهش حجاب و ستایش از بی‌حجابی استفاده می‌شد و دختران نیز با سرودهای مخصوص و حرکات ورزشی به این مجالس رونق می‌دادند از جمله در مجلس جشنی که در شیراز برپا شد دختران صف منظمی آراسته، لایحه خواندند و سرود سرآیدند و سپس به ورزش در حضور وزیر معارف، علی‌اصغر حکمت پرداختند. (۲۳) کوتاه سخن اینکه، این مدارس، مقدمات اعلام رسمی کشف حجاب را کاملاً مهیا ساختند و پس از اعلام رسمی آن نیز در جهت پیشبرد و گسترش آن نیز تلاش‌های گسترده‌یی انجام دادند. کنگره زنان شرق ایران برای آشنایی زنان ایرانی با تمدن غربی و تشویق به اخذ آن، دومین کنگره شرق به سال ۱۳۱۲، با اجازه رضاشاه در تهران در برگزار شد. حاضران در این جلسه هنوز همه با چادر بودند. سخنرانان در این مجلس بر عقب‌ماندگی زنان شرق در برابر زنان غرب تأکید کرده و خواهان رسیدن به آن مرحله از ترقی و پیشرفت شدند. در این کنگره هر چند به قول مخبرالسلطنه «مقرراتی مسلم داشتند و تصدیق کردند که مقام زن در اسلام محفوظتر و شکایات ابتر» (۲۴) ولی متأسفانه خانم‌ها پرده کنگره را دریدند و سراسیمه در میدان هوا و هوس دویدند؛ مسکری نماند که نخوردند و منکری نماند که نکردند. (۲۵) پس از پایین کنگره کتابی به نام زن در اجتماع که به وسیله م - ه آموزگار نگاشته شد و به چاپ رسید. نویسنده در این کتاب می‌نویسد: به زودی وضع زنان ما رو به بهبودی خواهد گذاشت. او خوشحال است از اینکه چند تا زن تاکنون می‌توانند بدون حجاب از خانه خارج شوند و از این جهت از حکومت تشکر می‌کند. او در این کتاب می‌خواهد چنین القا کند که حجاب از تاریخ حمله مغول به ایران رواج پیدا کرده است و او حکومت را به حمایت از زنان بی‌حجاب که به ندرت در شهرهای بزرگ به چشم می‌خورند تشویق می‌کند. (۲۶) و حال آنکه حکومت از مدت‌ها پیش در پی آن بوده و کنگره شرق نیز برای همین جهت برپا شده بود. تشکیل کانون بانوان در سال ۱۳۱۴ به دستور رضاشاه و با حمایت وزیر فرهنگ، علی‌اصغر حکمت کانون بانوان تشکیل شد. شمس پهلوی به ریاست افتخاری و بانو هاجر تربیت به ریاست آن برگزیده شدند. خانم تربیت، در یکی از سخنرانی‌های خود که در دانشسرای مقدماتی برگزار شد حل همه مشکلات و بدبختی‌های زنان را در رفع حجاب دانست. (۲۷) بدرالملوک بامداد، در باره هدف اصلی کانون بانوان می‌نویسد: «ضمن سایر اقدامات منظور اصلی یعنی ترک چادر سیاه متدرجاً پیشرفت می‌کرد. به این طریق که زنان عضو جمعیت، با راضی کردن خانواده‌های خود یکی یکی به برداشتن چادر مبادرت می‌کردند و در مجالس سخنرانی، سایر بانوان را تشویق به ترک کفن سیاه می‌کردند. به طوری که در هر نوبت از مجالس و اجتماعات کانون عده تازه‌ای از بانوان بدون چادر حضور می‌یافتند در صورتی که زنان فرهنگی در صف مقدم آنها بودند.» (۲۸) در جلسات کانون بانوان که بیشتر در حضور دختران رضاشاه (شمس و اشرف) تشکیل می‌شد، مشکلات مربوط به عدم پذیرش جامعه در ترک حجاب مورد بررسی قرار می‌گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ می‌شد. این کانون بعدها در شهرهای مهم کشور از جمله اصفهان دارای شعبه گردید تا به پندار دست‌اندرکاران کشف حجاب، زنان را با اصول ترقی و مدنیت غربی آشنا سازند. (۲۹) افزون بر عوامل یاد شده، روزنامه‌ها و مجله‌های زنانه از جمله زبان

زنان به مدیریت صدیقه دولت آبادی در اصفهان و تهران، نامه بانوان به مدیریت شهناز آزاد و مجله جهان زنان، به سردبیری فخر آفاق پارسا در مشهد و سپس تهران و مهم‌تر از همه مجله «عالم نسوان» به مدیریت نوبه صفوی و... از عوامل زمینه‌ساز کشف حجاب بودند. این مجله‌ها نیز حجاب را سد راه ترقی و پیشرفت معرفی کرده و به رفع حجاب تشویق می‌کردند. (۳۰) یکی دیگر از عواملی که در گسترش بی‌حجابی نقش داشت حمایت رضاشاه از زنان بی‌حجاب بود. این نکته هم خواست دولتمردان داخلی بود و هم به گفته مخبرالسلطنه خواست دولت‌های خارجی. (۳۱) و بنا به گفته بدرالملوک بامداد رضاشاه پیش از اعلام رسمی کشف حجاب به پلیس دستور داده بود که از زنان بی‌حجاب حمایت کند. (۳۲) بنا به اظهار دلیلی تلگراف، حضور تحصیل‌کردگان ایرانی در خیابان‌های تهران با زن‌های اروپایی خود که لباس اروپایی پوشیده بودند فوق‌العاده چشم‌گیر بود و همین عاملی شد که زنان متجدد و اشراف در معابر عمومی بتوانند از لباس‌های اروپایی و رفع حجاب استفاده کنند. (۳۳) اعضای خانواده سلطنت نیز در این نمایش نقش اساسی داشتند شاهدخت و ماهدخت دختران بزرگ شاه به فرمان پدر چادر از سر برداشته و با همراهان سوار بر اسب در خیابان‌های تهران گردش می‌کردند. (۳۴) از دیگر عواملی که در گسترش بی‌حجابی نقش داشت، آزادی اقلیت‌های مذهبی بود. زنان ارمنی و زرتشتی اجازه داشتند آزادانه لباس بپوشند. برابر گزارش نظمی‌ها مازندران در خرداد ۱۳۰۹ رفت و آمد یک زن بی‌حجاب کلیمی معابر مورد اعتراض علما واقع شده بود. حکومت مازندران در این زمینه از عمل این زن پشتیبانی کرد و اعتراض علما را وارد ندانست و اعلام کرد که زنان کلیمی در کشف حجاب آزادند. (۳۵) یکی از سفرنامه‌نویسان خارجی که در سال ۱۳۱۲ مشغول یادداشت مسائل مربوط به ایران بوده است می‌نویسد: «می‌گویند: حدود دو سال پیش شاه دستور داده بود تمام کسانی که مایلند می‌توانند چادرشان را از سرشان بردارند. (۳۶) و نیز به گفته وی به گونه‌ای سری و محرمانه توافق شده بود که اگر زنی مایل باشد بدون چادر بیرون بیاید می‌تواند این کار را انجام دهد و اگر ملایی یا یک فرد عادی ایجاد مزاحمت کند شهربانی از این زنان حمایت می‌کند. (۳۷) این برنامه‌ها برای آماده‌سازی افکار عمومی جهت تبدیل طرح کشف حجاب به یک قانون بود که در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ تصویب و به اجرا گذاشته شد. درست است که کشف حجاب اجباری در این زمان صورت گرفت ولی زمینه‌های آن از پیش فراهم شده بود. به گفته محمدرضا شاه: «پدرم بدواً به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال ۱۳۰۹ برای نخستین بار، بعضی از بانوان طبقه اول، در خانه‌های خود و در مجالس مهمانی، به لباس زنان اروپایی درآمدند و عده کمی هم جرئت کردند بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر شوند. در سال ۱۳۱۳، آموزگاران و دختران دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند.» (۳۸) اعلان رسمی کشف حجاب همان گونه که آوردیم زمینه‌سازی کشف حجاب از پیش فراهم آمده بود ولی در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ شمسی به صورت رسمی اعلام شد. نخست‌وزیر و وزیر معارف هر یک در خاطرات خود تلاش دارند که پیشنهاد ۱۷ دی را برای کشف حجاب، به رضاشاه به خود نسبت دهند. به هر حال وزیر معارف می‌گوید: شاه گفته است وسیله‌ای فراهم آورید که من به اتفاق همسر و دخترهای خود بدون حجاب ظاهر شوم. (۳۹) نخست‌وزیر محمود جم می‌گوید من این پیشنهاد را به شاه کردم و او این پیشنهاد را پسندید و گفت: به شرط اینکه در هیئت وزرا مطرح و تصویب شود. سپس دستور داد که همین حالا بروید طرح آن را آماده کنید. این انقلاب بزرگ باید با فکر و تدبیر انجام شود. (۴۰) سخنان شاه بیانگر نگرانی او از انجام این کار است. جم نیز در خاطراتش از نگرانی خود و اعضای هیئت دولت، از واکنش افراد متدین در برابر این اقدام سخن گفته است. این نگرانی در جلسه‌ای که با حضور شاه تشکیل می‌شود اظهار می‌گردد. شاه ضمن تأیید آن حدود نیم ساعت صحبت کرده و از پیامدهایی که کشف حجاب در پیشرفت دارد سخن می‌گوید و ضمناً یادآور می‌شود ممکن است این عمل در ابتدا با سر و صدا و جار و جنجال زیادی همراه باشد، ولی به هر حال کاری است که باید انجام شود و ما نمی‌توانیم به خاطر تعصبات خشک، کاروان ترقیات مملکت را عقب‌نگه داریم. زن باید از این چادر سیاه آزاد شود وی سپس یادآور می‌شود که: شرکت همسر و دختران من در این جشن بدون حجاب، باید سرمشق همه زنان و دختران ایرانی خصوصاً

خانم‌های شما وزرای مملکت باشد. (۴۱) در تهیه مقدمات جشن روز کشف حجاب، افزون بر کارهای امنیتی و آماده‌باش نیروها کارهایی انجام گرفته که سابقه ندارد و از باب نمونه سه مرد مسیحی که اداره نهضت شیک پوشی زن از حجاب در آمده به آنها محول شده بود کارهای زیادی برای خوب برگزار شدن مراسم انجام داده‌اند از جمله: بسیاری از خانم‌هایی که خود را برای جشن آماده می‌کردند به دست یکی از این سه نفر یعنی ابراهام، آرایشگر موهای خود را آرایش دادند. این شخص در گفتگویی با مجله زن روز می‌گوید: من موهای هزاران زن را قیچی کردم و چهره تازه‌ای به آنها دادم. (۴۲) این مجله در ادامه گزارش ضمن تقدیر از همکاری صمیمانه این سه مرد مسیحی می‌گوید: بدون شک، اگر این سه مرد مسیحی نبودند زن ایرانی نمی‌توانست یک‌شبه ره صد ساله را برود و از دنیای محدود قرون وسطایی زندگی خود به عرصه شیک پوشی سده بیستم قدم بگذارد. (۴۳) همچنین در بخش دیگری از این گزارش آمده است: دو مرد سلمانی مردانه در یکی از اتاق‌های دانشسرای مقدماتی دست به کار فعالیت بودند، مو شانه می‌کردند، موهای اضافه را می‌زدند و سر خانم‌ها را چون تازه از زیر چادر بیرون آمده بود و جلوه‌ای نداشت، به سبک مردانه می‌آراستند. (۴۴) در این روز دانشسرای مقدماتی شکل تازه‌ای به خود گرفته بود. محصلان و معلمان در صف‌های منظم و بدون حجاب ایستاده بودند که رضاشاه به اتفاق ملکه و دو دخترش که رفع حجاب کرده بودند و لباس اروپایی بر تن داشتند وارد شدند و ضمن اعطای دیپلم‌ها، به طور رسمی کشف حجاب را اعلام داشتند. محمود جم در خاطرات خود نسبت به نظر رضاشاه نسبت به مراسم ۱۷ دی چنین می‌نویسد: «رضاشاه مرا احضار فرمودند و گفتند: لباس‌ها و آرایش خانم‌ها خوب است حیف نیست که زن‌ها خود را پنهان کنند.» (۴۵) شرکت در این مراسم نیز اختیاری نبود. همه دختران باید شرکت می‌کردند لذا عده‌ای از آنان تا پایان مراسم رو به دیوار ایستاده بودند و اشک می‌ریختند. ولی روزنامه‌های آن زمان از این روز به عنوان روز سرنوشت، روز تاریخی، روز فرخنده یاد کردند. مخبرالسلطنه سخن رضاشاه را که پس از اعلام کشف حجاب گفت: نصف قوای مملکت بیکار بود و به حساب نمی‌آمد و اینک داخل جماعت شده است. به نقد گرفته اشاره می‌کند که خانه‌دار بودند، به اقتصاد کشور کمک می‌کردند، به تربیت بچه‌های خود می‌پرداختند ولی حالا به عرصه ولن‌کاری قدم نهادند. (۴۶) رفع حجاب با زمینه‌هایی که از پیش انجام شد غیر منتظره نبود ولی منع حجاب غیر منتظره بود. به همین جهت، واکنش‌های گوناگونی را در پی داشت. عده‌ای آن روز را روز آزادی، ترقی و پیشرفت زن نام نهادند ولی تعداد اینان زیاد نبود. در برابر اکثریت مردم از زن و مرد از این روز به عنوان روز انحراف، اسارت زن، روز شکسته شدن حریم خانواده، روز طغیان علیه دین و دیانت و سنن ملی یاد کردند. اقدامات دولت برای همگانی کردن کشف حجاب پس از اعلام رسمیت کشف حجاب اقداماتی از سوی دولت صورت گرفت و دستورالعمل‌هایی به والیان و حاکمان استان‌ها و شهرها ابلاغ شد تا کشف حجاب تداوم یافته و گسترش یابد. ایجاد مراسم و جشن‌ها به مناسبت و بدون مناسبت در برنامه کاری والیان و حاکمان و مدارس و... قرار گرفت. نخست از کارکنان دولت آغاز شد و سپس به دیگر اقشار نیز پرداخته شد. حاکمان برخی از شهرها به بهانه‌های گوناگون مجلس ترتیب می‌دادند و از مردم می‌خواستند که با بانوان خود بدون حجاب در این مراسم شرکت کنند. کارمندان دولت ملزم می‌شدند که همراه خانم‌هایشان بدون حجاب در خیابان‌ها قدم بزنند تا سرمشق دیگران باشند. روزنامه‌ها، به نثر و شعر و طنز بی‌حجابی را تشویق و از حجاب و خانم‌های محجبه نکوهش می‌کردند. متأسفانه شاعری چون ملک‌الشعرا بهار که روزگاری مخالف سردار سپه بود به مدیحه‌سرایی این جریان پرداخت و اشعاری در ستایش کشف حجاب سرود. کوشش برخی از شاعران این بود که هر چه بدی و فسق و فجور است به حجاب و زن‌های با حجاب مربوط سازند و در برابر رفع حجاب را عفت و تقوا، خواست اسلام و... معرفی کنند. زنان بی‌حجاب مورد تعقیب پلیس قرار گرفتند و با خشونت هر چه تمام‌تر چادر از سر آنان کشیده شد. و نیز محدودیت‌هایی برای زن‌های با حجاب وضع شد از جمله: ممانعت از رفتن زن‌های با حجاب به حمام‌های عمومی، التزام از گاراژدارها و درشکه‌چی‌ها که زن‌های باحجاب را سوار نکنند. خادمان زیارتگاهها موظف شدند که از ورود زن‌های با حجاب جلوگیری کنند. تعقیب زن‌های با حجاب در کوچه و خیابان‌ها و کشیدن

چادر و روسری از سر آنها، برخورد شدید با عالمان دین و مخالفان کشف حجاب، کار هر روزه پاسبانها بود. اسناد و مدارک فراوانی در باره برخورد با مخالفان حجاب از زن و مرد، روحانی و غیر روحانی و حتی کارمندان دولتی که مخالف کشف حجاب بودند موجود است. برای اینکه مقاله به دراز نکشد شما را به مطالعه آن اسناد و منابع سفارش می‌کنیم. (۴۷) پیامدهای کشف حجاب عالمان دین و زنهای مسلمانی که در برابر کشف حجاب مقاومت می‌کردند مخالف حضور زن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نبودند. همان گونه که زنان در نهضت تنباکو، مشروطیت و بسیاری از نهضت‌های دیگر شرکت کردند نه تنها مورد اعتراض علمای دین قرار نگرفتند که تأیید نیز شدند. عالمان دین و همچنین زنان متدین بر این باور بودند که حضور زن در اجتماع باید همراه با حفظ شئون اسلامی انسانی و حفظ شخصیت و کرامت زن باشد. و نیز بر آن بودن که حضور زنان در مراکز علمی، و آموزشی، فرهنگی و بهداشتی و... نه تنها مفید و سودمند که در برخی از موارد حتی واجب است و همه این کارها نیز می‌تواند با حفظ حجاب و عفاف انجام گیرد. ولی در برابر روشنفکران غرب‌زده و حکومت مزدور پهلوی، حضور زن را در عرصه‌های اجتماعی الزاماً با کشف حجاب همراه می‌دانستند و پندار آنان این بود که زن عقیف و باحجاب نمی‌تواند در عرصه‌های گوناگون حضور مؤثر داشته باشد. کشف حجاب پیامدهای منفی و زیانبار فراوان داشت؛ از جمله رواج معاشرت‌های آزاد دختران و پسران، زنان و مردان بود که مفاسد جبران‌ناپذیری را در پی داشت. زن‌ها به پارتی‌ها، مجالس رقص و خوشگذرانی و... کشانده شدند. کشف حجاب مفاسد را گسترده‌تر و علنی‌تر ساخت و به گونه‌ای زشتی آن را از بین برد و شکلی عادی به آن داد. مخبرالسلطنه در باره آثار زیانبار کلاه فرنگی و رفع حجاب می‌نویسد: «کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر، عفت را.» (۴۸) پی‌نوشتها:

(۱) سوره نور، آیه ۳۱ و ۵۸؛ احزاب، آیه ۵۹. (۲) دائرةالمعارف تشیع، ج ۶، ص ۷۵. به نقل از ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۳/۱۲/۳۰ (۳) حجاب و کشف حجاب در ایران، فاطمه استادملک، ۱۵ مؤسسه مطبوعاتی عطایی. (۴) دائرةالمعارف تشیع، ج ۶ / ۷۷ - ۷۶. (۵) همان، (۶) همان. (۷) اندیشه‌های آقاخان کرمانی، آدمیت، ۱۹۵ - ۱۹۴. (۸) قره‌العین، در آمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران، سینا واحد، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و... (۹) خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش خانم دکتر منصوره اتحادیه و سعدوندیان. (۱۰) مجله زن روز، شماره ۱۹۹، سال ۴۷ شنبه چهاردهم دی ماه؛ بامداد، ص ۵۱. (۱۱) علما و رژیم رضاشاه، حمید بصیرت‌منش، مؤسسه چاپ و نشر عروج، به نقل از حبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۴۰ و ۴۱ (۹ آبان ۱۳۰۶)، ص ۱۸. (۱۲) همان. (۱۳) همان، (۱۴) خاطرات و خطرات، مهدی قلی‌هدایت، مخبرالسلطنه، ۴۰۷، زوار. (۱۵) خاطرات و خطرات، ۴۰۴. (۱۶) همان، (۱۷) کشف حجاب، مهدی صلاح، ۱۱۷، به نقل از روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۳۳ مورخ ۲۰ تیر ۱۳۱۳. (۱۸) همان، تاریخ بیست ساله، مکی، ج ۶/۱۵۷. (۱۹) همان، رستاخیز، ۵۱۱، ۱۶ دی ماه، ۲۵۳۵. (۲۰) خاطرات صدرالاشراف، ۳۰۲. (۲۱) زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، بدرالملوک بامداد / ۶۲، ابن‌سینا. (۲۲) کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، مهدی صلاح، ۱۱۱. (۲۳) همان، به نقل سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، علی‌اصغر حکمت، ۹۰. (۲۴) خاطرات و خطرات / ۴۰۰، همان، (۲۵) همان. (۲۶) حجاب و کشف حجاب، فاطمه استادملک، ۱۲۷، مطبوعاتی عطایی. (۲۷) همان، (۲۸) زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ۹۱. (۲۹) کشف حجاب، صلاح، ۱۲۱. (۳۰) در این زمینه به جراید و مجلات در ایران، محمدصدر هاشمی، ج ۳ ص ۶ و ۱۶۹ و ج ۴/۱، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت ص ۵۰، ۵۸ و... مراجعه شود. (۳۱) علما در رژیم رضاشاه، ۱۸۴؛ زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ۹۱. (۳۲) کشف حجاب... مهدی صلاح به نقل مجله زن روز، شماره ۱۹۹، سال ۴۷ شنبه چهاردهم دی ماه. (۳۳) همان. (۳۴) علما و رژیم رضاشاه، ص ۱۹۱، به نقل رستاخیز ایران، ۷۱۶. (۳۵) فرهنگ و خشونت، سند ۵۰۷ و ۵۰۸، ص ۲۷۸ - ۲۷۷. (۳۶) علما و رژیم رضاشاه، ۱۸۵، به نقل از: ایران افسانه و واقعیت، ۲۱۴. (۳۷) همان؛ زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ۹۱. (۳۸) مأموریت برای وطنم، محمدرضا پهلوی، ۴۶۴. (۳۹) خاطرات صدرالاشراف، ۳۰۵. (۴۰) تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ج ۶/۲۶۰. (۴۱) خاطرات صدرالاشراف، ۳۰۵، تاریخ بیست ساله ایران، مکی، ج ۶/۲۶۰. (۴۲) کشف حجاب...، مهدی صلاح، ۱۳۹، به

نقل از مجله زن روز، شماره ۹۸، شنبه ۲۴ دی ۱۳۴۵. همان (۴۳) همان (۴۴) همان، به نقل مجله زن روز، شماره ۴۵، شنبه یازدهم دی ۱۳۴۴. (۴۵) کشف حجاب، مهدی صلاح، ۱۴۰، به نقل از رستاخیز، شماره ۱۱۵. (۴۶) خاطرات و خطرات، ۴۰۸ - ۴۰۹. (۴۷) خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب، ۱۳۲۲ - ۱۳۱۳، واقعه کشف حجاب، اسناد محرمانه از کشف حجاب به وسیله رضاخان. (۴۸) خاطرات و خطرات، ص ۴۰۷.

درباره ریشه‌های بدحجابی

بدحجابی یکی از مسایل و چالش‌های جدی در حوزه اخلاق اجتماعی محسوب می‌شود. در این مقاله که به قلم استاد «محمد رضا اکبری» نگاشته شده و در اختیار خبرگزاری شهر قرار گرفته است، به ریشه‌یابی بدحجابی در جامعه و عوامل اخلاقی آن پرداخته‌ایم. برهنگی دینی اساس فرهنگ برهنگی است. بدحجابی و جلوه‌گری زنان در برابر مردان بیگانه از عوامل فراوانی برخوردار است که ضمن بحث در مورد آنها به درمان هر یک اشاره می‌کنیم. ۱- کسب موقعیت انسان موقعیت طلب است و همواره می‌خواهد در میان مردم از جایگاهی درخور توجه برخوردار باشد. چنین جایگاهی به دو صورت حقیقی و کاذب محقق می‌شود. موقعیت حقیقی در اثر تحصیل علم و فضایل اخلاقی به دست می‌آید، اما برخی زنان که فاقد این ارزش‌ها هستند با نمایش زیبایی‌ها و جاذبه‌های طبیعی و ساختگی زنانه خود سعی در جلب توجه دیگران می‌کنند تا به کمبودهای باطنی خود پاسخ دهند. غافل از آنکه هرگز کسی نمایش زیبایی‌های زنانه را دلیل بر شخصیت و جایگاه ارزشی او نمی‌گیرد. بی‌حجابی، زن را صاحب فضیلت نمی‌کند بلکه از او عروسکی می‌سازد که با رشد و تعالی فاصله‌ها دارد ضمن اینکه موقعیت‌های حاصل از تحرکات جنسی تنها نزد بیماردلانی به وجود می‌آید که خود کمترین اعتباری ندارند. زن اگر محروم از فضایل و ارزش‌های انسانی باشد اگر سراسر وجود خود را به طلا و زینت‌ها و لباس‌های فاخرترین کند ذره‌ای بر ارزش حقیقی او افزوده نخواهد شد چه اینکه هزار من تزیین و زیبایی به یک جو تقوا نمی‌ارزد. تحصیل موقعیت جز از راه به دست آوردن زیبایی‌های باطنی و فضایل انسانی و کمک پروردگار عالم میسر نیست. ارزش زن بالاتر از آن است که خود را چراگاه چشم‌های گرسنه نامحرمان سازد. او باید به فاطمه و مریم بیندیشد که فرشته با آنها سخن می‌گفت نه آنکه با حضور جاذبه‌دار و مهیج خود را مخاطب سخنان هرزگان سازد که از حقیقت خود فرو افتاده است. ۲- ضعف ایمان بی‌حجابی فقر فرهنگ دینی است. فرامین الهی و از جمله حجاب اسلامی از سوی خدای تعالی به بشر ابلاغ شده است و عمل به آنها جز در پرتوی ایمان به پروردگار عالم که ریشه اصلی عمل است میسر نخواهد بود. بنابراین کسانی که از اعتقاد به خداوند در شک و تردید به سر می‌برند و قلب آنها از ایمان به خداوند و محاسبه روز جزا به مقام اطمینان نرسیده است در عمل به دستورات الهی تسامح می‌ورزند و تا زمانی که این مشکل اعتقادی برطرف نشود بهبودی حاصل نمی‌شود. چرا که ایمان به خدا مادر ارزش‌ها است. ۳- دگرآزاری ریشه خودنمایی و بدحجابی بسیاری از زنان، عقده‌دگرآزاری است. برانگیختن تمایلات دیگری همراه با محروم کردن او یک بیماری دگرآزاری است. نظیر اینکه شخصی غذایی را به انسان گرسنه‌ای ارایه دهد و تمایل او را به آن غذا برانگیزد و از آن محروم کند. دگرآزاری جنسی نیز به این است که زنی خود را بیاراید و در معرض دید دیگران قرار دهد تا تمایلات او برانگیخته شود و بدون پاسخ بماند. اگرچه این حرکت، مردان جامعه را عقده‌مند می‌کند اما زنان بیمار از حرکت خود لذت می‌برند. باید به چنین زنانی گفت آزار دادن مردان جز اینکه گناهی بر گناه خودنمایی آنها می‌افزاید اثر دیگری ندارد، ضمن اینکه آزار دیگران با هیچ منطق و وجدانی سازگار نیست. چه اینکه تبدیل مردان و جوانان سالم جامعه به انسان‌های عقده‌ای که با شرافت یک زن سازگاری ندارد. ۴- غربزدگی تقلید از غرب یکی از مشکلات دیرینه تعدادی از زنان مسلمان بوده است که بدون کمترین تفکر و تحلیلی از زندگی زن غربی به او اظهار تمایل کرده‌اند. خمیرمایه اصلی این تقلید را جهل و هوس تشکیل می‌دهد. ترسیم گوشه‌ای از آنچه بر زن غربی می‌گذرد، می‌تواند پرده تاریک جهل فریب‌خوردگان جوامع غربی را پاره کند تا به خود آیند.

غرب بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی خود زندگی زن را به طور کلی متحول کرد و بی‌رحمانه او را از ارزش‌های خود تهی گردانید و اسرار و زیبایی‌های پشت پرده بدن او را در معرض نمایش افعی‌های شهوت قرار داد. اگر غرب به ارزش زن می‌اندیشید هرگز او را برهنه نمی‌کرد و از او عروسک نمی‌ساخت و برای همین است که امروز زن غربی تنها و شکست خورده است. غرب در برابر گرفتن حجاب زن چیزی به او نداده است بلکه به دنبال آن ارزش‌های دیگر او را ربوده است به گونه‌ای که زن غربی فقیرترین زن عالم است و این به خاطر سادگی و فریب‌خوردگی تاریخی عهد رنسانس است. اگر زن غربی همانند زن ایرانی مقاومت می‌کرد و با اتکا بر دین به مبارزه با افزون‌طلبی‌های مردان می‌پرداخت به پیروزی می‌رسید اما تسلیم شد و بزرگ‌ترین ضربه‌های تاریخی را که به واژگونی او منتهی شد دریافت کرد. ضربه‌هایی که بر زن غربی وارد شد کفاره سرپیچی او از حجاب و عفاف است که خداوند در همه ادیان برای زن واجب فرموده است. دکتر ا.و. استاد دانشگاه در آمریکا می‌گوید: اساساً زن در آمریکا ارزش انسانی و عاطفی ندارد و او را فقط به عنوان موجودی که می‌تواند مرد را ارضا کند و او را به تمتعی برساند می‌شناسند و اگر از عهده این وظیفه برنیاید به سرعت در جامعه مطرود می‌شود. از این رو است که زن برای ایفای این نقش، با قدرت تمام به عواملی از قبیل لباس و آرایش به خودنمایی پرداخته تا بتواند توجه مردان را به سوی خود جلب کند. (۱) «خانم ژورمینن وایت» می‌گوید: زنان همیشه سعی کرده‌اند که توجه مردان را به خود جلب کنند و این باعث شده است که زنان امروز مثل موم یا خاک رسی در دست مردان باشند که به هر شکلی بخواهند برای جوابگویی به نیازهای خود آنها را مورد سوءاستفاده قرار دهند. متأسفانه زنان امروز سردرگم شده و چاره‌ای جز این ندارند که خود به دنبال شکارچی‌های خویش دویده و طعمه آنها شوند. (۲) هد زیبایی‌طلبی برخی دختران و زنان میل دارند به صورتی زیبا نزد دیگران حضور یابند و با توجه به اینکه حجاب دینی زیبایی‌های آنها را پوشش می‌دهد سعی در ناقص کردن حجاب خود دارند. به همین منظور بخشی از موهای سر و گردن خود را به نمایش می‌گذارند و سعی در پوشش لباس‌های زننده چند رنگ و یا بسیار شاد دارند و زواید تزئینی مختلفی را در پوشش خود مورد استفاده قرار می‌دهند و یا از کفش‌های پاشنه بلند استفاده می‌کنند تا نوع قرار گرفتن بدن و راه رفتن آنها تحریک‌آمیز و زیباتر شود و طنین یکنواخت آن توجه دیگران را جلب کند و با وسواس خاصی گلویند، دستبند، حلقه و انگوی خود را همواره به نمایش می‌گذارند و به هر شیشه و آئینه‌ای که در بین راه برخورد می‌کنند قیافه خود را مشاهده می‌کنند تا در صورت لزوم، زیبایی خود را حفظ کنند و غافلند که سادگی زن، خود نوعی زیبایی ارزشی را به همراه دارد و پوشیدگی، زیبایی و ظرافت بدن او را در برابر آفتاب، سرما و آلودگی‌های جوی بهتر حفظ می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: صیانه المرء انعم الحالها و ادوم لجمالها (۳) پوشیدگی برای زن سودمندتر و زیبایی او را پایدارتر می‌سازد. آنها باید بدانند که به نظر روان‌شناسان زنان و دخترانی که در انتخاب لباس و رنگ‌های متنوع در برابر مردان حساسیت می‌ورزند از نوعی بیماری برخوردارند و کوشش در خودنمایی و رفع نقایص ظاهری آنها به منظور جلب دیگران به طفلی شباهت دارد که می‌خواهد با گریه و فریاد توجه پدر و مادر را به خود جلب کند. این در حالی است که حجاب در جمال آنها نقش مؤثری دارد. ضمن اینکه متانت، بزرگواری، تمرکز حواس حضور طبیعی آنها در جامعه را سلب نمی‌کند و عمر گرانبهای آنها را از پوچی به دور می‌دارد. ۶- ازدواج عده‌ای از دختران، خودنمایی و سپس ارتباط با نامحرم را پلی برای رسیدن به ازدواج می‌پندارند. آنها گمان برده‌اند که اظهار زیبایی‌های زنانه می‌تواند جوانان را به آنها راغب کند به همین خاطر موهای خود را به نمایش می‌گذارند و با پوشیدن لباس‌های جاذبه‌دار در تحصیل شوهر حرکت می‌کنند. غافل از اینکه جوانان با همه خوشرویی‌هایی که با دختران دارند هرگز به ازدواج با آنها تن نخواهند داد. بی‌تفاوت‌ترین مرد جامعه برای ازدواج خود به دنبال عقیف‌ترین دختر می‌رود. همه جوانان دوست دارند دختری را برای همسری خود گزینش کنند که برای یک مرتبه طرح دوستی و خوشگذرانی با جوان دیگری نداشته است و اسرار و زیبایی‌های جسمانی خود را تابلوی نامحرم نکرده باشد. جوانان بی‌تقوا از دختران خودنما برای لذت‌های موقتی و تفریحات زودگذر خود استقبال می‌کنند. اما هیچ‌گاه آنها را به همسری شرعی و

قانونی خود نمی‌پذیرند و به تعبیری دیگر دختران خودنما در چشم‌ها جا دارند و زنان پوشیده در دل‌ها مأوا گرفته‌اند. بنابراین بدحجابی و حرکت‌های خلاف عفت چشم‌انداز خوبی برای ازدواج ندارد و اگر ازدواجی به خاطر جاذبه‌های جنسی صورت پذیرد از بنیان محکمی برخوردار نخواهد بود. راه ازدواج در رعایت تقوا و درخواست از خداوند و توسل به پیامبر (ص) و اهل بیت او است. ۷- ضعف حیا ضعف این صفت از سستی اعتقاد به مبدأ و معاد سرچشمه می‌گیرد و بی‌حجابی از مصادیق بارز بی‌حیایی است که از ضعف ایمان ناشی می‌شود. امام صادق (ع) فرموده است: ایمان ندارد کسی که حیا ندارد. (۴) پیامبر اکرم (ص) فرموده است: خدا حیا و پوشیدگی بندگانش را دوست دارد. (۵) پوشش و حیا تفکیک‌ناپذیرند و تا جلوه‌ای از حیا در زنی وجود داشته باشد، پوشش او نیز با جدیت مراعات می‌شود. زنان با حیا کسانی هستند که با پوشش کامل خود از نمایش بدن، موهای سر و زینت‌های خود شرم می‌ورزند. پاکی قلب زنان خودنما به سخن ستمکاری شبیه است که لایف ترحم بلند کرده است. زنانی که اسرار زیبایی‌های جسمانی خود را به نمایش گذارده‌اند، پرده بین خود و خدا را دریده‌اند. کامیاب کردن چشم‌های گرسنه نامحرمان کم‌ترین سازش با پاکی و نجابت ندارد و عقیف بودن زن بدحجاب از القائات بی‌اعتبار شیطان است. بدحجابی از آفات پاکدامنی به شمار می‌رود و اساساً زنان پاکدامنی که از موقعیت سالم روحی برخوردارند از گناهان جنسی پرهیز دارند و بی‌حجابی یک انحراف جنسی است. امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: کسی که پاکدامنی پیشه کند گناهانش کم و در نزد خدا منزلتی عظیم دارد. (۶) بی‌حیایی زنان و دختران جوان غالباً از دوستان بی‌حیا، فیلم‌های مبتذل، جهل به ارزش والای عفت و حیا و فرهنگ اقوام و خانواده به‌ویژه روحیه مادر و پدر سرچشمه می‌گیرد و بی‌شرمی بسیاری از دختران از برهنگی آنها به هنگام حضور در جامعه در سالیان قبل از تکلیف ناشی می‌شود. مسایل اخلاقی و تربیتی از ظرافتی خاص برخوردارند و از پایین‌ترین سنین عمر کودک شکل می‌گیرند. این اشتباه بزرگ است که به مسایل تربیتی مربوط به شرم و حیای دختران تا ۹ سالگی توجه نشود آن‌گاه با رسیدن زمان تکلیف از آنها خواسته شود تا یکباره در خود انقلاب کنند و مسیر چند ساله خود را عوض کنند. امور تربیتی انقلاب‌بردار نیست بلکه حقایقی هستند که باید به تدریج شکل گیرند. حجاب یک فرهنگ است که از سالیان قبل از تکلیف باید مورد توجه و ممارست قرار گیرد. در هر صورت از جمله ریشه‌ها و مبانی خودنمایی و بدحجابی زنان ضعف صفت ارزشمند حیا است. صفتی که وجود آن به زن ارزشی بزرگ می‌بخشد و فقدان آن او را از خاک پست‌تر می‌سازد. ۸- اظهار غنای مالی ریشه خودنمایی برخی زنان تفاخر و خودنمایی‌های مالی است. دوست دارند دیگران شاهد برخورداری‌های مالی آنها باشند و تفاوتی نخواهد بود که بیننده زن باشد یا مرد. به همین منظور الگوهای خود را به نمایش می‌گذارند و حلقه یا گلوبند گران‌قیمت خود را در معرض دید دیگران قرار می‌دهند و لباس‌های فاخر به تن می‌کنند. آنها ارزش خود را به طلا و جواهرات می‌دانند و این به معنای آن است که ارزش الهی و انسانی خود را در حد طلای دنیا پایین آورده‌اند و برخی خود را در طلا- خلاصه کرده‌اند. شیطان همه را به یک راه منحرف نمی‌سازد بلکه هر کسی را با توجه به برخورداری‌ها و نوع هوسی که دارد از راه خدا دور می‌کند. چنین زنانی باید اندیشه کنند که این گونه فخر کردن‌های مالی همراه با جاذبه‌های زنانه، تمایلات نامحرمان را برمی‌انگیزد و چه بسا موجودیت مالی آنها را طعمه دیگران سازد. بینش چنین زنانی بسیار سطحی و ظاهر بینانه است. اگر آگاه شوند که انسان خلیفه خداست و می‌تواند ارزشی برتر از ملایک داشته باشد، روحیه و عملکرد آنها عوض می‌شود و دیگر حاضر نخواهند بود برای یک لحظه خود و دارایی خویش را وسیله معصیت خود و غفلت مردان جامعه کنند. ۹- ملامت دیگران یکی از ریشه‌های بدحجابی و خودنمایی دختران و زنان ملامت اعضای خانواده، فامیل و دوستان است. چه بانوانی که به خاطر سلامت نفسی که دارند، می‌خواهند از حجاب دینی کامل برخوردار باشند اما راهزنان راه خدا به آنها شیخون می‌زنند و زبان به ملامت می‌کشایند. گاهی ملامت‌ها از سوی مردان فامیل صورت می‌گیرد. ریشه اصلی ملامت اکثر این افراد هواهای نفسانی آنهاست. زیرا با بی‌حجابی و خودنمایی زنان و دختران بهتر می‌توانند به لذت‌های نامشروع خود دست یابند. یک بانونی دانشجو از تهران «خانم ح. ن.» می‌گوید: «وقتی باحجاب شدم با مخالفت‌های

شدیدی در خانواده روبرو شدم و می‌دیدم که مخالفت با حجاب، بیشتر از جانب آقایان مطرح می‌شود تا بانوان و این برایم سؤال بود که چرا با وجودی که این مسأله به خانم‌ها مربوط می‌شود آقایان اظهار نظر می‌کنند. آشنایی با مطالب کتاب «بهای یک نگاه» مرا متوجه این نکته کرد که شاید بیشترین نفع بی‌حجابی را همین مدعیان آزادی زن می‌برند که از این راه به لذت‌های نفسانی بیشتری دست می‌یابند. (۷) البته مردان و جوانان اقوام که با حجاب دینی مخالفت می‌کنند هیچ‌گاه علت مخالفت خود را که برخورداری از لذت‌های جنسی و مخالفت با احکام خداست به صراحت اعلام نمی‌کنند و به سخنان ضعیف و بهانه‌های واهی که بیشتر به یک کلاف سردرگم شبیه است می‌پردازند. جا دارد که به آنها گفته شود که می‌دانید با چه حقیقتی مخالفت می‌کنید؟ شما قبل از آنکه با من مخالفت کنید با آیات قرآن که حجاب را بیان کرده‌اند به مخالفت برخاسته‌اید و اگر خود عقیده ندارید به عقیده دیگران احترام گذارید. هر کسی این حق را دارد که نوع پوشش خود را انتخاب کند و معلوم است که اگر بین احکام خدا و نظر شما دوگانگی وجود داشته باشد حکم خدا را ترجیح خواهم داد. ضمن اینکه شما به ریشه مخالفت خود فکر کنید شاید مثل من هدایت شوید. گاهی مخالفت از سوی پدر، شوهر یا برادر است. اگرچه هیچ‌کس از مکر نفس و وسوسه‌های شیطان در امان نیست اما غالب مخالفت‌های آنها ناشی از جهل به فلسفه، آثار، برکات و حقیقت این حکم الهی است که باید با بیان مطالب مفید و ذکر آیات خدا آنها را متقاعد کرد و اگر از اعتقاد و یا غیرت لازم برخوردار نیستند به آنها گفته شود مایلیم چنین پوششی داشته باشیم که خداوند آن را واجب کرده است. چه اینکه آثار مثبت آن را احساس کرده‌ام و از مخالفت با احکام خدا هراسناکم. من قبل از آنکه فرزند یا همسر و یا خواهر شما باشم، بنده خدا هستم و خداوند تکلیف همه را روشن کرده است و بازگشت همه ما به سوی اوست. شما نیز به مخالفت خود بیاندیشید کمترین دلیل منطقی بر آن نخواهید یافت. شما چگونه حاضر می‌شوید که ناموس خود را ابزار تحریک نامحرم‌ان سازید. بیش از آنچه شما از من خودنمایی و غفلت بخواهید، از شما غیرت، مردانگی، بزرگواری و آگاهی می‌خواهم و اضافه شود چرا به جای مخالفت، علت پوشیدگی مرا سؤال نمی‌کنید؟ همان‌گونه که من علت منطقی مخالفت شما را خواستارم. اگر مخالفین از خانم‌های اقوام و یا دوستان باشند باید علت مخالفت و ملامت آنها را جویا شد. اگر سخنی داشتند به جواب منطقی آنها که در مواضع متعدد این کتاب هم به آن اشاره شده است پردازیم و اگر سخنی نداشتند از آنها بخواهیم از طرح سخنان و مخالفت‌های بی‌مورد پرهیز کنند و اضافه کنیم شما هم تسلیم خدا باشید و البته از خدا بترسید و قیامت را باور کرده باشید. حجاب شما از پوشیدگی من کمتر نخواهد بود. البته با انتخاب راه خدا برخی دوستان گذشته از انسان جدا خواهند شد و این خود شروع نیل به ارزش‌های الهی و انس با دوستان باتقوا خواهد بود. ۱۰- مدگرایی مدگرایی روحیه خاصی است که برخی زنان به آن مبتلا می‌شوند. مدگرا سعی دارد همواره از تازه‌های لباس و آرایش مطلع شود و با هر زحمت و قیمتی که هست از آنها بهره گیرد. مدگرایی در جامعه نتیجه غلبه شهوت و تنوع طلبی افراطی است که فراموشی دین و عقل را به همراه دارد. شهوت لباس، زنان و دختران مدگرا را به اسارت مدسازان درآورده است. مدسازان پشت پرده که با تحقیقات وسیع و روان‌شناسی لازم به ارایه مدهای جدید می‌پردازند به گونه‌ای به طراحی مدل‌های کفش، لباس و قیافه زنان می‌پردازند که پوچی، اسارت، مصرف و تحریک‌آمیزی آنها جهت اغفال جوانان و جو غفلت در جامعه مورد توجه و بلکه از ارکان نوآوری‌های آنها باشد. سخن با چنین زنانی این است که غالب مدهای ساخته غرب نظیر لباس‌های تنگ با اصول اخلاقی و بهداشتی مغایرت دارند چه اینکه لباس‌های تنگ مانع جریان صحیح خون و تنفس پوستی می‌شوند وانگهی اگر زندگی آدمی به ولگردی در خیابان‌ها، بررسی مدها، تازه‌های لباس و امثال آن بگذرد پس مسوولیت انسانی، آرمان الهی، سعادت اخروی و بسیاری از حقایق و ارزش‌های الهی و خلاصه هدف آفرینش آدمی و جهان پس از مرگ چه خواهد شد؟ زنان غربی این زندگی را طی کردند و نتیجه آن چیزی جز سقوط آنها نبود. تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت ۱۱- عملکرد دستگاه‌های ذریبط عملکرد، سخنان و برخوردهای مسوولان از بالا-ترین تأثیرات روانی و اجتماعی برخوردار است. اگرچه خانم‌هایی که حجاب شرعی را مراعات نمی‌کنند در قوانین حکومت

اسلامی مجرم و دارای کیفر می‌باشند اما تصویب صریح، جامع و متقن قوانین پوشش دینی که از ضروریات دین اسلام به شمار می‌رود از جمله اموری است که جای خالی آن احساس می‌شود و چه امری از تصویب ضروریات اسلام مهم‌تر که باید به آن پرداخته شود. دستگاه اجرایی نیز فراز و نشیب‌های فراوانی را در ارتباط با پوشش دینی طی کرده و سال‌های زیادی را با بی‌تفاوتی گذرانده است. امید است شورای انقلاب فرهنگی که از جایگاهی استوار برخوردار شده است با انجام کارهای تخصصی و تحقیقات واقع‌بینانه و برنامه‌ریزی‌های منسجم و مداوم فرهنگی و اجرایی وظیفه مهم خود را ایفا کنند و دستگاه قضایی کشور نیز به وظایف خود در برابر کسانی که حاضر نیستند علم عصیان بر زمین گذارند عمل نمایند که افت حجاب در دهه دوم و سوم بعد از انقلاب تأسف بار بوده است. یکی از مسائلی که باید به آن پرداخته شود، پوشش مشخص جهانگردان خارجی است که برخی از آنها به هدف بدآموزی با قیافه‌های حساب شده و لباس‌های خاصی در کشور اسلامی ما حضور می‌یابند که آثار منفی آنها بر کسی پوشیده نیست. وظیفه مهم دیگر نظارت لازم بر مؤسسات تولیدی است که بسیاری از آنها به مراکز مدسازی و دوخت لباس‌های مبتذل مبدل شده‌اند. آنها آزادانه و به دور از هر نظارتی به دوخت ماتوها، کاپشن‌ها و دیگر لباس‌های غیرشرعی مبادرت می‌ورزند و موقعیت لباس را به گونه‌ای کرده‌اند که اگر کسی بخواهد ماتو یا شلوار ساده و درخور شأنی خریداری کند موفق نخواهد شد. از این رو برخی از بدحجابی‌های دختران و زنان ناشی از لباس‌های تحمیلی ماتوسراهای سودجویی است که به فرهنگ بدحجابی و شهوترانی دامن می‌زنند و نظارت جدی دستگاه‌های ذیربط بر آنها به یکی از آرزوهای کهنه جامعه اسلامی مبدل شده است. لباس‌های دیگر به‌ویژه بچه‌ها و نوجوانان نیز از آثار و علایم غربی مصون نمانده است. لباس از جمله اموری بوده است که بیش از هر چیز دیگر مورد تاخت و تاز دشمنان اسلام و سرمایه‌داران سودجوی بد فرهنگ قرار گرفته است. نظارت ضروری دیگر کنترل بازیگران فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی است تا سیمای جمهوری اسلامی را وسیله ترویج مدهای جدید خود نسازند که ناگزیر از تأثیر منفی اخلاقی و اجتماعی آن خواهیم بود. ۱۲- خانواده‌هایی که از تعالیم دینی فاصله می‌گیرند به یک فرهنگ برزخی بین اسلام و خواسته‌های نفسانی خود می‌رسند. بسیاری از عقاید آنها رنگ مذهبی و دینی ندارد. اینان همان کسانی هستند که دین را لقلقه زبان ساخته و با کمترین سختی یا تضاد با تمایلاتشان به راحتی از دین خدا چشم‌پوشی می‌کنند. یکی از مسایل مهم اجتماعی که از ابعاد معنوی مبارزه با نفس برخوردار است پوشش دینی است که در خانواده‌های شبه مذهبی از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و فرزندان آنها نیز به فرهنگ تسامح به دین که از رهاوردهای تربیتی والدین است خو می‌گیرند و در نتیجه زاد و ولد آنها نیز نسخه‌های تکراری آنها خواهد بود. یعنی آنها نیز فرهنگ بی‌اعتنایی به احکام دینی را دنبال می‌کنند. بخشی از بدحجابی‌های جامعه منسوب به این خانواده‌ها و والدین شبه مذهبی است که از غیرت دینی تهی مانده‌اند. خوشا به حال دختری که از مادری عقیف و پوشیده برخوردار است که روحیه چنین مادری بهترین زمینه حجاب او خواهد بود. ۱۳- تقلید یکی دیگر از ریشه‌های خودنمایی و بی‌حجابی زنان، تقلید ناموجه از زنان و دخترانی است که بنا بر یکی از ریشه‌های بی‌حجابی، تقوای جنسی را ترک کرده‌اند. علل چنین تقلیدی: جهل، ساده لوحی، هم‌رنگی با دوستان، چشم و هم‌چشمی و فریب‌خوردگی از سخنان خانم‌های بی‌تقوایی است که در لباس دوست، همسایه، اقوام، هم‌کلاسی و امثال آن به انحراف او همت می‌گمارند. سخن با چنین مقلدهایی این است که تقلید در معصیت بنا بر هر یک از موارد ناموجهی که ذکر شد از بدترین نوع تقلید است زیرا اصل تقلید از کسانی که واجد شرایط الگوی انسان نیستند بلکه از جهت فکری یا اخلاقی آفت‌مندند، خود یک عمل جاهلانه است که تقلید از گناه آنها بر قبح و زشتی آن می‌افزاید. زن بی‌حجاب گلی پرپر شده است و کم‌ترین ارزش تقلیدی ندارد. خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد - این تقلید همان دنباله‌روی کورکورانه‌ای است که بدون کمترین تفکر، عاقبت‌اندیشی، بررسی ماهیت عمل و آثار و تبعات و احکام شرعی آن مورد توجه قرار می‌گیرد. انسان زمانی سهمی از مودت انسانی دارد که بیندیشد و براساس مصالح واقع‌بینانه و منافع همه جانبه خود تصمیم بگیرد و تنها با تفکر، اعتماد به نفس، مصلحت‌اندیشی، استقلال در عمل و ارزش

قابل شدن بر خویش است که می‌توان از این بیماری رهایی یافت. پی نوشت: ۱- نگاه پاک زن و نگاه آلوده به او ۲- همان منبع ۳- غررالاحکم ۴- اصول کافی، باب حیا ۵- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۳-۶- غررالاحکم ۷- آیین بهزیستی، ج ۳، ص ۲۳۲

عرضه و تقاضای بدحجابی

در این نوشتار سعی شده، با مروری کوتاه بر نظریه‌های علمی ارائه شده در زمینه تبیین (۱) (علت یابی) انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیر تحول آن نظریه‌ها، موضع جدیدترین نظریه‌ها، نسبت به این تلقی رایج در میان دینداران جویا شود و سرانجام با استمداد از بیانات عالمان دینی، از چشم‌انداز دینی به این موضوع پرداخته شود. اما پیش از بیان نظریه‌های مطرح در این زمینه، در ابتدا لازم است، مفاهیم اصلی به کار رفته در این مقاله تعریف گردد. یکی از رویکردهای مطرح در زمینه تبیین انحرافات اجتماعی، رویکرد گزینش عاقلانه است. طبق یکی از نگاه‌های جدید در این رویکرد، رابطه منحرفانه و کجروانه به منزله بازار انحراف و جرم است که مشتمل بر تقاضا و عرضه می‌باشد. بر طبق برداشت‌های جدید، فرد منحرف در بخش تقاضا قرار دارد و فرد بزهدیده به هیچ وجه در این جریان، منفعل و بی‌تأثیر نیست بلکه با قرار گرفتن در بخش عرضه، فعالانه در شکل‌گیری عمل منحرفانه شرکت می‌کند. این مدل تحلیل، در مورد انحرافات اجتماعی و اخلاقی ناشی از عدم رعایت حجاب صحیح کاربرد دارد و مستلزم سیاست‌های کنترلی متناسب با خود است. اگر با این رویکرد به تحلیل برخی متون دینی (آیات مربوط به حجاب) پردازیم، شاهد تأیید این مدل در این آیات خواهیم بود و تشریح حجاب به منزله یک سیاست کنترلی، به خوبی در این مدل معنا می‌یابد. موضوع بدحجابی در جامعه ما از اموری است که ذهن بسیاری از دینداران جامعه را به خود مشغول داشته است. تلقی بدحجابی به عنوان امری نابهنجار و نامطلوب نشانگر این است که ذهنیت فرهنگی و دینی ما برای بدحجابی آثار و تبعات نامطلوبی قائل است و به تعبیر دیگر، آن را علت برخی پدیده‌های نامطلوب دیگر در جامعه می‌انگارد. در این نوشتار سعی شده، با مروری کوتاه بر نظریه‌های علمی ارائه شده در زمینه تبیین (۱) (علت یابی) انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیر تحول آن نظریه‌ها، موضع جدیدترین نظریه‌ها، نسبت به این تلقی رایج در میان دینداران جویا شود و سرانجام با استمداد از بیانات عالمان دینی، از چشم‌انداز دینی به این موضوع پرداخته شود. اما پیش از بیان نظریه‌های مطرح در این زمینه، در ابتدا لازم است، مفاهیم اصلی به کار رفته در این مقاله تعریف گردد. معنی شناسی بدحجابی همان‌گونه که از ترکیب لفظی این مفهوم برمی‌آید، برای تعریف بدحجابی بهتر است، در ابتدا حجاب و حدود آن مشخص گردد و از آنجا که هدف دستیابی به اصطلاح شرعی این مفهوم است، باید دید که حجاب علاوه بر معنای لغوی، در شرع اسلام چه معنایی دارد. از نظر لغوی لغت حجاب به معنای پوشیدن، پرده و حاجب به کار رفته و در هیچ موردی اصالتاً به معنای نوع، سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می‌شود، اطلاق نشده است. (۲) در اصطلاح فقهی نیز برای رساندن معنای پوشش زنان، از لغت حجاب استفاده نشده و نمی‌شود، بلکه از لغت «ستر» که به طور دقیق، در معنای پوشش و پوشاندن است، استفاده می‌شود. (۳) در مورد میزان و مقدار پوشش بدن که در شرع اسلام برای زنان واجب شمرده شده است، با نگاهی به رساله‌های عملیه مراجع تقلید می‌توان دریافت که حجاب صحیح و واجب عبارت است از، پوشانیدن تمام بدن به جز قرص صورت و دو دست (از مچ دست به پایین). اما این تعریف فقهی تعریف حداقلی است و با نگرشی وسیع‌تر و دیدی اجتماعی به احکام اسلام شاید بتوان گفت تعریف ناقص است. به سخن دیگر، بر طبق رویکرد عالمان ژرف‌اندیش دینی، با تأمل دقیق در منابع آموزه‌های دینی، می‌توان از جنبه‌های فردی این حکم فراتر رفت و به ابعاد اجتماعی این رفتار متوجه گردید. همان‌گونه که استاد شهید مرتضی مطهری خاطر نشان ساخته است: «پوشش (و حجاب زن) در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.» (۴) بنابراین، مقصود از حجاب اسلامی، آن نوع پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد: (۱)- حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد. (۲)- با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. طبق

این تعریف، حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری نیز هست. با روشن شدن مفهوم حجاب، تصور جامع‌تری از بدحجابی در ذهنمان شکل می‌گیرد. بدحجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند؛ ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند ولی در عین حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش و در یک کلام، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع به گونه‌ای باشد که «زبان‌دار» (۵) باشد، یعنی با زبان بی‌زبانی توجه نامحرمان را به خود جلب نماید. تذکر این نکته لازم است که ویژگی خودنمایی و به تعبیری، زبان‌دار بودن رفتار و پوشش، ربطی به آگاهی و قصد فاعل رفتار یا پوشش ندارد و ممکن است این جلب نظر غیر آگاهانه و غیر عمدی باشد. انحراف اجتماعی انحراف یا کجروی (۶) به رفتار یا کنشی (۷) اطلاق می‌شود که هنجارهای مقبول جامعه را زیر پا می‌گذارد. (۸) در هر جامعه‌ای برحسب موقعیت‌های گوناگون، انتظارات خاصی از اعضای جامعه وجود دارد. بی‌توجهی به این انتظارات به معنای انحراف از آن‌ها محسوب می‌شود. این انتظارات و هنجارها بسته به اهمیتی که جامعه برای آن‌ها قائل است، می‌تواند واکنش‌های متفاوت اجتماعی را در قبال نقض آن‌ها برانگیزد؛ بر این اساس، هنجارهای اجتماعی را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم‌بندی نمود: ۱- شیوه‌های قومی (۹)؛ شیوه‌های قومی به آن دسته از هنجارهای اجتماعی اطلاق می‌شود که نقض آن‌ها هر چند نامطلوب و نابهنجار تلقی می‌شود، ولی واکنش شدید مردم را در پی ندارد و واکنش در حد عدم تأیید آنان محدود می‌ماند. (۱۰) مانند کسی که چشم چرانی کند، این رفتار گرچه امری نامطلوب تلقی می‌شود ولی معمولاً مردم با مشاهده آن چندان واکنشی نسبت به فرد مزبور نشان نمی‌دهند. ۲- رسوم اخلاقی (۱۱)؛ یعنی هنجارهای نیرومندی که از نظر اخلاقی مهم محسوب می‌شود و مجازات متخلفان از آنها، شدیدتر و شامل جریمه‌های مالی و فیزیکی می‌شود. (۱۲) برای مثال در جامعه ما حفظ حریم و احترام بانوان از هنجارهای مهم به شمار می‌رود و اگر کسی با گفتن متلک و سایر اذیت‌های کلامی این هنجار را نقض کند، سایر افراد شاهد قضیه به شدت با وی برخورد خواهند کرد. ۳- قانون (۱۳)؛ قانون آن دسته از هنجارهای اجتماعی است که جامعه، آن‌ها را چنان برای بقای خود حیاتی می‌داند که هنگامی تخلفی در مورد آن صورت بگیرد، دولت و ابزارهای حکومتی را به مقابله با آن‌ها وامی‌دارد و متخلف از آن‌ها ممکن است به زندان، محرومیت از حقوق اجتماعی یا اعدام محکوم شود؛ مانند ارتکاب زنا یا به عنف. (۱۴) در این نوشتار مقصود از انحرافات اجتماعی، انحراف از هنجارهای اجتماعی نوع دوم و سوم است، یعنی انحراف‌هایی که واکنش‌های نسبتاً شدید اجتماعی را ایجاد می‌نماید. تبیین‌های مختلف از انحراف اجتماعی مورد تبیین‌های مختلفی قرار گرفته است، از قبیل: تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی. در تبیین زیست‌شناختی، محور اصلی موضوع، ویژگی‌های بیولوژی و زیست‌شناسی فرد منحرف است که در آن ساختمان بدن تا عوامل ژنتیک شخص کجرو، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. (۱۵) در تبیین روان‌شناختی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خویش تأکید می‌شود. (۱۶) در تبیین اجتماعی که اینجا صرفاً این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد، انحراف اجتماعی نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود؛ بنابراین برای شناخت آن لازم است، مروری کوتاه به رویکردهای کلی و مهم در تبیین کنش اجتماعی شود تا در پرتو آن، پدیده انحراف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. با مروری بر نظریه‌های گوناگون در این حوزه، رویکردهای عمده و مهم در این زمینه به قرار ذیل می‌باشد: ۱- رویکرد کارکردگرا بر طبق رویکرد کارکردگرا (۱۷) «شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند.» (۱۸) برای مثال اگر سؤال شود که چرا در هر جامعه‌ای با وجود سیاست‌های کنترلی، میزانی از انحراف از هنجارهای اجتماعی به چشم می‌خورد، گفته می‌شود که به طور اساسی وجود میزانی از انحراف و هنجارشکنی در جامعه، برای حیات و بقای آن مطلوب و حتی ضروری است؛ چرا که انحراف و هنجارشکنی موجب می‌شود که هنجارهای اجتماعی از حالت اجمال و ابهام به درآیند و وضوح و روشنی بیشتری برای آحاد جامعه پیدا نمایند و این امر، وفاق بر سر هنجارها را که اساس انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهد، سهل‌تر می‌سازد. ۲- رویکرد ساختارگرا برحسب

رویکرد ساختارگرا (۱۹) «شئون مختلف جامعه را برحسب پیامدهای پیش‌بینی‌پذیر اوصاف ساختاری جامعه تبیین می‌کنند» (۲۰) به عنوان نمونه در مقام پاسخ به این سؤال که چرا در جامعه ما با وجود مقبولیت عام یک سری ارزش‌های اخلاقی در باب روابط مرد و زن، انحراف اجتماعی در این زمینه با درجات مختلف به چشم می‌خورد، اگر پاسخ داده شود که چون ساختار اقتصادی کشور موجب شده که افراد توانایی لازم برای تأمین حداقل امکانات برای تشکیل خانواده را نداشته باشند و به همین جهت از راه‌های خلاف هنجارهای اجتماعی به تأمین نیازهای غریزی خود روی می‌آورند، در واقع تبیینی ساختاری از این پدیده به دست آمده است. (۳) - رویکرد ماتریالیستی در رویکرد ماتریالیستی، با تحلیل صورت‌های مختلف تکنولوژی و آرایش‌های اجتماعی حاکم بر تولید (پایه اقتصادی (۲۱)) می‌توان ویژگی‌های مهم حیات جمعی را تبیین نمود. (۲۲) مطابق این رویکرد، وجود انحراف اجتماعی و هنجارشکنی در جوامع امروزی ناشی از این امر است که در این جوامع اقتصاد سرمایه‌داری حاکم است. تأکید بر فردگرایی یکی از نیازهای حیاتی چنین نظام اقتصادی است و رواج فردگرایی به معنای سست شدن پابندی افراد جامعه به هر چیزی است که لازم‌هاش کنار گذاشتن خواسته‌های فردی و توجه به اقتضات زندگی جمعی است. چنان که مشاهده می‌گردد، این سه رویکرد در تبیین کنش‌های اجتماعی از جمله انحرافات اجتماعی، بر عوامل کلان اجتماعی (که در خارج از ذهن کنشگر قرار دارند) تأکید دارند و به متغیر فرد کنشگر، ذهنیت و فعل و انفعالی‌هایی که در ذهن او صورت می‌گیرد تا به ارتکاب عملی منتهی می‌شود، توجهی ندارند. هرچند توجه به عوامل کلان به هیچ وجه قابل اغماض نیست و در جای خود ضروری است، ولی از آنجا که کنش، از یک عامل انسانی دارای آگاهی و اراده سرمی‌زند، نقش فرد کنشگر را نباید از نظر دور داشت. در اینجا ضمن اذعان به سودمندی تبیین‌های سطح کلان، برای تبیین در سطح خرد، بر توضیح رویکرد ذیل متمرکز می‌گردد. (۴) - رویکرد گزینش عاقلانه رویکرد گزینش عاقلانه (۲۳)، یک اصل محوری دارد و آن «این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده (سنجشگرانه) است... آدمیان در چند راهی‌ها راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند... عملی عاقلانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف، وسیله مناسبی برای رسیدن به هدفی باشد.» (۲۴) بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینش عقلانی فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد؛ به علاوه، در این رویکرد اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد. (۲۵) در قلمرو جرم‌شناسی، نقطه اوج این نوع تبیین را در آغاز می‌توان در قرن هفدهم میلادی در ایده‌های مکتب کلاسیک در حوزه جرم‌شناسی مشاهده نمود. (۲۶) اصول این تفکر با پیدایش تفکر پوزیتیویستی در حوزه علوم طبیعی و انسانی به دست فراموشی سپرده شد. از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز می‌توان شاهد طرح تدریجی این دست تبیین‌ها بود؛ در این تبیین‌ها از نو، بزهکاران کنشگرانی اندیشه‌ورز تلقی می‌شوند که برای ارتکاب رفتارهای انحرافی خود برنامه‌ریزی‌های خاص دارند، از جمله آن‌که قبل از هرچیز، آماج‌های رفتار خویش را مورد توجه قرار می‌دهند و اگر ضررها و خطرهای عمل مورد نظر را بیش از منافع حاصل از آن ببینند، از ارتکاب آن چشم می‌پوشند. (۲۷) رویکرد عرضه و تقاضا اهمیت رویکرد گزینش عاقلانه در حوزه تبیین‌های خرد از رفتار منحرفانه در این است که اساس و مبنای نظریه‌ها و رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است. یکی از اساسی‌ترین و قدیمی‌ترین این‌ها، رویکردی است که رابطه منحرفانه و کجروانه را به صورت بازار عرضه و تقاضا تصویر می‌کند و فرد کجرو را در جایگاه «عرضه‌کننده» می‌نشانند. (۲۸) «ارلیش» (۲۹) با چنین دیدگاهی نقش عوامل بازدارنده (مانند مجازات‌های قانونی و اجتماعی در نظر گرفته شده) را دارای اهمیتی قاطع در تعیین فراوانی انحراف و کجروی در هر جامعه‌ای می‌داند. (۳۰) بنابراین برای کنترل روند انحرافات، باید بالا- بردن هزینه جرم از طریق تقویت بازدارنده‌ها، مثل مجازات بزهکار، پلیس و نظام جزایی را در دستور کار قرار داد. (۳۱) اشکالی که در این رویکرد هست، این است که به طور مشخص بیان نمی‌شود که در این بازار انحراف و جرم، نقش تقاضا را چه کسی ایفا می‌نماید. اما روایت جدیدتر تقریر «ون دیک» (۳۲) از این رویکرد است. وی فرد

منحرف و آسیب‌ساز را شاخص بخش «تقاضا» و بزه‌دیده (کسی که از رفتار انحرافی آسیب می‌بیند) را شاخص بخش «عرضه» قلمداد می‌کند؛ بدین معنا که آنچه فاعل حقیقی کجروی در بازار جرم و کجروی دارد، صرفاً آمادگی و انگیزه و گاه ابزار لازم برای این کار است؛ در مقابل، آنچه فرد بزه‌دیده عرضه می‌دارد، آسیب‌پذیر نمایاندن خود و ایجاد این باور در فرد منحرف است که می‌تواند انگیزه و توانمندیش برای هنجارشکنی را به فعلیت برساند. بدین‌سان روشن می‌شود که این روایت از رویکرد گزینش عاقلانه، یک گام از روایت قبل جلوتر است؛ چرا که تحلیل خود را صرفاً بر شخص خاطی متمرکز نمی‌سازد بلکه به نقش آفرین بزه‌دیده در جریان انحراف و کجروی صحنه و تأکید می‌گذارد. به تصریح برخی محققان (۳۳) در خلال دهه ۱۹۹۰، «در میان جدیدترین معارف جرم‌شناختی، دیگر مسأله عمده، مجرم نیست بلکه بزه‌دیده است، یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر کند.» (۳۴) این بیان گرچه به طور مشخص در مورد شکستن هنجارها از نوع قانون (نوع سوم از تقسیم‌بندی هنجارهای اجتماعی) ابراز شده ولی به راحتی می‌توان آن را به سایر هنجارهای اجتماعی نیز تعمیم داد. بدحجابی در رویکرد عرضه و تقاضا تبیین‌های مختلف از انحراف اجتماعی، به طور عام و نظریه مبتنی بر ایده بازار عرضه و تقاضا به طور خاص، جنبه تبیینی دارند؛ بدین معنا که به دنبال تعیین مقصر اصلی در کنش منحرفانه و هنجارشکنانه نیستند. از این‌رو، برحسب این نظریه، کسی که عامل انحراف تلقی می‌شود (در صورتی که انحراف در حد نقض قانون باشد)، از نظر حقوقی مسئول شناخته نمی‌شود و لازم نیست بار مجازات را تحمل کند. زیرا همان‌طور که گفته شد، مقصود اصلی این است که در عین اذعان به مسئولیت فرد منحرف و متخلف نسبت به عمل خود، شناسایی زمینه و عوامل کوچک و بزرگی که موجب پدید آمدن و تحقق کنشی کجروانه شده‌اند، فراهم گردد تا بدین ترتیب، سیاست‌هایی که در جهت کاهش انحراف پیشنهاد و اجرا می‌شود، نسبت به برخی عوامل بروز انحراف دچار بزرگ‌بینی بیش از حد و نسبت به برخی دیگر دچار غفلت و جهل نگردد. برای مثال در مورد مبحث اصلی این نوشتار که در حوزه روابط بین مرد و زن می‌باشد، به طور قطع هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در این مورد کاملاً فاقد هنجار و قواعد رفتاری باشد. نقض این هنجارها نیز بسته به اهمیت هنجار نقض شده، واکنش متناسب با خود را در پی خواهد داشت. برطبق نظریه عرضه و تقاضا، در راستای حفظ هنجارها، حریم‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و نیز به دنبال راهکارهایی برای کاهش یا حذف انحرافات علاوه بر اینکه مجازات متوجه فرد منحرف می‌شود، شخص بزه‌دیده هم (که در این موارد معمولاً جنس زن است)، از این سرزنش و سیاست در امان نمی‌باشد، چرا که او هم صرفاً منفعل نبوده است. چون زنان به علت مطلوبیت‌های طبیعی که خواه‌ناخواه در ظاهر و جسم خود، در نظر مردان دارند و نیز به علت مطلوبیت‌ها و جذابیت‌هایی که می‌توانند آگاهانه یا ناآگاهانه (براساس تربیت نادرست) به رفتار خود در منظر مردان ببخشند، در بخش عرضه قرار می‌گیرند. این در حالی است که در وضع عادی، جذابیت‌ها و مطلوبیت‌های مردان برای زنان از سنخ امور ظاهری و جنسی نیست و از این لحاظ آنان عرضه‌کننده نیستند بلکه متقاضی هستند. بنابراین، هر قدر این اقسام زیبایی‌ها از جانب زنان، بیشتر در دسترس مردان باشد، به معنای عرضه بیشتر آن‌ها در برابر انظار متقاضیان است. اقتضای چنین وضعی، بیانگر این پیام (هرچند معمولاً ناخواسته) از جانب زنان بالقوه بزه‌دیده به مردان بالقوه کجرو است که آن‌ها به راحتی به این نوع زنان دسترسی پیدا کنند. در این صورت امکان نقض هنجار سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌گردد. آنچه در این میان مانع بروز کنش کجروانه می‌شود، یکی هزینه بالای کجروی به علت مجازات سنگین قانونی یا اجتماعی و دیگری، کاهش آگاهانه یا ناآگاهانه عرضه از طریق وجود الگوهای رفتاری صحیح در میان زنان است. با چنین مقدمه‌ای روشن می‌شود که بی‌حجابی یا بدحجابی به معنای عام، عرضه هرچه بیشتر است. یکی از راه‌های کاهش عرضه، رعایت حجاب به معنای عام آن (پوشش اندام و زباندان نبودن رفتار) است، چرا که فرصت‌های هنجارشکنی را از دست کجروان می‌گیرد. البته این نکته نیز شایان ذکر است که این پوشش و محافظت نباید چنان افراط‌آمیز باشد که خود از سویی دیگر به جلب توجه و در نتیجه، به نوع دیگری از عرضه منجر شود. به طور کلی اساس حد و مرز افراط و تفریط در این باب بیشتر

به عادات فرهنگی هر جامعه یا اجتماعات کوچکتر برمی گردد. برای مثال در اجتماعات روستایی، بیرون ماندن مقداری از موی سر زنان در برابر مردان نامحرم شاید عرضه و مایه جلب توجه نباشد (به همین دلیل برخی مراجع از جمله حضرت امام (ره) در رساله‌های علمیه خود هرچند با احتیاط بسیار، این مقدار را از شمول وجوب ستر استثنا کرده‌اند)، ولی معلوم نیست، همین امر در غیر روستا چنین وضعی داشته باشد. پس از آشنایی با این نظریات، نظرگاه متون دینی در تأیید یا نفی این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما قبل از ورود به این بحث لازم است، نکته‌ای در باب رابطه بین گزاره‌های دینی و نظریات علمی روشن شود. پرواضح است که اعتبار گزاره‌های دینی اسلام، از اعتقاد به مبدأ وحی نشأت می‌گیرد و تأیید یا عدم تأیید علوم تجربی نمی‌تواند و نباید در پایبندی به گزاره‌های دینی دست کم در خصوص ضروریات دین خدشه وارد سازد. اما این نکته را نمی‌توان انکار کرد که اطلاع از این نظریات که حاصل تلاش و کنکاش عقل بشری برای حل مشکلات زندگی و اصلاح راه‌های رفته است، می‌تواند به فهم بهتر و روشتر گویهرهای گران‌بهایی که منبع وحی در اختیار دینداران قرار داده، کمک شایان نماید. به علاوه، این نظریه و نظریه‌های مشابه آن تراوش ذهنی کسانی است که در یک بستر فرهنگی خاص با سابقه تاریخی بی‌اعتنایی به گزاره‌های دینی پرورش یافته‌اند و کشانده شدن آنان به اتخاذ چنین مواضع علمی‌ای، به معنای یک عقب‌نشینی از مواضع علمی گذشتگان خود و به یک معنا دلالت‌گر بر آزمون تجربی گزاره‌های دینی اسلام است، امری که امکان آن برای مسلمانان به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی فراهم نیست. حجاب در قرآن عمده متون دینی که در این بخش مطرح می‌گردد، آیات مربوط به حجاب است که دو سوره قرآن، نور و احزاب آمده است. در این نوشتار، به آنچه در این آیات در مورد تعیین حد واجب آمده پرداخته نمی‌شود، بلکه مقصود اصلی بهره بردن از آن‌ها در راستای موضوع بحث است. (۳۵) محدود شدن تقاضا - «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهن ذلک از کی لهم ان الله خبیر بما یصنعون» (۳۶) خداوند متعال در این آیه تکلیف مرد نامحرم را در عرصه اجتماع و به هنگام برقرار کردن ارتباط با زن نامحرم مشخص ساخته است. خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که به مردان مؤمن ابلاغ کند که آیا؟² خیره شدن به زنان پرهیزند و دامان خود را از گناه حفظ کنند. (یا بر طبق تفسیر دیگری، فرج خود را از دیدگان دیگران بپوشانند.) محدود شدن عرضه زنان مؤمن همچون مردان باید نگاه خویش را کنترل نمایند. اما آن‌ها علاوه بر این تکلیف مشترک، موظف به انجام تکالیف دیگری نیز هستند. این تفاوت و تکلیف اضافی، نه از روی تبعیض ناروا بین زن و مرد است بلکه متناسب با تفاوت ذاتی این دو جنس است. مرد متقاضی است و همواره از طریق دیدن به دامن خطا می‌افتد، بر خلاف زن که چنین نیست. خطای زن در نحوه عرضه زیبایی‌های خویش است که همان خودنمایی و جلب نظر است؛ از این رو، شارع مقدس با تشریح حجاب در نظر داشته که عرضه، به حیطة خاصی (محیط امن خانواده) محدود شود. محدودیت عرضه، در اصل موجب محدود گشتن تقاضا می‌گردد. زیرا زنان با رعایت و حفظ حجاب، خود را از هوس‌بازی‌های مردان در امان نگه می‌دارند و می‌توانند آزادانه در جامعه حضور پیدا کنند، بدون اینکه مورد اذیت و آزار قرار بگیرند و خود را به راحتی و ارزان در عرضه تماشای مردان قرار دهند. همان‌طور که در مفهوم‌شناسی حجاب ذکر گردید، عرضه حجاب محدود به یک زمینه نیست، بلکه دامنه آن فراتر از حفظ پوشش ظاهری است که به این موارد اشاره می‌گردد: (۱) - پوشش - «یحفظن فروجهن و لایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخرمهن علی جیوبهن» (۳۷)، «و زیور خویش آشکار نکنند، مگر آنچه پیدا است و سرپوش‌های خویش بر گریبان‌ها بزنند.» در فراز انتهایی این آیه، دستور دیگری به عنوان مکمل حجاب شرعی ذکر شده که مؤید نگرش مذکور است: «و پای به زمین نکوبند که زیورهای مخفی‌شان دانسته شود.» زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و گاه برای آن که بفهمانند که زینتی قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم به زمین می‌کوبیدند. مضمون این نهی را می‌توان توسعه داد و هر آنچه عرضه و خودنمایی زن تلقی می‌شود، مانند استعمال عطرها، تند و آرایش در چهره را می‌توان ممنوع دانست. موارد استثنائی البته در جایی که تقاضایی نباشد، منطبق حکم می‌کند که این حکم لغو شود، چنانچه در ادامه فرازی از این آیه ذکر گردیده است. این موارد استثنائی، گاهی در جانب تقاضا یعنی مرد و

گاهی در جنبهٔ عرضه، یعنی زن قرار دارد که به اجمال شامل موارد ذیل می‌گردد: - مردانی که احتیاج به زن ندارند؛ «و زیور خویش آشکار نکنند مگر ... مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند.» (۳۸) مقصود از مردان طفیلی، قدر مسلم دیوانگان و افراد ابله است که به علت عدم درک زیبایی‌های زنان در زمینه امور جنسی اساساً در خارج از دایره تقاضا قرار دارند. - کودک نابالغ؛ «کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کام‌جویی از زنان توانا نیستند).» (۳۹) - زنان پیر؛ «و زنان قاعده و بازنشسته که امید ازدواج ندارند، باکی نیست که جامه خویش (یعنی روسری و چهارقد) را بر زمین نهند (البته در صورتی که خود را به زیوری نیاراسته باشد و قصد خودنمایی نداشته باشند؛ و اگر از این نیز خودداری کنند برایشان بهتر است.» (۴۰) این آیه را می‌توان به عنوان استثنایی دیگر بر حکم حجاب که قبلاً ذکر شد دانست و فلسفه آن این است که این زنان به طور عادی، چیزی برای عرضه ندارند و رغبت و تقاضایی نسبت به آنان وجود ندارد؛ از این رو، وجوب حجاب (لزوم پوشانیدن سر در حضور نامحرم) از آنان برداشته شده است؛ ولی همان‌گونه که در آیه تصریح شده این رخصت مشروط به این است که قصد عرضه و خودنمایی در کار نباشد. دستور کلی اخلاقی که در انتهای آیه آمده، مبنی بر ترجیح داشتن رعایت عفاف در هر حالی و در هر سنی، بیانگر توجه بیشتر شارع به جنبه عرضه و سالم نگه‌داشتن اجتماع از زمینه‌های انحراف است. - «والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثمًا میناً یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک اذنی آن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیمًا. لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجعون فی المدینه لنگرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلاً.» (۴۱) «آنان که بدون جهت مردان و زنان با ایمان را آزار می‌رسانند، بهتان و گناه بزرگی مرتکب می‌شوند. ای پیامبر به همسران و دختران و به زنان مؤمنین بگو که روسری‌های خویش را به خود نزدیک سازند (خود را با آنها پوشانند). این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در شهر نگرانی ایجاد می‌کنند از کارهای خود دست برندارند، ما تو را علیه آنان خواهیم برانگیخت؛ آن‌گاه فقط مدت کمی در مجاورت تو خواهند زیست.» این آیات به خوبی صحنه بازار جرم و انحراف را تصویر می‌نماید. ظاهراً چنان‌که برخی مفسرین گفته‌اند، گروهی از منافقین و افراد منحرف در اوایل شب که هوا تازه تاریک می‌شد، در کوچه‌ها و معابر مزاحم زنان (اکثراً کنیزان) می‌شدند؛ برای مقابله با این پدیده دو راهکار در پیش روی جامعه قرار داده شده است که هر یک در جای خود اهمیت دارد: - رعایت حجاب در خارج از منزل؛ زیرا از این طریق زنان نجیب و عفیف یعنی کسانی که قصد عرضه خود را ندارند، شناخته می‌شوند و بیماردلان از اینکه چشم طمع به آنان ببندند و آنان را مورد اذیت قرار دهند، چشم می‌پوشند. - برخورد فیزیکی و کاربرد زور و اجبار علیه افراد خاطی و منحرف؛ خداوند در این آیه، افراد مزاحم و بیماردل را به حمله و حرکت شدید پیامبر (ص) علیه آنان و حتی تبعید از جامعه پاک اسلامی تهدید می‌کند. نکته مهم دیگر در این باب، مقدم داشتن راهکار فرهنگی است که کانون آن را کنترل بزه‌دیدگان احتمالی و آماج‌های جرم و انحراف بر رفتار خود و محافظت آنان از خود در برابر افراد آماده ارتکاب انحراف و جرم تشکیل می‌دهد. این تقدم در ذکر راهکارها در آیه شریفه، هرچند تقدم زمانی استفاده از راهکار اولی بر راهکار دوم را نمی‌رساند، ولی می‌تواند بیانگر تأکید و اهمیت بیشتر در نظر شارع مقدس باشد. (۲) - گفتار - «یا نساء النبی لستن کاحدٍ من النساء إن اتقین فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً.» (۴۲) «ای زنان پیغمبر، شما اگر پرهیزکار باشید، همچون سایر زنان نیستید؛ مواظب باشید که در سخن، نرمش زنانه و شهوت‌آلود به کار نبرید که موجب طمع بیماردلان گردد؛ به خوبی و شایستگی سخن بگویید.» خودداری از سخن گفتن به شیوه تحرک‌آمیز، شاخصه دیگر حجاب است. در این آیه با صرف نظر از اینکه روی سخن با زنان پیامبر (ص) است، به خوبی نشان داده شده مردانی که احتمال انحراف در آنها وجود دارد، آنچه در نزد آنان است، آمادگی درونی و تقاضا است، اما طرف دیگر قضیه این است که در عرصه اجتماع آنچه مایه گسترش این بیماری و خارج شدنش از حالت درونی و باطنی به حالتی بیرونی و عملی می‌شود، عرضه نشود تا از این طریق زن‌ها

در امنیت قرار بگیرند و بتوانند آزادانه در اجتماع حضور پیدا کنند. بخشی از آیه ۵۳ همین سوره، نیز همین مضمون را با بیانی دیگر تأکید و تقویت می‌کند؛ آنجا که خداوند به مسلمانان توصیه می‌کند که اگر از زنان پیامبر (ص) درخواستی دارند، خواسته خود را از پشت حجاب و پرده‌ای و بدون داخل شدن در منزل مطرح کنند: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ؛ سپس به علت این توصیه اشاره می‌فرماید: «این برای پاکیزگی دل شما و دل آنان (زنان پیامبر) بهتر است.» «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» از مقدم داشتن «لقلوبکم» یعنی دل شما مردان، بر «قلوبهن» یعنی دل زنان پیامبر (ص)، شاید بتوان استنباط کرد که آمادگی برای انحراف قلبی که مقدمه انحراف عملی است، از راه شنیدن صدای جنس مخالف، در مردان بیشتر و قوی‌تر است لذا خداوند تکلیف بیشتری را متوجه زنان کرده و آنان را به پوشاندن خود از دیدگان نامحرمان و محافظت خود از طریق حفظ حریم در رفتار و سخنان واداشته است. (۳) - رفتار - «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن.»، (۴۳) «و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند.» - «و قرن فی بیوتکن ولا تبرز الجاهلیة الاولى» (۴۴)، «و در خانه‌های خویش قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخستین، به خودنمایی و خودآرایی از خانه خارج نشوید.» این آیه نیز چنان که از سیاق آن پیداست، بر روی خارج شدن زنان پیامبر (ص) از منزل، همراه با عرضه خود به نامحرمان، حساسیت به خرج داده است. البته مقصود از آن حبس کردن زنان ایشان در منزل نیست، چرا که تاریخ اسلام گواه آن است که سیره معمول پیامبر (ص) بر چنین رفتاری استوار نبوده است و نیز فقط پوشش مراد نیست، بلکه خودنمایی در تمام صور و شیوه‌هایش، اعم از نوع نگاه و رفتار مورد نظر است. در مجموع، آنچه از ملاحظه چند آیه شریفه مذکور به دست می‌آید، این است که در تمام این آیات، بیش از همه بر حفاظت زنان از خود در پوشش، رفتار، سخن و ... و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع انحراف در مرحله عمل (و حتی در مرحله نیت و خطورات ذهنی) تأکید شده و فقط در یکی از این آیات به راهکار کنترل از طریق اعمال زور و سیاست‌های بازدارنده راهنمایی شده است. همین امر به ما نشان می‌دهد که در یک جامعه اسلامی، برابر تعالیم دینی و نتایج تحقیقات جدید علمی، در امر کنترل انحرافات اجتماعی و اخلاقی در روابط زن و مرد، نقطه تأکید باید بر مقاوم‌سازی بزه‌دیدگان (زنان) در برابر افراد آماده جرم و انحراف و کنترل عرضه در برابر افراد متقاضی، از طریق کار فرهنگی سنجیده و بلند مدت در زمینه ترویج معنای صحیح حجاب صورت گیرد. فهرست منابع: × مطهری، مرتضی: «مسأله حجاب»، انتشارات صدرا، تهران، سال ۱۳۶۶. × سلیمی، علی؛ داوری، محمد: «جامعه‌شناسی کجروی»، کتاب اول، پژوهشکده حوزه دانشگاه، قم، ۱۳۸۰. × لیتل، دانیل: «تبیین در علوم اجتماعی»، عبدالکریم سروش، مؤسسه فرهنگی صراط، چ اول، ۱۳۷۳. نوشتها: (۱) - (۲) explanation. - مطهری، ص ۷۸. (۳) - همان، ص ۷۹. (۴) - همان. (۵) - رک. همان، ص ۸۰. (۶) - (۷) deviance. - در مورد تفاوت بین رفتار (behavior) و کنش (action)، رک. سلیمی و داوری، صص ۲۰۶-۲۰۸. (۸) - همان، صص ۲۲۲-۲۲۴. (۹) - (۱۰) folkways. - رک. سلیمی و داوری، ص ۲۴۲. (۱۱) - (۱۲) mores. - سلیمی و داوری، ص ۲۴۲. (۱۳) - (۱۴) law. - رک. سلیمی و داوری، ص ۲۴۲. (۱۵) - نک. همان، صص ۳۸۴-۴۰۶. (۱۶) - نک. همان، صص ۴۰۶-۴۲۵. (۱۷) - (۱۸) functionalist approach. - لیتل، ص ۱۵۱. (۱۹) - (۲۰) structuralist approach. - لیتل، ص ۱۵۱. (۲۱) - (۲۲) economic base. - رک. لیتل، ص ۱۹۵. (۲۳) - (۲۴) rational choice approach. - لیتل، صص ۶۴-۶۵. (۲۵) - سلیمی و داوری، ص ۳۷۰. (۲۶) - رک. همان. (۲۷) - رک. همان، صص ۳۷۰-۳۷۱. (۲۸) - همان، ص ۳۲۱. (۲۹) - (۳۰) Erlich. - سلیمی و داوری، ص ۳۸۰. (۳۱) - همان، ص ۳۲۱. (۳۲) - Barbara - J.M. Van Dik. (۳۳) - (۳۴) Hudson. - سلیمی و داوری، صص ۳۲۴-۳۲۳. (۳۵) - در این قسمت، از توضیحات و تفسیر آیات مربوطه در کتاب «مسأله حجاب» (صص ۸۰-۱۲۵) استفاده گردیده است. (۳۶) - نور، ۳۰. (۳۷) - همان، ۳۱. (۳۸) - همان. (۳۹) - همان. (۴۰) - همان، ۶۱. (۴۱) - احزاب، ۵۸-۶۰. (۴۲) - همان، ۳۳. (۴۳) - نور، ۳۱. (۴۴) - احزاب، ۳۳.

این روزها کمتر انسان دلسوز و متدینی را می توان یافت که از وضعیت حجاب خانمها در سطح خیابانها خصوصا در شهرهای بزرگ راضی باشد به تعبیر دیگر اگر نگوییم در این زمینه دچار عقب رفت شده ایم حداقل در جازده ایم ، در این زمینه علاوه بر رهبر معظم انقلاب علما و مراجع بزرگوار هم به صراحت راجع به این موضوع هشدارهای لازم را ارایه فرموده اند منتها باید دید که علل اصلی و فرعی آن چیست و چه عواملی دست به دست هم می دهند و به این معضل آزار دهنده دامن می زنند؟ ابتدا باید عنوان کنیم که اکثریت خانمها حتی آن دسته از بانوانی که در این زمینه دقت لازم را بخرج نمی دهند هیچ عنادی با مفهوم حجاب و ابعاد و جوانب ایمن کننده آن ندارند و تنها می توان تعداد اندکی از بدحجابان را عامد و عالم به کار خود دانست و حساب آنها را با اکثریت زنان و دختران خوب سرزمینمان جدا کرد . اما چرا جمعی از زنان و دختران جاهلانه و بدون غرضهای آنچنانی از حجاب کامل استنکاف دارند و در این زمینه خود را در معرض انواع آسیبهای روحی ، روانی و حتی جسمی قرار می دهند ، بنظر می رسد برخی از خواهران ما واقعا اشراف لازم نسبت به این آسیبهها را ندارند یا دانایی و هوشیاریشان در این مورد خاص دچار نقصان شده است . متأسفانه کاملا روشن است که رواج استفاده از شبکه های ماهواره ایی به این مسئله دامن زده است و بواسطه همین موضوع وظیفه دستگامهای تبلیغی و رسانه ای مضاعف شده باید با تسلط به ظرایف این حوزه حساس کارها و برنامه های خویش را بطور کمی و کیفی افزایش دهند و یکی از جبهه های جنگ نرم را در همین زمینه تعریف نمایند . رواج مد گرایی در میان دختران و پسران که بعضا و بصورت ناخواسته از سوی رسانه ملی هم بدان بی توجهی می شود یکی از عوامل اصلی افزایش بدحجابی و صور رو به تزیید آن است ، گویی برخی از جوانان و نوجوانان ما چون با وقار و متانت پیشین بیرون بیایند احساس تنهایی و انزوای در خیابان میکنند واحساس عقب ماندن از غافله می نمایند ، لذا ابتدا باید این فضا را شکست ، باید به جوانانمان ، به شعورشان و شخصیتشان ارج گذاشت و دقیقا از همین زاویه آنها را در برابر امواج مخرب بی موالاتی تحریک و تحریر کرد ، یک دختر جوان باید این احساس شخصیت را داشته باشد که تن و روح او افضل از آن است که اسیر هوسبازی برخی از مردان قرار گیرد ، او قبل از اینکه یک بانو باشد یک انسان است و همین کافی است که حرمت و شخصیت و اعتبارش بدون توجه به جنسیتش تعریف شود و حتی مورد توجه قرار گیرد ، دخترانمان باید نیک بدانند که در جامعه شاراتانهای بسیاری وجود دارند که حتی اگر به هنر و علم و تعهد خانمی توجه نشان می دهند هدف اصلیشان چیز دیگریست و زن را جز برای تمتع و جسمش نمی خواهند و قبول ندارند اگر صدا و سیمای ما بتواند این پدیده شوم و گسترده را به صورت ملموس و هنر مندانه نشان دهد مطمئنا حتی خانمهای غیر مذهبی هم در قبولش و ایمن ساختن خویش تردید نمی کنند ، این معنا که حجاب شخصیت پنهان و اصلی و انسانی زن را آزاد می کند و جسمش را از دسترسی بلهوسان دور می دارد یک معنای خواستنی و رویایی برای همه خانمهاست منتها ما نتوانسته ایم آنچنان که باید این معنای زیبارا به آنها بیاورانیم . نکته بسیار مهم در شرایط کنونی آن است که دلسوزان جامعه باید تلاش کنند تا اصل موضوع حجاب به منازعات سیاسی کشیده نشود تا عده ای از بی اعتقادان به حجاب از بدحجابی بعنوان یک سوژه سیاسی سود نبرند . درست است که معدود بدحجابانی وجود دارند که عمدا و برای مقاصد سیاسی رخ از نقاب بر می کنند ولی اکثریت خانمهایی که دچار سهو در رعایت حجاب اسلامی هستند هیچ عنادی با اسلام و انقلاب ندارند و چه بسا اگر متوجه سوء استفاده از نوع پوشش خود شوند حساسیت لازم را نسبت به آن بخرج خواهند داد . مخلص کلام اینکه دیگر زمان برخورد شعاری صرف با موضوع حجاب گذشته است و باید در طرحی جامع و همه جانبه همه ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته راههای رسیدن به یک وضعیت مطلوب کنکاش شود و در عمل هم همه دستگامهای دولتی و عمومی بدان اهتمام ویژه کنند " همه باید علل و عوامل و آسیبهای بدحجابی را بشناسند و نسبت به چگونگی مواجهه با آن آگاهی لازم را داشته باشند چرا که تنها طی یک دید کلی و علمی و همه جانبه است که می توان به مصلف معضلی به این بزرگی و حساسیت رفت.

بدمجایی یا جلوه فروشی!

شناخت رازهای خلقت می تواند ما را در ارائه راه حلی صحیح برای مسائل بشری یاری دهد. انسان با ویژگی هایی خاص آفریده شده است. از مهمترین خصوصیات و ویژگیهای خلقت انسان که با عشق، صمیمیت، محبت و لذت همراه است- نیاز به ازدواج و ارتباط جنسی زن و مرد برای بقای نسل بشر است. ارزش بودن جذابیت متقابل جنسی و نعمت بزرگ الهی دانستن آن از نقاط مشترک دیدگاه های اسلام و غرب محسوب می شود. اما تفاوت در نگاه اسلام و غرب در این ارتباط است که اسلام جذابیت جنسی را تنها یک ارزش زناشویی می داند ولی غرب آن را به عنوان ارزشی اجتماعی نیز قلمداد می کند. این مسأله یکی از مهمترین تفاوت های دیدگاه اسلام و غرب در این زمینه می باشد. اسلام علاوه بر ارزش دانستن جذابیت جنسی در روابط زناشویی - و تأکید بر مطلوب بودن این رابطه، مانع تبدیل آن به یک ارزش اجتماعی می شود. سهولت ازدواج در اسلام گواه دیگری بر این مدعی است. اما در فرهنگ غربی جذابیت جنسی را ارزشی اجتماعی در کنار ارزش های دیگر می شناسند. تا کنون در ارتباط با جذابیت جنسی چندین تحقیق علمی در غرب انجام شده است. موضوع آزمایش این بوده که " غدد جنسی مرد و زن چگونه تحریک می شوند و به عبارتی مرد و زن چگونه تحت تاثیر جنس مقابل قرار می گیرند. "آزمایش کنندگان دستگاه هایی را به قلب، مغز و قسمت های مختلف بدن افراد متصل کردند و پس از انجام آزمایشات مختلف دریافتند که تأثیر پذیری جنسی در مردان از طریق نگاه (چشم) بسیار بیشتر از تاثیر پذیری زنان از طریق نگاه است که آن را لذت بصری می نامند. البته این موضوع را باید از نعمت های خداوند و در دایره ی تدابیر و الطاف الهی به شمار آورد که در صورت استفاده صحیح موجب سالم شدن روابط زناشویی و محیط های اجتماعی می گردد. توصیه های اسلام، راه حل مناسبی است تا ضمن وجود این ارزش در روابط زناشویی و تأکید بر آن، از ورود جذابیت جنسی به حوزه های اجتماعی جلوگیری شود. حجاب زنان از مهمترین راه حل هایی است که برای روابط اجتماعی مطرح شده است. البته حدود حجاب برای زن و مرد متفاوت است و دلیل آن هم خصوصیات و ویژگی های متفاوتشان است. اگر زن نیز مانند مرد از طریق نگاه تحت تأثیر جنسی قرار می گرفت، بایستی مردان هم برای خود پوشش کامل تری را انتخاب می کردند. عدم ورود این ارزش به حیطه ی امور اجتماعی اثرات بسزایی در سعادت مندی هر ملتی دارد. از دیدگاه اسلام ارزش اجتماعی یک زن به مدل ابرو، چانه، بینی، رنگ پوست، قد، وزن و دیگر خصوصیات اندامی اش نیست، زیرا در این صورت افرادی که از جذابیت ظاهری کم بهره اند مورد ملامت قرار گرفته و ارزش اجتماعی آنان خدشه دار می شود. در واقع اسلام ارزش اجتماعی زن را در علم، وقار، حیا، شجاعت، ایثار و پرهیزگاری، مهر مادری و ... او می داند. می توان نتیجه گرفت حجاب راه حلی زیبا و مبتنی بر ویژگیهای خلقت بشر برای سعادت مندی جوامع انسانی است. حجاب یعنی آزادی روابط اجتماعی از تحت تأثیر قرار گرفتن جذابیت های جنسی. حجاب در حقیقت پوشش زیبایی ها و جذابیت های جنسی از غیر محارم است. رعایت حجاب یعنی پرهیز از برانگیختن شهوت شیطانی نامحرمان. حجاب یعنی مصونیت از نگاه شهوت آلود و شیطانی دیگران. از آنجا که شهوت مردان مطابق با مطالعات علمی فوق الذکر از طریق نگاه برانگیخته می شود، زنی که حجاب و عفاف را رعایت نمی کند چه بخواهد و چه نخواهد، موجب تحریک شهوت هزاران مردی که چشمشان به وی افتاده است می شوند و مردی که در طول روز از منزل بیرون می رود، به ازای هر زنی که حجاب را رعایت نکرده و او آنها را می بیند شهوتش تحریک می شود. قطعاً اکثریت غریب به اتفاق زنانی که بدون رعایت حجاب از منزل خارج می شوند قصد برانگیختن شهوت دیگران را ندارند و آن را دون شان خود می دانند. شاید می خواهند در چشم همسر و یا نامزد خود زیبا جلوه کنند، لیکن متوجه آثار شوم رفتار خود نیستند. در جامعه یافت می شوند مردانی که در مقابل این تحریکات شهوانی تاب مقاومت ندارند و به فساد کشیده شده و به فواحش و یا تجاوز به نوامیس روی می آورند و گاه زنانی قربانی این تجاوزات می شوند که خود در به وجود آوردن آن نقشی نداشته اند. وقتی جذابیت جنسی به یک ارزش اجتماعی تبدیل شد، زنانی که به دلایل گوناگون توان رقابت در این عرصه را از دست می دهند، ارزش آنان

کم محسوب می شود. زنان شوهردار نیز در رقابت با زنان جوان تر و زیباتر احساس ناکامی می کنند. بنابراین عدم رعایت حجاب در اجتماع، یکی از دلایل از دست رفتن شیرینی زندگی خانوادگی و از دلایل افزایش طلاق می باشد. در این میان برخی زنان متاهل که احساس می کنند که در چشم همسران خود آن مطلوبیت قبلی را ندارند و احساس امنیت خود را در زندگی خانوادگی از دست داده و برای اینکه در این عرصه سخت رقابتی در چشم همسر خویش کم نیاورند، به آرایش خود در بیرون منزل روی می آورند، بویژه در بیرون از منزل و در همراهی با همسرشان، تا آن احساس کمبود را در چشم همسر خویش جبران کنند. زنانی که دارای اتکاء به نفس هستند و احساس کمبود در ارزش اجتماعی ندارند و برای خود شان بالا و احترام قائلند، نیازی به نمایش اندام و زیبایی های خود نزد نامحرمان ندارند. به عبارتی دیگر آرایش و نمایش اندام در روابط اجتماعی، نشانه ای از احساس کمبود شخصیت است و اقدامی برای سرپوش نهادن بر این واقعیت و جبران این احساس کمبود محسوب می گردد. در جامعه ای که رعایت حجاب و عفاف شود زنان از آرامش و امنیت بیشتری برخوردارند. زمانی که بنده این منظر را در جوامع غربی مطرح می کردم که ارزش اجتماعی زن نباید به جذابیت های فیزیکی آنها بستگی داشته باشد مورد پسند آنان قرار می گرفت. زنانی که خود را فمینیست (مدافع حقوق و ارزش زنان) معرفی می کنند، لیکن خود را آرایش کرده و در روابط اجتماعی به نمایش اندام خود می پردازند، نشان میدهند که چه مقدار برای قضاوت مردان در مورد خود اهمیت قائلند و خود را تا یک عنصر جنسی و یک محرک شیطانی عمومی تنزل می دهند، لذا برخی از شاخه های فمینیستی از آرایش خود و نمایش عمومی اندام خود پرهیز می کنند. در غرب زنان از ارزش اجتماعی تلقی شدن جذابیت جنسی به شدت رنج می برند و اگر فلسفه حجاب خوب شناسانده شود، زمینه برای جذب آنان به اسلام فراهم می گردد. در سخنرانی های خود در مجامع غربی، گاهی به حجاب حضرت مریم (س) اشاره می کردم، اینکه در تصاویر نصب شده در کلیساهای غرب و مجسمه هایی که از ایشان طراحی کرده اند، او را با پوششی کامل - مانند چادری که مسلمانان استفاده می کنند- نشان می دهند. شاید این ذهنیت به وجود بیاید که حجاب حضرت مریم (س)، پوششی عرفی در زمان آن حضرت بوده است! مدت ها پیش در موزه لوور فرانسه نقاشی ای قدیمی را دیدم که در آن حضرت مریم (س) همراه عده ای از حواریون با حجاب کامل در محیطی باز و عمومی نشان داده شده اند و در اطراف ایشان زنانی بدون حجاب در حال صحبت با یکدیگر مشاهده می شدند. می توان از این تصویر نتیجه گرفت که حجاب آن حضرت، از دید نقاش، پوشش عرفی آن دوران بوده، زیرا در غیر اینصورت همه باید محجبه می بودند. لذا حجاب آن حضرت جزو امور اعتقادی ایشان بوده است. در انجیل هم بر رعایت حجاب زنان تاکید شده است. آنچه از حضرت مریم (س) در تاریخ مطرح شده است همگی از معنویت، اخلاق و ایمانشان است نه قیافه و ظاهر ایشان. حجابی که امروزه خواهران روحانی مسیحی دارا هستند، اقتباس از همان پوشش حضرت مریم (س) است. فلسفه حجاب اسلامی در اسلام نیز همان فلسفه حجاب حضرت مریم (س) می باشد. خاطره ای ذکر می کنم از دختری که بعد از ملزم شدن خانم ها برای رعایت حجاب در ایران به ایتالیا مهاجرت کرده بود. در رابطه با علت سفرش به ایتالیا گفته بود نمی تواند زیر بار اجباری به نام حجاب برود. پس از مدتی مشاهده شد که ایشان روسری سر می کند و در محیط های اجتماعی با حجاب وارد می شود. وی در باره علت این تغییر رفتار گفته بود: زمانی که به ایتالیا آمده انتهای راه رعایت نکردن حجاب را دیده و به نتیجه فاجعه بر انگیز آن پی برده است. همانطور که ذکر شد در جامعه ای که ارزش های اسلامی حاکم نباشد و جذابیت جنسی به عنوان ارزشی اجتماعی مطرح گردد، به جهت مورد توجه و احترام قرار گرفتن در جامعه، افراد تمام تلاش خود را برای نزدیک شدن به این ارزش می کنند. از طرفی مشاهده می شود سینما، تلویزیون و نشریات مختلف از بین زنان زیبا و جذاب افرادی را انتخاب کرده و به عنوان یک الگو به جامعه خویش معرفی می کنند. همه ما می دانیم، با استفاده از فنون تصویر برداری و گریم، تصویر ارائه شده از این زنان، زیباتر از واقعیت آنان است. در چنین شرایطی اکثر جامعه نمی توانند خود را به این الگوها نزدیک کنند و درصد کوچکی هم که خود را در این عرصه موفق احساس می کنند، بعد از سپری شدن ایام جوانی دچار احساس

حقارت می شوند. در چنین جوامعی، زنانی که در میان سالی قرار دارند و شیب از دست دادن زیبایی آنان زیاد است به همان نسبت احترام اجتماعی آنان کاهش می یابد و دچار بحران روانی می گردند. سن بروز این بحران روحی قبلاً چهل سالگی و اخیراً در جوامع غربی به سی سالگی کاهش یافته است. در مقابل مشاهده می کنیم در جوامع اسلامی جایی که ارزشهای اسلامی و حجاب و عفاف رعایت می گردد، با افزایش سن زنان، احترام آنان در جامعه بیشتر می شود. عده ای نیز بدون توجه به ارزشهای دیگر جوامع غربی مانند مطالعه و کار، گمان می کنند پیشرفت های آنان به خاطر وجود آزادی در نمایش جذابیت های جنسی است؛ اگر این گونه بود در فصول سرد سال که اکثر افراد خود را به طور کامل می پوشانند نباید پیشرفتی صورت می گرفت! در حقیقت بسیاری از افرادی که جذابیت های فیزیکی خود را در جامعه عرضه می کنند موجب تحریک دیگران می شوند، زمینه های بروز مفاسد اجتماعی و سست شدن بنیان خانواده ها را پایه گذاری می کنند. در مقابل، زنان محجبه اجازه نمی دهند دیگران با نگاه هوسرانی به آنها بنگرند و حرمت و وقار خود را حفظ می کنند. این چنین است اگر در جامعه ای با ارزشهای اسلامی مرد نامحرمی از زیبایی جنسی زنی تعریف کند و بگوید شما چه اندام زیبایی دارید، او بر افروخته شده و این گفته را یک توهین به خود تلقی می کند؛ اما در جوامع دیگر هنگام مواجهه زنی با تعریف دیگران از اندام خود مشاهده می شود که او از این گفته خوشنود شده و تشکر می کند. البته عده ای تحت عنوان نهضت های فمینیستی در غرب اعتراضاتی به این مسائل دارند و مخالف استفاده تولیدکنندگان و بازرگانان از زنان نیمه برهنه برای تبلیغ کالاهایشان هستند. می گویند زنان نمایشگاه متحرک و بازیچه مردان نیستند که آرایش کرده و زیبایی های جنسی خود را به دیگران عرضه کنند! این موج مخالفت بدانجا کشید که قانونی در پارلمان اروپا مطرح شد مبنی بر عدم استفاده از جذابیت های جنسی زنان در تبلیغات و فروش کالا که البته با مخالفت صاحبان سرمایه مواجه گردید. بنده خاطره ای به یاد دارم از "ادواردو آنیلی" فرزند یکی از ثروتمندترین سرمایه داران ایتالیا، او از ارزشهای رایج در جامعه اش دور شده بود و برای ما می گفت که بسیاری از ارزشهای اجتماعی غرب را قبول ندارد. مثالی از تبلیغات کمپانی پدرش برای فروش نوع جدیدی از اتومبیل زد که در آن جوانی همراه نامزد خود پشت چراغ قرمز می ایستد و در کنار آنها جوانی دیگر با اتومبیل مورد نظر (جهت تبلیغ در این آگهی) توقف می کند. دختری که در اتومبیل اول نشسته بود با مشاهده اتومبیل دوم، از ماشین پیاده شده و سوار ماشین دوم می شود. این نشان دهنده آن است که در جوامع غربی روابط زناشویی به راحتی در برابر یک کالا فدا می گردد. اگر در جامعه ای ارزشهای دینی حاکم نباشد، حتی انحصار ازدواج بین زن و مرد را هم از بین می برند. مانند کشورهای هلند، کانادا و امریکا که انسان را به یاد قوم لوط می اندازد. امروزه در غرب خود فروشی زن و خود فروشی مرد یک شغل محسوب می شود، تنها لازم است بهداشت را رعایت کنند و مالیات کار خود را به دولت بپردازند! تا جایی که از آنها با عنوان خدمات رسانان سکس یاد می کنند و در اقتصاد آن را جزو تولید خدمت محسوب می نمایند. آنها حتی می توانند کاندیدای مجلس و ریاست جمهوری شوند! آنها در خیلی از کمیسیونهای پارلمانی و کمیسیون حقوق بشر حضور فعال دارند. اخیراً وزیر خارجه آلمان که یک مرد است با مرد دیگری ازدواج کرد و خانم مرکل صدر اعظم آلمان و خانم کلینتون وزیر خارجه آمریکا هم در جشن ازدواج آندو شرکت کرد. عکس فوق وزیر خارجه آلمان و شوهرش به همراه خانم کلینتون در مراسم ازدواج آن دو است. طبق آمارهای ارائه شده، از هر سه زن در ایتالیا به یکی از آنان تجاوز شده و از هر چهار دختر یکی از آنها اولین ارتباط جنسی اش با محارم خود بوده است. در انگلستان هر مردی که سه فرزند دارد یکی از آنها فرزند خود او نیست و از آن اطلاع ندارد. این موارد به علت عدم حاکم شدن قوانین و ارزشهای دینی در جامعه است. آینده چنین جوامعی آزادی زنا با محارم است هر چند کم و بیش در این جوامع زمینه بروز آن مشاهده می شود. اگر ما بتوانیم اسلام و حجاب را آنگونه که هست تشریح کنیم خیلی از ذهنیت ها در جهان تغییر می کند. وقتی برای زنان، نگاه اسلام به زن و حجاب مطرح گردد، بسیاری از آنان به این دین آسمانی گرایش می یابند. به علت وجود این واقعیت هاست که غرب برای جلوگیری از نفوذ اسلام در بین جوامع خود به تحریف

در باره عقائد اسلام روی آورده است. اگر اصل اسلام موجب گریز این جوامع از اسلام می شد نیازی به تحریف نمی دیدند. غربی که همه نوع فساد و فحشا در آن آزاد است نمی تواند رعایت حجاب توسط زنان و دختران مسلمان را تحمل کند و تا آنجا پیش می رود که دختران نوجوان را به دلیل رعایت حجاب از تحصیل محروم می کنند. ما باید از بابت اسلام و ایمانمان، خدا را شکر کنیم و به حجاب زنانمان ببالیم. همه باید بدانند در صورتی یک زندگی سالم و آرامتری خواهند داشت که جذابیت جنسی تنها یک ارزش زناشویی شناخته شود و از بروز آن در روابط اجتماعی پرهیز گردد. توصیه بنده به خانمهایی که عامدا اندام خود را در جامعه به نمایش می گذارند این است که احساس کمبود شخصیتی خود را با افزایش علم و عمل صالح جبران کنند که ارزشی ماندگار خواهد بود، نه با نمایش اندام که بر فرض کسب احساس کاذب، امری گذرا است و آسیب های اجتماعی بسیاری را به دنبال دارد. در جامعه ایران از عبارت بدحجابی به نحو صحیحی استفاده نمی شود. بدحجاب در حقیقت باید به کسی گفته شود که اندام خود را آنطور که شایسته است نمی پوشاند. مثلاً حساسیتی به پیدا شدن موی خود ندارند هر چند قصد نمایش و خودنمایی و تحریک دیگران را نداشته باشد. زنانی که خود را آرایش می نمایند و زیباتر از آنچه هستند به نمایش می گذارند شایسته عبارت دیگری هستند. شاید عبارتی مشابه "جلوه فروشان" برای آنها مناسب تر باشد. تفاوت جلوه فروشان با خود فروشان این است که جلوه فروشان عملاً خواسته یا ناخواسته به تحریک شهوات شیطانی می پردازند بدون اینکه شهوت برانگیخته را ارضاء نمایند، در حالی که خودفروشان به ارضاء شهوت مشتریان خود روی می آورند. در حقیقت می توان جلوه فروشان را بازار یابانی برای خودفروشان محسوب نمود. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که زیبایی اگر وارد عرصه تحریک جنسی در روابط اجتماعی نشود مذموم نیست. بطور مثال برخی ها چادرهای گلدار را بر می گزینند یا در محافل زنانه به آرایش خود می پردازند. چون در بین زنان جذابیت جنسی و تحریک پذیری به صورت طبیعی وجود ندارد، لذا منعی برای آن گذاشته نشده است. بنابراین آنچه در اسلام منع شده است با هدف جلوگیری از تحریک شهوات جنسی در روابط اجتماعی و نامشروع است. طرح شعارهای زیر در جوامع غربی می تواند هدف اسلام از طرح موضوع حجاب را تا حدودی روشن نماید. - با رعایت حجاب از تحریک شهوت مردان پرهیز نمایید. - به نمایش گذاشتن جذابیت های جنسی نشانه احساس کمبود شخصیت است. - رعایت حجاب نشانه احساس شخصیت است. - در اسلام زن یک ابزار تبلیغاتی نیست. - در اسلام زن یک کالای تجاری نیست. - در اسلام جذابیت فیزیکی نباید به یک ارزش اجتماعی تبدیل شود. - زنی که اندام خویش را به نمایش عمومی می گذارد، از قدر و منزلت خویش غافل است. - رقابت در عرضه اندام در عرصه اجتماعی، بنیان خانواده را سست می کند. - ارزش زن بیش از این است که به رقابت در نمایش عمومی اندام خود برای جلب نظر مردان پردازد. - مسابقه نمایش اندام زنان در جامعه بیشترین آسیب را به زنان می زند. - کسب احترام اجتماعی را از طریق افزودن بر علم و عمل صالح دنبال کنید و نه از طریق شرکت در مسابقات نمایش جذابیت های فیزیکی. - انتخاب ملکه دانایی را جایگزین مسابقه ملکه زیبایی نمایید.

بی حجابی و بدحجابی، زوال اخلاقی و انحطاط اجتماعی

پایه و اساس صفات عالی و رفتار انسان، تنها ایمان دینی و توحیدی است. بر این اساس، تأثیر بی بند و باری های اجتماعی مانند خودنمایی و بدحجابی زنان جامعه که بسیاری از آنها در حقیقت، بی حجابی است، در تضعیف و سقوط عفت و اخلاق نیکو، امری بدیهی و روشن است؛ چرا که چشم و گوش و دیگر اعضا، پل ارتباطی روح ما با جهان بیرون از ماست و این یک حقیقت است: «که هرچه دیده بیند، دل کند یاد». از این رو، اگر در جامعه امور مربوط به عفاف و حیا رعایت نشود، فضای معنوی، جای خود را به فضای خودنمایی و شعله ور ساختن غرایز شهوانی بدهد و بذر شهوت را در دل های جوانان و نوجوانان بویاند، فکر افراد جامعه به ویژه جوانان بدون همسر، از امور حیاتی و ارزشی، به سمت شهوت ها کشیده می شود. از خدای خود که همواره حاضر و ناظر بر

اعمال نیک و بد است، غافل می ماند و زندگی موقت دنیا را برزندگانی حقیقی که آخرت است، مقدم می دارند و به وادی وحشتناک روابط غیر انسانی و غیر اخلاقی و شهوت های نامشروع کشیده می شوند. براین اساس، یگانه اساس و مبنای فضایل انسانی- ایمان به خدا و قیامت- به دست فراموشی سپرده می شود و در نتیجه، خطرهای بزرگی فرد و جامعه را تهدید خواهد کرد که برخی از آنها عبارتند از: صفات پسندیده جای خود را به صفات رذیله و ناپسند می دهند؛ اعمال و رفتار ناشایست مانند ستم، جنایت، خیانت، خشونت، فساد، بزهکاری، نا امنی و مانند آن در جامعه افزایش می یابد؛ استعداد اخلاقی و فضیلت خواهی فرزندان شکوفا نمی شود. چه بسا زنده به گور می شوند و رفتارهای ناسازگارانه و بزهکارانه در آنها رواج می یابد. در چنین شرایطی، آتش این فتنه ها و خطرها، دامن خود زنان آسیب زا را نیز فرا خواهد گرفت و خود و خانواده آنان نیز در این آتش خواهند سوخت، چنان که بسیاری از آنها گرفتار شدند. چه بسا دخترانی که مورد تجاوز به عنف قرار گرفتند یا گرسنگان شهوت آنان را اغفال کردند و چه بسیار زنان خودنمایی که استعدادهای عالی و اخلاقی خویش را مختل یا تباه ساختند و بر اثر تحول اخلاقی آنها یا همسرانشان یا فرزندان، زندگی شیرین آنها به دوزخ سوزان تبدیل شد. بر این اساس، دیگر افراد جامعه نیز باید منتظر باشند روزی قانون عکس العمل، دامن آنها را فرا گیرد. در آتش عقوبت رفتار خویش گرفتار شوند؛ مگر اینکه تا دیر نشده، بیدار شوند و با توبه، گذشته خود را جبران کنند که خداوند، آمرزنده و با اهل ایمان، مهربان است: «والله غفور رحیم» (توبه: ۲۷) (۱). نمونه هایی از موفقیت زنان محجبه در عرصه های علمی، فرهنگی، ورزشی - توانایی بانوان مسلمان و محجبه ایرانی به جهانیان ثابت شد: الهه احمدی و کسب نخستین قهرمانی برای تیراندازی ایران در خرداد ۱۳۸۸. - موفقیت بانوان ایرانی در مسابقه های پومسه جهانی، حیرت همگان را برانگیخت. این در حالی است که به گزارش ایرنا، بانوان ایرانی در حالی موفق به کسب پیروزی ارزشمند شدند که برای نخستین بار، در این مسابقه ها شرکت کرده بودند (۲). - معصومه سعیدی با حمایت سازمان ورزش شهرداری تهران، قله ۷۵۴۶ متری در چین را به عنوان نخستین بانوی تهرانی فتح کرد (۳). به گزارش مهر، نادره درودیان به عنوان داور اعزامی کشورمان به دومین مسابقات فوتبال غرب آسیا که در شهر امان پایتخت اردن برگزار شد، دیدار تیم های لبنان واردن را با پوشش و حجاب کامل قضاوت کرد (۴). پی نوشت: ۱- محمد رضا کوهی، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، صص ۶۶ و ۶۷. ۲- خبرگزاری ایرانی ایرنا، ۱۳۸۷/۹/۲۸. ۳- سایت پایگاه جامع زنان ایران، ۱۳۸۸/۶/۲۳. ۴- سایت روز، ۱۳۸۸/۶/۶.

ریشه های بدجبابی

نویسنده: مهدی جمشیدی مسایل و معضلات کنونی درباره حجاب، معلول متغیرهای روانی و اجتماعی متعددی است. نمی توان شیوع بی حجابی در جامعه را تنها به یک یا دو عامل خاص نسبت داد و برخوردی سطحی و عوامانه با این فرایند پیچیده اجتماعی کرد. مطلب در این نکته نهفته است که امروزه به روشنی دریافته ایم که در مواجهه باید در گام نخست، ریشه ها و سرچشمه های شکل گیری این پدیده اجتماعی را یافت و درباره هر یک و رابطه آن با دیگر عوامل و نقش و وزن آن ها تأمل علمی کرد. اگر از همان ابتدای ظهور این پدیده نابهنجار اجتماعی - که شدت و فراگیری چندانی نداشت - مسئولانه و عالمانه در این باره تأمل و تصمیم سازی می شد، هرگز شاهد شدت یافتن روزافزون آن و تبدیل شدنش به یک معضل اجتماعی نمی بودیم و در موقعیت فعلی قرار نمی گرفتیم شاید اگر حرکت های اخیر در مورد مقابله با گسترش بدجبابی صورت نمی پذیرفت، در آینده ای نه چندان دور، بدجبابی به صورت پدیده ای عادی و بهنجار درمی آمد و نظامات و معادلات ارزشی و هنجاری جامعه، واژگون می شد. نگارنده قصد دارد در این مجال محدود، گام نخست مذکور را بردارد و به شناسایی و تبیین برخی از دلایل و زمینه های شکل گیری پدیده بدجبابی در جامعه بپردازد. در این نوشتار دلایل و زمینه های خرد بدجبابی را بررسی می کنیم: ۱- ناآگاهی و نقصان معرفتی طبیعی است که سهمی از پدیده بدجبابی، به جهل و ناآگاهی بدجبابی ها باز می گردد؛ به این معنی که برخی از

این افراد، از معارف و تعالیم اسلامی بهره چندانی نبرده اند و نمی دانند که حجاب اسلامی، دارای چه حدود و قیودی است. در تصور اینان، حجاب فعلی شان در تضاد با شریعت نیست. ۲- فساد اخلاقی گروه دیگری از افراد بدحجاب وجود دارند که اساساً تقیدی به احکام و ارزش های دینی ندارند؛ زیرا کاملاً ولنگار و بی بندوبارند و هدف آن ها از نوع پوشش شان، انجام رفتارهای ضد اخلاقی است. ۳- جامعه پذیری افراطی افرادی وجود دارند که از خود، اراده و شخصیتی ندارند و همچون مایعات که در هر ظرفی ریخته شوند به شکل آن ظرف در می آیند، دارای شخصیت سیال و متأثر از جامعه اند. دلیلی که این عده برای نوع پوشش یا الگوهای رفتاری خود ارایه می کنند، تبعیت از جامعه و هم‌رنگی با آن است. اینان یا واهمه دارند مقابل برخی الگوهای غیرارزشی رایج در جامعه مقاومت کنند- چون توان ایستادگی در مقابل تحقیر دیگران را ندارند- یا اساساً هر نوع تحول اجتماعی را پیشرفت می شمرند و علاقه دارند تا به همراه جامعه، مرتباً رنگ عوض کنند و نو به نو شوند. ۴- بیماری های روحی و روانی بعضی افراد بدحجاب، مبتلا- به امراض روانی از قبیل افسردگی اند. این افراد به دلایل روانی، علاقه دارند جلب توجه کرده و از دیگران تایید بگیرند. یعنی دیگران آن ها را بپذیرند یا نوعی سرگرمی رفتاری برای خود ایجاد کنند. ۵- به تأخیر افتادن ازدواج دخترانی که در سن ازدواج قرار گرفته اند یا آن را سپری کرده اند اما کسی از آن ها خواستگاری نکرده و نتوانسته اند ازدواج کنند، به قصد یافتن فردی برای ازدواج و از طریق در معرض انتخاب قرار دادن خود، با حجاب نامناسب پای به جامعه می گذارند. روشن است که در چنین افرادی، عنصر ایمان دینی و اخلاق، آن چنان نیرومند نیست که آنان را از بروز این رفتارها بازدارد. (رحیم پورازغدی- چند پرسش درباره حجاب و برهنگی). ۶- میل به تبرج در نهاد زن اساساً میل به تبرج و خودآرایی در درون زنان وجود دارد، همچنان که میل به چشم چرانی در مردان شایع تر است. براین اساس، غریزه گرایش به جلب توجه و شاخص بودن، زنان را وادار به خودآرایی در جامعه می کند. افرادی که تحت تربیت دینی قرار نگرفته اند و التزام به رعایت ارزش های دینی ندارند، در برابر بسیاری از امیال غریزی و حیوانی خود ناتوان هستند و میل به تبرج نیز از همین سنخ است (شهید مطهری- مسأله حجاب). ۷- برانگیختگی غریزه جنسی در برخی از جوانان که امکان ازدواج ندارند و به صورت موقت، مجرد هستند؛ گاهی غریزه جنسی در اثر محرک های بیرونی، به شدت فعال و نیرومند می شود و فرد را وادار می کند تا به نوعی، آن را ارضاء کند. می توان ادعا کرد که در جامعه کنونی ما، حجم قابل توجهی از پدیده بی حجابی و بدحجابی، معلول مستقیم وجود همین عامل است. برای روشن شدن ابعاد متنوع این عامل، به برخی از محرک های غریزه جنسی که جوان را به سوی انتخاب رفتارهای ضد ارزشی سوق می دهد اما در این نوشتار تنها به عامل نگاه که اصلی ترین محرک غریزه جنسی است می پردازیم. در روایتی آمده است: «نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت را در قلب می پاشد و همین موضوع برای این که صاحبش را در فتنه بیندازد کافی است.» (وسائل الشیعه جلد ۱۴ ص ۱۳۹) در روایات دیگر نیز این مضمون مورد تأکید قرار گرفته است: «آن که نگاهش را مهار کند، دلش را آسوده ساخته است» (غررالحکم ص ۲۶۰) «نگاه به نامحرمان، تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است» (کتاب النکاح ج ۵ باب ۱۰۴) «آن که چشم خود را آزاد نهد، تأسف و اندوه وی بی پایان است» (اصول کافی) «بسا نگاهی که حسرتی طولانی را به دنبال آورد.» (بحارالانوار جلد ۸). این روایات، ناظر بر این معنا است که فرد با نگاه کردن - به قصد التذاذ جنسی - به نامحرمان، میل جنسی خود را بیدار و فعال می کند، در حالی که به موضوع نگاه، دسترسی ندارد. بدین ترتیب، فرد دچار تنش روانی و فشار غریزه می شود. در این حال، بروز رفتارهای نابهنجار جنسی از وی، دور از انتظار نخواهد بود

چرایی شیوع بدحجابی

پرسش: چرا بدحجابی بین زنان ایران شیوع پیدا کرده است و چرا توبه فرهنگی سختترین توبه ها است؟ پاسخ: با سلام و احترام خدمت شما پرسشگر گرامی که به دنبال رفع دغدغه های علمی به تلاش و کاوش فکری پرداخته و از رهگذر سؤال به شکوفایی

اندیشه خود یاری میرسانید. از اینکه با مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه مکاتبه نموده اید صمیمانه تشکر میکنیم، امید آن که تحقیق و پاسخ ارایه شده رهگشای اندیشه پویسنگران باشد. خواهر گرامی! ضمن تشکر و سپاس از این که سوالات خود را با در میان گذاشتید همین دو سوالی که مطرح کرده اید نشان دهنده روحیه مذهبی شما است. در عصر که انحرافات اخلاقی عده ای زیادی از جوانان را در ورطه سقوط قرار داده و فساد و بی بند و باری به اوج خود رسیده است، پرسش از "توبه فرهنگی" و "بدحجابی زنان" شخصیت معنوی و احساس مسئولیت شما را به نمایش می گذارد. امید است این روحیه مذهبی و احساس مسئولیت، هر چه بیشتر در وجود شما تقویت گردد و بتوانید به سهم خود در هدایت جوانان به خصوص دختران نقش مؤثری ایفا کنید. با این مقدمه کوتاه اینک می پردازیم به علل بدحجابی در جامعه و اینکه چگونه می توان نقش و مسئولیت خود را انجام داد. مسأله فحشاء و از جمله بدحجابی زنان از پدیده های جدید اجتماعی نیست، بلکه از دیرباز این عنصر ضد اخلاقی در جامعه وجود داشته است، لکن در سالهای اخیر و به ویژه سالهای پس از دفاع مقدس به موازات تحولات اجتماعی و سرازیر شدن انواع محصولات فرهنگی بیگانه و تساهل و تسامح در مقولات فرهنگی، بدحجابی ابعاد تازه ای به خود گرفته است. (۱) در یک نگاه کلی، عوامل و زمینه های مؤثر بر رشد بدحجابی عبارتند از: ۱. تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی در جامعه؛ رفتار انسان محصول اندیشه و بینش او است. در جامعه اسلامی بر هر فرد مسلمان بر اساس جهان بینی و باورهای اعتقادی خویش عمل می کند. حجاب نیز نماد و تبلور اعتقادات فردی است. هر اندازه افراد از نظر اعتقادی و مذهبی قویتر باشند، رفتارها، عملکردها و نوع پوشش و لباسشان نیز مطابق با اصول و معیارهای مذهبی و دینی خواهد بود. شواهد نشان می دهد که در سالهای پس از انقلاب باورها و اعتقادات مذهبی در جامعه به ویژه در میان نسل جوان و نوجوان کمرنگ شده است. (۲) البته این به معنای نفی گرایش های قوی مذهبی نیست، بلکه نشان دهنده افزایش بزهکاری در جامعه است. تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی خود معلول چندین عامل است. یکی از عوامل عمده آن القای این تفکر است که دین توانایی حل مشکلات بشر را در این زمان ندارد. این تفکر انحرافی باعث شده است تا جوانان و نوجوانان، قوانین و احکام مذهبی را زیر پا بگذارند و به انواع انحرافات اخلاقی از جمله بدحجابی و بی حجابی، رو آورند. ۲. تهاجم فرهنگی دشمن یکی از عوامل رواج بدحجابی و بی حجابی تهاجم فرهنگی غرب در جامعه ما است. (۳) از آنجا که در غرب و اروپا، معنویت و مذهب به حاشیه زندگی خزیده است همه وجود زن برای استفاده های جنسی مطرح شده است. غرب با گریزان کردن دختران از چادر و حجاب کامل، در واقع بین آنان و ارزشهای جامعه شان فاصله ایجاد کرده است. کشورهای غربی به شیوه های مختلف این ایده و تفکر را در جوامع اسلامی ترویج نموده تا حدودی موفق بوده اند. ۳. گسترش روحیه غربگرایی و غرب زدگی علاوه بر تهاجم فرهنگی که از برون مرزها اعمال می شود، نوعی روحیه غربگرایی و غرب زدگی در خود جوانان و نوجوانان نیز به چشم می خورد. تلقی برخی افراد این است که اگر بخواهیم متمدن و پیشرفته شویم باید در رفتار عملکرد، نوع و مدل لباس از غرب تقلید کنیم. در این رویکرد، متمدن شدن به معنای غربی شدن و تقلید از الگوها و هنجارهای غربی است؛ لذا برخی جوانان و نوجوانان که از نظر اعتقادی و دینی باورهای لازم را ندارند، تلاش می کنند در نوع پوشش و لباس از غرب تقلید کنند. (۴) ۴. تقلید از الگوهای غربی و خارجی از دیگر عوامل و زمینه های رشد بدحجابی و بی حجابی در میان جوانان و نوجوانان نادیده گرفتن الگوهای خودی و روی آوری به الگوهای بیگانه است. روشن ترین و صریحترین اظهار نظر در این زمینه همان مصاحبه ای بود که "اوشین" به عنوان الگوی زن امروز معرفی گردید و شخصیت و مقام معنوی حضرت زهرا(س) به فراموشی سپرده شد. این سخن بالصراحه به زبان یکی از دختران نسل امروز جاری شد، اما بازخوانی ذهن و رفتار همه یا اکثریت کسانی که حجاب و مسایل اسلامی را مراعات نمی کنند، نشان دهنده همین نوع تفکر است. ۵. خلأ فرهنگی در جامعه یکی از مهمترین ریشه های ترویج بی حجابی و بدحجابی، پیدایش خلأ فرهنگی در جامعه است هیچ جامعه ای تا آمادگی نداشته باشد، از فرهنگ بیگانه تأثیر نمی پذیرد. بنابراین تهاجم فرهنگی و وجود الگوهای نامناسب به خودی خود کارساز

نیست بلکه نیاز به زمینه مساعد یعنی خلأ فرهنگی و فکری دارد. (۵) ۶. ضعف و ناهماهنگی نهادهای اجتماعی هر یک از نهادهای اجتماعی هم چون خانواده، مدرسه، نهاد دولت و... عهده دار مسئولیت و وظایف شخصی از کارکردهای یک جامعه هستند. فرایند عملکرد این نهادها و نیز تعامل و همسویی آن‌ها چگونگی حرکت فرهنگی یک جامعه را مشخص می‌کند. اگر هر یک از نهادهای اجتماعی وظایف خویش را به خوبی و در راستای اهداف اسلامی انجام داده و گرایش دختران نوجوان را به حجاب و دیگر مسایل اسلامی تقویت کنند، بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه پدیدار نخواهد شد. آسیب پذیری زمانی آغاز می‌شود که هر یک از نهادها یا وظایف خویش را انجام ندهند و یا همسو و هم راستا با اهداف کلی جامعه حرکت نکنند در چنین شرایطی تهاجم فرهنگی و بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه رواج خواهد یافت. جامعه یکپارچه و آسیب ناپذیر در برابر تهاجمات دشمنان، جامعه ای است که بین نهادهای اجتماعی آن پیوند عمیق و گسست ناپذیر وجود داشته باشد. جامعه ای که به صورت ید واحد، با وحدت واقعی و همگانی در تمام صحنه های اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است نه تنها مرعوب و مقهور تهاجم بیگانگان نمی‌شود بلکه هم چون دژی مستحکم در مقابل تهاجم آنان پایداری می‌کند. نمونه این پایداری را می‌توان در دفاع مقدس در برابر تهاجم نظامی و اقتصادی بیگانگان به خوبی نظاره کرد. در آن زمان که ارزش‌ها بر جامعه حاکم بود، انحرافات اخلاقی، بی‌حجابی و بدحجابی و استفاده از مدها و الگوهای غربی در جامعه دیده نمی‌شد. یگانه راه اصلاح انحرافات و به تعبیر شما "توبه فرهنگی"، تقویت اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی افراد جامعه است. و این وظیفه ای است سنگین که به دوش اولیاء، مربیان و اقشار مختلف جامعه نهاده شده است هر چند سالم سازی و پاکسازی محیط جامعه از افراد منحرف و ابزار و وسایل آلوده کننده و لباس های مد غربی، یک ضرورت است. لیکن باید توجه داشت مصون سازی افراد در برابر هجوم بیگانگان از اهمیت بیشتری برخوردار است. مصون سازی وابسته به خود آگاهی است. دختران باید بگونه ای تربیت شوند که آگاهانه و با اختیار کامل از آلودگی، گناه و بدحجابی پرهیز نمایند. به عنوان مثال، جمع آوری لباس هایی با طرح و آرم غربی که هر کدام پیام های خاصی برای جوانان و نوجوانان دارد، در شرایط فعلی لازم و ضروری است. اما کافی نیست، باید بذل ایمان و تقوا را در درون جان افراد بارور نمود تا با اراده و خود آگاهی کامل از انحرافات دوری کنند. و از طرفی باید امر به معروف و نهی از منکر این دو اصل در جامعه اجرا شود و در آخر باید گفت اصلاح انحراف همیشه سخت تر است از خود فرایند انحراف است چرا که انحراف و هوس رانی خود سراسیمه است و نیاز به زحمت ندارد انسان مهار (شناختی و...) خود را رها کند رفته است اما اصلاح سخت است و باید موانع آن را برطرف کرد و سعی و زحمت مبارزه با طاغوت، تهاجم فرهنگی شیطان و هوس را چند برابر کرد. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. محمود اکبری، دختران پندها و هشدارها، انتشارات گلستان ادب، ۱۳۸۱. ۲. سید محمد حسین فضل الله، دریچه ای به دنیای جوانان، ترجمه عبدالهادی فقیهی زاده، نشر دادگستر، ۱۳۷۸. ۳. سید حسین تقوی، آسیب شناسی دینی فمینیسم، انتشارات فرهنگ منہاج، ۱۳۸۱. قال علی - علیه السلام - الهوی هوئ الی اسفل؛ (۶) هوای نفس انسان را به پستی می کشاند. از این حدیث دانسته می شود که بسیاری و باری ها برخواسته از هوای نفس است. چنانچه در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است که: الهوی مطیئة الفتن؛ (۷) هوای نفس زمینه ساز فتنه ها است. بنابراین باید بکوشیم هوای نفس را با تقوای الهی مهار کنیم. تنها در این صورت است که زمینه سعادت و خوشبختی ما فراهم می شود. پی نوشت: (۱). جمعی از نویسندگان، حجاب و آزادی، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۷۷-۸۴. (۲). محمد رضا طالبان، دینداری و بزهکاری در میان جوانان، موسسه فرهنگی و هنر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۱-۸۱. (۳). آیت الله محمد مهدی آصفی، دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۷-۳۹. (۴). سید مجتبی موسوی لاری، اسلام و سیمای تمدن غرب، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۷۵-۹۴، آیت الله محمد مهدی آصفی، همان، ص ۵۱. (۵). مهدی نوید، فرهنگ و مقاومت فرهنگی، انتشارات فلق، ۱۳۷۴، ص ۸۰-۹۲. (۶). غرر الحکم، ذیل واژه هوی. (۷). همان.

آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی

نویسنده: محمدحسین درافشان مقدمه بشر با توجه به اهمیتی که برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه هم ارزش می‌نهد و بیماری جامعه را بیماری خود می‌داند؛ هم‌چنان که تلاش می‌کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور پرهیزد و یا از واکنش‌های پیش‌گیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را به‌کار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری‌های اخلاقی و روانی پرهیز دهد تا دیگر افراد جامعه به رشد، تعالی و سعادت برسند. بدحجابی از مسائلی است که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند. پوشش نامناسب پی‌آمدها و آثار جبران‌ناپذیری در فرهنگ، اخلاق، اعتقاد، اقتصاد و امنیت جامعه دارد که گاه مسیری انحرافی و بازگشت‌ناپذیری پدید می‌آورد. این نگارش آثار و پی‌آمدهای گسترش بدحجابی را از دو منظر فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌کند. فرهنگ هر جامعه‌ای از جنبه‌های گوناگونی تشکیل یافته است. جنب‌های هنجاری فرهنگ جامعه، از ارزش‌ها و قواعد خاص رفتاری تشکیل می‌شود. هنجارها نشان می‌دهند که چه چیزی ارزش و ضد ارزش است؛ مانند شیوه‌های پوشش برگرفته از فرهنگ آن جامعه. تلقی بد از بدحجابی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب، در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می‌گذارد. قبل از هر چیز باید فرهنگ را تعریف کنیم تا آثار و پی‌آمدهای گسترش فرهنگ بدحجابی روشن شود. معروف‌ترین تعریف از فرهنگ از تایلور انسان‌شناس معروف انگلیسی است. او می‌گوید: فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دانش، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسم و هر استعداد و عادت دیگری را که بشر به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند، شامل می‌گردد. کلارک نیز می‌گوید: تمامی مظاهر و شئون زندگی یک ملت را فرهنگ آن ملت تشکیل می‌دهد. بنابراین، رفتارهای اجتماعی معجونی از آن‌چه جامعه از علم و دانش، باورها و مسائل اخلاقی کسب می‌کند و قوانینی است که از دین و آیین افراد سرچشمه می‌گیرد. در کنار این‌ها، برخی رسوم و عادات اجتماعی، در طول زمان سهم بسیاری در شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه دارند که هسته اصلی حیات اجتماعی را به وجود می‌آورند و در الگوهای رفتاری و هنجارهای فردی و اجتماعی بسیار تأثیر گذارند. آثار و پی‌آمدهای فرهنگی بدحجابی عبارتند از: الف) ازدگی در برابر فرهنگ بیگانه داد و ستد فرهنگی مفید است، بلکه برای هر جامعه‌ای لازم به نظر می‌رسد. تجربه نشان داده که تعامل یا تبادل فرهنگی از عوامل بالندگی و پویایی جوامع است. حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. اما در دنیای کنونی، فرهنگی که قادر نباشد عناصر فرهنگی مفید را جذب و عناصر غیر مفید را دفع کند و در الگوهای مختلف اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشد، فرهنگ مهاجم با الگوهای آن را تخریب می‌کند؛ ارزش‌ها و هنجارهای آن را نادیده می‌انگارد و با غلبه و تهاجم، ارزش‌ها و الگوهای مورد نظر خویش را جای‌گزین می‌کند تا در این ره‌گذر به اهداف خود دست یابد. بنابراین، فرآیند بدحجابی، مقدمه تهاجم گسترده‌تر به فرهنگ مقابل و شکستن هنجارها و جای‌گزین ساختن هنجار مورد نظر فرهنگ مهاجم است. چنین جامعه‌ای به نظر اسپنسر، جامعه‌شناس معروف، قدرت دفاعی خود را از دست می‌دهد و در مقابل بیماری‌ها، قدرت مقابله و دفاع ندارد و با ورود کوچک‌ترین عامل مخرب، از بین می‌رود. احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و بی‌هویتی اجتماعی، زمینه‌ساز پذیرش تهاجم فرهنگی است. بنابراین، جامعه‌ای که دچار تهاجم فرهنگی گردد و تغییرات اجتماعی در آن سریع صورت گیرد، ارزش در آن جامعه ناپایدار است و هنجارشکنی در آن مرسوم می‌شود و در برابر فرهنگ بیگانه همیشه از خود وازدگی نشان می‌دهد و در نتیجه، بحران‌زا می‌گردد. سوغاتی که بدحجابی به همراه دارد، تنها پوشش نامناسب نیست؛ بلکه ترویج لباس‌های نامناسب، بزک کردن‌ها و... را به دنبال دارد. در نتیجه، افراد متحمل بسیاری از الگوهای دیگر از فرهنگ بیگانه می‌شوند. ب) سلطه بیگانگان و تأمین منافع آنان هر جامعه‌ای در پی آن است که به ارزش‌های خود پابندد و جامعه خود را از

فرهنگ‌های بیگانه مصون نگه دارد تا افراد از سلامت و ثبات لازم برخوردار باشند. چنین جامعه‌ای سریع‌تر می‌تواند به اهداف خود برسد و آرمان‌های خود را عملی سازد. بنابراین، استعمارگران در جایی که ببینند جامعه‌ای مطابق با منافع، اهداف و خواسته‌های آنها پیش نمی‌رود. برای رسیدن به منافع خود و چپاول آن، غیرمستقیم طرح‌هایی می‌ریزند تا افراد را مشغول و سرگرم کنند و به اهداف شوم خود برسند. مانند ترویج بدحجابی و بی‌حجابی است. در طرح استعماری انگلستان به مأموران خود چنین آمده است: باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی، ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند.» رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: این چیزهایی که شما می‌شنوید درباره مبارزه با دختران محجبه در فرانسه، اینها جرقه‌هایی است؛ آتش‌های زیر خاکستر است و از یک کار عظیم پشت پرده خبر می‌دهد. به راستی، دشمنان انقلاب اسلامی در تهاجم به ارزش‌های مقدس ما می‌خواهند تقدس‌زدایی کنند. آن‌گاه به اهداف شوم خود برسند. ج) گسترش فساد و تباهی «ارزش‌های جامعه، آن دسته از عوامل و عناصری هستند که اکثریت یک جامعه به اعتبار و اهمیت آنان ایمان دارند و بدان‌ها ارجح می‌گذارند». در جامعه‌ای که حجاب، متانت، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود، به بینش و باور خویش سرایت می‌دهد و از طرفی نه تنها زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌سازد و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن، روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و خود و اجتماع را به تباهی و فساد و بالاخره به ضدارزش‌ها می‌کشاند. زمانی این سؤال مطرح بود که بر اساس روایات، در آخرالزمان زنان پوشیده ولی برهنه‌اند. این پارادوکس را چگونه می‌شود حل کرد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: *يُظَهَّرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمَنِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٌ عَارِيَاتٍ مُتَّبِرَجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٌ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسِيحَاتٌ الْمَحْرَمَاتِ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛* در آخرالزمان که بدترین زمان‌هاست، زنانی هستند که پوشیده اما برهنه‌اند و از خانه با خودآرایی بیرون می‌آیند. اینان از دین بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها وارد شده و به شهوات تمایل پیدا کرده‌اند و به کوی لذات نفسانی در شتابند و حرام‌ها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند. بنابراین، امروزه پاسخ این سؤال پاسخ روشن شده است که بعضی زنان پوشش دارند ولی بدحجاب یا بی‌حجابند، پوشش دارند ولی عریان و برهنه‌اند. چنین مسائلی آدمی را از ارزش‌ها دور می‌سازد و در فتنه‌ها وارد می‌نماید و از همه بالاتر گاهی از دین خارج می‌کند. د) افت تحصیلی و آموزشی فرهنگ هر جامعه‌ای، به آموزش‌های آن بستگی دارد. هر قدر آموزش‌ها از غنای بیشتری برخوردار باشد، فرهنگ آن جامعه بالاتر خواهد بود. نخبگان و فرهیختگان، در پرتو تحصیلات شناخته می‌شوند. جامعه‌ای که دانش‌مندان آن بیشتر باشد، معمولاً از تمدن بالاتری برخوردار است و پویایی در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً مشاهده می‌شود. خلاصه، پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو آموزش آن است. دختران و پسران اگر در کنار تحصیل، دل مشغولی‌های دیگری داشته باشند، از تحصیل باز می‌مانند و وقت زیادی از فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلی آنان به هدر می‌رود. بسیاری از مشاوران از صحبت‌های دختران و پسران جوان درباره مدهای روز و آرایش‌های جدید گله‌مند هستند. نمی‌خواهیم بگوییم دختران و پسران باید در دانشگاه‌ها کاملاً از هم جدا باشند و دیواری بین آنها کشیده شود. اگر اینها فضای آموزشی را رعایت کنند و محیط را محیط درس بدانند و از آن‌چه برازنده فضای آموزشی نیست پرهیز کنند، بسیار تحسین‌برانگیز خواهد بود. به گفته مربیان تربیتی، در مدرسی که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و بی‌مسئولیتی به خوبی مشاهده شده است. زیرا دختران در چنین محیطی، با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند و تمرکز ذهنی و روحی را از آنان می‌گیرند و باعث افت

تحصیلی آنان می‌شوند و خود نیز دیگر حوصله درس خواندن ندارند و تمام حواسشان به لباس و نوع پوشش است. روح مطالعه و تحقیق در آنها خاموش می‌شود و افت تحصیلی پیدا می‌کنند. ه) تضعیف اعتقادات دینی در جامعه جامعه‌ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در سایه ایمان، در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌ماند و دشمنان نمی‌توانند در صفوف آن رخنه کنند و نقشه‌های آنان نقش بر آب می‌شود. این جامعه که دل به خدا سپرده و سرانجام زندگی را رسیدن به خالق خود می‌داند، دل به دیگری نمی‌سپارد و عقاید خود را متزلزل نمی‌کند. در این جامعه، حجاب و پوشش جزء احکام مسلم دین و مذهب به شمار می‌رود و زنان حاضر نمی‌شوند خود را به زینت‌های زودگذر و دنیایی مزین کنند و در پرتو آن عقاید دیگران را متزلزل نمایند و خود نیز زمینه‌ساز فساد در جامعه شوند. تظاهر به بدحجابی نشانه پای‌بند نبودن و بی‌مبالاتی فرد به احکام و اعتقادات اسلامی است؛ زیرا زنان با بدحجابی، چشم‌های هوس‌آلود را متوجه خود می‌سازند و پایه‌های ایمانی مردم را سست می‌کنند و جامعه را به فساد می‌کشانند. «هیچ راهی برای امریکا و ابرقدرت‌ها بهتر از این نیست که بدون جنگ و کشتار و بدون این که پولی خرج کنند و حساسیتی ایجاد نمایند، ایمان را از دل‌های مردم بزدند و بزدایند. این کار به سادگی انجام می‌شود؛ با فیلم‌ها، نمایش‌نامه‌ها و چیزهایی از این قبیل به نام پیشرفت علم و... هیچ راهی بهتر و موفق‌تر از این وجود ندارد.» و می‌دانیم که باورها و ایمان‌های راسخ نقش بسزایی در بالندگی زندگی جامعه ایفا می‌کنند و زمانی که ایمان به سستی گراید، نفوذ دشمن و به انحراف کشیدن آن جامعه به راحتی صورت می‌پذیرد. بدحجابی پی‌آمدهای اجتماعی نیز به دنبال دارد، از جمله: الف) ایجاد ناامنی و سلب آرامش آرامش و امنیت والاترین نعمتی است که خداوند به جامعه عنایت می‌فرماید و می‌توان گفت، اگر جامعه‌ای فاقد آن باشد به یک معنا، هیچ چیز ندارد و با وجود امنیت، همه چیز دارد. سلامت جسمی و روحی - روانی جامعه در سایه امنیت حفظ می‌شود و خلاقیت و نوآوری بروز می‌کند. زنان بدحجاب نمی‌دانند که چه ضربه‌های و جبران‌ناپذیر خانمان براندازی بر پیکره جامعه وارد می‌سازند. در جامعه‌ای که بدحجابی رواج پیدا کند، چشم و هم‌چشمی‌ها و ارائه هر چه بهتر زینت‌آرایی، تمامی نخواهد داشت و زنان سعی می‌کنند تا چشمان بیشتری را متوجه خود سازند و در معرض دید همگان قرار گیرند و این امر تمامی نخواهد داشت تا جایی که تمام افراد جامعه را آلوده سازد. در نتیجه، ناامنی نه تنها دامان خود بدحجاب را می‌گیرد بلکه خیلی سریع به اجتماع سرایت می‌کند و جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌دارد. بسیاری از کجروی‌های گوناگون اجتماعی مانند مدگرایی، شورش‌ها و درگیری‌های خیابانی، ناهم‌نوایی اجتماعی و آزارهای جنسی، از بدحجابی و بی‌هویتی اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. زنان بدحجاب که به نمودهای ظاهری و تجمل و تنوع می‌پردازند و هر روز به سراغ اسباب آرایش و زیورآلات جالب‌تر و کفش و لباس شیک‌تر می‌روند، از سرمایه‌های معنوی محرومند و جمال معنوی برای آنان نامفهوم است. اینان کمبود خویش را بدین گونه جبران می‌کنند و عطش شخصیت‌یابی را از این طریق فرومی‌نشانند. «آری، بدحجابی، ارزش‌های راستین دختران را تحت‌الشعاع ظواهر جنسی‌شان قرار می‌دهد و آنان را فدای هرزگی‌ها و هوس‌رانی‌های شیادان می‌سازد. بدحجابی ارزش زن را از بین می‌برد و او را تا حد یک کالا-پست می‌کند. زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان می‌گذارد و آنچه را که به جنسیت او مربوط می‌شود، به کوچه و بازار می‌کشد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر زنانگی خویش، جای خود را در جامعه باز کند نه با تکیه بر انسانیت خویش. در واقع او بدین ترتیب اعلام می‌کند که آنچه برای او اصل است، زن بودن اوست، نه انسان بودن و نه اندیشه و لیاقت و کارآیی او. چنین زنی قبل از هر چیز اسیر خود است. او به مغازه‌داری شبیه است که دائما در فکر تزیین و تغییر دکوراسیون ویتترین مغازه است.» ب) ترویج رذایل اخلاقی بدحجابی علاوه بر این که خود یک ناهنجار اجتماعی به شمار می‌آید و جامعه را به بی‌بند و باری می‌کشد، زمینه‌ساز بسیاری از زشتی‌های اخلاقی است. وقتی به پوشش و متانت بی‌اعتنایی می‌شود، مسائل اخلاقی دیگر هم از جامعه رخت بر می‌بندد. بدلباسی، بداخلاقی به دنبال دارد، چنان که مدپرستی، هواپرستی می‌آورد. جامعه‌ای که هر روز مد جدیدی را به شکل‌های گوناگون بپذیرد، دچار بسیاری از بیماری‌های اخلاقی چون غرور، تکبر، عصیان، قساوت قلب و فخرفروشی خواهد

شد. هرگاه جامعه‌ای به انجام دادن گناه جسارت پیدا کرد و مفسد و معاصی رواج پیدا کرد، زشتی گناه از بین می‌رود و این خود گناه بزرگتری است. یعنی جامعه‌ای که گناه را گناه نداند، به سبب رواج زیاد و همگانی شدن آن، سقوط خواهد کرد. بنابراین، بدحجابی قبح و زشتی گناه را از بین می‌برد و باعث رواج گناهان دیگر می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: *وَأَمَّا اللَّبَاسُ يَحْمِلُكَ عَلَى الْعُجْبِ وَالرِّيَاءِ وَالتَّزْيِينِ وَالتَّفَاخُرِ وَالتَّخَالُفِ فَإِنَّهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَ مَوْرُثَةُ الْقَسْوَةِ فِي الْقَلْبِ؛* لباس، لباسی نباشد که تو را به گناه خودپسندی، ریا، آراسته نشان دادن، مباحات به دیگران، فخرفروشی و تکبر، آلوده کند که تمام اینها از آفات دین و موجب سختی دل است. بدحجابی موجب سوء ظن نیز می‌گردد. پوشش، نشانه ترس از خدا و آتش جهنم است و زن باحجاب، خود را به احکام الهی پای‌بند می‌داند. از آن طرف زنان بدحجاب به راحتی احکام الهی را زیر پا می‌گذارند و بی‌مبالاتی خود را به موازین اسلامی اعلام می‌دارند. چنین زنانی در معرض گناه هستند و افراد جامعه به آنها گمان بد می‌برند و زمینه این گناه را تنها زنان بدحجاب به وجود می‌آورند. پس زنان پاک‌دامن و با عفاف، باید کاری کنند که در معرض تهمت قرار نگیرند. (ج) کم‌رنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه زن در بسیاری از جوامع در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... شرکت می‌کند و سهم بسزایی در این زمینه‌ها دارد. بنابراین، حضور زنان در جامعه امری انکارکردنی نیست و روز به روز به این فعالیت‌ها اضافه می‌شود و زنان دوش به دوش مردان در تمامی زمینه‌ها به فعالیت می‌پردازند. حال آیا پوشش می‌تواند بر حضور زن در جامعه تأثیر داشته باشد یا خیر؟ پاسخ بسیار روشن است؛ زیرا اسلام همان‌گونه که به اختلاط مرد و زن نامحرم هشدار داده و آنان را از پی آمدهای بد و زشت آن بازداشته است، به پوشش و حجاب او توجه خاصی داشته تا حضور او را در جامعه حفظ و سلامت نفسانی جامعه را تضمین کند. زنان بدحجاب در محل کار، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، تمرکز فکری لازم را از دست می‌دهند؛ در حالی که لازمه کار و تلاش جدی در محل کار، حضور قلب و تمرکز حواس است. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی‌پردازد، بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود می‌سازد. در نتیجه، که چرخه فعالیت کاری جامعه را به کندی رهنمون می‌سازد. از طرفی خانواده‌هایی که غیرت دینی بالایی دارند، از حضور دختران و زنان خود در چنین جامعه‌ای نگران هستند و نخواهند گذاشت حضور پرشور آنها در فعالیت‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، جامعه ضرر خواهد کرد و بخش بزرگی از نیروهای کاری را از دست خواهد داد. (د) برهم زدن تنظیم روابط جنسی و عاطفی پوشش و حجاب، نه تنها باعث سلامت اخلاقی جامعه و پای‌بندی به هنجارهای دینی می‌شود، بلکه زمینه بروز و شکل‌گیری بزه‌های جنسی را به حداقل می‌رساند و اعضای جامعه را نیز به سوی تشکیل خانواده، تنظیم روابط جنسی و عاطفی و قاعده‌مند کردن آن سوق می‌دهد. حجاب باعث می‌شود فاصله‌های اجتماعی محفوظ بماند و رعایت شود، یعنی هر کسی نمی‌تواند با دیگران هر نوع تعاملی را برقرار سازد. لذا پوشش، تعامل‌ها را الگودار و معنادار می‌سازد. این ویژگی مانع نزدیک شدن غریبه‌ها و در نهایت ارتباط جنسی می‌شود. رعایت حجاب و پوشش مناسب، افراد را از بزرگ‌ترین نعمت یعنی آزادی برخوردار خواهد ساخت؛ زیرا زنان اجازه نخواهند داد کسی بدون اجازه، به حریم شخصی و خصوصی‌شان نزدیک شوید و در این زمینه تصمیم بگیریم. بنابراین اگر افراد پاک و پاکدامن و جامعه سالم می‌خواهیم، باید زنان ما پوشش را کاملاً رعایت کنند؛ چنان که امیر مؤمنان در نهج‌البلاغه به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: *وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكْ اِذَا هُنَّ فَاِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَيْهِنَّ؛* از راه حجاب و پوشش بانوان آنها را بپوشان؛ زیرا رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به طور سالم‌تر و پاک‌تر حفظ خواهد کرد. (ه) افزایش آزار جنسی زنان و دختران با پوشش نامناسب در فعالیت‌های اجتماعی، به جوانان و مردان بزهکار اجازه خواهند داد تا به حریم آنان تجاوز کنند و مورد اذیت و آزار خود قرار دهند. نقطه شروع بسیاری از ناهنجاری‌ها، مزاحمت‌ها و بی‌احترامی‌هایی است که افراد جامعه برای یک‌دیگر به وجود می‌آورند و بدحجابی عامل بسیار مهمی در ایجاد این مزاحمت‌ها به شمار می‌آید، دختران بزرگ کرده با پوشش‌های زننده و گاه بسیار تهییج‌کننده، در جامعه خود را ارائه می‌نمایند تا شاید نگاه‌های آلوده بیشتری را به خود جلب کنند و

از این طریق، حس خودآرایی و خودنمایی را به نحوی ارضا کنند، ولی این سرابی بیش نیست و عاقبت پشیمان خواهند شد که دیگر راه بازگشت نخواهند داشت. خداوند در قرآن کریم به پیامبرش (ص) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند (به احتیاط) نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است. در شأن نزول این آیه آمده، هنگامی که شب‌ها زنان برای نماز به مسجد می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه بر سر راه آنها می‌نشستند و آنان را با مزاح و سخنان ناروا آزار می‌دادند و مزاحم آنها می‌شدند. این آیه به زنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا از کنیزان، آلودگان و یهودیان شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند. پس جامعه‌ای که بخواهد ثبات امنیتی بیشتری داشته و از ناهنجاری‌ها به دور باشد، باید خود را از عواملی که باعث ناهنجاری و بزه می‌شود، دور نگه دارد و حجاب بهترین وسیله‌ای است که زنان و دختران را از آزار جنسی محافظت می‌کند. (و جلب نگاه‌های چشم‌چران و هوسباز خداوند به پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه نامحرمان فرو گیرند.» شهوت از غرایزی به شمار می‌آید که خداوند در آدمی قرار داده است. شهوتی که باعث بقای نسل و سامان‌دهی زندگی و حیات می‌شود، آرامش و آسایش را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و آثار بسیار مطلوبی در جامعه خواهد داشت. اما اگر از مسیر اصلی خود منحرف شود و در سمت و سویی دیگر قرار گیرد، آثار بسیار بدی برای فرد و جامعه دارد. بدحجابی از مسائلی است که غریزه شهوت را از سیر خود منحرف می‌سازد. زنان بدحجاب، نگاه‌های آلوده مردان هوس‌باز را به خود جلب می‌کنند و آتش شهوت را در دل آنان شعله‌ور می‌سازند. به ویژه در جامعه‌ای که بیشتر افراد آن جوان هستند، نگاه‌های شیطانی به سوی دختران بزرگ کرده و بدحجاب جامعه را به فساد و تباهی رهنمون می‌سازند. آری، در جامعه‌ای که چشم‌چرانی بر اثر بدحجابی رواج پیدا کند، بسیاری از گناهان در آن جامعه رواج پیدا می‌کند و سرانجام، جوانان چشم‌چران بر اثر این گناه خانمان‌سوز، زندگی بسیاری از دختران معصوم و ساده‌لوح را بر باد می‌دهند و آبروی خانواده‌ها را به ارزانی می‌فروشند و زندگی‌ها را سست می‌کنند و سرمایه عفت و پاک‌دامنی را از بین می‌برند. امام صادق (ع) می‌فرماید: النَّظَرُ سَيْئُهُمْ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَشْمُومٌ وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسِيرَةً طَوِيلَةً؛ نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است. چه بسا یک نگاه حسرت طولانی در پی دارد! ز) اختلالات روحی و روانی اختلال روحی و روانی از آثار ناگوار بدحجابی در جامعه است. برخی از دختران و زنان، بر اساس نیاز ذاتی خود برای جلب رضایت محیط و توجه بیشتر بینندگان، به خودآرایی و جلوه‌گری و ارائه پوشش غیرمتعارف می‌پردازند و افکار خود را در بعد تمایلات و تخیلات موهوم، تقویت می‌کنند. بنابراین، پوشش و حجاب ناقص فشارهای فراوانی را بر روح و روان افراد وارد می‌سازد. چنین افرادی همیشه در پی آنند که خود را به گونه‌ای ارائه دهند که افکار و نگاه‌های آلوده و هوس‌انگیز را به خود جلب کنند و شخصیت خود را با خواسته‌های دیگران همگون سازند. این خواسته‌ها محدود نیست و وقتی دختران نتوانند خود را مطابق خواسته‌ها ارائه دهند. افراد جامعه ثبات روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و امیدها و آرزوها به ناامیدی می‌گراید. شهید مطهری؛ می‌فرماید: روح بشر فوق العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان می‌کنیم تحریک‌پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان‌طور که بشر در ناحیه ثروت و مقام، از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در امور جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها که به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری‌های روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود. اگر

بتوان از لحاظ پوشش، الگوی مناسبی به جامعه ارائه داد، سلطه‌ای آگاهانه به افراد جامعه پیدا خواهیم کرد و جامعه را از بی‌ارادگی و بی‌اختیاری نجات خواهیم داد. اما با بدحجابی، به افراد جامعه اجازه داده‌ایم که هر گونه می‌خواهند، برای پوشش خود تصمیم بگیرند و مدل‌های متنوع را جای‌گزین کنند و دل‌ها را به سمت و سوی انحرافات اجتماعی سوق دهند که در این صورت، اداره و اختیار از افراد جامعه گرفته می‌شود و جامعه‌ای که از خود اراده‌ای نداشته باشد، اختلالات روحی و بیماری‌های روانی به سراغ آن خواهد آمد و به منجلا بکشیده خواهد شد. «بدحجابی زن در جامعه، سبب نقش بازی کردن او در اسلوب‌ها و مدل‌های گوناگون می‌شود. این اعمال او را به صورت موجودی بی‌اختیار و بی‌اراده، به هر طرف می‌کشد و دیگر بر زندگی‌اش تسلط آگاهانه نخواهد داشت. در زندگی و اعمال خود، نظر دیگران را ترجیح می‌دهد که برای جلوگیری از این امور منفی، حجاب بهترین درمان می‌باشد.» (ح) تزلزل نهاد خانواده تشکیل نهاد خانواده، مقدس‌ترین پیوند زناشویی است. برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب خانوادگی مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. اگر زن لذت‌های جنسی خود را از محیط خانواده بیرون نبرد و دستورهای اسلام را اطاعت کند، محیط خانه سالم و آرام‌بخش خواهد بود. ولی اگر عفت را رعایت نکند و لذت‌های جنسی و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشانند، مورد نگاه‌های هوس‌آلود نامحرم قرار خواهد گرفت و ناخواسته عامل پاشیدگی و تیرگی روابط افراد خانواده خواهد شد. وقتی اختلافات زن و شوهر در محکمه‌های قضایی، را ریشه‌یابی می‌کنیم، پی می‌بریم که بسیاری از ناسازگاری‌ها به دلیل رعایت نکردن حجاب است. وقتی زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود، چشم‌ها، به سوی او نشانه می‌روند و او هم دل‌باخته و فریفته چشم‌چرانان می‌شود و کم‌کم از نگاه‌های شوهرش لذت نمی‌برد و از او سرد می‌شود و سرانجام باعث جدایی می‌گردد. گاهی همین امر از طرف شوهر صورت می‌گیرد. بر اثر چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود به دختران و زنان بدحجاب، از همسرش دل‌سرد می‌گردد و لذت‌ها و محبت‌هایش در بیرون از خانه صرف می‌شود. در نتیجه، بنای ناسازگاری با همسرش شروع می‌شود و تیرگی بر کانون خانواده سایه می‌افکند. بنابراین، برای حفظ نظام خانواده و به وجود آوردن محیطی سالم و فرزندان پاک رعایت حجاب ضروری است و باید بالاترین امنیت، یعنی امنیت ناموسی، در خانه حاکم شود. از طرفی بدیهی است، اگر خانواده سالم باشد و پوشش را رعایت کند، جامعه که از اجتماع خانواده‌ها تشکیل شده، سالم و پایدار خواهد ماند. در جامعه‌ای که بیشتر اعضای آن را جوانان تشکیل می‌دهند باید در برابر این فرآیند حساس‌تر باشند؛ زیرا جوانان در برابر مناظر شهوت‌انگیز و تهییج‌کننده، زودتر تحریک می‌شوند و چنین مناظری عامل مهمی در سوق دادن آنان به فساد خواهد شد. در نتیجه، نیروی فعال اجتماع به راه‌های فساد و تباهی کشانده می‌شوند و به جامعه ضربه جبران‌ناپذیری از جهات اقتصادی مادی، اجتماعی و اخلاقی وارد خواهد شد. «آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش بی‌حجابی و بدحجابی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مدام بالا رفته است؛ چرا که «هر آن‌چه دیده بیند دل کند یاد» و هر چه دل در این جا یعنی هوس‌های سرکش، بخواهد، به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دل‌بری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید.» به امید روزی که بتوان جامعه را به زیور عفاف و حجاب مزین کرد و از بدحجابی رهانید.

بدحجابی، زن و مرد ندارد

نویسنده: مریم زنگنه منبع: روزنامه قدس جریان شناسی نفوذ فرهنگی این روزها، در شهر شایعه شده است با کسانی که مانتو کوتاه و تنگ یا شلوار کوتاه و روسری کوچک پوشند برخورد می‌شود. حوالی ظهر اتوبوس مثل همیشه انبوه جمعیت را به مقصد می‌رساند. دختر خانم جوانی به دیواره اتوبوس تکیه کرده است. صورتش آرایش عجیبی دارد. خط چشمش تا حوالی شقیقه‌هایش امتداد دارد و موهای بلوندش با پوست سبزه‌اش اصلاً همخوانی ندارد. مانتو که نه شاید به آن بشود گفت بلوز راه راه صورتی رنگی به تن کرده. مانتو به یک سو کج شده است. ظاهراً مدلش این گونه است. اما آن طرفی که کوتاه تر است تقریباً از حدود

کمرش شروع می شود و قسمتی که بلندتر است به بالای زانویش هم نمی رسد. شلوار جین کوتاهی پوشیده است خودشان به این شلوارها می گویند bagee. شلوارهایی که گروههای خاصی در آمریکا می پوشند. اما جالب تر این که چیزی شبیه شال بزرگ و شاید هم روسری مشکی روی تمام اینها انداخته است که آن را به طور کامل در پشت سرش جمع کرده است. نمی دانم اسمش را چه بگذارم. فکر می کنم شاید این شال سیاه بزرگ را به این دلیل روی سرش انداخته است که اگر خواستند به او تذکر بدهند بگویند من چادری هستم. دوست دارم در ایستگاهی که او پیاده می شود، من هم پیاده شوم، به دنبال او بروم تا ببینم آن برخوردی که این روزها مردم از آن حرف می زنند پیش خواهد آمد یا نه؟ ما نگفتیم برخورد می کنیم مدت ۵۰ دقیقه شبکه تهران، مصاحبه زنده سردار طلایی را به مسأله بدحجابی و شیوه های مقابله با آن اختصاص می دهد. چند روز قبل از این مصاحبه رسانه ها عنوان کرده بودند که با بدحجابان، کسانی که شلوار کوتاه، مانتو تنگ و کوتاه و روسری کوچک پوشند برخورد خواهد شد. همان روزها جمع زیادی از خواهران بسیجی و خانواده های شهدا مقابل مجلس تجمع کردند و خواستار مقابله با این مسأله شدند موج ایجاد شده تقریباً سراسر کشور را گرفت. نگرانی هایی به وجود آمد که برخورد چگونه خواهد بود. وجود گشتهای ارشاد هم بر این شایعات بیشتر دامن می زد. تا اینکه سردار طلایی در آن مصاحبه تلویزیونی رسماً اعلام کرد که ما هیچ وقت نگفته ایم برخورد خواهیم کرد. وی افزود: من به همکارانم شیوه های ارشاد را آموزش داده ام و از آنها خواسته ام در صورتی که با مورد قابل تذکری برخورد کردند با احوالپرسی و تذکر با مورد مشاهده شده خداحافظی کنند و کاری به آنها نداشته باشند. سردار طلایی تأکید کرد: ما با کسانی که برهنگی را در جامعه ترویج دهند برخورد خواهیم کرد. عفاف و ترویج آن اما آنچه که این گزارش قصد پرداختن به آن را دارد نه در خصوص گفته های سردار طلایی و نحوه برخورد نیروهای انتظامی با این پدیده است، بلکه این گزارش می خواهد از منظری دیگر به این جریان نگاه کند. معمولاً هر گاه در هر محفلی سخن از بدحجابی به میان می آید اولین چیزی که به ذهن متبادر می شود، خانم ها هستند. اما باید از مسؤولان و کارشناسان پرسید آیا فقط این مسأله محدود به زنان است؟ آیا به پسری که شلوار کوتاه می پوشد، مو بلند می کند، مو رنگ می کند، ابرو بر می دارد، ناخن لاک می زند، دستبند و گردنبند می اندازد، لباس تنگ به تن می کند، نباید گفت بدحجاب؟ مگر دستور اسلام فقط برای پوشش خانم هاست و بس؟ چرا باید همیشه این خانم ها باشند که در مظان انواع و اقسام اتهام ها باشند و آقایان پیوسته بمانند؟ هر چند که سردار طلایی و جمعی از نمایندگان مجلس تأکید می کنند مسأله پوشش و حجاب به آقایان و به خانمها مربوط می شود اما... این گزارش قصد دارد بگوید بهتر است به جای اینکه فقط به مسأله حجاب برای خانم ها پردازیم به مقوله عفاف برای زن و مرد توجه نشان دهیم. باید با تهاجم فرهنگی مقابله کرد اغلب مسؤولان فرهنگی کشور معتقدند که پدیده تهاجم فرهنگی با خود ارمغانهایی نه چندان مطلوب را به همراه داشته است. عشرت شایق نایب رئیس فراکسیون زنان مجلس می گوید: رهنمودهای جامع و رهگشای رهبر معظم انقلاب در مورد تهاجم فرهنگی با غفلت و فراموشی مسؤولان دستگاههای فرهنگی و متولیان این عرصه روبرو شد. وی افزود: هر یک از دستگاههای فرهنگی، آموزشی یا قانونگذاری و قضایی، دیگری را مسؤول کنترل پدیده تهاجم فرهنگی می داند و برای مقابله با آن، اقدامی هماهنگ و همه جانبه صورت نمی گیرد. عشرت شایق می افزاید: دشمنان ما از سالهای گذشته برنامه ریزی کرده اند تا به ارزشها، باورهای دینی و هنجارهای اجتماعی ضربه بزنند که تاکنون در این راه، بسیار پیچیده و تشکیلاتی هم عمل کرده اند. پس برخورد با این پدیده نیز باید از پیچیدگی و ظرافت همه جانبه برخوردار باشد. او تأکید می کند: بر همین اساس، همه دستگاههای کشور از جمله قانونگذاری فرهنگی، آموزشی، قضایی، انتظامی و دیگر مراجع ذی ربط باید وظیفه خود را در این رابطه شناخته و به بهترین وجه آن را اجرا کنند. شایق می گوید: البته اگر قانون خوبی هم وجود داشته باشد ولی نتوان آن را اجرا کرد، نتیجه ای حاصل نخواهد شد یا اگر دستگاههای فرهنگی و آموزشی از نظر شناساندن فرهنگ اسلامی و ارزشهای انسانی و دینی نتوانند به وظیفه خود عمل کنند آنگاه نه قانون خوب و نه برخورد قضایی، هیچ کدام اثر مثبتی نخواهند داشت. وی ماهیت

پدیده بدحجابی در جامعه اسلامی مسلمانان را این گونه ارزیابی می کند و خاطر نشان می سازد: قدرتهای استکباری همیشه سعی کرده اند تا ملت‌های مسلمان را تحقیر و کوچک کنند و او را دل بسته زینتهای ظاهری از جمله پای بندی به مد، لباس و آرایش آن هم از نوع وارداتی کنند تا از این راه به اهداف خود که همان استعمار فکری، اقتصادی و سیاسی است، برسند. وی با بیان اینکه استعمار فکری مقدمه مستعمره شدن جوامع اسلامی در سایر زمینه هاست، می گوید: کیاست و زیرکی مسلمانان در جریان شناسی نفوذ فرهنگی بیگانگان، برای زدودن این حيله و مکرها بسیار مهم است. شایق خاطر نشان می کند: دشمنان بیش از همه با حجاب مسلمانان که ناشی از فرهنگ دینی آنان است، مخالفت می کنند و دایم برای این کار از مدلهای وارداتی و لباسهای نیمه برهنه، تبلیغاتی حجیم می سازند و سعی دارند تا مسلمانان را به این امور مشغول کنند تا فرصت دستیابی به طهارت اخلاقی و آرمانهای دینی و ملی را از آنان سلب کنند. وی می گوید: پدیده بدحجابی به دنبال خود عوارض اجتماعی دارد که در استحکام خانواده ها، پایداری بنیان خانواده ها و سالم سازی نسل آینده آثار منفی دارد. وی می گوید: یکی از مهمترین علل سرمایه گذاری دشمنان برای ایجاد انحرافات اخلاقی و اجتماعی از جمله رواج بدحجابی و بی بند و باری در ایران اسلامی، پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و جایگزین شدن ارزشهای دینی به جای ارزشهای وارداتی غربی و نیز الگو شدن این جامعه و ارزشهای آن برای سایر ملت‌های مسلمان دنیا است. شایق خاطر نشان می سازد: دشمنان به خوبی می دانند که با رواج بی بندوباری آشفتگی های متعدد فردی و اجتماعی بروز می کند و هنجارهای جامعه درهم می شکند. البته کوتاهی دستگاههای مختلف در انجام وظیفه خود در قبال پاسداری از ارزشها و باورهای دینی، خواسته یا ناخواسته به این هدف دشمنان کمک کرده است، در سالهای پس از جنگ، این پدیده ظاهر شد که آثار آن را اکنون شاهد هستیم. نایب رئیس فراکسیون زنان تصریح می کند: البته گسترش ارتباطات و دسترسی آسان به وسایل و ابزار آلات فرهنگی بیگانگان، از جمله استفاده منفی از برنامه های جهت دار ماهواره و اینترنت به این پدیده دامن زده. علاوه بر آن پر نشدن اوقات فراغت جوانان، نبود برنامه های هدفمند، سازنده و جذاب، فارغ التحصیلان بیکار، بالا رفتن توقعات و انتظارات، بدون پشتیبانی لازم، تبلیغات عظیم بیگانگان از فرهنگهای وارداتی و آزادانه این ناهنجاریها را تشدید کرده است. وی می گوید: در کنار پدیده بدحجابی نباید از مسأله اعتیاد، رواج مصرف مشروبات الکلی، افت علم و پژوهش در عرصه علم، از کارکرد استعمار و سیاسی کردن مسایل فرهنگی غفلت کرد؛ بلکه باید بهانه ها را پایان داد و آستین همت جمعی در عرصه های فرهنگ، علم و دانش را بالا زد. نایب رئیس فراکسیون زنان مجلس تأکید می کند: پدیده بدحجابی گوشه ای از یک پدیده به نام تهاجم فرهنگی است، بنابراین لازم است به صورت همه جانبه به آن نگاه شود. به این معنی که اگر هماهنگی بین سیاستها و دستگاههای مختلف وجود داشته باشد، برخورد قضایی نیز مفید خواهد بود، ولی اگر این برخورد به تنهایی صورت بگیرد به مفید بودن آن اطمینانی نیست. بدحجابی بخشی از ابتذال است فاطمه آلیا عضو دیگر فراکسیون زنان مجلس نیز می گوید: بحث حجاب و یا عفاف مسأله ای است که به همه دستگاههای فرهنگی کشور مربوط است و اساساً در طول این زمانها بحث تهاجم فرهنگی مطرح بوده است ذیل تهاجم فرهنگی، موضوع بدحجابی بخشی از ابتذال است. وی می افزاید: وقتی این بحث مطرح شد ما درصدد برآمدیم که راهکارهایی برای آن پیدا کنیم و به همین دلیل مقابله یا کاهش اصل ابتذال و یا زمینه های فحشا را مطرح کردیم. وی خاطر نشان می سازد: آگاهانه یا ناآگاهانه عده ای موضوع را به بدحجابی محدود کردند، اگر چه جامعه ما به طور کلی از بدحجابی هم نگران است و به دنبال این است که به وضعیت پوشش و لباس در عرصه های عمومی سر و سامانی دهد. فاطمه آلیا خاطر نشان می کند: اما موضوعی که باید با آن مقابله کرد ابتذال و تهاجم فرهنگی و مسایلی از این دست است و باید بگویم بحث عفاف به طور کلی مطرح است. ما در تعریف عفاف گفته ایم پاسخگویی و یا کشش یا خطراتی که انسان را به سلامت روح چه در بعد اجتماعی و چه در بعد فردی دعوت می کند. عفاف در همه زمینه ها هست، چه در پوشش و چه در محیط کار، در همه مظاهر زندگی عفاف باید باشد. به عنوان مثال وقتی در یک مجموعه، نیروهای کار آمد و شایسته کار می کنند خود به خود محیط کار

سالم می شود و اینجاست که می توان گفت: در ذیل عفاف امنیت اجتماعی تأمین می شود و فضا برای کار و تلاش مناسب می شود. وی می گوید: بحث عفاف به جنسیت توجه نمی کند این مسأله شامل زنان و مردان می شود تا با رعایت آن بتوانند در کمال امنیت فعالیت کنند از اول هم در مجلس بحث عفاف مطرح بوده است و ما متأسفیم که بعضی از جراید و رسانه ها موضوع را محدود کرده اند، هر چند که باز هم تأکید می کنم یکی از مظاهر ابتذال و تهاجم فرهنگی بدحجابی است. وی می افزاید: مجلس به راههای مختلف فرهنگی برای تقویت فرهنگ خودمان و فرهنگ ایرانی اسلامی می اندیشد، ملت ما در طول تاریخ ملت عفیفی بوده اند، اما هر کجا که مظاهر ابتذال و فحشا را می بینیم متوجه می شویم که تحفه نامبارک تهاجم فرهنگی است که از خارج وارد شده است، البته باید بگویم که در حوزه داخلی کشور هم کم کاریهای بسیاری وجود دارد و کارهای اساسی انجام نشده است که کارهای فرهنگی دشمن بی اثر بماند و یا حتی اثرات آن کاهش پیدا کند در اجتماع زمینه هایی فراهم آمده است که تهاجم فرهنگی در بخشهایی از فرهنگ جامعه اثر نامطلوب گذاشته است. وی در خصوص راهکارهای مجلس در این موج ایجاد شده در جامعه می گوید: مجلس وظایف مشخصی دارد، یکی صلاحیت نظارتی آن است، رسالت قانونگذاری، رسیدگی به مشکلات مردم و درخواست ها در عرصه مادی و معنوی است این سه موضوع جزو وظایف مجلس است خود ما تعجب می کنیم که چرا این موج به وجود آمده، مسأله فرهنگی که در طول سالها باید به آن توجه شود و مستمر است چرا به یکباره این چنین خودش را نشان می دهد؟ ما معتقدیم که تغییرات فرهنگی همواره باید اتفاق بیفتد، اما باید مراقب باشیم وقتی تغییرات فرهنگی در جامعه اتفاق می افتد این تغییرات بومی و در ارتباط با فرهنگ خودمان باشد. اگر ما به سرمنشأ تغییرات توجه نکنیم، این تغییرات از خارج از کشور تغذیه خواهند شد و اینجاست که مسأله نگران کننده می شود. مسؤولان امر پیوسته باید به این موضوع پردازند نه اینکه به صورت فصلی بخواهند مسأله ای را مطرح کنند. وی می گوید: وقتی این گونه به موضوع نگاه می شود، موضوع به مسأله بدحجابی محدود می شود. علاوه بر آن باید برای مردم توضیح داده شود که مقصود چه کسانی هستند. در پایان سال ۸۴ تلویزیون بارها در خصوص طرح جمع آوری اراذل و اوباش توضیح داد، این بیم می رفت که نیروی انتظامی می خواهد با جمع زیادی برخورد کند، اما وقتی این مسأله به طور کامل و واضح از تلویزیون توضیح داده شد که مقصود کسانی هستند که امنیت جامعه را به هم می زنند چه از طریق کیف قاپی، سرقت و یا هر مسأله دیگر شایعات بسیار کم شد. در این مورد نیز باید اطلاع رسانی می شد، باید برای مردم توضیح بدهند که مقصود چه کسانی هستند. وی می گوید: تأکید می کنم که جوانهای ما مقصر نیستند، ما مراکز عرضه پوشاک مناسب نداریم که همه به یک شکل مناسب به بازار عرضه شود، اما نیروی انتظامی می تواند با اطلاع رسانی دقیق با کسانی که فرهنگ ابتذال را ترویج می کنند برخورد کند. البته گروه مورد نظر بسیار محدود هستند و این عدم اطلاع رسانی باعث ایجاد شایعات در جامعه می شود. وظیفه نیروی انتظامی ایجاد امنیت و آرامش در جامعه است، بنابراین باید با کسانی که امنیت و آرامش را از طریق ابتذال بر هم می زنند مقابله شود. وی می گوید: یکی از مباحثی که ما با رسانه ها مطرح کردیم، بحث ساماندهی مد و لباس بود. لباسی که هم تنوع خواهی جوانان را مد نظر دارد هم آراسته و هم متنوع و وزین است. پیشینه تاریخی ما بسیار درخشان است و به طور کلی در شأن جوانان ما نیست که چنین لباسهایی بپوشند، من به عنوان یک شهروند و به عنوان یک نماینده می گویم، مردم تقصیر ندارند لباس مناسب وجود ندارد. یک فرد مجبور است لباسی را که برای مهمانی انتخاب می کند برای مدرسه و دانشگاه و محیط کار و ... بپوشد که اصلاً در آن راحت نیست. در این طرح در نظر داریم که با حمایت بخش خصوصی و طراحان و مبتکران و خلاقان بتوانیم این مسأله را ساماندهی کنیم. وی می افزاید: مبتکران و طراحان لباس باید حمایت شوند و در جشنواره ها لباسهایشان را به مردم عرضه کنند تا آنها ببینند که چه طرحهای متنوعی می شود پوشید، در عین حال باید حمایت مالی لازم از این طراح بشود تا بتواند به مرحله تولید انبوه برسد. این مسأله هم استقلال فرهنگی و هم استقلال اقتصادی را تأمین می کند. چرا ما نباید صادر کننده لباس باشیم؟ چرا بازار ما باید پر از لباسهای چینی، ترک و حتی پاکستانی باشد؟ ما از وزارت بازرگانی

خواسته ایم که بر روی کفش و لباس تعرفه بگذارند، تا بتوانیم در داخل تولید مناسب داشته باشیم و تولید داخل برای مصرف کننده ارزان تر از لباس خارجی باشد. وی تأکید می کند: مجلس در نظر دارد، با ساماندهی مد و لباس حداقل در عرصه ظاهری جامعه امنیت و آرامش به وجود آورد و رسانه ها باید در جای خودشان اطلاع رسانی مناسب انجام دهند و ما از دولت خواسته ایم تسهیلات بانکی برای طراحان لباس در نظر بگیرد. برخورد با بدحجابی در همین زمینه رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی می گوید: برخورد با بدحجابی ربطی به مجلس ندارد و در این زمینه به اندازه کافی قانون وجود دارد. عماد افروغ می گوید: چنانچه بخواهند با مسأله بدحجابی ریشه ای مقابله کنند در این زمینه طرح ایجابی مد و لباس وجود دارد. وی پیرامون طرح ملی پوشش بانوان می گوید: این طرح در کمیسیون فرهنگی تصویب و به مجلس ارائه شده است که باید در صحن علنی مجلس مطرح شود. عفت شریعتی نیز در این خصوص می گوید: نهادهایی مانند فرهنگ و ارشاد، حوزه علمیه، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، آموزش و پرورش و دانشگاهها که نماد فرهنگ در جامعه هستند، باید روی مسأله کار کنند و این یک مسأله فرهنگی است و باید در این رابطه کمیسیون فرهنگی وارد شود. وی تأکید می کند: در رابطه با برخورد نیروی انتظامی در این ماجرا هم معتقدیم نیروی انتظامی باید با افراد هنجار شکن و کسانی که به قانون دهن کجی می کنند برخورد کند و مگر می شود برای هر انسانی زندان و مأمور گذاشت. مراقبت در این زمینه و کنترل دائمی افراد جواب نمی دهد. متولیان فرهنگی باید دست به کار شوند.

استفاده عمومی ممنوع

منع: دیدار آشنا خواهران عزیز! این مطلب را بخوانند در آن هنگام که خداوند بر حضرت آدم احسان کرد و باغ زندگی او را به وجود «حوا» معنا بخشید، غم تنهایی را از او زایل ساخت. از آن زمان به بعد که عالم را بقایی و آدم را امیدی به حرکت آورد، خیمه زندگی بشر پیا شد. در حالی که نیمی از آن را «زن استوار کرده بود، موجودی که بدون او، برای نظام آفرینش، آغاز و انجامی تصور نمی شود. بر همین اساس، در آیین حیات بخش اسلام برای «زن شخصیتی فوق العاده و منزلتی والا مقرر شده است و از او به عنوان موجودی یاد شده که باید مورد تکریم و مشمول مهر و محبت کافی قرار گیرد. به گونه ای که در قرآن کریم سوره ای است به نام «نساء» و مشتمل بر ۱۷۶ آیه. علاوه بر این در اسلام برای تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی، خانوادگی و زناشویی و حقوق زن، قوانین عادلانه ای وضع شده است. و از زنان شایسته آن چنان یاد می کند که گویی هیچ فرشته ای نمی تواند به مقام او نایل آید. در میان قوانین آسمانی که خدای متعال، با توجه به نیاز زن به امنیت و آرامش، بر او مقرر کرده است، حکم «حجاب است. حجاب قانونی است که نه برای محدود کردن استعداد های زنان، بلکه برای محدود کردن خطر هایی است که استعدادها و موجودیت زن را تهدید می کند. دیدگاه اسلام به اجتماع و مسائل آن، کاملاً حکیمانه است. اسلام می خواهد جامعه ای آن چنان پاک بسازد که در آن اثری از فساد و انحراف وجود نداشته باشد. از جمله عوامل اساسی که پاکیزگی اجتماع و سلامت اخلاقی را ضمانت می کند، حکم حجاب است. با وجود حجاب، زنان از بی عفتی و عشوگری و انحراف باز داشته می شوند و موجب صیانت خانواده و جلوگیری از به هم پاشیدگی آن می گردد. «حجاب ایمنی بخشنده و نگهبان جامعه است و هرگز هیچ جامعه ای نمی تواند از پاکی و امنیت اجتماعی برخوردار باشد، مگر وقتی که زنان نشان نخواهند بی بند و بار و برهنه باشند» زیرا «بی حجابی همچون «وبا» بی است که در صورت گسترش آن در میان توده مردم، بسیار زود همه را آلوده و بیمار می کند. اسلام با دوراندیشی کامل، پیروان خود را به حجاب و ترک خودنمایی امر می کند تا پیش از وقوع حوادث خانمان برانداز و شیوع فساد، ریشه های آن خشک گردد و امکان رشد فساد اجتماعی بوجود نیاید. «بی حجابی و پیامدهای آن ۱. روی آوری جوانان به انحرافات جنسی جوان در دوران بلوغ، به علل مختلف، دچار هیجان و میل جنسی زیادی می گردد. هرگاه این هیجانها و فشارهای جنسی، با دیدن صحنه های تحریک کننده و چهره های بزک کرده زنان بی حجاب، همراه باشد، جوان را آن چنان بی اختیار می کند

که دوست دارد با هر وسیله ممکن، شهوت خود را خاموش سازد. چنان که حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «خدای متعال چشم اندازی به گیسوان زنان را حرام دانست زیرا موجب تحریک مردان گشته، در نتیجه آن، مفاسد و انحرافات بی‌شمار خواهد پیوست که نه حلال است و نه پسندیده (۱) آیا زنان بی‌حجاب، که عامل اصلی انحراف جوانان هستند، در جرم و کیفر آنان شریک نیستند؟ و آیا اینان نبودند که با خودنمایی و هرزگی خود، غرایز جوانان را تحریک کرده و روانه فساد نمودند؟ به هر حال، زنان بی‌حجاب، باید کیفر نابسامانی‌های اجتماعی و روانی که برای دیگران پیش می‌آورند، به عهده بگیرند. ۲. بی‌حجابی و خیانت‌های خانوادگی از آن زمان که بی‌حجابی در میان زنان رواج یافت، خیانت‌های خانوادگی نیز گسترش پیدا کرد. از آن پس، پیوسته آمار آن رو به افزایش رفته است. بی‌شک در بسیاری از موارد، شوهر خود زمینه این خیانت‌ها را فراهم می‌نماید زیرا با همراه بردن همسرش به مجالس مختلط و منحرف کننده و سینماها و تئاترها، عملاً بین او و بیگانگان، آشنایی برقرار می‌کند. بیگانگانی که در اغلب موارد هیچ گونه تعهد و ایمانی در آنان دیده نمی‌شود. یا آن که مرد، همسرش را وادار می‌کند تا با مهمانان به گرمی دست دهد و با لبخند، خوش آمدگویی کند. سپس، از آنان پذیرایی کند، آن چنان که گویی همه با او محرمند! همین رفت و آمدها نامشروع، موجب می‌شود که روابط خانوادگی سست گردد و اختلافات زندگی شروع شود. اینجاست که کاخ زیبایی خانواده از هم پاشیده و فرو می‌ریزد و بدبختی کودکان آغاز می‌گردد. ۳. دخترربایی و تجاوزات به زنان و دختران زن و دختری که زیبایی‌های خود را به دیگران نشان می‌دهند و غرایز جنسی مردان را تحریک می‌کنند، باید تاوان این رفتار ناصواب را با ریختن آبرو و پذیرفتن آسیب جسمی و روانی بپردازند. نظر جوانان منحرف به زنان بی‌حجاب، چیزی جز از دست دادن آبروی آنان نیست. پس تجاوز و ربودن آنان امر عجیبی نیست! دختر ربایی در کشورهایی که به حجاب معتقد نیستند، بیداد می‌کند. بر اساس گزارش روزنامه گاردین، در آمریکا (واشنگتن) در هر ۱۵ دقیقه، یک دختر ربوده می‌شود (۲) یا در گزارش آمده است: آمارهایی که از کیف‌های دختران دانشجو در انگلستان به عمل آمده، نشان می‌دهد که ۸۰ درصد آنان، قرص ضدبارداری با خود همراه دارند. (۳) حال سؤال این است، با توجه به سرانجام بی‌حجابی کدام یک از این دو نمونه «زن بی‌حجاب و بانوی باحجاب بهترند؟ کدام یک متین و محترم‌ترند؟ مقام و منزلت کدام عالی‌تر است؟ در آخر می‌توان گفت: تفاوت میان زن بی‌حجاب و باحجاب مانند تفاوت اتومبیل شخصی و اتومبیل همگانی (اتوبوس، تاکسی) است. اتومبیل همگانی مورد استفاده عموم است. ولی اتومبیل شخصی، تنها به صاحبش اختصاص دارد. و زن بی‌حجاب کالای همگانی است زیرا همه مردم قادرند آزادانه از او بهره‌مند شوند. چگونه است که فردی حاضر نیست اتومبیل شخصی خود را به دست راننده‌ای بی‌انصاف یا حتی دوست خود بسپارد چون ممکن است موجب خرابی آن شود. ولی حاضر می‌شود ناموس خویش را در اختیار دیگران قرار دهد تا در معرض انواع بیماری‌ها قرار گیرد. منبع: کتاب «خواهرم حجاب سعادت است»، نوشته: محمد ابراهیم الموحد القزوی، مترجم: یوسف آبادنی پی‌نوشت: ۱. بحارالانوار. ج ۶، ص ۲۱۰۳. مجله لبنانی «الدستور»، ۱۹۸۰، ۳. روزنامه مصری «الاهرام»، ۱۹۸۰

آثار بدحجابی و خود آرایی

بدحجابی پدیده‌ای است که از سوی برخی بیمار دلان تشویق و ترغیب می‌شود، بطوری که آن را ابزاری برای دور زدن قوانین و احکام اسلامی یعنی حکم شرعی حجاب قرار داده‌اند. در جامعه اسلامی، بدحجابی به عنوان یک نابهنجاری به وجود آمده که خود عامل بسیاری از مشکلات جنسی، خانوادگی، تعرضات خیابانی و بحران‌های اجتماعی شده است. از نظر نویسنده این مطلب، بدحجابی بدتر از بی‌حجابی است؛ زیرا جامعه عقلانی و اسلامی به طور طبیعی از بدحجابی حمایت نمی‌کند و به شدت با آن مبارزه می‌کند؛ ولی از آن جایی که جامعه نسبت به برخی از امور تساهل و تسامح روا می‌دارد، بدحجابی به عنوان یک شیوه خود آرایی شیوع و رواج می‌یابد و خود عامل فساد و تباهی در جامعه می‌گردد؛ زیرا بدحجابی به عنوان خود آرایی، عامل تهییج

شهوات جنسی است که پیامدهای آن مانند موریانه آهسته جامعه را از درون متلاشی می کند و اساس خانواده ها را از هم می پاشد. درمطلب حاضر نویسنده با مراجعه به آموزه های قرآنی، بر آن است تا تحلیل قرآن از این عمل تهییج کننده را تبیین کند و آثار و کارکردهای زیانبار و آسیب زای آن را تشریح نماید. با هم این مطلب را از نظر می گذرانیم. فلسفه حجاب حجاب برای این وضع شده تا جامعه در سلامت جنسی باشد و ابزارهای تحریک قوای شهوانی تحدید شود. از این رو، حجاب به عنوان یک قانون کلی وضع شده است تا این سلامت فراهم آید. از آیات قرآن این معنا به دست می آید که نیازی به پوشیدن از کودکانی نیست که قدرت تشخیص میان زن و مرد نداشته و هنوز به مسائل جنسی آگاهی نیافته اند. اما کسانی که بدحجابی شان عامل برانگیختگی شهوانی است، باید خود را به طور کامل ببوشانند و بر مومنان است که به این افراد بدحجاب ننگرند و چشم خویش را فروافکنند. به سخن دیگر، مومن در دو حالت باید چشمان خویش را از جنس مخالف ببوشاند: ۱- در زمانی که شخصی بی حجاب یا بدحجاب است، حال چه این بی حجابی یا بدحجابی تحریک کننده باشد یا نباشد؛ زیرا حجاب قانونی اجتماعی است که مراعات آن بر همگان لازم است و اگر کسی مراعات نکرد می بایست با چشم پوشیدن، خود را از احتمال تحریک قوای شهوانی محافظت کند و چشم پوشیدن بر او واجب و لازم است؛ ۲- زمانی که شخص با حجاب است ولی او با دیدن همان مقدار مجاز تحریک شده و قوای شهوانی او برانگیخته می شود، در این حالت بر او لازم و ضروری است که چشمان خویش را از جنس مخالف ببوشاند و به آن ننگرد. اصولاً حجاب یک قانون اجتماعی است که بر همه شهروندان امت اسلام از زن و مرد لازم است تا آن را اجرا کنند و در صورت تخطی به عنوان جرم تلقی شده و مجازاتی چون تعزیر دارد؛ چنان که گناهی است که عقوبت آن در آخرت و بلکه در دنیا نیز گریبانگیر وی خواهد شد و بسیاری از برکات و نعمت های الهی از او سلب شده و به معیشت سخت و تنگدستی گرفتار می آید. هدف از وضع حجاب آن است تا زمینه برای سلامت جامعه فراهم گردد و بیمار دلان، متعرض مردان و زنان با ایمان نشوند و ایمان ایشان را به غارت و چپاول نبرند. البته یکی از فلسفه ها و اهداف حجاب را باید ایجاد عفت و پاکدامنی در میان امت اسلام و شهروندان آن دانست؛ زیرا حجاب شرایط مناسبی را برای پاکدامنی و عفت در جامعه فراهم می آورد؛ چرا که با وجود حجاب مناسب و شرعی، قوای شهوانی، تحریک و تهییج نمی شود و شخص در یک فرآیندی با کمک عقل و شرع، بر نفس خویش مسلط شده و زمام امور نفس را در اختیار عقل می گذارد. از آموزه های قرآنی این معنا به دست می آید که عفت و پاکدامنی، به معنای چیرگی عقل و مدیریت مهار قوای شهوانی به دست آن است. این حالت اگر به شکل ملکه ای در نفس انسانی در آید، شخص در حالتی قرار می گیرد که به سادگی تهییج نمی شود و قوای شهوانی نمی تواند سرکشی کند و او را به سوی گناه سوق دهد. به سخن دیگر، هدف آن است که آدمی در یک فرآیندی به جایی برسد که قوای نفسانی بر او حکومت نکند، بلکه عقل و آموزه های عقلانی و وحیانی بر جان او مسلط شود که همان معنای تقوا و پرهیزگاری واقعی است. در برخی از روایات آمده است برای هر چیزی مستی و سگری است. انسان ها همان گونه که با شراب دچار مستی می شوند، یا به سبب ترس از مرگ دچار این حالت می گردند. (ق، آیه ۱۹) یا دنیازدگی، ایشان را مست می کند (حجر، آیه ۷۲) همچنین برخی از اوقات چشمان آدمی مست می شود و همانند آدم هایی افسون شده می گردد. (حجر، آیه ۱۵) این مستی چشمان، شاید به سبب چشمان مست آفرین جنس مخالفی باشد و شاید به تار مو و زلف زنی و شانه ستبر مردی اتفاق بیفتد. از این رو باید انسان چشم، فروهشته دارد تا در دام مست آفرینان گرفتار نیاید. حجاب، مانع بازدارنده ای است که آدمی را از مست آفرینان در امان نگه می دارد. لذا به عنوان یک حکم اجتماعی اسلامی مطرح شده است. از نظر اسلام، همان اندازه که انسان نسبت به ایمان و عمل صالح خود مکلف و موظف است همچنین نسبت به ایمان و اعمال دیگران نیز مسئولیت دارد؛ زیرا اسلام دینی اجتماعی است و حوزه های فردی آن تا حوزه های اجتماعی کشیده شده است و ایمان واقعی جز به رهایی از خود و دیگران معنا نخواهد یافت. از این رو بر هر فردی این مسئولیت نهاده شده تا با ایجاد حجاب، مانع از برانگیخته شدن شهوات جنسی دیگران شود. بنابراین حجاب برای مرد و زن یک

مسئولیت اجتماعی است تا بستر عفاف را در دیگران ایجاد یا تقویت کند. بنابراین اگر به انسان مؤمن گفته شده تا برای حفظ عفاف و یا تقویت آن در خود، چشم بر هر مست آفرینی فروهشته دارد، همینطور از وی خواسته شده تا برای حفظ عفت دیگران و یا ایجاد و تقویت آن، حجاب داشته باشد. براین اساس، اگر مردی احساس کند و یا احتمال دهد که پوشیدن مقدار واجب و لازم نمی تواند نقش بازدارندگی را ایفا کند، باید بیش از حد واجب اندام خود را بپوشاند و این یک مسئولیت اجتماعی است که به عنوان آداب پوشش مطرح می باشد. چنان که اگر زنی دید که دستان ظریف و لطیف وی نگاه ها را مجذوب می کند و یا چشمان مخمورش دل ها را به بند می کشد و مسحور می سازد، باید به آداب اسلامی پوشش، دستان خویش بپوشاند و یا چشمان را با عینک دودی و یا هر ابزار دیگری مخفی نگه دارد و این گونه حجاب را مراعات نماید. در حقیقت، مقدار لازم برای مرد و زن مسلمان همان چیزی است که در شریعت بیان شده است ولی مسئولیت اجتماعی و دینی شخص می طلبد که وی با توجه به شرایط حتی برخی از بخش های مجاز را نیز بپوشاند تا شرایط برای تهییج قوای جنسی دیگران فراهم نیاید؛ زیرا هدف از حجاب ایجاد بسترهای لازم برای دست یابی به حالت نفسانی عفاف است که نوعی چیرگی عقل بر قوای نفسانی و ایجاد تعادل و اعتدال در آن است. عفت در کلام الهی همان عصمتی است که شخص را از انجام گناه باز می دارد و اجازه نمی دهد تا قوای شهوانی حتی در محیط مناسب تهییج برانگیز، خود را بر جان آدمی مسلط و چیره نماید. از این رو عفت حضرت یوسف (ع) وی را از گناه در شرایط مناسبی که زلیخا فراهم آورده بود، بازداشت. (یوسف، آیات ۲۹ و ۳۲ و ۳۳) همین عفت است که به عنوان یک ارزش مورد توجه قرآن و آموزه های وحیانی آن قرار می گیرد و همه عقلا و خردمندان، دارندگان عفاف را می ستایند و بر آنان آفرین می فرستند. (یوسف، آیات پیشین و نیز ۴۶ و ۵۰ تا ۵۴) بی گمان عفت یکی از مصادیق احسان و صالح بودن انسان است. (یوسف، آیه ۵۶) از این رو حضرت یوسف (ع) مورد ستایش شاه مصر قرار می گیرد. انسان های عقیف حتی اگر فاقد امکانات پاسخ گویی به نیازهای جنسی خویش باشند، هرگز در دام شهوت نمی افتند و با خویشتن داری نشان می دهند که چگونه عقلشان بر شهوات و قوای درونی و وسوسه های بیرونی چیره است. زنان و مردان عقیف با همه مشکلات و تنگدستی ها هرگز تن به خفت نمی دهند و خواری تقاضا و سوال را بر خود هموار نمی سازند (بقره، آیه ۲۷۳) چه رسد که در دام آن گرفتار آیند و خود را به دست شهوت بسپارند و بدنام و بی آبرو کنند. به هر حال هرگونه بدحجابی که به عنوان عامل تهییج شهوات جنسی باشد، به عنوان یک عمل ضداخلاقی و هنجاری شناخته می شود و باید با آن به عنوان یک پدیده زشت از سوی اولیای امور و مجریان قوانین به شدت مبارزه شود و از سوی مومنان و شهروندان محکوم شود. بدحجابی، ترفند شیطانی عفت و پاکدامنی، حالت نفسانی است که داشتن آن بیانگر تسلط عقل بر نفس و چیرگی آن بر قوای شهوانی و مدیریت و مهار آن است. انسان های پاکدامن به سبب آن که کمال را در خدایی شدن می جویند، به عقل گرایش داشته و خردورزی اساس زندگی آنان را شکل می بخشد؛ زیرا می دانند که تسلط عقل بر تن و جانشان، به معنای تسلط حق و حقیقت بر آنان و حرکت در مسیر تعالی است. افراد پاکدامن به حکم عقل نه تنها کمال را برای خود می پسندند، بلکه آن را برای همگان می پسندند و بدین منظور نه تنها شرایط را برای حرکت های کمالی و عقلانی خود فراهم می آورند، بلکه می کوشند تا شرایط مطلوب و مناسبی نیز برای دیگران فراهم آید. از این رو، از هرگونه ابزاری که قوای شهوانی را تهییج یا تقویت کند، پرهیز می کنند و پرهیزگاری و تقوا در ایشان به عنوان ملکه درآمده است. آنان از هرگونه خودآرایی که موجب تهییج قوای شهوانی و نفسانی جنس مخالف می شود، خودداری می کنند و عفت را برای همگان می پسندند. در همین راستا حجاب در ایشان به عنوان ابزاری مفید و سازنده در دستور کار قرار می گیرد تا ضمن ایجاد دیواره امنیتی برای خود و جلوگیری از هرگونه تعرض از سوی بیماردلان، شرایط مناسب را برای تعالی دیگر افراد جامعه فراهم آورند. اما در مقابل، بیماردلان و ناپاکدامنان، به سبب فقدان عفت درونی، نه تنها حجاب را ابزار حفاظتی بر نمی شمارند، بلکه آن را به عنوان عامل تهییج قوای شهوانی دیگران و تقویت آن به کار می گیرند و بدحجابی به عنوان یک ترفند فریبکارانه از سوی بی عفتان مورد بهره برداری قرار می گیرد. البته همه کسانی که

بدحجاب هستند، از آن به عنوان یک ترفند بهره نمی برند؛ زیرا بسیار از آنان نسبت به احکام شرعی آگاهی کاملی ندارند و ناخواسته اهتمام و جدیتی نسبت به احکام شرعی از خود بروز نمی دهند و به طور ناخواسته در انجام کامل قوانین و احکام شرعی کوتاهی روا می دارند. این در حالی است که برخی دیگر از افراد، بدحجابی را به عنوان یک پدیده اجتماعی در برنامه ریزی رفتاری و جنگ نرم و روانی خویش قرار می دهند. بنابراین، بدحجابی به عنوان یک پدیده اجتماعی برنامه ریزی شده، ترفندی است که دشمنان جامعه و بی عفتان خواهان گسترش آن هستند. بدحجابی به عنوان یک ترفند فرهنگی و سیاسی از سوی برخی از افراد مدیریت و هدایت می شود. این جاست که جامعه با جلوه هایی از خودآرایی مواجه می شود که بحران های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی را به دنبال دارد. از این رو گفته شده، بدحجابی، ترفند بیماردلان و بی عفتان است؛ زیرا هدف این گروه ها آن است که شرایط برای بهره گیری های شهوانی فراهم آید و با طبیعی و عادی و معمولی جلوه دادن این گونه رفتار، هرگونه حساسیتی را از جامعه و مدیران آن بردارند. بدحجابی، نوعی خودآرایی اصولاً زنان و مردان گرایش به خودآرایی دارند تا این گونه جنس مخالف را برانگیزند و توجه آنان را به خود جلب و جذب کنند. در اسلام تهییج همسران از طریق خودآرایی مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته و آیات و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است که چگونه همسران به این نیاز طبیعی یک دیگر پاسخ دهند و با پوشیدن و آراستن خود به زر و زیور و جامه های زیبا و خوشنگار، شرایط مناسب و شایسته ای برای پاسخ به عواطف و احساسات یک دیگر در این حوزه فراهم آورند. بی گمان، این تهییج و برانگیزاندن عواطف و احساسات جنس مخالف، نیازمند پاسخ گویی های جنسی مناسبی از سوی همسران است که در آیاتی از جمله ۵۸ سوره نور بدان اشاره و توجه داده شده است. در این آیات از خلوت های سه گانه همسران در شبانه و روز سخن به میان آمده که برای ارتباط جنسی بوده و هیچ کسی حتی فرزندان نیز مجاز به شکستن حریم خلوت ایشان نیستند. اما از آن جایی که هرگونه تهییج جنس مخالف از سوی دیگران به معنای شکستن حدود الهی است، امری ممنوع و محرم دانسته شده است. بر این اساس همه عوامل و ابزارهای تهییج جنسی جنس مخالف تحریم شده و قوانین سفت و سختی در این باره وضع شده است تا جامعه در سلامت باقی بماند. از جمله این قوانین حجاب است. قانون حجاب، اختصاصی به مرد و زن ندارد و همگام موظف به اجرای دقیق آن هستند. هر چند که میزان و شرایط حجاب در مرد و زن فرق می کند و این تفاوت به سبب اختلاف طبیعی در زن و مرد است. ناگفته نماند که اگر زنی با دیدن حتی بخش هایی از بدن مردان که لازم نیست پوشیده باشد، تحریک شود می بایست چشم خویش را از آن مرد یا مردان پوشاند. از این رو با آن که مردان با دیدن و زنان با لمس تحریک می شوند؛ خداوند از فرو انداختن چشمان زن و مرد سخن به میان آورده است (نور، آیه ۳۱) زیرا برخی از زنان با دیدن جاهایی که به طور طبیعی حجاب مرد نیست، تحریک می شوند و یا این که مردانی بدحجابی را پیشه می گیرند تا زنانی تحریک شوند و در دام شهوت ایشان گرفتار آیند. بر این اساس بر مؤمنان حکم شده تا چشمان خویش را از نگاه به نامحرم از جنس مخالف پوشانند تا قوای شهوانی آنان تحریک نشود. به سخن دیگر، در این جا دو حکم وجود دارد، حکمی که بر همگان است که حجاب مناسب مرد و زن را مراعات کنند و حکمی دیگر آن که در صورت احتمال تحریک، چشمان خویش را بر همان بخش مجاز نیز پوشانند؛ زیرا برخی از مردان و زنان نسبت به دیدن جنس مخالف واکنش مثبت نشان می دهند و قوای شهوانی ایشان برانگیخته می شود. از این رو، اگر مردی نسبت به دیدن چهره و دست زنی تحریک می شود بر اوست که چشم فرو بندد و آن جا را نیز نبیند؛ هر چند که برای دیگران دیدن آن بخش مجاز باشد و بر زن نیز پوشیدن آن بخش لازم نباشد. هم چنین در زنان هم این حکم جاری است. بنابراین اگر زنی با دیدن فوتبالیست ها و پوشش آنان تحریک شود می بایست چشم از ایشان فرو بندد، هر چند که به طور عموم زنان با دیدن تحریک نشوند. به عبارت دیگر، مبنای احکام، جلوگیری از تهییج جنسی است و اگر مرد و زنی احتمال تحریک جنسی و برانگیخته شدن قوای شهوانی خود را بدهند نمی توانند مواضع و جاهایی را ببینند که دیدن آن جایز و پوشیدن آن لازم نیست. از این رو شخصی که احتمال تحریک خود را می دهد، دیدن این

مواضع و جاهائی از زن و مرد جایز نیست و حرام می باشد.

حیا و خودآرایی و تاثیر آن در سلامت روانی زنان

مقدمه زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه نقش بسیار مهمی در ایجاد و گسترش عفت، پاکدامنی و اخلاق در بین جوامع بشری دارند. عفت و حیای زن، که یکی از مهم ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی است، نه تنها در تمام ادیان و مذاهب الهی مورد تأکید قرار گرفته، بلکه عقول و افکار بشری نیز آن را مورد تأیید قرار داده اند. از نظر اسلام، اهمیت این موضوع به حدی است که برخی روایات آن را «تمام دین» می دانند. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده که فرمودند: «الْحَيَاءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ»؛ حیا تمام دین است. ۱. امام علی (علیه السلام) نیز در مورد عفت و پاکدامنی می فرماید: «عفت و پاکدامنی منشأ هر خیری است.» به همین منظور، در تمام ادیان و مذاهب آسمانی، «الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ» ۲ قوانین گوناگونی برای حفظ و بقای عفت و حیای عمومی وضع شده اند، که «حجاب» و پوشش زن از جمله آنهاست. «حجاب»، که به معنای پوشیدن تمام بدن و زیبایی های ظاهری زن در برابر مردان بیگانه است، برای پیش گیری و مهار برخی گرایش ها و رفتارهای خودنمایانه و وسوسه انگیز می باشد. این در حالی است که زنان به طور طبیعی دوست دارند در برابر جنس مخالف خودآرایی کنند و زیبایی زنانگی ۳ خود را به نمایش بگذارند. حال این سؤال پیش می آید که این قانون اسلامی تا چه اندازه با طبیعت زن سازگار است؟ آیا تبرج و جلوه گری از نظر اسلام و علم بکلی مردود است، یا برای آن قانونی وجود دارد؟ اگر در وجود زن گزینه ای تحت عنوان «تبرج» وجود دارد، روش های رشد و پرورش این گزینه چیست و چه کارکردی در زن و حفظ سلامتی او می تواند داشته باشد؟ چگونه می توان گزینه تبرج را با حیا، که یک ویژگی فطری در زن است، جمع کرد؟ آیا حجاب و پوشش به معنای نادیده گرفتن این گزینه نیست؟ آیا همان گونه که عده ای از مخالفان حجاب می گویند، این محدودیت مانعی برای رشد عاطفی و روانی زن محسوب می شود، یا به عکس، در جهت سلامت روانی اوست؟ اهمیت بررسی این موضوع واضح و روشن است؛ زیرا اولاً، حجاب و پوشش زن به طور یقین، یکی از محکم ترین سنگرهای است که مسلمانان، به ویژه جوانان، را از فساد و فحشا حفظ می کند و سدی آهنین در برابر نفوذ و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام است. به همین دلیل، همان گونه که رهبر فرزانه انقلاب بارها فرموده اند، بر همه ما تکلیف است در مقابل این تهاجم همه جانبه هشیار باشیم و با آن مقابله کنیم. ثانیاً، ارتباطی که مسئله حجاب و عفت از یک سو و گرایش دایمی زن به تبرج و جلوه گری از سوی دیگر با سلامت روانی او دارد به موضوع اهمیت بیشتری می دهد؛ زیرا پر واضح است که به لحاظ نقش مهم و حساسی که زن در حیات جسمی و روانی انسان ها دارد، بحث و بررسی در مورد مؤلفه های سلامت روانی او لازم و ضروری به نظر می رسد. اما به دلیل آنکه دین اسلام به بهداشت و سلامت روانی افراد اهمیت زیادی داده است و حتی نتیجه نهایی عبادت و بندگی را رسیدن به «نفس مطمئنه» می داند و فقط کسانی را که دارای قلب و روانی سالمند، اهل نجات و خوش عاقبت می داند، ۴ مطمئناً در تمام احکام و قوانین خود و از جمله، لزوم پوشش و حفظ عفت فردی و عمومی، به نقش آنها در روح و روان افراد توجه کرده و بهترین نسخه را برای سلامتی و سعادت جوامع بشری ارائه داده است. ۵. گزینه تبرج و خودنمایی منظور از گزینه «خودنمایی» و «تبرج»، جلوه گری و دلبری کردن برای تصاحب قلب دیگری است. کلمه «تبرج» که در قرآن آمده، از کلمه «برج» گرفته شده و به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان گونه که برج قلعه، برای همه هویدا است. در مورد این موضوع، باید به سه نکته توجه کرد: ۱. اختصاص گزینه تبرج به زنان یکی از ویژگی های مهم زنان، خصیصه تبرج و خودنمایی است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. قرآن در دو آیه از آیات حجاب، از تبرج و خودنمایی زنان صحبت کرده و آن را محدود به محیط خانواده کرده است. در یک جا می فرماید: (وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى) (احزاب: ۳۳) ای زنان (در برابر نامحرم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین؛ در آیه دیگر می فرماید: (غَيْرِ مُتَّبِعَاتٍ بِزِينَةٍ) (نور: ۶۰) زنان، (در برابر

نامحرمان) با زینت‌ها و آرایش‌ها ایشان خودنمایی نکنند. قرآن در این آیات فقط زنان را از تبرّج و خودنمایی و به نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم نهی کرده و از تبرّج مردان سخنی نگفته است. از ظاهر این مطلب فهمیده می‌شود که غریزه خودنمایی و تبرّج از ویژگی‌های خاص زنان است و در مردان وجود ندارد. به همین دلیل پوشش و حجاب تنها برای زنان واجب شده است. شهید مطهری درباره آثار این غریزه و نیز اختصاص آن به زنان می‌گوید: «اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی؛ همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود، می‌خواهد دلبری کند و مرد را دل‌باخته و در دام علاقه خود اسیر کند، انحراف تبرّج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.»^۶ در روایات نیز از وجود غریزه خودنمایی یا تبرّج در زن سخن گفته شده است. برای مثال امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «خداوند زنان را از سرشت مردان آفریده، از این‌رو، تمام همّت خود را در جذب مردان و نزدیک شدن به آنها صرف می‌کند.»^۷ بنابراین، اصل وجود غریزه خودنمایی در زن مورد تأیید منابع اسلامی است. اما در مورد کارکرد این غریزه در زنان، می‌توان گفت: وجود این غریزه برای متمایل کردن مرد - جنس مذکر - به زن - جنس مؤنث - است تا بدین وسیله، مقدمات ازدواج و زندگی مشترک را بین آنان فراهم کند؛ چنانکه در سایر جانداران نیز این ویژگی در جنس ماده وجود دارد. درباره غریزه خودنمایی و تبرّج، غیر از منابع اسلامی، برخی از دانشمندان نیز مطالب جالبی دارند. خانم جینا لمبروزو (G, Lombroso) روان‌شناس معروف ایتالیایی، در این باره می‌گوید: «در زن علاقه به دلبر بودن و دل‌باختن، مورد پسند بودن و مایه خرسند شدن بسیار شدید است.»^۸ در جای دیگری می‌گوید: «یکی از تمایلات عمیق و آرزوهای اساسی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده و به وسیله حسن قیافه، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صدا، طرز تکلم و بالاخره شیوه خرام خود، مطبوع طباع واقع گشته، احساسات آنها را تحریک نموده و روحشان را مجذوب سازد.»^۹ همچنین درباره تأثیر غریزه خودآرایی و تبرّج در زندگی زنان می‌گوید: «میل به جلب دیگران، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محرک زندگانی زن محسوب می‌شود.»^{۱۰} ویل دورانت نیز درباره آثار غریزه تبرّج زن می‌گوید: «زن میل دارد بیشتر مطلوب باشد، نه طالب، و به همین جهت، در ارج‌گذاری و تقدیر آن جاذبه‌هایی که مایه تشدید میل مرد است، استاد است.» بنابراین، اصل وجود این غریزه و اختصاص آن به زن در بین دانشمندان پذیرفته شده است.^{۱۱} ۲. پرورش و توجه به غریزه تبرّج در اسلام غریزه خودنمایی و خودآرایی مانند سایر غرایز آدمی، نیازمند قانونمندی و کنترل است؛ یعنی باید از افراط و تفریط در آن پرهیز شود؛ زیرا عدم کنترل این غریزه، چه از لحاظ افراط و چه از لحاظ تفریط، برای زن زیانبخش است و سلامتی او را به خطر می‌اندازد. از این‌رو، در دین اسلام برای این غریزه حد و حدود ویژه‌ای تعیین شده است و همان‌گونه که آزادی بی‌حد و حصر آن ممنوع گردیده و برای کنترل آن حجاب واجب شده، بی‌توجهی به آن نیز مذموم شمرده شده است. به همین دلیل، در برخی روایات، آرایش کردن برای زنان یک ضرورت تلقی شده و بی‌توجهی به آن به معنای نادیده گرفتن غریزه خودآرایی، مورد نکوهش قرار گرفته است. در اینجا به بعضی از این روایات اشاره می‌شود: در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد ویژگی‌های بهترین زنان نقل شده است که فرمودند: «بهترین زنان شما زنی است که بسیار با محبت باشد، عقیف و پاک‌دامن باشد، نزد اقوامش عزیز و محترم باشد، با شوهرش متواضع و فروتن باشد، برای او خودآرایی و تبرّج داشته باشد و در برابر نامحرم عقیف باشد.» در این حدیث، دقیقاً به همان تبرّجی که قرآن آن را برای زن در مقابل نامحرم ممنوع کرده، نسبت به شوهرش سفارش شده است.^{۱۲} در روایت دیگری، امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «برای زن سزاوار نیست که بدون زیور و آرایش باشد، حتی اگر یک گردن‌بند باشد؛ و سزاوار نیست دستش از رنگ حنا خالی باشد، اگرچه پیر باشد.»^{۱۳}

همچنین می‌فرماید: «لَا تُصَيِّلِي الْمَرْأَةُ عَطَلًا»؛ زن بدون زیور و آرایش نماز نخواند. ۱۴ امام باقر (علیه‌السلام) نیز در روایتی می‌فرماید: «لَمْ تَزَلِ النِّسَاءُ يَلْبِسْنَ الْحُلِيَّ»؛ زنان همواره از زیور استفاده کنند. ۱۵ در برخی روایات دستوراتی برای زیبا شدن زنان داده شده، است. برای مثال، امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کاری را که بیش از حد توانایی زن است به او وامگذار؛ زیرا (اگر زنان از کارهای سخت و طاقت‌فرسا به دور باشند) برای حال آن‌ها و شادابی روحی و دوام زیبایی آن‌ها بهتر است؛ چرا که زن گل بهاری است (لطیف و حساس)، نه پهلوانی سختکوش». ۱۶ همچنین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از اینکه به همه زنان، چه شوهردار و چه بدون شوهر، دستور می‌دهد دایم خضاب کنند (و دست و صورت خود را به حنا و رنگ‌های زیبا آرایش کنند) می‌فرماید: «اما زنان شوهردار برای شوهرانشان زینت کنند و اما زنان بدون شوهر، به این دلیل خضاب کنند که دستشان شبیه دست مردان نشود (و لطیف و زیبا بماند)». ۱۷ همچنین در روایت دیگری آمده است: پیامبر به مردان فرمود: «ناخن‌های خود را کوتاه کنید» و به زنان فرمود: «ناخن‌ها را کوتاه نکنید؛ زیرا شما را زیباتر می‌کند». حتی آن حضرت از بعضی زنان به خاطر اهمیت ندادن به آرایش و زیبایی، انتقاد کرده است. ۱۸ عایشه می‌گوید: «زنی از پشت پرده دستش را بیرون آورد تا نامه‌ای به رسول خدا بدهد، آن حضرت دستش را بست (و نامه را از او نگرفت). فرمود: نمی‌دانم این دست مرد است یا دست زن؟ آن زن گفت: دست زن است. پیامبر فرمود: اگر تو زن بودی ناخن‌هایت را به رنگ حنا در می‌آوردی». ۱۹ اهمیت زینت کردن و آرایش زنان به حدی است که پوشش بعضی از لباس‌ها مثل ابریشم و طلا به علت خاصیت زیبایی‌شان به زنان اختصاص یافته است. ۲۰ امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «خداوند طلا را در دنیا زینت زن قرار داد و بر مردان حرام کرد». ۲۱ در برخی روایات آمده که «ائمه اطهار (علیهم‌السلام) زنانشان را با طلا و نقره زینت می‌کردند و بر این کار اصرار داشتند». ۲۲ از روایات دیگری که حاکی از اهمیت اسلام به آرایش و تجمل برای زن است، حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که حتی به زنانی که شوهران نابینا دارند دستور می‌دهد خود را با بوی خوش و حنا آرایش کنند. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: از رسول خدا سؤال شد: زن چگونه برای شوهر نابینا آرایش کند؟ فرمود: با استعمال عطر و خضاب کردن، که نوعی بوی خوش است. ۲۳ از روایاتی که در این باب وجود دارند، و تنها بعضی از آن‌ها در اینجا ذکر شدند، می‌توان نتیجه گرفت که اگر دین اسلام از تبرج و خودنمایی زن برای نامحرم نهی کرده، در مقابل به او دستور داده است در صورتی که در انتظار نامحرم نباشد، حتما تبرج و خودنمایی داشته باشد، به ویژه اگر در محضر شوهرش باشد. بنابراین، دین اسلام غریزه خودنمایی و تبرج زن را نادیده نگرفته، بلکه به آن اهمیت هم داده است و تلاش کرده زنان علاوه بر دارا شدن زیبایی درونی و اخلاقی، از نظر ظاهری هم جذاب و زیبا باشند؛ زیرا توجه به آرایش و زیبایی ظاهری نه تنها پاسخی منطقی و صحیح به اقتضای طبیعی و غریزه آنان در جلوه‌گری و جلب توجه دیگران است، بلکه سبب می‌شود زن شادتر و بانشاطتر باشد و از این طریق، شادابی و نشاط را به زندگی خانواده‌اش نیز وارد کند؛ زیرا یکی از عوامل مهم با نشاط بودن زن، داشتن ظاهری زیبا و دلپسند است که شوهرش را پی‌درپی به وجد آورد و خود نیز از این طریق به وجد آید. در نتیجه، کوشش زن در جذاب بودن و آرایش کردن برای شوهر، ضمن اینکه نیاز طبیعی زن به خودنمایی و تبرج را ارضا می‌کند، وی را از جلوه‌گری و خودنمایی برای مردان نامحرم نیز بی‌نیاز می‌سازد؛ زیرا او برای شوهری خودآرایی کرده است که حقیقتاً به او عشق می‌ورزد و در دوستی‌اش وفادار است. بدین سان، هم نیاز غریزی او به آرایش و تجمل اشباع شده و هم از آفات و انحرافات عشق آزاد رهایی یافته و آسیبی به سلامت روانی او وارد نشده است. خانم لمبروزو در این مورد، سخن زیبایی دارد: «بدون شک، منشأ حجب و حیای زن را در عشق و علاقه می‌توان یافت؛ چه اینکه زن وقتی مرد را به خویش علاقه‌مند و خود را نسبت به او متمایل دید، منظور اصلی خودنمایی و جلوه‌گری از بین می‌رود و چون توسعه محیط اجتماعی زن فقط به منظور تمرکز تمایلات درونی او به شخص واحد است، هنگامی که در این راه توفیق یافت، دیگر احتیاجی به آلات فریبنده و مصنوعی نخواهد داشت. چنانچه مشاهده می‌شود زنانی که به شوهر و اطفال خود علاقه‌مند هستند، بکلی از این عوالم دور و برکنار می‌باشند و اگر زنی دیده می‌شود که این شیوه را پیشه

خود قرار داده است، فقط به این جهت است که پاسخ احساسات درونی خویش را نزد همسر خود نیافته است؛ زیرا وقتی که زن علاقه‌مند گردید، دیگر حاضر، بلکه قادر به جلب توجه دیگران نخواهد بود.^۳ افراط در غریزه خودنمایی و تبرّج همان‌گونه که بی‌توجهی به غریزه خودنمایی و تبرّج برای زن زیان‌بخش است، خودنمایی و تبرّج بیش از اندازه و خارج از چهارچوبه حجاب نیز زیان‌بخش خواهد بود و سلامت روانی زن را به مخاطره می‌اندازد. این مطلب دقیقاً مانند این است که بگوییم: غذا خوردن برای سلامتی ضرورت دارد، اما زیاده‌روی و عدم رعایت قانون غذا خوردن مضر است. در ارضای نیازهای روانی نیز باید جانب اعتدال رعایت شود، زیرا هرگونه زیاده‌روی در آن موجب از دست رفتن انرژی روانی انسان می‌شود و سلامت روانی او را مختل می‌سازد. البته تفاوتی که در ارضای نیازهای روانی، مثل نیاز به خودنمایی و تبرّج در زن، با نیازهای جسمانی مثل نیاز به غذا خوردن وجود دارد این است که این‌گونه نیازها سیری‌ناپذیرند و اگر انسان در ارضای آن‌ها حد افراط را در پیش بگیرد، نه تنها نیاز او برطرف نمی‌شود، بلکه روز به روز تشنه‌تر شده، تمام فکر و ذهن او را به خود مشغول می‌کند. در ارضای نیاز به خودآرایی و خودنمایی نیز همین مطلب وجود دارد؛ یعنی اگر زن در توجه به زیبایی ظاهری و خودآرایی افراط کند، کم‌کم به حدی می‌رسد که بیمارگونه به تجمّل و آرایش می‌پردازد و هیچ‌گاه احساس ارضا و سیری نمی‌کند. شهید مطهری در این‌باره می‌نویسد: «روح بشر فوق‌العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان‌گونه که بشر - اعم از مرد و زن - در ناحیه ثروت و مقام، از تصاحب ثروت و تملّک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشیاع نمی‌گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. و از طرفی، تقاضای نامحدود، خواه ناخواه، انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت، دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود، منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد.»^{۲۴} وست کوت (Westcott) در نقد نظریه کارن هورنای (Karen Horney) که معتقد بود زنان باید با خارج شدن از خانه و به عهده گرفتن کارهای متفاوت در مشاغل گوناگون، هویت خود را بیابند، می‌گوید: زنان امروزی ما بین نیاز به جلب توجه مردان و دنبال کردن اهداف شخصی خود، گیر افتاده‌اند. به همین دلیل، رفتارهای متضادی از خود نشان می‌دهند؛ گاهی اغواگر و پرخاشگر و گاهی مؤدب و گاهی جاه‌طلب می‌شوند. زنان امروز بین کار و عشق، دو پاره شده‌اند و در نتیجه، هیچ‌کدام آن‌ها را ارضا نمی‌کند.^{۲۵} در کتاب روح زن می‌گوید: زن طوری آفریده شده است که وابسته به یک مرد باشد و فقط برای او طنّازی و عشوه‌گری کند. به همین دلیل، اگر تکیه‌گاهش را نیابد و به تجمّل و جلوه‌گری خود ادامه دهد، دوام نخواهد آورد و نابود می‌شود، در ادامه، آورده است: «زن همچون بوته نیلوفری است که طالب چوب خشک یا دیوار لخت و عریانی است تا آن را از گل و سبزه بیوشاند. اگر چنین چوب و دیواری نیابد، خشک و نابود خواهد شد.»^{۲۶} از اینجا فلسفه و حکمت و چوب پوشش و حجاب برای زن در اسلام مشخص می‌شود؛ زیرا این حکم به دلیل اینکه نقش اساسی در متعادل کردن غریزه خودنمایی و تبرّج زن دارد، عامل مهمی برای جلوگیری از بخش بزرگی از اضطراب‌ها و دغدغه‌های فکری زن محسوب می‌شود؛ زیرا آزاد بودن زن در خودآرایی و به نمایش گذاردن جلوه‌های زنانه در جامعه، موجب افراط در تجمّل و توجه به زیبایی‌های ظاهری می‌شود، که این توجه افراطی می‌تواند سبب بروز اختلال‌های روانی در زن شود. توضیح مطلب این است که وقتی زن مکشوف و آرایش کرده در بین مردان ظاهر می‌شود، طبعاً عده‌ای خوششان می‌آید و او را مورد تحسین و تکریم (ظاهری) قرار می‌دهند. به همین دلیل، دایم سعی می‌کند وضع ظاهری خود را طوری قرار دهد که بیشتر موردپسند آن‌ها واقع شود. معمولاً این‌گونه زنان و دختران برای اینکه زیباتر شوند، هر روز وقت زیادی را صرف آرایش و تقلید از مدهای جدید می‌نمایند. این روند می‌تواند ناراحتی‌های روانی زیادی برای آنان ایجاد کند؛ زیرا به دلیل اینکه همیشه کارها به دلخواه پیش نمی‌رود، باعث بروز نگرانی‌هایی برای آن‌ها می‌شود. برای مثال، این تصور که آیا با صرف این همه وقت و هزینه مالی، توانسته‌اند جلب نظر دیگران بکنند و مورد پسند آنان شوند یا به

عکس، مورد تمسخر و تحقیر آنانند، می‌تواند دایم ذهن آن‌ها را به خود مشغول کند و آن‌ها را به موجوداتی نگران تبدیل نماید. دلیل دیگری که می‌تواند به نگرانی آن‌ها بیفزاید این تصور است که هر لحظه ممکن است رقیبی زیباتر از راه برسد و شکار آن‌ها را برآید. و سرانجام، دلیل دیگری که باعث ناراحتی و استرس برای آن‌ها می‌شود این است که می‌بینند به مرور زمان، از زیبایی‌هایشان کاسته می‌شود و زنان جوان‌تر و زیباتر جای آن‌ها را می‌گیرند و نقش آن‌ها را در ربودن دل‌ها کمتر می‌کنند. گرچه آن‌ها برای اینکه در این رقابت، ضعف خود را جبران کنند، دست به کارهای گوناگونی می‌زنند: تنوع‌طلبی بیشتر در لباس و آرایش و افراط در جلوه‌گری و خودآرایی؛ ولی نتیجه‌چندانی برایشان ندارد. وقتی زن در اثر آزادی در خودآرایی و جلوه‌گری به چنین احساسی رسید، به زودی متوجه می‌شود که در این رقابت، دیگر توان مقابله با زنان زیبا و جوان را ندارد، بخصوص وقتی پا به سن می‌گذارد این احساس تلخ در او بیشتر می‌شود؛ زیرا مشاهده می‌کند همان مردانی که چندی پیش خریدار نازها و کرشمه‌های او بودند، دیگر حاضر نیستند با او مراوده داشته باشند و بهای چندانی به او نمی‌دهند. اینجاست که دچار افسردگی و اضطراب می‌شود و حتی گاه دیده شده است که برخی زنان دست به انتحار می‌زنند. کتاب چهره عریان زن عرب می‌نویسد: «زیبایی، به نمایش برجستگی‌های بدن و آرایشی که اضطراب درونی و فقدان اعتماد به نفس را پنهان می‌کند، نیست، بلکه پیش از هر چیز مدیون قدرت تفکر، سلامت جسم و کمال نفس است. چه بسیار دخترانی که به سبب شوق دست‌یابی به نشانه‌های مقبول زیبایی و زنانگی، به اختلالات روانی و اضطرابات گوناگون دچار گردیده‌اند. گمان و تصور یک دختر این است که زندگی و آینده‌اش به اندازه بینی و یا خمیدگی مژه‌هایش بستگی دارد تا آنجا که حتی یک میلی‌متر کوتاهی طول مژه نیز می‌تواند به مسئله‌ای جدی و بحرانی واقعی در زندگی او تبدیل شود».^{۲۷} آنچه این مشکل را حادتر می‌کند این است که زنان بدحجاب خیلی زودتر از زنان دیگر زیبایی خود را از دست می‌دهند؛ زیرا در پزشکی اثبات شده است که برهنگی اعضای زن در محیط گرم یا سرد، سبب به هم خوردن تعادل چربی‌های زیر پوست شده، لطافت و ظرافت و صافی عضلات را مبدل به ناهمواری و مردانه شدن آن‌ها می‌کند. علاوه بر این، وقتی زن تمام زیبایی‌های خود را در معرض تماشای عموم قرار داد، دیگر چیزی برای جلب نظر ندارد. بنابراین، بدحجابی، هم از جهت جسمی و هم از جهت روانی، از زیبایی زن می‌کاهد و این خود عاملی در تشدید سرخوردگی و ناراحتی زن می‌باشد. اما به عکس، رعایت حجاب سبب افزایش زیبایی زن می‌شود. در روایتی، امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «عفت و حجاب سبب افزایش و رشد زیبایی می‌شود».^{۲۸} و نیز در روایتی دیگر می‌فرماید: «پوشش و حجاب برای حال زن بهتر است و سبب دوام زیبایی او می‌شود».^{۲۹} غریزه حیا خصیصه حیا و شرم به طور طبیعی، در زن بیش از مرد وجود دارد. به همین دلیل است که زن فطرتاً و از روی طبع و غریزه، میل به پوشش بدن خود در مقابل نامحرم دارد و از برهنگی دچار اضطراب می‌شود. شواهد فراوانی در اسلام بر فطری و غریزی بودن حیا برای زن وجود دارند و علاوه بر اینکه قرآن به این مطلب اشاره کرده، از نظر روان‌شناسی، زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز قابل اثبات است. ۱. دیدگاه اسلام درباره حیای زن قرآن در داستان حضرت آدم و حوا، پس از اینکه می‌فرماید آن‌ها فریب شیطان را خوردند و از درخت ممنوعه تناول کردند، می‌فرماید: (فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِمَا عَلَىٰ هُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ) (اعراف: ۲۲)، و هنگامی که از آن درخت چشیدند، زشتی‌ها و قسمت‌های پنهان اندامشان بر آن‌ها آشکار شد و (به سرعت) شروع به قراردادن برگ‌های درختان بهشتی بر خود کردند تا آن‌ها را بپوشانند. از این داستان، به روشنی می‌توان فهمید که آدم و حوا هنگام برهنه شدن، مضطرب و پریشان شدند؛ زیرا برای رهایی از این حالت، به برگ‌های درختان پناه آوردند و خود را با آن‌ها پوشاندند و صبر نکردند تا لباس مناسبی به دست آورند. این در حالی است که اولاً، آن‌ها همسر یکدیگر بودند و جایز بود در مقابل هم برهنه شوند. ثانیاً، هیچ کس در آنجا نظاره‌گر آن‌ها نبود تا شرمندگی‌شان به خاطر او باشد. ثالثاً، چون اولین انسان بودند، پوشش برای آن‌ها جنبه اکتسابی هم نداشت. بنابراین، تنها دلیل اضطراب ایشان از برهنگی، فطری بودن حیا در آن‌ها بود و چون برهنگی خلاف فطرت است، اضطراب آور است.^{۳۰} اگر کسی پرسد، از این آیات به

دست می آید که «کشف عورت» خلاف فطرت است، نه «کشف حجاب»، در پاسخ گفته می شود: اولاً، قرآن در اینجا سخن از کشف «سوءه» دارد. «سوءه» در لغت، به معنای چیزی است که انسان از آشکار شدن آن ناراحت می شود. ۳۱ بنابراین، منظور قرآن از کلمه «سوءه» در سوره اعراف، آیه های ۲۰ (سَوَاءَ تِهْمًا)، ۲۲ (سَوَاءَ تِهْمًا)، ۲۶ (سَوَاءَ تِكْمًا) و ۲۷ (سَوَاءَ تِكْمًا)، جاذبه های جنسی آدم و حواست؛ زیرا در آیه ۲۶ همین سوره، خداوند از لباسی که «سوءات» انسان را می پوشاند، به «لباس تقوا» تعبیر کرده است و می فرماید: (يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاءَ تِكْمًا وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ). و امام باقر (علیه السلام) آن را به «لباس عفاف» تعبیر می کند. (وَ أَمَّا لِبَاسُ التَّقْوَى فَالْعِفَافُ). ۳۲ از این روایت معلوم می شود لباس عفاف یا پوشش عقیفانه به پوششی گفته می شود که جاذبه های جنسی انسان را بپوشاند، نه فقط عضو تناسلی را، و در واقع، علت اضطراب آدم و حوا، از بین رفتن عفاف و آشکار شدن جاذبه های جنسی آنان بود. ثانیاً، جاذبه های جنسی زن و مرد متفاوتند. در مرد، فقط اعضای تناسلی، یا حداکثر بین ناف تا زانو، دارای جاذبه جنسی است (چنانکه بعضی از روایات آن را تأیید می کند)، ۳۳ ولی در زنان، تمام بدن دارای جاذبه جنسی است. بنابراین، از این دو مقدمه می توان به روشنی استدلال کرد که هرگونه برهنگی زن، به نظر قرآن، در تضاد با فطرت اوست و موجب اضطراب او می شود. به همین دلیل است که فریضه حجاب مخصوص زنان شده است و حجاب مردان در حد پوشیدن عضو تناسلی یا حداکثر بین ناف تا زانو می باشد. در تأیید مطلب مزبور، یعنی اثبات مقدمه اول، که منظور از «سوءه» جاذبه جنسی است، می توان گفت: کلمه «عورت» ۳۴ نیز مانند کلمه «سوءه» به معنای جاذبه جنسی می باشد که در تعابیر دینی در مورد بدن زن به کار رفته است. در سوره نور آیه ۳۱ فرمود: بر زنان لازم نیست در مقابل کودکانی که از «عورت» زنان - یعنی از جاذبه های مربوط به زنان - آگاه نیستند، حجاب داشته باشند. ۳۵ همچنین در روایتی، علت وجوب پوشش زن را عورت بودن او معرفی می کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «بدن زن عورت (دارای جاذبه جنسی) است که خانه اش پوشش آن است.» ۳۶ معلوم است که کلمه «عورت» در اینجا نمی تواند به معنای خاص آن باشد، بلکه کنایه از آن است که بدن زن دارای جاذبه جنسی است و بهترین پوشش برای آن، بودن زن در خانه و کمتر ظاهر شدن در برابر نامحرم است. بنابراین، چه در داستان آدم و حوا و چه در موضوع حجاب، تعبیر قرآن و روایت از بدن زن به «سوءه» و «عورت» دال بر این است که زن از برهنه کردن بدنش دچار ناراحتی و پریشانی و بلکه اضطراب می شود و این نشانه فطری بودن حیا و در نتیجه پوشش و حجاب برای زن است. از شواهد دیگر فطری بودن صفت حیا در زن، داستان حضرت مریم (س) و حضرت یوسف (علیه السلام) است. قرآن در قصه حضرت مریم (س)، پس از اینکه می فرماید: مریم به اعجاز الهی، باردار شد و برای اینکه مردم نادان او را به فحشا و بی عفتی متهم نکنند، از آنان فاصله گرفت تا دور از آنها وضع حمل کند، می فرماید: (يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًا مَنْسِيًا) (مریم: ۲۳) (مریم آن قدر ناراحت شد که گفت: ای کاش پیش از این، مرده بودم و بکلی فراموش می شدم! این سخن حاکی از نهایت پریشانی و ناراحتی زنی است که احساس می کند از نظر مردم، حیا و عفتش لکه دار شده است، از این رو، آرزوی مرگ می کند. این نشان می دهد حیا تمام وجود اوست که با رفتن آن، جاننش هم در حال از بین رفتن است و این غیر از فطری بودن حیا، دلیل دیگری ندارد. از این بیان معلوم می شود وقتی حیا در زن فطری باشد، پوشش و حجاب، که لازمه حیاست، نیز فطری خواهد بود؛ زیرا امکان ندارد زنی دارای حیا باشد و آن گاه اجازه دهد نامحرم از نگاه کردن به بدن او لذت ببرد. به عبارت دیگر، ظهور و تبلور حیا در زن، به پوشش مناسب است. در واقع، عامل اصلی گرایش زن به حجاب و پوشش، تأمین یک نیاز درونی و فطری به نام حیا و شرم است. همچنین قرآن در قصه حضرت یوسف (علیه السلام) به حرکت فطری زن عزیز مصر اشاره می کند که وقتی خواست از یوسف کام بگیرد، درها را بست (وَ غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ) (یوسف: ۲۳) تا کسی شاهد او نباشد. امام زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: در این هنگام، آن زن با پارچه ای روی بت خود را پوشاند. یوسف از او پرسید: چرا این کار را کردی؟ گفت از بت حیا می کنم. ۳۷ یوسف گفت: تو از بت حیا می کنی، ولی من از خدا حیا نکنم؟ از این موضوع مشخص می شود که حیا امری فطری است؛ زیرا هر زنی به طور فطری و

غریزی، چنین احساسی دارد. همچنین در بعضی روایات آمده است که خداوند حیای زن را نه برابر حیای مرد قرار داده؛ حضرت امیر(علیه السلام) فرمود: «خداوند - عزوجل - شهوت جنسی را ده قسمت آفرید. نه قسم آن را در زنان قرار داد و یک قسم آن را در مردان؛ و اگر خداوند - عزوجل - در آن‌ها به اندازه شهوت جنسی شان حیا و شرم قرار نمی‌داد، هر آینه به هر مردی نه زن آویزان (وابسته) می‌شد.» ۳۸ در روایت دیگری، حیای زن را از این هم بیشتر می‌داند. ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: «شهوت جنسی زن نود و نه برابر مرد است، اما خداوند بر او حیا قرار داده است.» از این دو روایت استفاده می‌شود که در طبیعت و آفرینش زن، حیا بیش از مرد قرار داده شده و این از خصایص عن ابی بصیر، قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ: «فُضِّلَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى الرَّجُلِ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ مِثْلَ اللَّذَّةِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْقَى عَلَيْهَا الْحَيَاءَ.» ۳۹ فطری اوست. ۲. دیدگاه زیست‌شناسی و روان‌شناسی درباره حیای زن زیست‌شناسان و روان‌شناسان هم به فطری بودن حیا در زن (و بلکه در جنس ماده) اذعان دارند. دکتر فخری، فیزیولوژیست مصری، در این باره می‌گوید: «اصل و مبدأ احساس حیا، همان احساس حیوانی جنس ماده در مورد حیاست و به همین جهت می‌بینیم نوعاً احساس حیا در زنان از مردان قوی‌تر است.» ۴۰ مودودی نیز پس از شرح مفصّلی درباره اینکه تجاذب جنسی در انسان دایمی است، می‌نویسد: «در طبع زنان، در مقابل شهوت و جاذبیت جنسی، حیا و احتشام و امتناع نیز به ودیعت نهاده شده است، که در هر زنی کم و بیش وجود دارد. بدون شک، این غریزه امتناع و فرار در جنس ماده حیوانات دیگر نیز ظهور دارد، ولی در جنس ماده انسان بیشتر و شدیدتر است و این شدت به وسیله وضع غریزه حشمت و حیا در روان او، افزون گشته است.» ۴۱ برخی از روان‌شناسان معتقدند: حیا با آفرینش زن به هم آمیخته است و تطوّرات جسمی دوران بلوغ، که معمولاً با بروز حالت روحی و روانی گوناگونی همراه است، عامل درونی حیا را به نمایش می‌گذارد. کتاب طبایع زنان درباره وضعیت روحی و روانی پسران و دختران در دوران انتقال از کودکی به نوجوانی (دوران بلوغ) می‌نویسد: «فرق بین این دو جنس خیلی زیاد است؛ مثلاً، دختر در این سن متانت خویش را دارد و در نهایت، رشد و وقار زندگی می‌نماید، در حالی که پسر سال‌های دراز دیگری لازم دارد تا عاقل گردد.» ۴۲ سپس در مورد آثار بلوغ در دختران می‌گوید: «خجالت در او (دختر) زیاد و تأملش در حرکات و اطوار خویش فوق‌العاده گردیده و میلش به انفراد و تنهایی زیاد خواهد شد.» ۴۳ بنابراین، وقتی حیا در زن فطری باشد، حجاب و پوشش هم، که از آثار و نتایج آن است، فطری خواهد بود. منتسکیو (C.L.D.S.Montesquieu) می‌گوید: «تمام ملل جهان در این عقیده مشترکند که زن‌ها باید حجب و حیا داشته باشند تا بتوانند خودداری کنند. علتش این است که قوانین طبیعت این‌طور حکم کرده است و لازم دانسته زن‌ها محجوب باشند و بر شهوات غلبه نمایند. طبیعت مرد را طوری آفریده که تهوّرش زیادتر باشد، ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحمّلش زیادتر باشد. بنابراین، هرگز نباید تصور کرد افسار گسیختگی زن‌ها بر طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسار گسیختگی بر خلاف قوانین طبیعت می‌باشد و بر عکس، حجب و حیا و خودداری مطابق قوانین طبیعت است؛ زیرا طبیعت ما را طوری آفریده که به نقص خود پی‌بریم و به همین جهت است که دارای حجب و حیا هستیم؛ زیرا حجب و حیا همانا خجالتی است که شخص از نقص و عدم کمال خود دارد.» ۴۴ ۳- دیدگاه جامعه‌شناسی درباره حیای زن بررسی جامعه‌شناختی و تاریخی حجاب نیز فطری بودن حیا در زن را به اثبات می‌رساند؛ زیرا بنا بر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هرچند در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته، ولی هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت، از اقوام بدوی، که زنان‌شان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند. دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند. کتاب زن در آینه تاریخ پس از طرح مفصّل علل و عوامل تاریخی حجاب، می‌نویسد: «با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود و به این دلایل، عقیده عده‌ای که می‌گویند مذهب موجد حجاب می‌باشد صحّت ندارد، ولی باید

پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار مؤثر بوده است». ۴۵. نتیجه‌ای که از این مطلب می‌توان گرفت این است که گرایش زنان در طول تاریخ و در خلال فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون، و حتی بعضاً متضاد، به حجاب و پوشش، این حقیقت را به اثبات می‌رساند که حیا، که تبلور آن حجاب زن در مقابل نامحرم است، ریشه در فطرت و غرایز زن دارد و به همین دلیل، یک خصیصه مشترک در بین تمام زنان بوده است. حیا و سلامت روانی شکی نیست که وجود حیا در زن تأثیرات بسیار مثبتی بر روح و روان وی دارد. عفاف و پوشیدگی همچون سد و حفاظی است که زن در سایه آن از هر ذلت و تحقیری در امان می‌ماند. دین اسلام با واجب کردن حجاب، نمی‌خواهد زن بازیچه دست شهوت پرستان باشد و ارزش او به میزانی تنزل کند که تنها وسیله‌ای برای اطفای شهوات به حساب آید. اسلام خوشی‌های مشروع را برای زن می‌پسندد و البته تأمین آن را در سایه حیا و عفت قرار می‌دهد. عفاف، که ثمره حجاب و پوشش است، عامل آرامش و سکون انسان و دور ماندن او از عوامل اضطراب و در نهایت، موجب رضایت وجدان است. چه بسیارند عوامل ناامنی فکری و ذهنی که عفاف مانع بروز آنهاست. عفاف موجب احساس امنیت و شرف آدمی است و باعث می‌شود که آدمی بتواند در طول حیاتش درست فکر کند و نیکو تصمیم بگیرد. زن به دلیل اینکه عواطف و احساسات قوی‌تری نسبت به مرد دارد، از نظر روانی نفوذپذیرتر از مرد است؛ یعنی بیش از مرد از عوامل بیرونی متأثر می‌شود. این تأثر و نفوذپذیری وقتی از یک منبع، یعنی از سوی شوهر باشد، باعث می‌شود وحدت و یگانگی روانی زن حفظ شود، ولی وقتی زن بدون حجاب در اجتماع مردان نامحرم حاضر می‌شود، به آسانی تحت تأثیر روانی و عاطفی آنان قرار می‌گیرد و وحدت روانی او از بین می‌رود و با از بین رفتن وحدت روانی، دچار اضطراب و آشفتگی می‌شود. ۴۶. در منابع اسلامی، درباره برخی از آثار روانی حجاب و بی‌حجابی مطالب زیادی وجود دارند؛ مثلاً، در آیه ۶۰ سوره «نور» درباره فلسفه حجاب می‌فرماید: (وَ أَنْ يَشْفَعْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ)؛ و اگر «زنان» خود را بپوشانند برای آنها «خیر» بهتر است. کلمه «خیر»، که به معنای سود و نفع است، به دلیل اطلاقش، هم شامل نفع مادی می‌شود و هم نفع معنوی. در آیه ۵۳ سوره احزاب، سود و نفع حجاب مشخص‌تر بیان شده است: (ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) این کار (حفظ حریم بین زن و مرد) برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است. بنابراین، می‌توان گفت: طبق این دو آیه، اثر مهم حجاب برای زن، طهارت و پاکی قلبی است که مقدمه‌ای برای رسیدن به سلامت قلبی (قلب سلیم) است و در روان‌شناسی، از آن به «سلامت روانی» تعبیر می‌شود. همچنین در آیه ۳۰ سوره «نور» درباره تأثیر حفظ عفت مرد به واسطه نگاه آلوده نکردن به زن می‌فرماید: (وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ)؛ و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. در روایات نیز به تأثیر روانی حجاب بر زن اشاره شده است. امام علی (علیه‌السلام) در وصیت خود به امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرماید: «(زنان را) در پرده حجاب نگاه دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است.» ۴۷. همچنین آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «پوشش و حجاب برای حال زن بهتر است و سبب دوام زیبایی او می‌شود.» ۴۸. منظور از حال زن در این حدیث، وضعیت روانی اوست که رعایت حجاب سبب تعادل بهتر آن می‌شود. و نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «بهترین زنان شما زنان پاک‌دامن و عفیف هستند.» این روایت نیز همان چیزی را می‌گوید که در آیه ۶۰ سوره «نور» گذشت. ۴۹. پی نوشتها: ۱- علی بن حسام‌الدین المتقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، انتشارات مؤسسه الرساله، ج ۳، ص ۱۲۱. ۲- عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، حدیث ۱۱۶۸. ۳- ۴- Exhibitionism - یا آیتها النفس المطمئنه ارجعی إلى ربك راضیه مرضیه» (فجر: ۲۷ و ۲۸) تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگار بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است. ۵- یوم لا ینفع مال و لابنون الا من اتى الله بقلب سلیم (شعراء: ۸۸ و ۸۹. ۶- مرتضی مطهری، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۶. ۷- «خُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجَالِ وَ إِنَّمَا هُمَا فِي الرَّجَالِ»؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۶۴. ۸- جینا لمبروزو، روح زن، ترجمه پری حسام‌شاه رئیس، تهران، دانش، ۱۳۶۹، ص ۱۵. ۹- همان، ص ۴۲. ۱۰- همان، ص ۴۴. ۱۱- ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب،

تهران، انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۳. ۱۲ - «الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْمَتَبِّرَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحِصَانُ مَعَ غَيْرِهِ»؛ محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۲۴. ۱۳ - «لَا يَتَّبَعِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَعَطَّلَ نَفْسَهَا وَلَا أَنْ تَعَلَّقَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً، وَلَا يَتَّبَعِي لَهَا أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَلَا أَنْ تَمْسِيَ بِهَا بِالْحَنَاءِ مَسْحًا وَلَا أَنْ كَانَتْ مُسْتَنَّةً.»؛ شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۴، ص ۴۵۹. ۱۴ - همان. ۱۵ - محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۷۵. ۱۶ - «لَا تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنَ الْمَأْمَرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا، فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَأَرْخَى لِبَالِهَا وَأَدْوَمَ لِجَمَالِهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ.»؛ شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۶۸. ۱۷ - «أَمَّا ذَاتُ الْبُعْلِ فَتَرَيَنَّ لِرُؤُوسِهَا وَأَمَّا غَيْرُ ذَاتِ الْبُعْلِ فَلَا يُشْبِهُ يَدَهُ يَدَ الرَّجَالِ.»؛ همان، ج ۲، ص ۹۷. ۱۸ - قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) لِلرِّجَالِ: قَصُّوا أَظْفَارَكُمْ، وَلِلنِّسَاءِ أُتْرُكْنَ فَإِنَّهُ أَرْزِينُ لِكُنَّ.»؛ محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۹۱. ۱۹ - حسن بن یوسف حلّی، تذکرة الفقهاء، قم، آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶۰۹. ۲۰ - شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۰. ۲۱ - «جَعَلَ اللَّهُ الدَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النِّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجَالِ لُبْسَهُ.» همان، ص ۴۱۴. ۲۲ - محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۳۲۴. ۲۳ - شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۶۷. ۲۴ - مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ص ۴۳۴. ۲۵ - به نقل از شولتر ۱۹۹۰. ۲۶ - جینا لمبروزو، پیشین، ص ۲۴. ۲۷ - نوال السعداوی، چهره عریان زن عرب، ترجمه حمید فروتن و رحیم مرادی، ۱۳۵۹، ص ۱۶۷. ۲۸ - «زَكَوَةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ.»؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۷، ص ۴۶. ۲۹ - «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمَ (لِحَالِهَا وَأَدْوَمَ) لِجَمَالِهَا.»؛ همان، ج ۱۴، ص ۲۵۵. ۳۰ - محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۵. ۳۱ - سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، قم، دانش، ۱۳۷۶. ۳۲ - سیدهاشم بحرانی، تفسیر البرهان، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۹. ۳۳ - شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰. ۳۴ - «ورت» در لغت، به معنای عضوی است که شخص به سبب شرم، آن را می پوشاند. (ر.ک: سیدمصطفی حسینی دشتی، پیشین، ج ۷، ص ۵۴۴). ۳۵ - سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۱۵۷. ۳۶ - «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ سَتْرُهَا بَيْنُهَا» (زاهد ابی الحسین ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، تهران، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۱۹. ۳۷ - ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، امیرکبیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۱. ۳۸ - «عَنْ أَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): خَلَقَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ فِي النِّسَاءِ وَجُزْءًا وَاحِدًا فِي الرَّجَالِ وَلَا مَا جَعَلَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - فِيهِنَّ مِنَ الْحَيَاءِ عَلَى قَدْرِ أَجْزَاءِ الشَّهْوَةِ لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعُ نِسْوَةٍ مُتَعَلِّقَاتٍ بِهِ.» (شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۶۳. ۳۹ - همان. ۴۰ - به نقل از: علی محمدی آشنایی، حجاب در ادیان الهی، قم، اشراق، ۱۳۷۳، ص ۲۶. ۴۱ - ابوالاعلی المودودی، الحجاب، بیروت، مؤسسه الرساله، ص ۱۴۰. ۴۲ - حسینی نجفی به نقل از: علی محمدی آشنایی، پیشین، ص ۲۶. ۴۳ - همان. ۴۴ - منتسکیو، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۴۴۲. ۴۵ - ر.ک: علی اکبر علویقی، زن در آینه تاریخ، تهران، ۱۳۵۷. ۴۶ - زینب جلالی، جزوه حجاب از دیدگاه روان شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۲. ۴۷ - «وَإِكْتَفَى عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ.» (نهج البلاغه، ترجمه سیدرضی، نامه ۳۱) ۴۸ - «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَأَدْوَمَ لِجَمَالِهَا» (میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۵۵. ۴۹ - «خَيْرُ نِسَائِكُمْ الْعَفِيفَةُ» (محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۳۲۴)

مسئله بد حجابی و راه مقابله با آن

مقدمه: در این مقاله ابتدا تاریخچه حجاب و فلسفه آن از نظر خوانندگان میگذرد و سپس به مسئله بد حجابی و راه مقابله با آن پرداخته میشود. تاریخچه حجاب: آنطور که در تواریخ آمده حجاب نه تنها قبل از اسلام بلکه قبل از میلاد مسیح علیه السلام هم وجود داشته است. و در میان ایرانیان باستان - یهود - یونان و برخی ملل دیگر حجاب رواج داشته است. البته شکل آن بسته به آداب

و فرهنگ هر قوم متفاوت بوده است. برای اثبات این مدعا چند مثال زیر را به عنوان مشتق از خلوار از نظر خوانندگان عزیز میگذرانیم: حجاب در یهود: ((اگر زنی به نقض قانون یهود میپرداخت مثلاً بدون آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم میرفت ... در آنصورت مرد حق داشت زن را بدون پرداخت مهریه طلاق دهد.)) تاریخ تمدن ویل دورانت-ج؟ عصر ایمان ص؟؟ حجاب در ایران باستان: ((زنان طبقات بالای اجتماع جز در تخت روان حق نداشتند بدون روپوش در اجتماع ظاهر شوند.)) (در نقشهایی که از ایران باستان به جا مانده است هیچ صورت زنی دیده نمیشود.) که این نشان مواظبت از زن بعنوان موجودی حساس در ایران باستان بوده است. تاریخ تمدن ویل دورانت ج؟ ص؟؟ حتی زمانیکه دختران کسری پادشاه شکست خورده ساسانی که به دین زرتشت بودند را به نزد عمر آوردند با پوشش و نقاب و روپوش بودند. حجاب در مسیحیت: گذشته از این حجاب در میان مسیحیها هم وجود داشته. به طوری که نقاشان قدیمی مسیحی تصویر حضرت مریم سلام اله علیها را با پوشش کامل میکشیدند. و راهبان بعنوان روحانیون دینی آنها هنوز هم با حجاب در اجتماع ظاهر میشوند که این خود نشان از این دارد که حجاب به دینداری نزدیکتر است. و حتی در قرون وسطی نوعی از چادر در اروپا زینت سر زنان بوده. بعد از انقلاب صنعتی و با آغاز جنگ جهانی دوم بود که جنبش آزادی زنان موسوم به فمینیسم شکل گرفت و بیحجابی را تشویق کرد. پس این تقریرات نشان میدهد که حجاب مخصوص دین خاصی نبوده بلکه خداوند آن را در فطرت انسانها سرشته است. فلسفه حجاب: و اما اینکه چرا باید زنان حجاب را رعایت کنند؟ قرآن کریم در آیه ?? سوره احزاب میفرماید ((پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مومن بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند. که این کار برای اینکه آنها (به عفت) شناخته شوند و از تعرض (هوسرانان) آزار نکشند.)) آنچه که پر واضح است اینکه فیزیک بدن زنان با مردان متفاوت است. و دیدن قسمت‌هایی از بدن زن‌ها برای مرد‌ها تحریک کننده است. و رویت آن قسمت‌ها توسط مردان موجب التذاذ بصری و افکار پلید میشود. که این موضوع با آزادی زنان مغایر است. و جسم زنان را در حد یک کالا پایین میآورد. پس حجاب همچون صدفی از گوهر وجود زن حفاظت میکند. به بیان لطیف علامه مطهری ((حجاب مصونیت است نه محدودیت)) یعنی حجاب در مقابل التذاذ بصری و ظنهای پلید افراد گرگ صفت برای زن‌ها آزادی میآورد. و او را از بند نگاههای پلید آزاد نگه میدارد. پس حجاب آزادی است. و دلیل دیگر بر واجب بودن حجاب اینکه اسلام خواستار فعالیت عزتمندانه زنان در اجتماع است به طوری که از نگاههای شهوت آلود محفوظ باشد. تصور کنید که مردان و زنان در محیط کار یا دانشگاه تحریک شهوانی شوند آن موقع است که از تمرکز و کارایی آنها کاسته میشود و شهوت بر مناسبات حاکم میشود. ولی ممکن است عده ای بگویند که در کشورهای غربی و آمریکا زن‌ها بی حجاب در مراکز عمومی ظاهر میشوند و مشکلی هم پیش نمیآید. اما به آماري که اداره تحقیقات اجتماعی آمریکا در نزدیکی سال ?? منتشر کرد توجه کنید: ((تعداد نوزادان غیر مشروع نسبت به ?? سال قبل در آمریکا ?? درصد افزایش داشته است.)) که این خود به علت افزایش بی بند و باری است. چرا که اراده رابطه غیر مشروع حاصل چیزی جز پوشش تحریک آمیز که نگاهها را جلب میکند نیست. و از همین رو هست که پیغمبر صلوات اله علیه فرمود: زنای چشم نگاه به نا محرم است. پس دیگر فایده حجاب جلوگیری از روابط نامشروع است. و برای یک زن آزاده از هر دین و ملتی شایسته نیست که اندامهای خود را وسیله جلب توجه قرار دهد. چرا که آن چیزی که در واقع جلب میکند امواج هوس های آلوده است. مسئله بد حجابی: بر خلاف تصور رایج که کلید قفل بد حجابی را در برخورد انتظامی و اجباری می یابد اصلاً اینگونه نیست. اولاً اینکه بد حجابی در مرحله نخست به نظم ربطی ندارد. و اگر هم به نظم مربوط باشد در کنار جرمهایی مثل الواتی و زورگیری نیست که بشود با بد حجابی مثل آنها برخورد بگیر و ببند انجام داد. چرا که اول از همه برای آنها نسبت به حکومت دینی تنفر ایجاد میکند. و دیگر اینکه بر فرض هم اگر فرد بد حجاب دفعه بعد با حجاب ظاهر شد هنوز علت بد حجابی رفع نشده بلکه به خاطر ترس آن را بروز نمیدهد. و حال آنکه بد حجابی یک مشکل اخلاقی است که با ضمانت اجرای ترس حل نمیشود. چرا که ضمانت اجرای اخلاق وجدان آدمی است. اصلاً مگر جوانها با زور بد حجاب شدند؟ و یا با زور پسر ها زیر ابرو بر میدارند؟ جواب خیر است. یک

علت مهم و عمده آن تبلیغات گسترده برای ارزشمند نشان دادن نوع تیپ و مدل زندگی غربی توسط ماهواره ها است. و جالب آنکه افرادی هم که ماهواره ندارند از آنها که دارند الگو برداری میکنند. و این فرهنگ غلط مثل دومینو مدام گسترش میابد. به این آماری که روزنامه رسالت در ?? فروردین ?? منتشر کرده توجه کنید: پس به بد حجابی باید با دید کلان نگریت و ریشه آن را خشکاند. چرا که بریدن شاخه های آن باعث بار بیشتر آن است. مبارزه نظامی با بد حجابی مثل اینست که دملی در صورت ما سبز شده و ما بخواهیم آنرا با چاقو ببریم. راه درست آن است که با مراجعه به پزشک ریشه آنرا از بین ببریم. یکی از دلایل پیشرفت جوامع غربی این است که در هر کاری از متخصص و دانشمند آن رشته استفاده میکنند. حتی به بیحجابی کشاندن جوانها و ایجاد معضلات فرهنگی در جامعه ما. حال ما چرا از عالمان علم جامعه شناسی - مردم شناسی و متخصصان دینی و فرهنگی استفاده نکنیم؟ باید آنها را جمع کرد تا طرحی عملی برای حفظ این ارزش مقدس بریزند. و باید برای به نتیجه رسیدن جانانه هزینه کرد. این همه قراردادهای ???-???- میلیون تومانی با بازیکنان فوتبال تیمهای دولتی بسته میشود و قراردادهای میلیاردی که با مریمان بسته میشود چه عیبی هست اگر مقدار قابل توجهی هم در امر فرهنگ هزینه شود؟ و با ایجاد شبکه های گسترده ماهواره ای که فیلمهای جذاب و حاوی فرهنگ اصیل دینی داشته باشد. با تشکیل گروه گسترده از سخنرانان جوانپسند و اعزام آنها به دانشگاهها و مدارس و... به طور منظم و پیوسته. و با نشان دادن زنان محجبه موفق در زمینه اختراع-نویندگی-نقاشی-هنر و... در رسانه ها به طور گسترده از آنها الگو ساخت. و نباید فراموش کرد که تبلیغات و ایجاد پشتوانه فکری یکی از راههای موثر در این زمینه هست. الان که ارزشهایی مثل زیبایی-مدو خودنمایی در جامعه حاکم است. میتوان با تبلیغات فراگیر ارزشهایی مثل هنر و علم را برای افراد مهم جلوه داد تا صاحبان این ارزشها در جامعه مهم شمرده شوند. و افراد برای جلب توجه که نیاز انسان است به جای نمایان کردن اندامهای خود به سمت علم و هنر و امثالهم بروند.

بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی

چکیده: یکی از رویکردهای مطرح در زمینه تبیین انحرافات اجتماعی، رویکرد گزینش عاقلانه است. طبق یکی از نگاه‌های جدید در این رویکرد، رابطه منحرفانه و کجروانه به منزله بازار انحراف و جرم است که مشتمل بر تقاضا و عرضه می‌باشد. بر طبق برداشت‌های جدید، فرد منحرف در بخش تقاضا قرار دارد و فرد بزه‌دیده به هیچ وجه در این جریان، منفعل و بی‌تأثیر نیست بلکه با قرار گرفتن در بخش عرضه، فعالانه در شکل‌گیری عمل منحرفانه شرکت می‌کند. این مدل تحلیل، در مورد انحرافات اجتماعی و اخلاقی ناشی از عدم رعایت حجاب صحیح کاربرد دارد و مستلزم سیاست‌های کنترلی متناسب با خود است. اگر با این رویکرد به تحلیل برخی متون دینی (آیات مربوط به حجاب) پردازیم، شاهد تأیید این مدل در این آیات خواهیم بود و تشریح حجاب به منزله یک سیاست کنترلی، به خوبی در این مدل معنا می‌یابد. واژگان کلیدی: حجاب، بدحجابی، انحراف اجتماعی، عرضه، تقاضا، زن. موضوع بدحجابی در جامعه ما از اموری است که ذهن بسیاری از دینداران جامعه را به خود مشغول داشته است. تلقی بدحجابی به عنوان امری ناهنجار و نامطلوب نشانگر این است که ذهنیت فرهنگی و دینی ما برای بدحجابی آثار و تبعات نامطلوبی قائل است و به تعبیر دیگر، آن را علت برخی پدیده‌های نامطلوب دیگر در جامعه می‌انگارد. در این نوشتار سعی شده، با مروری کوتاه بر نظریه‌های علمی ارائه شده در زمینه تبیین (۱) (علت یابی) انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیر تحول آن نظریه‌ها، موضع جدیدترین نظریه‌ها، نسبت به این تلقی رایج در میان دینداران جویا شود و سرانجام با استمداد از بیانات عالمان دینی، از چشم‌انداز دینی به این موضوع پرداخته شود. اما پیش از بیان نظریه‌های مطرح در این زمینه، در ابتدا لازم است، مفاهیم اصلی به کار رفته در این مقاله تعریف گردد. معنی شناسی بدحجابی همان‌گونه که از ترکیب لفظی این مفهوم برمی‌آید، برای تعریف بدحجابی بهتر است، در ابتدا حجاب و حدود آن مشخص گردد و از آنجا که هدف دستیابی به اصطلاح شرعی این مفهوم است، باید دید که

حجاب علاوه بر معنای لغوی، در شرع اسلام چه معنایی دارد. از نظر لغوی لغت حجاب به معنای پوشیدن، پرده و حاجب به کار رفته و در هیچ موردی اصالتاً به معنای نوع، سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می‌شود، اطلاق نشده است. (۲) در اصطلاح فقهی نیز برای رساندن معنای پوشش زنان، از لغت حجاب استفاده نشده و نمی‌شود، بلکه از لغت «ستر» که به طور دقیق، در معنای پوشش و پوشاندن است، استفاده می‌شود. (۳) در مورد میزان و مقدار پوشش بدن که در شرع اسلام برای زنان واجب شمرده شده است، با نگاهی به رساله‌های عملیه مراجع تقلید می‌توان دریافت که حجاب صحیح و واجب عبارت است از، پوشانیدن تمام بدن به جز قرص صورت و دو دست (از میچ دست به پایین). اما این تعریف فقهی تعریف حداقلی است و با نگرشی وسیع‌تر و دیدی اجتماعی به احکام اسلام شاید بتوان گفت تعریفی ناقص است. به سخن دیگر، برطبق رویکرد عالمان ژرف‌اندیش دینی، با تأمل دقیق در منابع آموزه‌های دینی، می‌توان از جنبه‌های فردی این حکم فراتر رفت و به ابعاد اجتماعی این رفتار متوجه گردید. همان‌گونه که استاد شهید مرتضی مطهری خاطر نشان ساخته است: «پوشش (و حجاب زن) در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.» (۴) بنابراین، مقصود از حجاب اسلامی، آن نوع پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد: (۱) - حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد. (۲) - با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. طبق این تعریف، حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری نیز هست. با روشن شدن مفهوم حجاب، تصور جامع‌تری از بدحجابی در ذهنمان شکل می‌گیرد. بدحجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند؛ ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند ولی در عین حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش و در یک کلام، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع به گونه‌ای باشد که «زبان‌دار» (۵) باشد، یعنی با زبان بی‌زبانی توجه نامحرمان را به خود جلب نماید. تذکر این نکته لازم است که ویژگی خودنمایی و به تعبیری، زبان‌دار بودن رفتار و پوشش، ربطی به آگاهی و قصد فاعل رفتار یا پوشش ندارد و ممکن است این جلب نظر غیر آگاهانه و غیر عمدی باشد. انحراف اجتماعی انحراف یا کجروی (۶) به رفتار یا کنشی (۷) اطلاق می‌شود که هنجارهای مقبول جامعه را زیر پا می‌گذارد. (۸) در هر جامعه‌ای برحسب موقعیت‌های گوناگون، انتظارات خاصی از اعضای جامعه وجود دارد. بی‌توجهی به این انتظارات به معنای انحراف از آن‌ها محسوب می‌شود. این انتظارات و هنجارها بسته به اهمیتی که جامعه برای آن‌ها قائل است، می‌تواند واکنش‌های متفاوت اجتماعی را در قبال نقض آن‌ها برانگیزد؛ بر این اساس، هنجارهای اجتماعی را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم‌بندی نمود: (۱) - شیوه‌های قومی (۹)؛ شیوه‌های قومی به آن دسته از هنجارهای اجتماعی اطلاق می‌شود که نقض آن‌ها هرچند نامطلوب و نابهنجار تلقی می‌شود، ولی واکنش شدید مردم را در پی ندارد و واکنش در حد عدم تأیید آنان محدود می‌ماند. (۱۰) مانند کسی که چشم‌چرانی کند، این رفتار گرچه امری نامطلوب تلقی می‌شود ولی معمولاً مردم با مشاهده آن چندان واکنشی نسبت به فرد مزبور نشان نمی‌دهند. (۲) - رسوم اخلاقی (۱۱)؛ یعنی هنجارهای نیرومندی که از نظر اخلاقی مهم محسوب می‌شود و مجازات متخلفان از آنها، شدیدتر و شامل جریمه‌های مالی و فیزیکی می‌شود. (۱۲) برای مثال در جامعه ما حفظ حریم و احترام بانوان از هنجارهای مهم به شمار می‌رود و اگر کسی با گفتن متلک و سایر اذیت‌های کلامی این هنجار را نقض کند، سایر افراد شاهد قضیه به شدت با وی برخورد خواهند کرد. (۳) - قانون (۱۳)؛ قانون آن دسته از هنجارهای اجتماعی است که جامعه، آن‌ها را چنان برای بقای خود حیاتی می‌داند که هنگامی تخلفی در مورد آن صورت بگیرد، دولت و ابزارهای حکومتی را به مقابله با آن‌ها وامی‌دارد و متخلف از آن‌ها ممکن است به زندان، محرومیت از حقوق اجتماعی یا اعدام محکوم شود؛ مانند ارتکاب زنا یا به عنف. (۱۴) در این نوشتار مقصود از انحرافات اجتماعی، انحراف از هنجارهای اجتماعی نوع دوم و سوم است، یعنی انحراف‌هایی که واکنش‌های نسبتاً شدید اجتماعی را ایجاد می‌نماید. تبیین‌های مختلف از انحراف اجتماعی مورد تبیین‌های مختلفی قرار گرفته است، از قبیل: تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی. در تبیین زیست‌شناختی، محور اصلی موضوع،

ویژگی‌های بیولوژی و زیست‌شناسی فرد منحرف است که در آن ساختمان بدن تا عوامل ژنتیک شخص کجرو، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. (۱۵) در تبیین روان‌شناختی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خویش تأکید می‌شود. (۱۶) در تبیین اجتماعی که اینجا صرفاً این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد، انحراف اجتماعی نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود؛ بنابراین برای شناخت آن لازم است، مروری کوتاه به رویکردهای کلی و مهم در تبیین کنش اجتماعی شود تا در پرتو آن، پدیده انحراف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. با مروری بر نظریه‌های گوناگون در این حوزه، رویکردهای عمده و مهم در این زمینه به قرار ذیل می‌باشد: (۱) - رویکرد کارکردگرا بر طبق رویکرد کارکردگرا (۱۷) «شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند.» (۱۸) برای مثال اگر سؤال شود که چرا در هر جامعه‌ای با وجود سیاست‌های کنترلی، میزانی از انحراف از هنجارهای اجتماعی به چشم می‌خورد، گفته می‌شود که به طور اساسی وجود میزانی از انحراف و هنجارشکنی در جامعه، برای حیات و بقای آن مطلوب و حتی ضروری است؛ چرا که انحراف و هنجارشکنی موجب می‌شود که هنجارهای اجتماعی از حالت اجمال و ابهام به درآیند و وضوح و روشنی بیشتری برای آحاد جامعه پیدا نمایند و این امر، وفاق بر سر هنجارها را که اساس انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهد، سهل‌تر می‌سازد. (۲) - رویکرد ساختارگرا برحسب رویکرد ساختارگرا (۱۹) «شئون مختلف جامعه را برحسب پیامدهای پیش‌بینی‌پذیر اوصاف ساختاری جامعه تبیین می‌کنند.» (۲۰) به عنوان نمونه در مقام پاسخ به این سؤال که چرا در جامعه ما با وجود مقبولیت عام یک سری ارزش‌های اخلاقی در باب روابط مرد و زن، انحراف اجتماعی در این زمینه با درجات مختلف به چشم می‌خورد، اگر پاسخ داده شود که چون ساختار اقتصادی کشور موجب شده که افراد توانایی لازم برای تأمین حداقل امکانات برای تشکیل خانواده را نداشته باشند و به همین جهت از راه‌های خلاف هنجارهای اجتماعی به تأمین نیازهای غریزی خود روی می‌آورند، در واقع تبیینی ساختاری از این پدیده به دست آمده است. (۳) - رویکرد ماتریالیستی در رویکرد ماتریالیستی، با تحلیل صورت‌های مختلف تکنولوژی و آرایش‌های اجتماعی حاکم بر تولید (پایه اقتصادی) (۲۱) می‌توان ویژگی‌های مهم حیات جمعی را تبیین نمود. (۲۲) مطابق این رویکرد، وجود انحراف اجتماعی و هنجارشکنی در جوامع امروزی ناشی از این امر است که در این جوامع اقتصاد سرمایه‌داری حاکم است. تأکید بر فردگرایی یکی از نیازهای حیاتی چنین نظام اقتصادی است و رواج فردگرایی به معنای سست شدن پایبندی افراد جامعه به هر چیزی است که لازم‌هاش کنار گذاشتن خواسته‌های فردی و توجه به اقتضات زندگی جمعی است. چنان که مشاهده می‌گردد، این سه رویکرد در تبیین کنش‌های اجتماعی از جمله انحرافات اجتماعی، بر عوامل کلان اجتماعی (که در خارج از ذهن کنشگر قرار دارند) تأکید دارند و به متغیر فرد کنشگر، ذهنیت و فعل و انفعال‌هایی که در ذهن او صورت می‌گیرد تا به ارتکاب عملی منتهی می‌شود، توجهی ندارند. هرچند توجه به عوامل کلان به هیچ وجه قابل اغماض نیست و در جای خود ضروری است، ولی از آنجا که کنش، از یک عامل انسانی دارای آگاهی و اراده سرمی‌زند، نقش فرد کنشگر را نباید از نظر دور داشت. در اینجا ضمن اذعان به سودمندی تبیین‌های سطح کلان، برای تبیین در سطح خرد، بر توضیح رویکرد ذیل متمرکز می‌گردد. (۴) - رویکرد گزینش عقلاانه رویکرد گزینش عقلاانه (۲۳)، یک اصل محوری دارد و آن «این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده (سنجشگرانه) است... آدمیان در چند راهی‌ها راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند... عملی عقلاانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف، وسیله مناسبی برای رسیدن به هدفی باشد.» (۲۴) بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینش عقلانی فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد؛ به علاوه، در این رویکرد اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد. (۲۵) در قلمرو جرم‌شناسی، نقطه اوج این نوع تبیین را در آغاز می‌توان در قرن هفدهم میلادی در ایده‌های مکتب کلاسیک در حوزه جرم‌شناسی مشاهده نمود. (۲۶) اصول این تفکر با پیدایش تفکر پوزیتیویستی در حوزه علوم طبیعی و

انسانی به دست فراموشی سپرده شد. از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز می‌توان شاهد طرح تدریجی این دست تبیین‌ها بود؛ در این تبیین‌ها از نو، بزهکاران کنشگرانی اندیشه‌ورز تلقی می‌شوند که برای ارتکاب رفتارهای انحرافی خود برنامه‌ریزی‌های خاص دارند، از جمله آن‌که قبل از هر چیز، آماج‌های رفتار خویش را مورد توجه قرار می‌دهند و اگر ضررها و خطرهای عمل مورد نظر را بیش از منافع حاصل از آن ببینند، از ارتکاب آن چشم می‌پوشند. (۲۷) - رویکرد عرضه و تقاضا اهمیت رویکرد گزینش عاقلانه در حوزه تبیین‌های خرد از رفتار منحرفانه در این است که اساس و مبنای نظریه‌ها و رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است. یکی از اساسی‌ترین و قدیمی‌ترین این‌ها، رویکردی است که رابطه منحرفانه و کجروانه را به صورت بازار عرضه و تقاضا تصویر می‌کند و فرد کجرو را در جایگاه «عرضه‌کننده» می‌نشانند. (۲۸) «ارلیش» (۲۹) با چنین دیدگاهی نقش عوامل بازدارنده (مانند مجازات‌های قانونی و اجتماعی در نظر گرفته شده) را دارای اهمیتی قاطع در تعیین فراوانی انحراف و کجروی در هر جامعه‌ای می‌داند. (۳۰) بنابراین برای کنترل روند انحرافات، باید بالا- بردن هزینه جرم از طریق تقویت بازدارنده‌ها، مثل مجازات بزهکار، پلیس و نظام جزایی را در دستور کار قرار داد. (۳۱) اشکالی که در این رویکرد هست، این است که به طور مشخص بیان نمی‌شود که در این بازار انحراف و جرم، نقش تقاضا را چه کسی ایفا می‌نماید. اما روایت جدیدتر تقریر «ون دیک» (۳۲) از این رویکرد است. وی فرد منحرف و آسیب‌ساز را شاخص بخش «تقاضا» و بزه‌دیده (کسی که از رفتار انحرافی آسیب می‌بیند) را شاخص بخش «عرضه» قلمداد می‌کند؛ بدین معنا که آنچه فاعل حقیقی کجروی در بازار جرم و کجروی دارد، صرفاً آمادگی و انگیزه و گاه ابزار لازم برای این کار است؛ در مقابل، آنچه فرد بزه‌دیده عرضه می‌دارد، آسیب‌پذیر نمایاندن خود و ایجاد این باور در فرد منحرف است که می‌تواند انگیزه و توانمندیش برای هنجارشکنی را به فعلیت برساند. بدین سان روشن می‌شود که این روایت از رویکرد گزینش عاقلانه، یک گام از روایت قبل جلوتر است؛ چرا که تحلیل خود را صرفاً بر شخص خاطی متمرکز نمی‌سازد بلکه به نقش آفرین بزه‌دیده در جریان انحراف و کجروی صحنه و تأکید می‌گذارد. به تصریح برخی محققان (۳۳) در خلال دهه ۱۹۹۰، «در میان جدیدترین معارف جرم‌شناختی، دیگر مسأله عمده، مجرم نیست بلکه بزه‌دیده است، یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر کند.» (۳۴) این بیان گرچه به طور مشخص در مورد شکستن هنجارها از نوع قانون (نوع سوم از تقسیم‌بندی هنجارهای اجتماعی) ابراز شده ولی به راحتی می‌توان آن را به سایر هنجارهای اجتماعی نیز تعمیم داد. بدحجابی در رویکرد عرضه و تقاضا تبیین‌های مختلف از انحراف اجتماعی، به طور عام و نظریه مبتنی بر ایده بازار عرضه و تقاضا به طور خاص، جنبه تبیینی دارند؛ بدین معنا که به دنبال تعیین مقصر اصلی در کنش منحرفانه و هنجارشکنانه نیستند. از اینرو، برحسب این نظریه، کسی که عامل انحراف تلقی می‌شود (در صورتی که انحراف در حد نقض قانون باشد)، از نظر حقوقی مسئول شناخته نمی‌شود و لازم نیست بار مجازات را تحمل کند. زیرا همان‌طور که گفته شد، مقصود اصلی این است که در عین اذعان به مسئولیت فرد منحرف و متخلف نسبت به عمل خود، شناسایی زمینه و عوامل کوچک و بزرگی که موجب پدید آمدن و تحقق کنشی کجروانه شده‌اند، فراهم گردد تا بدین ترتیب، سیاست‌هایی که در جهت کاهش انحراف پیشنهاد و اجرا می‌شود، نسبت به برخی عوامل بروز انحراف دچار بزرگ‌بینی بیش از حد و نسبت به برخی دیگر دچار غفلت و جهل نگردد. برای مثال در مورد مبحث اصلی این نوشتار که در حوزه روابط بین مرد و زن می‌باشد، به طور قطع هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در این مورد کاملاً فاقد هنجار و قواعد رفتاری باشد. نقض این هنجارها نیز بسته به اهمیت هنجار نقض شده، واکنش متناسب با خود را در پی خواهد داشت. برطبق نظریه عرضه و تقاضا، در راستای حفظ هنجارها، حریم‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و نیز به دنبال راهکارهایی برای کاهش یا حذف انحرافات علاوه بر اینکه مجازات متوجه فرد منحرف می‌شود، شخص بزه‌دیده هم (که در این موارد معمولاً جنس زن است)، از این سرزنش و سیاست در امان نمی‌باشد، چرا که او هم صرفاً منفعل نبوده است. چون زنان به علت مطلوبیت‌های طبیعی که خواه‌ناخواه در ظاهر و جسم خود، در نظر مردان دارند و نیز به علت مطلوبیت‌ها و جذابیت‌هایی که

می‌توانند آگاهانه یا ناآگاهانه (براساس تربیت نادرست) به رفتار خود در منظر مردان بیخشند، در بخش عرضه قرار می‌گیرند. این در حالی است که در وضع عادی، جذابیت‌ها و مطلوبیت‌های مردان برای زنان از سنخ امور ظاهری و جنسی نیست و از این لحاظ آنان عرضه‌کننده نیستند بلکه متقاضی هستند. بنابراین، هر قدر این اقسام زیبایی‌ها از جانب زنان، بیشتر در دسترس مردان باشد، به معنای عرضه بیشتر آن‌ها در برابر انظار متقاضیان است. اقتضای چنین وضعی، بیانگر این پیام (هر چند معمولاً ناخواسته) از جانب زنان بالقوه بزه‌دیده به مردان بالقوه کجرو است که آن‌ها به راحتی به این نوع زنان دسترسی پیدا کنند. در این صورت امکان نقض هنجار سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌گردد. آنچه در این میان مانع بروز کنش کجروانه می‌شود، یکی هزینه بالای کجروی به علت مجازات سنگین قانونی یا اجتماعی و دیگری، کاهش آگاهانه یا ناآگاهانه عرضه از طریق وجود الگوهای رفتاری صحیح در میان زنان است. با چنین مقدمه‌ای روشن می‌شود که بی‌حجابی یا بدحجابی به معنای عام، عرضه هر چه بیشتر است. یکی از راه‌های کاهش عرضه، رعایت حجاب به معنای عام آن (پوشش اندام و زباندان نبودن رفتار) است، چرا که فرصت‌های هنجارشکنی را از دست کجروان می‌گیرد. البته این نکته نیز شایان ذکر است که این پوشش و محافظت نباید چنان افراط‌آمیز باشد که خود از سویی دیگر به جلب توجه و در نتیجه، به نوع دیگری از عرضه منجر شود. به طور کلی اساس حد و مرز افراط و تفریط در این باب بیشتر به عادات فرهنگی هر جامعه یا اجتماعات کوچکتر برمی‌گردد. برای مثال در اجتماعات روستایی، بیرون ماندن مقداری از موی سر زنان در برابر مردان نامحرم شاید عرضه و مایه جلب توجه نباشد (به همین دلیل برخی مراجع از جمله حضرت امام (ره) در رساله‌های علمیه خود هر چند با احتیاط بسیار، این مقدار را از شمول وجوب ستر استثنا کرده‌اند)، ولی معلوم نیست، همین امر در غیر روستا چنین وضعی داشته باشد. پس از آشنایی با این نظریات، نظرگاه متون دینی در تأیید یا نفی این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما قبل از ورود به این بحث لازم است، نکته‌ای در باب رابطه بین گزاره‌های دینی و نظریات علمی روشن شود. پرواضح است که اعتبار گزاره‌های دینی اسلام، از اعتقاد به مبدأ وحی نشأت می‌گیرد و تأیید یا عدم تأیید علوم تجربی نمی‌تواند و نباید در پایبندی به گزاره‌های دینی دست کم در خصوص ضروریات دین خدشه وارد سازد. اما این نکته را نمی‌توان انکار کرد که اطلاع از این نظریات که حاصل تلاش و کنکاش عقل بشری برای حل مشکلات زندگی و اصلاح راه‌های رفته است، می‌تواند به فهم بهتر و روشنتر گویهای گران‌بهایی که منبع وحی در اختیار دینداران قرار داده، کمک شایان نماید. به علاوه، این نظریه و نظریه‌های مشابه آن تراوش ذهنی کسانی است که در یک بستر فرهنگی خاص با سابقه تاریخی بی‌اعتنایی به گزاره‌های دینی پرورش یافته‌اند و کشانده شدن آنان به اتخاذ چنین مواضع علمی‌ای، به معنای یک عقب‌نشینی از مواضع علمی گذشتگان خود و به یک معنا دلالت‌گر بر آزمون تجربی گزاره‌های دینی اسلام است، امری که امکان آن برای مسلمانان به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی فراهم نیست. حجاب در قرآن عمده متون دینی که در این بخش مطرح می‌گردد، آیات مربوط به حجاب است که دو سوره قرآن، نور و احزاب آمده است. در این نوشتار، به آنچه در این آیات در مورد تعیین حد واجب آمده پرداخته نمی‌شود، بلکه مقصود اصلی بهره بردن از آن‌ها در راستای موضوع بحث است. (۳۵) محدود شدن تقاضا - «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک از کی لهم ان الله خبیر بما یصنعون» (۳۶) خداوند متعال در این آیه تکلیف مرد نامحرم را در عرصه اجتماع و به هنگام برقرار کردن ارتباط با زن نامحرم مشخص ساخته است. خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که به مردان مؤمن ابلاغ کند که از خیره شدن به زنان پرهیزند و دامان خود را از گناه حفظ کنند. (یا بر طبق تفسیر دیگری، فرج خود را از دیدگان دیگران بپوشانند). محدود شدن عرضه زنان مؤمن همچون مردان باید نگاه خویش را کنترل نمایند. اما آن‌ها علاوه بر این تکلیف مشترک، موظف به انجام تکالیف دیگری نیز هستند. این تفاوت و تکلیف اضافی، نه از روی تبعیض ناروا بین زن و مرد است بلکه متناسب با تفاوت ذاتی این دو جنس است. مرد متقاضی است و همواره از طریق دیدن به دامن خطا می‌افتد، بر خلاف زن که چنین نیست. خطای زن در نحوه عرضه زیبایی‌های خویش است که همان خودنمایی و جلب نظر است؛ از این رو، شارع مقدس با تشریح حجاب

در نظر داشته که عرضه، به حیطه خاصی (محیط امن خانواده) محدود شود. محدودیت عرضه، در اصل موجب محدود گشتن تقاضا می‌گردد. زیرا زنان با رعایت و حفظ حجاب، خود را از هوس‌بازی‌های مردان در امان نگه می‌دارند و می‌توانند آزادانه در جامعه حضور پیدا کنند، بدون اینکه مورد اذیت و آزار قرار بگیرند و خود را به راحتی و ارزان در عرضه تماشای مردان قرار دهند. همان‌طور که در مفهوم‌شناسی حجاب ذکر گردید، عرصه حجاب محدود به یک زمینه نیست، بلکه دامنه آن فراتر از حفظ پوشش ظاهری است که به این موارد اشاره می‌گردد: (۱) - پوشش - «یحفظن فروجهن و لایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخرهن علی جیوبهن» (۳۷)، «و زیور خویش آشکار نکنند، مگر آنچه پیداست و سرپوش‌های خویش بر گریبان‌ها بزنند.» در فراز انتهایی این آیه، دستور دیگری به عنوان مکمل حجاب شرعی ذکر شده که مؤید نگرش مذکور است: «و پای به زمین نکوبند که زیورهای مخفی‌شان دانسته شود.» زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و گاه برای آن که بفهمانند که زینتی قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم به زمین می‌کوبیدند. مضمون این نهی را می‌توان توسعه داد و هر آنچه عرضه و خودنمایی زن تلقی می‌شود، مانند استعمال عطرها، تند و آرایش در چهره را می‌توان ممنوع دانست. موارد استثنائی البته در جایی که تقاضایی نباشد، منطوق حکم می‌کند که این حکم لغو شود، چنانچه در ادامه فرازی از این آیه ذکر گردیده است. این موارد استثنائی، گاهی در جانب تقاضا یعنی مرد و گاهی در جنبه عرضه، یعنی زن قرار دارد که به اجمال شامل موارد ذیل می‌گردد: - مردانی که احتیاج به زن ندارند؛ «و زیور خویش آشکار نکنند مگر ... مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند.» (۳۸) مقصود از مردان طفیلی، قدر مسلم دیوانگان و افراد ابله است که به علت عدم درک زیبایی‌های زنان در زمینه امور جنسی اساساً در خارج از دایره تقاضا قرار دارند. - کودک نابالغ؛ «کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کام‌جویی از زنان توانا نیستند).» (۳۹) - زنان پیر؛ «و زنان قاعده و بازنشسته که امید ازدواج ندارند، باکی نیست که جامه خویش (یعنی روسری و چهارقد) را بر زمین نهند (البته در صورتی که خود را به زیوری نیاراسته باشد و قصد خودنمایی نداشته باشند؛ و اگر از این نیز خودداری کنند برایشان بهتر است.» (۴۰) این آیه را می‌توان به عنوان استثنائی دیگر بر حکم حجاب که قبلاً ذکر شد دانست و فلسفه آن این است که این زنان به طور عادی، چیزی برای عرضه ندارند و رغبت و تقاضایی نسبت به آنان وجود ندارد؛ از این رو، وجوب حجاب (لزوم پوشانیدن سر در حضور نامحرم) از آنان برداشته شده است؛ ولی همان‌گونه که در آیه تصریح شده این رخصت مشروط به این است که قصد عرضه و خودنمایی در کار نباشد. دستور کلی اخلاقی که در انتهای آیه آمده، مبنی بر ترجیح داشتن رعایت عفاف در هر حالی و در هر سنی، بیانگر توجه بیشتر شارع به جنبه عرضه و سالم نگه‌داشتن اجتماع از زمینه‌های انحراف است. - «والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثمأً مبیناً یا ایها التبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلک اذنی آن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً. لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجعون فی المدینه لنگرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلاً.» (۴۱) «آنان که بدون جهت مردان و زنان با ایمان را آزار می‌رسانند، بهتان و گناه بزرگی مرتکب می‌شوند. ای پیامبر به همسران و دختران و به زنان مؤمنین بگو که روسری‌های خویش را به خود نزدیک سازند (خود را با آنها بیوشانند). این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در شهر نگرانی ایجاد می‌کنند از کارهای خود دست برندارند، ما تو را علیه آنان خواهیم برانگیخت؛ آن‌گاه فقط مدت کمی در مجاورت تو خواهند زیست.» این آیات به خوبی صحنه بازار جرم و انحراف را تصویر می‌نماید. ظاهراً چنان‌که برخی مفسرین گفته‌اند، گروهی از منافقین و افراد منحرف در اوایل شب که هوا تازه تاریک می‌شد، در کوچه‌ها و معابر مزاحم زنان (اکثراً کنیزان) می‌شدند؛ برای مقابله با این پدیده دو راهکار در پیش روی جامعه قرار داده شده است که هر یک در جای خود اهمیت دارد: - رعایت حجاب در خارج از منزل؛ زیرا از این طریق زنان نجیب و عفیف یعنی کسانی که قصد عرضه خود را ندارند، شناخته می‌شوند و بیماردلان از اینکه چشم طمع به آنان ببندند و آنان را مورد اذیت قرار دهند، چشم می‌پوشند. - برخورد فیزیکی و

کاربرد زور و اجبار علیه افراد خاطی و منحرف؛ خداوند در این آیه، افراد مزاحم و بیمار دل را به حمله و حرکت شدید پیامبر (ص) علیه آنان و حتی تبعید از جامعه پاک اسلامی تهدید می‌کند. نکته مهم دیگر در این باب، مقدم داشتن راهکار فرهنگی است که کانون آن را کنترل بزه‌دیدگان احتمالی و آماج‌های جرم و انحراف بر رفتار خود و محافظت آنان از خود در برابر افراد آماده ارتکاب انحراف و جرم تشکیل می‌دهد. این تقدم در ذکر راهکارها در آیه شریفه، هر چند تقدم زمانی استفاده از راهکار اولی بر راهکار دوم را نمی‌رساند، ولی می‌تواند بیانگر تأکید و اهمیت بیشتر در نظر شارع مقدس باشد. (۲) - گفتار - «یا نساء النبی لستن کاحدٍ من النساء إن اتقین فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قبله مرض و قلن قولاً معروفاً»، (۴۲) «ای زنان پیغمبر، شما اگر پرهیزکار باشید، همچون سایر زنان نیستید؛ مواظب باشید که در سخن، نرمش زنانه و شهوت‌آلود به کار نبرید که موجب طمع بیمار دلان گردد؛ به خوبی و شایستگی سخن بگویید.» خودداری از سخن گفتن به شیوه تحرک‌آمیز، شاخصه دیگر حجاب است. در این آیه با صرف نظر از اینکه روی سخن با زنان پیامبر (ص) است، به خوبی نشان داده شده مردانی که احتمال انحراف در آنها وجود دارد، آنچه در نزد آنان است، آمادگی درونی و تقاضا است، اما طرف دیگر قضیه این است که در عرصه اجتماع آنچه مایه گسترش این بیماری و خارج شدن از حالت درونی و باطنی به حالتی بیرونی و عملی می‌شود، عرضه نشود تا از این طریق زن‌ها در امنیت قرار بگیرند و بتوانند آزادانه در اجتماع حضور پیدا کنند. بخشی از آیه ۵۳ همین سوره، نیز همین مضمون را با بیانی دیگر تأکید و تقویت می‌کند؛ آنجا که خداوند به مسلمانان توصیه می‌کند که اگر از زنان پیامبر (ص) درخواستی دارند، خواسته خود را از پشت حجاب و پرده‌ای و بدون داخل شدن در منزل مطرح کنند: «و إذا سألتموهنّ متاعاً فاسئلوهنّ من وراء حجابٍ؛ سپس به علت این توصیه اشاره می‌فرماید: «این برای پاکیزگی دل شما و دل آنان (زنان پیامبر) بهتر است.» «ذلک اطهر لقلوبکم و قلوبهنّ» از مقدم داشتن «لقلوبکم» یعنی دل شما مردان، بر «قلوبهن» یعنی دل زنان پیامبر (ص)، شاید بتوان استنباط کرد که آمادگی برای انحراف قلبی که مقدمه انحراف عملی است، از راه شنیدن صدای جنس مخالف، در مردان بیشتر و قوی‌تر است لذا خداوند تکلیف بیشتری را متوجه زنان کرده و آنان را به پوشاندن خود از دیدگان نامحرمان و محافظت خود از طریق حفظ حریم در رفتار و سخن واداشته است. (۳) - رفتار - «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن»، (۴۳) «و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند.» - «و قرن فی بیوتکن ولا تبرج الجاهلیة الاولى» (۴۴)، «و در خانه‌های خویش قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخستین، به خودنمایی و خودآرایی از خانه خارج نشوید.» این آیه نیز چنان که از سیاق آن پیداست، بر روی خارج شدن زنان پیامبر (ص) از منزل، همراه با عرضه خود به نامحرمان، حساسیت به خرج داده است. البته مقصود از آن حبس کردن زنان ایشان در منزل نیست، چرا که تاریخ اسلام گواه آن است که سیره معمول پیامبر (ص) بر چنین رفتاری استوار نبوده است و نیز فقط پوشش مراد نیست، بلکه خودنمایی در تمام صور و شیوه‌هایش، اعم از نوع نگاه و رفتار مورد نظر است. در مجموع، آنچه از ملاحظه چند آیه شریفه مذکور به دست می‌آید، این است که در تمام این آیات، بیش از همه بر حفاظت زنان از خود در پوشش، رفتار، سخن و... و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع انحراف در مرحله عمل (و حتی در مرحله نیت و خطورات ذهنی) تأکید شده و فقط در یکی از این آیات به راهکار کنترل از طریق اعمال زور و سیاست‌های بازدارنده راهنمایی شده است. همین امر به ما نشان می‌دهد که در یک جامعه اسلامی، برابر تعالیم دینی و نتایج تحقیقات جدید علمی، در امر کنترل انحرافات اجتماعی و اخلاقی در روابط زن و مرد، نقطه تأکید باید بر مقاوم‌سازی بزه‌دیدگان (زنان) در برابر افراد آماده جرم و انحراف و کنترل عرضه در برابر افراد متقاضی، از طریق کار فرهنگی سنجیده و بلند مدت در زمینه ترویج معنای صحیح حجاب صورت گیرد. منابع مطهری، مرتضی: «مسأله حجاب»، انتشارات صدرا، تهران، سال ۱۳۶۶. سلیمی، علی؛ داوری، محمد: «جامعه‌شناسی کجروی»، کتاب اول، پژوهشکده حوزه دانشگاه، قم، ۱۳۸۰. لیتل، دانیل: «تبیین در علوم اجتماعی»، عبدالکریم سروش، مؤسسه فرهنگی صراط، چ اول، ۱۳۷۳. پی نوشتها * - دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، مدرس دانشگاه. (۱) - (۲) explanation. - مطهری، ص ۷۸. (۳) - همان، ص ۷۹. (۴) - همان. (۵) -

رک. همان، ص ۸۰. (۶ - ۷). (deviance) - در مورد تفاوت بین رفتار (behavior) و کنش (action)، رک. سلیمی و داوری، صص ۲۰۶-۲۰۸. (۸) - همان، صص ۲۲۲-۲۲۴. (۹ - ۱۰). (folkways) - رک. سلیمی و داوری، ص ۲۴۲. (۱۱) - (۱۲). (mores) - سلیمی و داوری، ص ۲۴۲. (۱۳ - ۱۴). (law) - رک. سلیمی و داوری، ص ۲۴۲. (۱۵) - نک. همان، صص ۴۰۶-۳۸۴. (۱۶) - نک. همان، صص ۴۰۶-۴۰۶. (۱۷ - ۱۸). (functionalist approach) - لیتل، ص ۱۵۱. (۱۹) - (۲۰). (structuralist approach) - لیتل، ص ۱۵۱. (۲۱ - ۲۲). (economic base) - رک. لیتل، ص ۱۹۵. (۲۳) - (۲۴). (rational choice approach) - لیتل، صص ۶۴-۶۵. (۲۵) - سلیمی و داوری، ص ۳۷۰. (۲۶) - رک. همان. (۲۷) - رک. همان، صص ۳۷۰-۳۷۱. (۲۸) - همان، ص ۳۲۱. (۲۹ - ۳۰). (Erich) - سلیمی و داوری، ص ۳۸۰. (۳۱) - همان، ص ۳۲۱. (۳۲) - (۳۴). (Barbara Hudson) - (J.M. Van Dik) - سلیمی و داوری، صص ۳۲۳-۳۲۴. (۳۵) - در این قسمت، از توضیحات و تفسیر آیات مربوطه در کتاب «مسأله حجاب» (صص ۸۰-۱۲۵) استفاده گردیده است. (۳۶) - نور، ۳۰. (۳۷) - همان، ۳۱. (۳۸) - همان. (۳۹) - همان. (۴۰) - همان. (۴۱) - احزاب، ۶۱. (۴۲) - همان، ۵۸-۶۰. (۴۳) - نور، ۳۱. (۴۴) - احزاب، ۳۳

نقش لاقیدی و بی‌حجابی در تخریب حقیقت‌جویی

برای به دست آوردن علم و دانش و پرورش استعداد عقلانی و فطرت حقیقت‌طلبی، که لازمه رسیدن به کمالات و فضایل والای آدمی است، به تمرکز فکر، آرامش خاطر، شوق و اشتیاق نیاز است؛ مواجهه جوانان و نوجوانان با صحنه‌های هوس‌انگیز بانوان لاقید و بدحجاب، یکی از عوامل بسیار مهم کاهش یا زوال این امور می‌باشد که آسیب‌ها و مصائب بزرگی را برای آنان و خانواده‌هایشان و در نتیجه برای جامعه ایجاد می‌کند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: الف - عدم رشد و تکامل استعداد علمی غریزه جنسی نسل جوان که نیرومندترین غریزه آدمی است، با جلوه‌گری‌های زنانه شعله‌ور گشته، تمرکز و آرامش آنها را از بین می‌برد و قوه تخیل و توهم، به جای به فعالیت پرداخته و مناظر شهوت‌انگیز زنان را در ذهن خود تصویر می‌کنند؛ در نتیجه توانایی‌ها و قابلیت‌های فکری آنان هدر رفته و توان ذهنی و عقلی آنها کاسته می‌شود و چه بسا منجر به سلب شوق علمی آنها می‌گردد که پایین آمدن سطح کیفیت تحصیل و یا ترک تحصیل از جمله نتایج آن است. بنابراین، خودآرایی و بدحجابی مانع رشد و کمال استعداد حقیقت‌خواهی جوانان و حتی خود زنانی می‌شود که عفاف و حجاب را رعایت نمی‌کنند و اشتیاق آنان را در تحصیل علوم و پیشرفت‌ها و خلاقیت‌های فکری برای رسیدن به جامعه‌ای رشد یافته، خودشناسی و کسب معارف اسلامی و دینی و آثار و برکات آنها برای وصول به کمالات و مقام والای انسانیت، زایل می‌گرداند و میزان تعهد و دین‌داری آنان را تا مرتبه ناچیز فرو می‌کاهد؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان علی(ع) نیز می‌فرمایند: لاتجتمع الشهوه والحکمه؛ تبعیت از شهوت نفسانی با علم و حکمت جمع نمی‌شوند. الجاهل عبد شهوته؛ نادان بنده شهوت است - نه بنده خدا - بزرگی این خسارت جبران‌ناپذیر به فرد و جامعه در صورتی معلوم می‌گردد که انسان باور کند علوم دینی و معارف توحیدی در این عالم، یگانه مبنای انسانیت و در عوالم بعد از آن، تنها معرفت موردنیاز است که نجات‌دهنده از عذاب و تعالی‌بخش درجات بهشتی است. ب - تمایل به گناه و انحراف‌های جنسی تصویر و تخیل منظره‌های هوس‌انگیز زنانه، که ریشه در خودنمایی عده‌ای از زنان غیرعقیف یا کم‌عقیف دارد، در صورت استمرار، پرده بر عقل عاقبت‌اندیش انداخته و خاطرات شیطانی در صحنه نفس راه پیدا می‌کند و عنان اختیار را از کف ربوده و جوانان را از یاد مبدأ و معاد و عظمت خویشتن غافل نموده و به گناه و شهوات نامشروع و در نتیجه عواقب دردناک آنها می‌کشاند که زنان بی‌پروا نیز قربانی این مهلکه خواهند بود و حتی بیشترین آسیب متوجه آنها می‌شود؛ چنان‌که حضرت علی(ع) فرموده است: من کثر فکرة فی المعاصی دعتة إلیها؛ هر کس درباره گناهان زیاد بیندیشید به سوی آنها کشیده می‌شود. بدیهی است عامل انحراف در منطقاً عقل و وحی مسئول و شریک جرم می‌باشد که ان‌شاءالله تعالی بحث آن خواهد آمد. ج - انحراف استعداد حقیقت‌جویی این

استعداد والای انسانی، نه تنها از شناخت حقیقت و رسیدن به کمالات علمی محروم می‌گردد بلکه در مسیر شناخت و جست و جوی امور ضداخلاقی و انحرافی؛ هم‌چون استعمال موادمخدر، تماشای تصاویر و فیلم‌های مستهجن و شنیدن صدا و آهنگ‌های مبتذل و... که ارمغان غرب و غرب‌زدگان و منحرفان است، به کار می‌افتد و نتیجه‌ای جز ایجاد غفلت و سوءاخلاق و محرومیت از مقام والای انسانیت نخواهد داشت. وقتی استعداد عقلانی آدمی با آشنایی به حقایق اشباع نشود، این خلأ فکری او با پندارهای بی‌اساس افکار باطل و خرافات پر می‌شود و به تبع آن خلأهای روحی و روانی او نیز با اخلاق و کردار ناشایست اشغال و اشباع خواهد شد. د- گرایش به تقلیدهای کورکورانه و نگرش‌های سطحی هنگامی که آدمی در اثر پیروی از هوی و هوس ناشی از بدحجابی و...، از تحصیل علم و معرفت و در نتیجه کسب نیروی درک‌کننده حقیقت محروم می‌گردد، ناگزیر استقلال فکری خود را از دست داده و دست به دامان تقلید غیرمعقول و تکیه برظن و گمان نادرست و پندارهای بی‌اساس که هرگز انسان را بی‌نیاز از حق نمی‌کند و به حقیقت نمی‌رساند، دراز می‌کند و در حقیقت نظریه‌های او را حس و چشم و گوش تغذیه و اداره می‌کند نه براهین عقلی و دلیل‌های شرعی. تقلید و چشم و هم‌چشمی که نشانه خودبختگی، عامل عقب‌افتادگی و از علائم شخصیت بیمار است، باعث می‌گردد که فرد مقلد گرفتار و سوسه‌ها و دسیسه‌ها و سیاست بازی‌های شیاطین و ابزار دست دیگران قرار گرفته و در زندگی براساس خودخواهی و خودکامگی‌های خود و دیگران، رفتار کند؛ هم‌چنان که خودآرایی و بدحجابی نیز از جلوه‌های بارز رفتارهای تقلیدی کورکورانه است. با این که هر انسانی براساس فطرت حقیقت‌جویی و کمال‌طلبی، خواهان شناخت مستقیم و ارتباط با واقعیت‌های مبتنی برحس و دلیل منطقی و در نتیجه رفتار از روی معرفت و آگاهی است و تقلید برخلاف میل درونی و نوعی مبارزه با خویشتن می‌باشد، مگر در موارد معقول و مشروع، همانند تقلید و پیروی از مجتهد جامع‌الشرایط در فروع دین و یا پیروی بیمار از طیب و در یک کلمه، پیروی جاهل از عالم درجایی که کسب معرفت و دانش به آسانی ممکن نباشد، که به عنوان ضرورت لازم و خود از مصادیق عمل براساس علم و منطق است. لذا نظام مقدس اسلام که با عقل و حقایق فطری هماهنگ می‌باشد، مبنای اصلی معرفت و آگاهی را تحقیق و پژوهش می‌داند نه تقلید و نگرش‌های سطحی. این آیین به پیروان خود دستور فرموده که تصدیق و تکذیب، رفتار و گفتار آنان باید محققانه و عاقلانه باشد نه از روی نادانی و تقلید؛ نه ساده‌اندیش و زودباور بوده و ادعایی را بدون دلیل و برهان بپذیرند و برطبق آن عمل کنند و نه مطلب مستدل و حقی را انکار نمایند و از عمل بدان اجتناب ورزند. مطالبه دلیل و پذیرش مدعای مستدل و منطقی، دو مورد از اصول مهم مکتب تربیتی اسلام برای شناخت حق و باطل و تمیز آن دو از یکدیگر و وصول به حقیقت است. بی‌توجهی به این دو اصل موجب تخریب شخصیت و انسانیت می‌گردد؛ چنان که منسوب است به متفکر بزرگ اسلام، شیخ ابوعلی سینا، که با الهام از قرآن کریم فرموده: من قال أو سمع بغیر دلیل فلیخرج عن ربقة الانسانیة؛ کسی که بدون دلیل و برهان سخنی را بگوید یا گوش فرا دهد (و بدان معتقد و یا عامل باشد) باید از دایره انسانیت خارج شود. به علاوه از شگفتی‌های دادگاه بزرگ رستاخیز آن است که از ابزارهای تحصیل واقعیات و تشخیص حق و باطل که همان چشم و گوش و دل و عقل است، سوال می‌شود و هرکدام از اینها به قدرت الهی به سخن درآمده و به ضرر انسان شهادت می‌دهند: و لاتقف ما لیس لک به علم إن السمع و البصر و الفواد کل اولئک عنه مسئولوا؛ از آن چه به آن علم نداری پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل و عقل همگی مورد سوال و بازخواست خواهند شد. بنابراین لازمه انسانیت آن است که تمام رفتار و گفتار و پذیرش یا انکار آدمی مستدل و منطقی، یعنی مستند به دلیل شرعی یا عقلی و یا هر دو باشد. اگر ملت‌های مسلمان دست کم به این چند اصل اسلامی و قرآنی عمل می‌کردند از مشکلات، ظلم‌ها و عقب‌افتادگی‌هایی که دامن‌گیرشان شده مصون می‌ماندند. اساساً فرومایگی و کمبودهای حیاتی که در زندگی بشری و جوامع اسلامی وجود دارد به خاطر دور بودن از فرهنگ غنی اسلام و عمل نکردن به دستوره‌های کرامت‌پرور قرآن کریم است. هم‌چنان که اگر زنان مسلمان، به ویژه جوانان، پیرامون اندیشه والای اسلام درباره شخصیت زن و مسائل مربوط به آن مخصوصاً حجاب و فلسفه و فواید آن تحقیق می‌کردند و با نظرات

تربیتی اسلام آشنا می‌شدند و یا دست کم در برابر مدعیان آزادی بی‌بندوباری و مبلغان بی‌حجابی و خودنمایی، خواستار دلیل درست و منطقی می‌شدند، آن گونه که قرآن دستور داده است، هیچ‌گاه مرزهای فکری و روحی خویش را به روی دسیسه‌های بیگانگان باز نکرده و سخنان شیطانی آنها و پیروی از هوس را برحکم مستدل و حکیمانه خداوند، مبنی بر وجود پوشش کامل و حجاب عقیفانه زن مسلمان، ترجیح نمی‌دادند و با رفتارهای خلاف عفت و حیا، در جامعه فساد نکرده و دین و انسانیت خود و دیگران ضربه نمی‌زدند و از این طریق از دشمنان واقعی خود و اسلام جانب‌داری نمی‌کردند و به توصیه‌های قرآن و سنت، مبنی بر پرهیز از دوستی‌های قلبی یا عملی با کسانی که دین الهی را به استهزا و بازی گرفتند جامه عمل می‌پوشاندند. به راستی کسانی که در جست و جوی حقیقت هستند کافی است در این سخن معبود خویش اندکی تأمل و تفکر کنند که می‌فرماید: تنها خداوند به حق و حقیقت و سعادت هدایت می‌کند، آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کسی که خود، هدایت نمی‌یابد- و هم‌چنین رهنمون به حق نمی‌کند- مگر آن که هدایتش کنند؟ بانوان مسلمان باید بدانند که چه بسیار زنان بی‌حجاب و بدحجاب در دنیا فساد به بار آوردند، اما عاقبت مردند و در عالم برزخ و قبر دچار مکافات اعمال ناهنجار خود شدند و در دادگاه قیامت نیز باید جواب گوی هتک حرمت و زیرپانهادن حکم حجاب اسلامی و انسانی و گمراه ساختن دیگران در منجلا ب فساد و انحراف باشند. آنان در دنیا سرمایه وجودی خود را باختند و به ناچار در سرای آخرت از زیان کاران خواهند بود، سرانجام بقیه نیز مرگ به سراغشان خواهد آمد و سپس به سوی خدایی که دانای نمان و آشکار است باز می‌گردند و او آنان را به آن چه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد. هتزلزل اساس مقام معشوق بودن زن عشق و علاقه راستین میان زن و شوهر و تحقق مقام محبوبیت برای زن در گرو انسانیت و فضایل اخلاقی حاصل از آگاهی دینی و ایمان به خداست، اما وقتی استعداد آگاهی طلبی و حقیقت‌خواهی آنها در اثر زمینه‌های تحریکات جنسی شکوفا نشود و معرفت دینی و ایمان راستین رشد نکند، پایه‌های عشق و محبت که همانا فضایل اخلاقی است، متزلزل گشته و مقام معشوق و محبوب بودن زن از بین می‌رود و توجه همسر به او صرفاً در دایره امور شهوانی، خانه‌داری، بچه‌داری و امثال آنها محدود خواهد شد و این بزرگ‌ترین آسیب به شخصیت و روحیه زن در نظام خانواده است. این موضوع در مباحث آینده بیشتر روشن خواهد شد. ضمن این که چنین زن و شوهری از اساسی‌ترین نیاز زندگی مشترک، که همانا درک و شناخت هم‌دیگر و نیازهای اصیل همسر است، محروم می‌باشند، زیرا کسی که ارزش و عظمت خود را نشاخته باشد، نمی‌تواند دیگران از جمله همسر خویش را بشناسد. بدیهی است خویش‌شناسی و همسرشناسی زیربنای محبت و عشق در نظام خانواده است، که جز در سایه دین و ایمان تحقق نمی‌یابد. نکته بسیار مهم و در خور توجه آن است که این آسیب‌ها و خطرهای مزبور نه تنها جامعه را تهدید می‌کند، بلکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم گریبان خود این بانوان و زنان هم‌صنف دیگر را می‌گیرد و زندگی را در کام آنها تلخ می‌سازد، چرا که پدر، برادر، همسر و فرزندان آنها نیز در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنند و روزی در دام این بلاها و دام‌های تنیده شده گرفتار می‌شوند. بنابراین چنین زنانی باید مشکلات و ناملایمات زیادی را به تن و جان خود بخرند و چه بسا یک عمر بسوزند و بسازند. ضمن این که گناه هر کدام از این خطرناک نزد خداوند متعال بزرگ است و عذاب دردناکی را به دنبال خواهد داشت، مگر این که حجت الهی بفردی تمام نشده باشد. نقش بی‌حجابی و بدحجابی در سقوط اخلاق و انسانیت از آن جا که پایه و اساس صفات عالی و رفتار انسان، تنها ایمان دینی و توحیدی است، تأثیر بی‌بندوباری‌های اجتماعی همانند خودنمایی و بدحجابی زنان جامعه که بسیاری از آنها در حقیقت بی‌حجابی است، در تضعیف و سقوط عفت و اخلاق نیکو امری بدیهی و روشن است، چرا که چشم و گوش و سایر اعضا پل ارتباطی روح ما با جهان بیرون از ماست و این یک واقعیت است که: «هرچه دیده بیند دل کند یاد». به همین دلیل وقتی در جامعه امور مربوط به عفاف و حیا رعایت نشود و فضای معنوی جای خود را به فضای خودنمایی و شعله‌ور ساختن غرایز شهوانی بدهد و بذر شهوت را در دل‌های جوانان و نوجوانان برویاند، فکر افراد جامعه به ویژه جوانان بدون همسر، از امور حیاتی و ارزشی به سمت شهوات کشیده می‌شود و از خدای خود که همواره حاضر و

ناظر بر اعمال نیک و بد است، غافل می‌مانند و زندگی موقت دنیا را بر زندگانی حقیقی که آخرت است مقدم می‌دارند و به وادی وحشتناک روابط غیرانسانی و غیراخلاقی و شهوات نامشروع کشیده می‌شوند. بدین طریق یگانه اساس و مبنای فضایل انسانی-ایمان به خدا و قیامت- به دست فراموشی سپرده می‌شود و در نتیجه خطرات بزرگی فرد و جامعه را تهدید خواهد کرد: صفات پسندیده جای خود را به صفات رذیله و ناپسند می‌دهد؛ اعمال و رفتار ناشایست همانند ظلم، جنایت، خیانت، خشونت، فساد، بزهکاری، ناامنی و آدم‌ربایی، به ویژه ربودن دختران در جامعه افزایش می‌یابد؛ استعداد اخلاقی و فضیلت‌خواهی فرزندان شکوفا نگشته و چه بسا از بین می‌رود و رفتارهای ناسازگارانه و بزهکارانه در آنان ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی آتش این فتنه‌ها و خطرات، دامن خود زنان آسیب‌زاد را هم فراخواهد گرفت و خود و خانوادهٔ آنان نیز در این آتش خواهند سوخت؛ چنان که بسیاری از آنها گرفتار شدند؛ چه بسیار دخترانی که مورد تجاوز به عنف قرار گرفتند و یا توسط گرسنگان شهوت اغفال شدند و سرمایه بکارت و عفت را باختند و چه بسیار زنان خودنمایی که استعدادهای عالی و اخلاقی خویش را مختل یا تباه ساختند و در اثر تحول اخلاقی آنها یا همسرانشان یا فرزندانشان، زندگی شیرین آنان تبدیل به جهنم سوزان گشت. بقیه نیز باید منتظر باشند که روزی قانون عکس‌العمل دامن آنها را گرفته و در آتش عقوبت رفتار خویش گرفتار شوند، مگر این که تا دیر نشده بیدار شوند و توبه نموده و گذشته‌های خود را جبران کنند که خداوند آمرزنده و نسبت به اهل ایمان مهربان است: *والله غفور رحیم*. شایان ذکر است که خودآرایی زن و نمایان بودن بعضی از اندام و پوشیدن لباس‌های بدن‌نما در محیط خانه باید صرفاً برای همسر و به دور از منظر فرزندان ممیز و نوجوان خود باشد و گرنه سبب بلوغ زودرس و عواقب آن و چه بسا سرآغاز انحراف آنان خواهد شد، البته آراستگی طبیعی و آرایش خفیف و غیر محرک و جلب توجه کننده، مشکلی ایجاد نمی‌کند و این سخن در مورد محارم نیز جاری است. نقش لاقیدی و بدحجابی در غفلت از زیبایی‌های روحی و معنوی هتک حریم حجاب اسلامی و بی‌توجهی به این ارزش والای انسانی موجب می‌شود مردان و جوانان با آن ضعف‌گریزی و خلأ عاطفی، تحت تأثیر جاذبه‌های عاطفی و جنسی زنان قرار گرفته و فکرهای آنان را منحرف و دل‌هایشان را گرفتار سازد و همین امر سرآغاز غفلت و بی‌خبری از ارزش‌ها و زیبایی‌های والای روحی و اخلاقی و محرومیت از تمام مزایای آنها از یک سو و سوق به شهوات و لذت‌گرایی و دنیاپرستی و افراط و زیاده‌روی در تجمل و زیبایی‌های طبیعی و جسمی از سوی دیگر می‌شود؛ به گونه‌ای که چرخ‌های زندگی بیشتر روی معیارهای مادی چرخیده و حتی شخصیت ارزش‌مند زنان به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ همان‌گونه که برخی از آنان نیز از گنج‌ها و ارزش‌های والای پنهان در شخصیت ملکوتی خویش و زیباسازی آن غافل گشته و آلت دست بدان‌دیشان و مدسازان غربی و غرب‌زده شده‌اند و از خودنمایی کودکانه پروایی ندارند. واضح است که تماشای صورت‌ها و دل‌بستگی به دنیا و زیبایی‌های آن و لذت‌های طبیعی موقت حاصل از درک آنها و به طور کلی هرگونه ارتباط با دنیای فانی که انسان را همچون کودکان به خود مشغول کند و از صورت آفرین و زیبابخش و زیبایی‌های معنوی و لذت‌های فوق طبیعی و سرای باقی غافل نماید، مایه تضحیح عمر گرنامه‌ی و ورشکستگی و تخریب یا حداقل اختلال شخصیت و نچسیدن طعم گواری حیات می‌شود و این همان دنیای مذموم است که قرآن کریم بدان اشاره می‌فرماید: *(و ما الحیاه الدنیا الا- لعب و لهو و للدار الا-خره خیر للذین یتقون افلا- تعقلون)*؛ دنیا چیزی جز بازیچهٔ کودکان و سرگرمی‌های نابخردانه نیست و همانا سرای آخرت بهتر و نیکوتر است برای اهل تقوا و پارسا، آیا در این نمی‌اندیشید. در حدیث معراج می‌خوانیم که: ای احمد حذر کن از این که مثل کودکان باشی که وقتی به سبز و زرد- زیبایی‌های دنیا- نظر می‌کند شیفته آن می‌شود و هنگامی که چیز شیرین و لذیذ یا ترش به او داده می‌شود فریب می‌خورد. ابن‌سینا با الهام از مکتب تربیتی اسلام می‌گوید: مثل این فریب‌خوردگان لذت، در مقایسه با انسان‌های عارف مثل کودکان است در برابر بزرگسالان ورزیده که به بازی‌های آن کودکان اعتنایی ندارند و اهمیتی نمی‌دهند. خلق اطفالند جز مرد خدا --- نیست بالغ جز رهیده از هوا چنین دنیایی باعث عدم تحمل وجود دیگران و انتقادهای سازندهٔ آنها و علت گریز از حق و حکمت و موعظه و ریشهٔ همهٔ گناهان است، زیرا

حب دنیا و دل‌بستگی به ظواهر و لذا یزد زودگذر آن انسان را در برابر حق و حقیقت، کور و کر و لال کرده و او را خوار می‌نماید: «فارض الدنيا فان حب الدنيا يعمى و يبكم و يذل الرقاب». نقش خودنمایی و بدحجابی در تضعیف نور فطرت توحیدی عقل سلیم و وحی منزل با هر چیزی که انسان را از حقیقت عبادت و اطاعت الهی محروم و از هویت و هدف خلقت خویش غافل کند و نور فطرت را تضعیف و به تدریج خاموش نماید مخالف است. نظر به این که فطرت توحیدی و سایر فطریات امانت الهی در درون انسان است و آدمی امین پروردگار عالم در آن می‌باشد، لذا نباید در این امانت ملکوتی خیانت و به آن ظلم نماید. تحقق این امر در صورتی ممکن خواهد بود که قوای غضبیه، شهویه و وهمیه، در سایه عقل و وحی کنترل و تعدیل گشته و در قلمرو و معقول و مشروع خود فعالیت کنند، تا آن جا که این قوای مادی و جسمی در حیطة مسئولیت خود انجام وظیفه می‌کنند، نیکو و حلال است، ولی اگر بخواهند از حد خود تجاوز کرده و به حریم فطرت تعدی و ظلم کنند و نور هدایت‌گراانه آن را کم‌فروغ و در نهایت خاموش نمایند، قبیح و حرام می‌باشد. تمام محرمات الهی و رذیلت‌های اخلاقی که پدیده بدحجابی و خودنمایی زن در برابر نامحرمان از جمله آنها می‌باشد از این قبیل‌اند: به همین جهت قرآن کریم درباره احکام خداوند سبحان می‌فرماید: (... و تلک حدود الله و من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه)؛ اینها حدود و مرزهای الهی است و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویش ستم کرده است. در جای دیگر هشدار داده می‌فرماید: (یا ایها الذین امنوا لاتخونوا الله و الرسول...)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خیانت به خدا و رسولش نکنید. این خیانت با ارتکاب معصیت حاصل می‌شود؛ چنان که امام محمد باقر (ع) در تفسیر این آیه فرمودند: فخیانه الله و الرسول معصیتها و اما خیانه الامانه فکل انسان مامون علی ما افترض الله عزوجل علیه؛ خیانت به خدا و رسول به نافرمانی آن دو می‌باشد و اما خیانت در امانت، هر انسانی امین و اجبات خداوند عزوجل است. از سوی دیگر برای شکوفایی فطرت، نیاز به وجود شرایط مساعد و فقدان موانع می‌باشد؛ هر محیطی اعم از خانواده، مدرسه، جامعه، نقش مهمی در رشد یا سقوط شخصیت آدمی دارد؛ وجود محیط پاک از عوامل شهوانی و انحرافی از مهم‌ترین شرایط تربیت و محیط ناسالم از بدترین موانع است، لذا از منظر دین و خرد آن چه که محیط را آلوده و افراد آن را غافل و به فطرت آنها لطمه بزند ممنوع می‌باشد. بر این اساس، حضور زنان بدون حجاب خداپسندانه و یا با چهره‌های مزین شده در مجامع عمومی، یکی از بدترین عوامل غفلت‌آفرین و موانع پرورش فطرت توحیدی و کارآمدترین سلاح دشمن برای تخریب اخلاق و معنویت است، زیرا غریزه شهوانی افراد جامعه خصوصاً نسل نوحاسته را شعله‌ور نموده و آنها را از یاد خدا و اطاعت یا حقیقت عبادت و عشق به او غافل، و به شهوات و دوستی‌های نابخردانه دختر و پسر که سرآغاز انحرافات و آلودگی‌ها و از دست رفتن سرمایه دوشیزدگی است، و دل‌دادگی به جیفه دنیا که ریشه همه گناهان و بدبختی‌هاست سوق می‌دهد. هم‌چنان که بعضی از جوانان و نوجوانان به همین علت خود را از عبادت به ویژه نماز محروم کرده و در اطاعت الهی سستی می‌ورزند. یا عبادت‌های اکثر ما مسلمانان از حقیقت و روح عبادت تهی گشته و هم‌چون پیکر بی‌جان یا نیم‌مرده، خاصیت اثربخشی و حیات‌آفرینی خود را از دست داده است؛ مثلاً نماز حقیقتش یادالهی و احساس حضور در محضر اوست و به انسان آگاهی و معرفت، هشیاری و نورانیت می‌بخشد، از این رو انسان را در برابر فحشا و بدحجابی و خودنمایی و محرمات دینی بیمه می‌نماید: (ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر)؛ محققاً نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد. منکر یعنی هر چیزی که عقل و وحی آن را به رسمیت نمی‌شناسد و با نظام خلقت آدمی و نظام شریعت اسلامی سازگار نیست، اما این فریضه بزرگ به گونه‌ای به جا آورده می‌شود که مرده و بی‌روح و یا نیم‌جان است، آموزه‌های حیاتبخش آن فراموش گشته و اثرات عالی تربیتی آن از دست رفته است. بنابراین زنان خودنما و دل‌ربا، با این عمل ضددینی و اخلاقی خویش به دین، ایمان و فطرت خود و افراد اجتماع آسیب‌رساننده و نور محبت الهی را در قلب خود و دیگران تضعیف نموده و طعم گوارای مناجات و لذت انس با خدای جمیل را از بین می‌برند و مانع گسترش آیین توحیدی و تابش آفتاب روان‌پرور اسلام به دل‌ها می‌شوند و ظلمت شهوات و محبت دنیا را جایگزین آن می‌نمایند. اصولاً محبت دنیا و شهوات، انسان را نابینا و ناشنوا می‌سازد؛ لذا

دیدن و شنیدن آیات و دستوره‌های الهی در او تاثیر نمی‌گذارد و فرد و جامعه انسانی را به فجایع بزرگ از جمله بحران معنویت و هویت و اخلاق گرفتار می‌سازد. چه ظلم و خیانتی بدتر از این که انسان با عمل و رفتار خود ظلم به خویشتن و جامعه و خیانت به خداوند و رسولش (ص) بکند؟! آیا این بانوان می‌توانند خود را مسلمان حقیقی بدانند، در حالی که با اعمال خویش مردم را از راه خدا و آیین روح پرور او باز می‌دارند. این همان کاری است که معاندان حق و حقیقت می‌کنند: (و یصدون عن سبیل الله) و قرآن مجازاتشان را حبط اعمال و عذاب دردناک بیان نموده است و به اهل ایمان نیز هشدار می‌دهد که مواظب باشند از راه و رسم آن جاهلان پیروی نکنند و به این خصلت ناپسند هر چند با انجام عمل زشت آشکارا و فسادبرانگیز در اجتماع آلوده نشوند که به برخی از مجازات بدانندیشان گرفتار خواهند شد. نقش تخریبی خودنمایی بر عشق واقعی و مقام معشوقه بودن زن همان گونه که بیان شد، پایه و رکن عشق راستین میان زوجین، صفات پسندیده و اخلاق انسانی و ارزش‌های معنوی است که در محیط پاک و سالم و به دور از هوس‌ها و شهوات نامشروع و در فضایی سرشار از معنویت، عفت و حیا رشد می‌کند، چرا که سلامت و امنیت روانی افراد در چنین محیطی تضمین شده و موجبات تعالی فکری و شکوفا شدن استعدادهای اخلاقی و معنوی فراهم می‌گردد. بر این اساس جامعه‌ای که زنان به خودآرایی و نمایش اندام‌های تحریک‌آمیز خود می‌پردازند، پیروی از هوا و هوس و گرایش به شهوات در آن افزایش می‌یابد و ارزش‌های دینی و معنوی - که تنها عامل انسانیت و بالندگی فضایل اخلاقی و در نتیجه عشق واقعی است - از بین رفته و یا کم‌رنگ می‌شود و به این ترتیب، فضایل پسندیده در افراد جامعه و خود زنان و همسران حال یا آینده آنان رشد نکرده، بلکه صفات ناشایست در آنها افزایش می‌یابد؛ در نتیجه با تزلزل پایه عشق و محبت، محبوبیت اجتماعی و مقام معشوق بودن زنان در خانواده سقوط می‌کند و به عنوان بازیچه و وسیله ارضای شهوات برای مردان در می‌آیند، مگر زنان عقیف و باحجاب که از همسران عقیف، غیور و مؤمن برخوردارند. پس این گونه زنان، بزرگترین ضربه و آسیب را به شخصیت و محبوبیت خود و هم‌صنفان خویش وارد می‌کنند که از پی آمده‌های ناگوار آن، ایجاد زمینه برای آزار و ستم از سوی مردان و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به شخصیت و حقوق آنها و اختلاف، ناراحتی و اضطراب فراوان در محیط خانواده است و چه بسا پیوند خانوادگی به طلاق و جدایی می‌انجامد. طلاق و عوامل ناشی از بدحجابی از پی آمده‌های زیان‌بار رعایت نکردن عفاف و حجاب، طلاق و جدایی زن و شوهر و از هم پاشیدن نظام خانواده است؛ طلاق در نظر اسلام مبعوض‌ترین حلال می‌باشد که تنها در صورت اختلافات حل‌ناشدنی ضرورت می‌یابد. اسلام عزیز به منظور حفظ و تحکیم نظام خانواده و افزایش صفا و صمیمیت میان همسران و جلوگیری از اختلافات شدید خانواده و فروپاشی آن، تدابیر حکیمانه‌ای اندیشیده است. معیارهایی از قبیل ایمان، آراستگی به فضایل اخلاقی و انسانی، اصالت خانوادگی و امثال اینها را برای انتخاب همسر شایسته، مقرر فرموده و حقوق و وظایفی را برای زوجین مشخص کرده است. برای طلاق نیز شرایطی معین کرده که شامل بعد از آن، همچون رجوع و بازگشت و دوباره شوهر به زندگی مشترک می‌شود، همه اینها مربوط به خانواده است. اما آنچه به اجتماع باز می‌گردد، سلامت و امنیت جامعه از هر گونه اقدامات منافی عفت و حیا است. مهمترین گفتار، بحث عوامل و سرمنشأ طلاق است؛ موضوع طلاق از جهات و عوامل گوناگون قابل بررسی و تبیین می‌باشد و غالباً ریشه آن به طور عمده، حرمت نهادن زنان به خویشتن در اثر فاصله گرفتن از پوشش خداپسندانه و در نتیجه آسیب دیدن عفت عمومی و اخلاق فردی و اجتماعی است. برای روشن شدن این بحث، جهات و عوامل طلاق را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهیم: الف - هوس‌مداری در خانواده اساساً طلاق در اثر اختلاف‌های عمیق زن و شوهر تحقق می‌یابد که عمدتاً از خودخواهی و هوس‌ناشی می‌شود؛ یا رفتار و گفتار هر دو، ناحق و از روی خویشتن‌پرستی است و یا یکی از آن دو بر حق بوده و دیگری راه باطل می‌رود، اما ممکن نیست که هر دو برحق باشند و در عین حال اختلاف داشته باشند، مگر در امور جزئی و ناچیز که آن هم با بحث و گفتگو در فضایی سرشار از محبت و صمیمیت و عمل به دستوره‌های مترقی اسلام برطرف شده و تفاهم و بالندگی اندیشه‌جانشین آن می‌گردد. بنابراین اگر نظام خانواده مبتنی بر مردسالاری یا زن‌سالاری و به طور کلی هوس‌مداری و

خودخواهی باشد، اختلافات آشکار می‌رود، چرا که در چنین حالاتی، حقوق و احترام متقابل زن و مرد رعایت نمی‌شود. از آن طرف اگر حق‌سالاری در خانواده حاکم گردد و تدبیر و مدیریت خانواده براساس قوانین، حقوق و وظایف مشخص شده در اسلام باشد، اختلافات ریشه‌ای و عمیق و طلاق پیش نخواهد آمد. مرز میان حق محوری و خودخواهی، شخصیت الهی آدمی است. کسی که دارای ایمان قوی و تقوای عالی باشد و هدف نهایی خویش را در شئون زندگی نیل به رضا و لقای خداوند تبارک و تعالی می‌داند، شخصیت الهی و انسانی او ضامن احساس مسئولیت و عمل به وظایف و تعهدات و رعایت حقوق همسر و دیگران خواهد بود و کسی که از چنین ایمان و تقوایی برخوردار نباشد، فاقد ضمانت و پشتوانه مذکور است که به دلیل غفلت از یاد خدا و هدف آفرینش خویش و مکافات عمل دنیا و آخرت، احساس مسئولیت چندانی نخواهد داشت و برای شخصیت حقیقی و حقوقی همسر خویش احترام لازم را قائل نخواهد شد. عامل بسیار موثر و سازنده در شخصیت الهی انسان، عفت عمومی، سلامت و پاکی جامعه از عوامل غفلت آفرین و هوس آلود و ناپاکی‌ها است که عمده آنها هتک حریم حجاب و پوشش عقیفانه و ضعف غیرت و عفت و فقدان احساس مسئولیت پدران و مادران و شوهران آنها می‌باشد که افراد جامعه را سمت هوس‌های نفسانی سوق داده و باعث تباهی اخلاق آنان می‌گردند؛ در نتیجه حق محوری جای خود را به هوس‌بازی و خودخواهی - که عامل اصلی بروز اختلافات و در نهایت طلاق است - می‌دهد. ب- چشم‌چرانی و مقایسه با همسر هرگاه زنان با ظاهری آراسته و بدن‌نما در جامعه حاضر شوند، مردان عادی با چشم‌چرانی و مشاهده زیبایی‌های ظاهری و مقایسه همسران خویش با این زنان که طبیعتاً میوه تلخ آن بی‌رغبتی یا کاهش محبت به همسران خود می‌باشد - زمینه بهانه جویی مردان و عیب‌جویی و تحقیر و بی‌احترامی به زنان خویش و در نتیجه بروز اختلافات، ایجاد شده و در نهایت به طلاق و جدایی کشیده می‌شود. ج- شهوت‌طلبی و لذت‌گرایی ازدواج، پیوند و اتحاد روحی و مصاحبت جسمی زوجین است و این اتحاد در صورتی محقق می‌شود که دو روح در ابعاد والای انسانی از سنخیت و شباهت برخوردار باشند. آزادی غیرمعقول زنان - که آزادی در اسارت هوا و هوس است - شعله‌های هوس و شهوات را در مردان می‌فروزد و لذت‌گرایی را در آنان رشد می‌دهد. لذا عده‌ای برای تامین خواسته‌های شهوانی بی‌حد و مرز خود با ترفندهای گوناگون، همسران خوش را طلاق می‌دهند تا به خودخواهی و شهوت حیوانیشان پاسخ مثبت بدهند. د- دوستی‌های نامشروع حضور تحریک‌آمیز زنان در صحنه اجتماع، از یک سو باعث ایجاد روحیه شهوانی در مردان، در نتیجه رواج دوستی با صنف مخالف و روابط نامشروع می‌شود؛ به گونه‌ای که علاقه آنها به همسران خود کاهش می‌یابد و از سوی دیگر به علت آن که نوعاً همسران آنان - به حسب فطرت - از این نوع روابط نابخردانه بیزارند و محبوبیت خود را نیز نزد شوهران خود در معرض خطر می‌بینند، از زندگی مشترک سرد شده و در نتیجه پایه و رکن زندگی شیرین - که محبت و دوستی است - متزلزل می‌گردد؛ به ویژه اگر این بی‌اعتمادی و دل‌سردی و ضعیف شدن شعله‌های محبت دو سویه باشد، که نهایت کار طلاق و جدایی خواهد بود. افزون بر آن که با رواج روابط دوستانه و نامشروع، عده‌ای از مردان مورد سوءظن همسران خود قرار گرفته و متهم به روابط نامشروع می‌شوند. در نتیجه محبت و اعتمادشان نسبت به شوهرانشان سلب شده و آنها را فاقد صداقت می‌پندارند، در این صورت غم و اندوه و اضطراب بر آنان حاکم شده و علاقه به زندگی و همسر از میان می‌رود و زمینه برای درگیری و کشمکش آغاز و به طلاق و جدایی یا زندگی بی‌هدف منجر می‌شود. ه- غفلت از معیارهای اصولی در گزینش همسر خودنمایی دختران سبب انتخاب و گزینش غلط و نادرست آنان در ازدواج می‌گردد، زیرا پرده‌های هوس و خودخواهی و توجه بی‌جا و بی‌مورد آنان به ظواهر و مادیات و عناوین اعتباری خواستگاران و غفلت از معیارهای اصولی و سازنده در انتخاب همسر، مانع واقع‌بینی شده و در نتیجه نه از ارشادها و هدایت‌گری‌های اندیشه و عقل خود بهره می‌برند و نه تحت تاثیر اندرزها و راهنمایی‌های اطرافیان خردمند قرار می‌گیرند؛ از این رو از انتخاب همسر شایسته محروم می‌گردند و پس از ازدواج و گذشت مدت زمانی، متوجه شکست در ازدواج شده و به تدریج میان آنان و شوهرانشان فاصله می‌افتد و سرانجام کارشان به طلاق کشیده می‌شود. و - فریب ظواهر آراسته و

انتقام‌جویی خودآرایی و نمایش جاذبه‌های زنانه موجب می‌شود جوانان مجرد، از ظواهر آراسته و آرایش شده آنها فریب خورده و شیفته آنها گردند و پس از ازدواج و چندروز وصال دریابند که همسرشان شایسته محبوبیت نبوده و در این پیوند زناشویی - در اثر فریب ظواهر - ناموفق بوده و دچار زیان شده‌اند. در این صورت عشق تبدیل به نفرت و دشمنی می‌شود و درصدد انتقام بر می‌آیند و ضمن تحقیر، سرزنش و عیب‌جویی و سوءظن به همسران خود، در نهایت آنان را طلاق می‌دهند. باتوجه به این عوامل، به ویژه دوعامل اخیر - در جامعه ما، طبق آمار در سال ۱۳۸۱ از هر چهار ازدواج، یک مورد به طلاق و جدایی انجامیده است. بنابراین ریشه عمده طلاق از یک سو در بی‌پروایی زنان و از سوی دیگر در چشم‌چرانی و نظربازی مردان ضعیف‌الایمان نهفته است. در این میان دوموضوع باعث افزایش چشم‌چرانی می‌شود: نخست آن که مردان به خاطر انس و همراهی با همسران خویش، از زیبایی‌های ظاهری و باطنی آنان غافل می‌گردند و یا برایشان عادی می‌شود و دیگر این که زنان نیز به دلیل الفت و هم‌نشینی با شوهرانشان و یا اشتغالات زیاد خانه و غیره کمتر به زینت و آرایش خود برای آنان می‌پردازند. در طلاق، هرچند همه اعضای خانواده آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌بینند، اما بیشترین زیان را زنان و فرزندان بردوش می‌کشند، زیرا سرپرست و پشتوانه عواطف خود را از دست می‌دهند. این یک اصل مسلم روانی است که خوشبختی زن، نفوذ در قلب مرد - شوهر - و محبوب و معشوق او گشتن است؛ چنان که بالاترین لذت برای او، بودن در کنار مردی است که حامی و سرپرست و مورد علاقه اوست. از این رو در صورت ناکامی و شکست در زندگی مشترک و در نتیجه طلاق زن به آمال و آرزوها و خواسته‌های روانی خود نرسیده، احساس حقارت، ذلت و بدبختی می‌کند و همین موضوع پی آمدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر موفقیت ازدواج مجدد برای زنان طلاق گرفته به مراتب کمتر از ازدواج دوباره مردان آنان است. مخصوصاً، در جامعه‌ای که تعداد دختران و زنان بی‌شوهر بیشتر از مردان باشد و جمعیت جوانان و مردان آن در اثر جنگ و حوادث دیگر کم شده باشد. چه این که فشارهای روانی و اختلال‌های روانی و رفتاری مثل تحیر و سرگردانی، افسردگی، اضطراب، بزهکاری و انحرافات و غیره، متوجه فرزندان چنین خانواده‌هایی می‌شود که همه ناشی از عدم تربیت درست و کمبود محبت و عدم تأمین کامل عواطف آنها و احساس اهمیت نداشتن آنان برای والدین خود می‌باشد. گذشته از اینها، زنان وقتی روحیه مردان خود را در پرتو مناظر هوس‌انگیز زنان، شهوت‌ران و لابلالی یافتند و علاقه آنان را نسبت به خود سرد و عیف دیدند، همواره در درون خود احساس عدم امنیت می‌کنند، چون در هراسند که مبادا شوهرانشان دست از آنان کشیده و دل در گرو معشوقه دیگری بسپارند و همین امر چه بسا اختلال‌ها و آسیب‌هایی در روان و زندگی آنها ایجاد کند. نتیجه آن که براساس حکم اسلام و نظر عقل و تجربه، آن چه نظام خانواده را حفظ می‌کند، محبت و مودت، رحمت و از خودگذشتگی زن و مرد است؛ به همین دلیل دین مقدس اسلام، از یک سو سفارش می‌کند که ازدواج دختر و پسر، باید برپایه محبت و عشق راستین - که سنخیت و هم‌کفو بودن در ایمان و فضایل اخلاقی شالوه آن است - باشد و از سوی دیگر، مودت، رحمت و گذشت در میان زوجین قرار داد و از سوی سوم دستورهایی برای رعایت حقوق و احترام متقابل معین نمود که عمل به آنها باعث حفظ محبت و افزایش آن می‌گردد. اما این محبت و گذشت با فساد اخلاقی، هوس، خودخواهی، شهوت‌طلبی و ارتباط آزاد - که از بی‌بندوباری و نمایش اندام و زیبایی‌های زنانه در جامعه و چشم‌چرانی و تحریک‌پذیری مردان سرچشمه می‌گیرد - از میان رفته و یا آسیب می‌بیند و به اختلافات عمیق خانوادگی و طلاق منجر می‌شود. از این رو لازم است که زنان مسلمان برای جلوگیری از طلاق و فروپاشی خانواده و از بین رفتن محبوبیت خود و دیگر زنان و آسیب‌دیدن فرزندان بر توصیه‌ها و سفارش‌های فطرت و شریعت عمل نمایند و در امر عفاف، حجاب و پوشش اسلامی - به لحاظ کمی و کیفی - به خواسته‌های درونی خود و خدای خویش احترام بگذارند، در غیر این صورت نه تنها خانواده‌ها از هم می‌پاشند و حقوق دیگر زنان پایمال شده و کودکان و فرزندان از حمایت عاطفی، جسمی و تربیتی والدین محروم می‌شوند، بلکه کیان خانواده خودشان هم در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد و یا دست کم درگیری و اختلاف و ناامنی در خانواده‌های آنها حاکم گشته و شخصیت و حقوق آنان مورد بی‌مهری و کم‌توجهی همسرانشان

واقع می‌شود و حتی این موضوع در بسیاری از موارد دوسویه است. چنان‌که اگر امنیت و آرامش در خانه نباشد، فرزندان در اثر احساس ناامنی، از خانه و دامن والدین فرار می‌کنند و به دام باندهای فساد و افراد منحرف افتاده و یا به دوستان ناباب پناهنده می‌شوند که خود این حالات مشکلات و مصیبت‌های ناگوار فراوانی به دنبال دارد. نقش بی‌بندوباری و بدحجابی در شیوع فحشا تاثیر فوق‌العاده محیط در سازندگی یا تخریب شخصیت انسان برکسی پوشیده نیست؛ از این رو هر امری که موجب عفت و پاکی عمومی و تعادل فکری، روانی و اخلاقی جامعه و رشد شخصیت افراد گردد، برای اجتماع مفید و لازم است و می‌بایست در جهت تحقق و ایجاد آن حداکثر کوشش را به کار برد. از آن‌جا که زندگی انسان جامعی و اجتماعی است جامعه، به مثابه خانه و خانواده است که حفظ حریم عفاف و اخلاق در آن حیاتی است و پاکی یا آلودگی آن نقش مهمی در سرنوشت افراد آن به ویژه فرزندان و نسل نوحاسته دارد. روی همین اصل منطقی، اسلام با هرچه جو اجتماع را آلوده و مسموم کند شدیداً مبارزه کرده است، لذا گناه آشکار، مسئولیت و عقوبتش به مراتب بیش از گناه پنهان است، زیرا کسی که پرده حیا را بدرد و مرتکب معصیت در ملاء عام بشود و به اصطلاح تجاهر به فسق کند باعث می‌شود قبح و زشتی گناه و عمل ناهنجار، که سد مهمی در برابر فساد و جرم است، به تدریج در نظر مردم از بین رفته و عواقب و بازتاب تلخ دنیوی و عقوبت و رسوایی اخروی آن فراموش گشته و سد شکسته شود و مردم نیز به آن آلوده گردند. بدین ترتیب چنین فردی ضمن آلودگی و ضربه به شخصیت خویش، جامعه را مسموم نموده و ضربه بزرگی بر معنویت و پیکره آن وارد کرده است. گناه بسیار بزرگ لاقیدی و بدحجابی از این قبیل است؛ دین مبین اسلام حجاب را به عنوان عامل مهم حفظ و اعتلای شخصیت فردی و تحکیم پیوند خانوادگی و حفظ عفت و اخلاق اجتماعی بر زن که در نظام آفرینش از جایگاه ارزشمند معشوق بودن برخوردار می‌باشد واجب فرموده است. بانویی که حجاب صحیح و شئون اسلامی را رعایت نمی‌کند با رفت و آمد در سطح اجتماع عامل غفلت‌زدگی و فراموشی مراقبت الهی و باعث کوری دل‌ها در جامعه می‌گردد، وی از یک سو گناه و رفتار ناهنجار لاقیدی و خودنمایی فسادانگیز را نشر و ترویج می‌نماید و دیگر زنان را به این بلای خانمان سوز گرفتار می‌سازد و از سوی دیگر به جهت تاثیرات عاطفی و جنسی زن بر مردان، دل آنان- بالخصوص جوان را در میدان جاذبه خویش گرفتار ساخته و غریزه شهوت آنها را مشتعل می‌نماید. از نتایج زیان‌بار آن، شیوع انحرافات جنسی و رنج جسمی و روانی شدید است و چه بسا روزگار آدمی را سیاه و زندگی را تبه می‌سازد. براین اساس، زنان این گونه از هر دو جهت مشمول این کلام خدای سبحان می‌شوند که می‌فرماید: (ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره والله یعلم و انتم لا تعلمون)؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها و گناهان قبیح در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است و خداوند از عواقب شوم و آثار مرگبار فحشا آگاه است اما شما از ابعاد گوناگون و زیان‌بار آن آگاه نیستید. این که نفرمود کسانی که اشاعه فحشا می‌کنند، بلکه می‌فرماید دوست دارند چنین کاری کنند، یا از جهت نهایت تاکید در این زمینه است؛ یعنی آنهایی که دوست دارند که زشتی‌ها شیوع پیدا کند عذابشان شدید است، چه برسد به این که با اعمال و گفتار خود اشاعه فحشا کنند و یا از جهت آن است که محبت همانند کفر گاهی قلبی است و گاهی عملی یعنی کردار ناشایست آنها موجب ترویج و شیوع گناهان زشت می‌شود و مراد از «فحشا» هرگونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ است، اعم از این که بی‌حجابی و بدحجابی و انحرافات جنسی یا غیراینها. بنابراین زنان با فروافکندن لباس حیا- پوشش دینی- همانند آتش‌سیاری می‌شوند که به هر جا گام می‌نهند آنجا را آتش زده و شخص و شخصیت جوانان و نوجوانان را دچار حریق می‌سازند. راستی چه آتش‌سوزی بدتر از این وجود دارد که خرمن توانایی‌ها و استعدادهای خود و نسل جدید را می‌سوزاند و شخصیت و انسانیت آنان و خویشتن را تبه می‌سازد. اگر این بانوان می‌دانستند همواره مرتکب چه جنایاتی بر خود و افراد جامعه می‌شوند و اگر حقیقت عمل ناهنجار خویش و گناهان عظیمی که بردوش دارند را مشاهده می‌کردند، هرگز یک لحظه هم آرام نمی‌نشستند تا این آتش افروخته شده بردوش خویش را با آب توبه خاموش و خود را با دستوره‌های سازنده اسلام اصلاح نمایند.

باتوجه به مطالب مذکور، معنای عمیق حدیث ذیل روشن می‌شود، حضرت امام رضا(ع) فرمودند: نقش انگشتر حضرت عیسی(ع) دو جمله بود که از انجیل گرفته شده بود: خوشا به حال بنده‌ای که به واسطه او یاد خدا حاصل می‌شود و وای به حال بنده‌ای که یاد خداوند به خاطر او فراموش شود. شریک در جرم گناه زن آسیب‌زا ضمن این که هنگام حضور غیرشرعی در جامعه و در برابر افراد نامحرم پیوسته برای او گناه و سرپیچی از حکم الهی ثبت می‌شود، در جرم و گناه کسانی که از طریق او به گناه جنسی، لایقیدی، جرم و جنایت، اعتیاد، ظلم و غیره آلوده می‌شوند، شریک خواهد بود و در نهایت گرفتار عکس‌العمل رفتارها و پوشش نامناسب و غیرعقیفانه خود در برزخ و آخرت و گاهی در دنیا می‌شود و این نکته مهمی است که عقل سالم بر آن نظارت دارد؛ چنانکه قرآن کریم نیز در این زمینه به عنوان قانون کلی می‌فرماید: من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها و من یشفع شفاعه سیئه یکن له کفل منها و کان الله علی کل شیء مقیتا؛ کسی که تشویق به کار نیکی کند بهره‌وافر از آن برای او خواهد بود و کسی که تشویق به کار بدی کند سهمی از آن خواهد داشت و خداوند حساب هر چیز را دارد و آن را حفظ می‌کند. مطابق آیه، منطبق اصل اسلام در مسائل اجتماعی و خانوادگی آن است که مردم جامعه و اعضای خانواده در سرنوشت اعمال یکدیگر از طریق راهنمایی و تشویق زبان یا عمل شریک می‌باشند. هرگاه گفتار یا کردار حتی سکوت و اشاره انسان سبب تشویق فرد یا گروه و جمعیتی به کار نیک یا بد شود، سهمی از پاداش یا کیفر آن کار و آثار و نتایجش برای تشویق کننده خواهد بود، بدون آن که از ثوابی یا گناه فاعل اصلی(انجام دهنده عمل) کاسته شود؛ چنان که از پیامبراسلام(ص) چنین نقل شده: من آمر بمعروف او نهی عن منکر او دل علی خیر او اشار به فهو شریک و من امر بسوء او دل علیه او اشار به فهو شریک؛ هر کس امر به کار نیکی یا نهی از منکر و گناهی کند یا به عمل خیر راهنمایی نماید یا اشاره به آن کند- و به نحوی باعث تشویق به خیر شود- در آن عمل نیک سهمیم و شریک است و هر کس دعوت به کار بد یا راهنمایی اشاره و تشویق بدان نماید او نیز در آن عمل بد شریک است. بنابراین در فرهنگ کامل اسلام تنها انجام دهندگان گناه و کار زشت، مسئول و گناه کار نیستند بلکه تمام کسانی که به نوعی زمینه گناه و جرم را فراهم کردند نیز مسئول و معصیت کار شمرده می‌شوند. قرآن درباره نتیجه اخروی گمراه کردن و به گناه کشاندن دیگران می‌فرماید: (لیحملوا اوزارهم کامله یوم القیامه و من اوزار الذین یصلونهم بغیر علم الا ساء ما یزرون)؛ روز قیامت هم باید بار گناهان خود را به طور کامل بردوش کشند و هم سهمی از گناهان کسانی که به جهالت از راه حق گمراه و منحرف می‌سازند، آگاه باشید که آنها بارسنگین بدی بردوش خواهند کشید. گذشته از اینها، در شیوع این اعمال منافی عفت و پی آمدهای ناگوار آنها، غالباً در درجه اول خود زنان خودآرا و بدحجاب و بی‌حجابی قربانی مهلکه و بازنده بازی می‌باشند. هم‌چنان که پدران، برادران، شوهران، فرزندان و دیگر بستگان نزدیک آنان نی در خطر سقوط در این مهلکه‌ها هستند و در حقیقت این زنان در همین دنیا به برخی از سزای اعمال خود رسیده و شاهد انحراف اخلاقی و جنسی خود و نزدیکان خویش می‌باشند؛ چنان که بسیار دیده و شنیده شده است. برای رهایی این زنان از بند اسارت خودنمایی، کافی است باور کنند که هر سخن و رفتاری که از آنها صادر می‌شود در شهود و حضور خداوند بزرگ است، چنانکه در قرآن می‌فرماید: (ولا تعلمون من عمل الا کنا علیکم شهوداً اذ فیضون فیه)؛ هیچ عملی را انجام نمی‌دهید مگر این که ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می‌شوید. پیامبر(ص) هرگاه این آیه را تلاوت می‌کردند گریه شدید می‌نمودند. صدای ظریف و لبخند ملیح جاذبه صدای ظریف، آهنگ شیوا، خنده و تبسم ملیح زن از جمله ابزارها و سلاح‌های طبیعی زن برای نفوذ و جذب مردان است؛ زن با صوت دلربا و خنده نمکین، دل همسر را نوازش می‌دهد و غبار غم، اندوه و خستگی را از صورت و چهره جان او می‌شوید، به ویژه اگر با ناز و نرمش و سخنان حق و روشنگرانه همراه باشد و به زندگی مرد حرارت، گرمی و صفا بخشیده و محبوبیت خود را نزد او حفظ و استوار می‌کند. تاثیر و نفوذ صدای زیبای زن اگر توأم با ناز و کرشمه در برابر نامحرم باشد، به ویژه همراه با خنده و تبسم روی بیگانه‌ای که از نبود یا کمبود عاطفه در خانواده یا اجتماع رنج می‌برد، آن‌چنان اثرگذار است که طوفانی در دل او- مخصوصاً اگر جوان باشد ایجاد می‌کند که اعتدال و آرامش او را برهم

می‌زند و ذهن و اندیشه او را تا مدت‌ها به زن معطوف می‌کند و از امور حیاتی و ضروری منحرف و به لذت‌های شهوانی مشغول می‌نماید، در حالی که زنان، معمولاً به راحتی از کنار این موضوع می‌گذرند و رعایت احتیاط و احساس مسئولیت در برابر مردها و جوانان و نوجوانان با آن ضعف غریزی و خلا-عاطفی نمی‌کنند. تاثیر جاذبه‌های فوق، همانند سایر جاذبه‌های خدادادی زن تا اندازه‌ای است که گاه باعث می‌شود مردان بیماردل و شهوت‌طلب را به طمع انداخته، امنیت زن را به خطر اندازند و یا درصدد اغفال زن برآمده عفت، حیثیت و آبروی او را لکه‌دار کنند. در این باره، قرآن کریم، با نگاهی روان‌شناختی و جامع می‌فرماید: (فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً)؛ (با مردان) با نرمی و ناز و کرشمه سخن نگویند که انسان بیماردل در شما طمع کند و سخن نیکو و شایسته‌ای که عقل و وحی آن را به رسمیت شناخته بگوید. نقش لاقیدی و بدحجابی در ناکارآمد ساختن ابزارهای شخصیتی زن «اگر چه گفته شد، توانایی‌ها، مکانیسم‌ها و ابزارهای زن برای نفوذ در قلب همسر به شمار می‌رفت، البته مشروط بر آن که از این امور- که به حق و براساس حکمت و تدبیر الهی در نهاد زن به ودیعت نهاده شده- به درستی و در جهت اهداف عالی انسانی استفاده شود. اما در صورتی که در اثر کم‌توجهی یا بی‌مبالاتی زن، این توانایی‌ها و سازوکارها در معرض تهدید قرار گیرد و یا کم‌رنگ شود، نتایجی که به دست می‌آید نه تنها به سود زن نخواهد بود، بلکه او را به سمت انحطاط و شکست خواهد کشاند که در این جا به توضیح و تحلیل این امر مهم پرداخته می‌شود. بدحجابی، لاقیدی و آزاداندیشی آزاداندیشی و روشن بینی، در پرتو تقوا و عقل سلیم از حجاب‌های ظلمانی گناهان و صفات ناپسند به دست می‌آید؛ براین اساس زنی که اسیر لاقیدی یا بدحجابی می‌شود و یا بی‌اعتنایی یا دهن‌کجی به پروردگار خویش و دستور حجاب و پوشش، ارزش‌های وجودی خود را در جاذبه‌های ظاهری خلاصه نموده و از آن حقیقت روحی و استعدادها و ارزش‌های انسانی خود غافل می‌شود و پرده‌های هوا و هوس جلوی دیدگان حقیقین و آینده‌نگر او را گرفته و مانع آزاداندیشی او می‌گردد، معیارهایش در انتخاب همسر معمولاً مادی و ظاهری است و نسبت به ملاک‌های اصیل و ارزشی غافل بوده و یا توجه لازم و کافی به آنها ندارد، لذا در گزینش و انتخاب عاشق راستین، به عنوان شریک زندگی خود به خطا رفته و در نتیجه در زندگی شکست می‌خورد. افزون براین، چنین زنانی از شخصیت فکری و اخلاقی سالم و معتدل برخوردار نیستند، تا عاشق و دل‌داده واقعی داشته باشند، اینان یا از نظر عقل و اندیشه درباره حجاب و پوشش اسلامی فکر و عقیده نادرستی دارند و فریب شبهات و تبلیغات زهرآگین برضد حجاب اسلامی را خورده‌اند؛ به گونه‌ای که به دستور خدا و پیامبر او (ص) و امامان (ع) و سیره الگویی و سخنان اخلاقی حضرت زهرا (ع) در زمینه عفاف و حجاب اعتنا نمی‌کنند، که معمولاً دختران جوان مسلمان ما از این گروه می‌باشند و یا به لحاظ روحی و اخلاقی شخصیت بیمار و ناسالمی دارند و اموی هم‌چون پوشش اسلامی را با مزاج روحی خویش سازگار نمی‌یابند. همانگونه که اگر کسی به بیماری سوء هاضمه یا مرض دیگر مبتلا شده باشد، چه بسا میل به غذا- اگر چه بهترین خوراک باشد- نداشته و یا از آن متنفر و گریزان می‌گردد، کسانی که روحشان نیز با گناهان و صفات ناشایست مکدر شده است، شخصیت معنوی و باطنی آنها بیمار و مسموم گشته، در نتیجه مزاج ملکوتی‌شان از پذیرش دستوره‌های الهی که در حقیقت غذا و خوراک جان آدمی است- باز می‌ماند؛ از این رو هر فردی به اندازه پاک‌ی روح و روان، از غذاها و مائده‌های آسمانی و معنوی و لذایذ حصال از آنها بهره‌مند می‌گردد و به میزان آلودگی‌های روحی و باطنی از آن نعمت‌های روان‌پرور محروم گشته و به دردها و آلام روحی و روانی گرفتار می‌شود. چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: بالصحه تستکمل الله؛ با صحت و عافیت، لذت انسان کامل می‌شود. این صحت، اعم از سلامتی جسمی و روحی است؛ سلامتی بدن، لذت کامل جسمی را به دنبال دارد و صحت روح، لذت کامل روحی و معنوی را. مردی که در غیرت ضعیف و سست است و از خودنمایی همسر یا دختر خود نه تنها ناراحت نیست، بلکه مباهات هم می‌کند، دچار بیماری روحی و فکری است، هرچند در بعد جسمی سالم باشد. براین اساس چنین زن‌هایی از به دست آوردن عاشق واقعی، به عنوان همسر دلسوز و وفادار محرومند، چرا که عاشق راستین کسی است که عشق او بر پایه زیبایی باطنی زن، به ویژه حیا، عفت، وقار و پوشش اسلامی و دینی

باشد، هرچند زیبایی ظاهر هم مورد توجه قرار بگیرد؛ همانگونه که در اسلام نیز به آن توجه شده است. جوان با ایمان و عقیف به دنبال دختری می‌گردد که به لحاظ روحی و اخلاقی هم سنخ باشد؛ یعنی دختری باتقوا و عقیف. حتی کسانی که در ایمان و عفاف ضعیف بوده و از جاده مستقیم به بیراهه رفته‌اند، براساس فطرت الهی و الهام درونی خویش از امور منافی عفت و حیا متنفرند و خواستار ازدواج با دختران پاکدامن و باحیا و عفت می‌باشند. ویل دورانت - مورخ و فیلسوف غرب - می‌گوید: زنان بی‌شرم و حیا، جز در موارد زودگذر، برای مردان جذاب نیستند. مردان جوان به دنبال چشمان پراز حیا می‌باشند و بدون آن که بدانند حس می‌کنند که این خودداری ظریفانه - عفت و حیا - از یک لطف و رقت عالی خیر می‌دهد. خانم اوریزان مارون هم می‌گوید: مرد فطرتاً طالب دختری است که مانند بنفشه محبوب و سلیم‌الطبع و در عین سادگی و عفاف، دارای کمال، لطف و دلبری باشد؛ زنی که دارای صفات و ملکات فاضله بوده و نام «زن» شایسته اوست، هر جا و به هر حالت که باشد مورد تقدیس و احترام مرد واقع می‌شود. لاقیدی، بدحجابی و عاطفه قلب کانون عواطف، احساسات و انفعالات است؛ عاطفه از قلبی بر می‌خیزد و بر قلب دیگر می‌نشیند و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. میزان محبت و عاطفه هر فردی به اندازه سلامت روانی، عاطفی و طهارت روحی و قلبی او بستگی دارد؛ همانگونه که میزان انفعال و تاثیرپذیری افراد در برابر عواطف و محبت‌های خالصانه و اندرزاها و موعظه‌های دیگران نیز این چنین است. دل هر چه از صفات ناپسند و زنگار گناه دور و پاک باشد لطافت، طراوت و نرمی آن بیشتر خواهد بود؛ در نتیجه بیشتر تحت تاثیر اندرزاها و گفتارهای حق و مهر و محبت‌ها و امور عاطفی زن و دیگران قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل قلب مردان الهی منبع محبت زیاد و عواطف سرشار است؛ از یک سو به مردم به ویژه همسران خود محبت و علاقه فراوان دارند و در نتیجه در هدایت و کمک و یاری به آنها از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند و از سوی دیگر در برابر امور عاطفی دیگران سخت تحت تاثیر قرار می‌گیرند. جلوه‌گری و بدحجابی زنان در جامعه - که نشانه گم کردن هدف والای حیات است - مردان را هم از هدف آفرینش و زندگی غافل نموده و در مادیات، شهوات و اخلاق و صفات فاسد و آلوده غرق می‌کند، که باعث بیماری و تاریکی قلب و سخت و خشن شدن دل می‌شود و روشن است که انسان بیمار دل و قس‌القلب در برابر عواطف زنان کمتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد و چه بسا هیچ عاطفه‌ای را بر نمی‌تابد و چه بسا آن را به مثابه فریب و حيله نموده و بران واکنش منفی نشان می‌دهد. آن چه برای انسان ناآگاه و شهوت طلب اهمیت دارد، خودخواهی و هوس اوست؛ خودخواهی و خویش‌پرستی او مانع خدایی و دگرخواهی می‌شود. خودمحوری و حرکت در چهارچوب خواسته‌های شهوانی و حیوانی مجال جست و جو درباره شخصیت انسانی همسر را به او نمی‌دهد، تاسپاس گزار و پاسخ‌گوی عواطف و مهرورزی همسر خویش باشد. او خود را می‌بیند و بس، مگر آن که در نهان خانه دلش هنوز ردپایی از مهر و محبت مانده باشد. بر همین اساس است که مردان کم‌غیرت که ناموسشان را اعم از همسر و دختر - در برابر نامحرمان و چشمان معصوم نوجوانان و جوانان به نمایش می‌گذارند، همانند نمایش یک شیء مادی و فاقد ارزش معنوی، و قلب آنها را آلوده و غریزه آنان را منحرف و گمراه می‌سازند و با این همه از جهت عاطفی - نه دینی - هم متاثر و هوشیار نمی‌شوند؛ چنانکه این گونه افراد در اثر ضعف عاطفه - در کمک خالصانه و محبت به دیگران ناتوان‌اند. از سوی دیگر استفاده بهتر از توانایی‌ها و استعدادهاى زن، به ویژه از چشمه جوشان عواطف و محبت‌های او در صورت وجود زمینه مساعد و عوامل محرک ممکن و شدنی است. مهمترین گام در این راستا، حفظ سلامت روانی و عاطفی زن می‌باشد که در سایه عنایت به شخصیت انسانی و حفظ حرمت او، برخوردهای شایسته توأم با محبت و صداقت و برآوردن نیازها و خواسته‌های معقول وی تحقق می‌یابد. روشن است جامعه‌ای که مردان آن با اعمال و صحنه‌های تحریک‌آمیز زنان، به سمت لذت‌های شهوانی و مادیات و خودخواهی کشانده شوند و روح ملکوتی خود را فراموش نمایند و نسبت به شخصیت انسانی خود محبت نداشته باشند، نمی‌توانند حافظ و نگهبان حرمت و سلامت روانی و عاطفی همسران خویش باشند و در نتیجه، این چشمه‌های جوشان محبت به مرور از میان رفته و زنان در بعد عاطفی و محبت خلع سلاح می‌شوند؛ به همین جهت است که در دنیای غرب، نور عواطف و محبت‌های راستین

و خالصانه کم فروغ و یا خاموش گشته‌اند. به علاوه زنان آسیب‌زنا نیز در اثر فراموشی هویت ارزشمند خویشتن و ارتکاب گناهان بزرگی که ناشی از هتک حریم ارزشمند پوشش اسلامی و بروز فجایع و انحرافات است، طهارت و نورانیت قلبی، روحی و سلامت و بهداشت روانی و عاطفی خود را از دست می‌دهند. یکی از نشانه‌های آن، بی‌تفاوتی آنان در برابر واژگون شدن خود را از دست می‌دهند. یکی از نشانه‌های آن، بی‌تفاوتی آنان در برابر واژگون شدن ارزش‌ها، از هم پاشیدن خانواده‌ها، انحرافات و اعتیاد جوانان و نوجوانان و سایر پی‌آمدهای بی‌حجابی و بدحجابی و به طور کلی استوار ساختن لذایذ کاذب خود بر آلام دیگران است. چه این که بی‌توجهی آنان به دستورهای الهی درباره‌ی ضرورت حجاب عقیفانه و شئون اخلاقی در برابر نامحرمان و بی‌اعتنایی به اندرزه‌ها و پندهای خیرخواهانه، نشانه‌ی بی‌مجبیتی به خویشتن است. خلاصه آن که ایمان راستین و عفاف حقیقی، باعث گسترش عاطفه و محبت و دگر دوستی می‌گردد و بی‌ایمانی، بی‌بندوباری و شهوت‌طلبی موجب خمودی، سستی عاطفه و خودخواهی است، زیرا مبانی دینی و معتقدات و احکام اسلامی - که ضامن اجرایشان محبت خدا و پاداش‌ها و کیفرها می‌باشد - یگانه عامل سلامت و نورانیت دل و مهمترین وسیله‌ی حفظ و پرورش عواطف انسانی و انسان‌دوستی بالا-خص درباره‌ی همسر و فرزندان است. اما لاقیدی، بدحجابی، دوستی‌ها و روابط غیرمشروع دختران و پسران و امثال اینها سبب فراموشی ضمانت اجرا دو در نتیجه سست شدن ایمان، عاطفه، نوع دوستی و خیرخواهی در جامعه و خانواده می‌شود. افزون بر اینها، نشان دادن جاذبه‌های زنانه - به جای ارائه‌ی زیبایی‌های معنوی - در برابر دیدگان مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان، موجب رواج روابط به ظاهر دوستانه مردان و زنان جوان شده و مردان با این شیوه کاذب، نیازهای عاطفی خویش را تامین می‌کنند و از ابزار محبت و عاطفه همسران - فعلی یا آینده - خود احساس بی‌نیازی می‌کنند و بدین ترتیب بانوان لاقید و بدحجاب، قوت تاثیر ابزار عاطفه را در تحکیم شخصیت و افزایش محبوبیت خویش از جهات گوناگون نزد همسران از دست می‌دهند. بدحجابی و آرایش برای همسر زنانی که حریم ارزشمند خود را پاس ندارند و با خود آرایشی و نشان دادن زیور و جاذبه‌های خود در برابر نامحرمان حاضر شوند، طبیعتاً چشم مردان عادی به دنبال آنها خواهد بود، در نتیجه نسبت به همسران خود و آرایش آنان بی‌رغبت و یا کم‌رغبت خواهند شد، زیرا کثرت و تنوع جاذبه‌ها و آرایش‌های زنان در جامعه، خود آرایشی و زیباسازی زن در خانه را تحت‌الشعاع خود قرار داده و جاذبه‌ی آن را در نظر شوهرش از بین می‌رود، به خصوص این که با گذشت زمان و هم‌نشینی زن و شوهر در کنار یکدیگر، جذابیت‌ترین و آرایش‌زن در نزد مرد طبیعتاً کاهش پیدا می‌کند. بنابراین زنانی که با فروش رایگان زیبایی‌ها و جاذبه‌های خدادادی، نظر مردان نامحرم جامعه را به خود جلب می‌سازند، در واقع مشغول خلع سلاح خود و هم‌نوعان خویش می‌باشند، که نتیجه‌ی آن تخریب یا تشعیف حرمت و معشوقیت آنان است، مگر زنان عقیف و محجبه که از نعمت شوهر عقیف و باتقوا برخوردار باشند. در مقابل، جامعه‌ای که از زینت عفاف و حیا و پوشش کامل زنان و غیرت مردان برخوردار باشد و نمایش جاذبه‌های زنانه محدود به خانه و همسر باشد، از یک سو ارزش و منزلت و موقعیت زنان در نظر مردان فوق‌العاده بالا می‌رود و از سوی دیگر قدرت میل و حرص مردان به جاذبه‌ها و زیبایی‌های زنان افزایش می‌یابد. مردان از آن جا که در خارج خانه به زنان دسترسی ندارند، طبیعتاً به همسران خویش و جاذبه‌های آنان جذب می‌شوند که همین امر مایه گرانها شدن آنها، تداوم بخش محبوبیت آنان و استحکام خانواده خواهد بود و به قول ویل دورانت: آن چه بجویم و نیابیم عزیز و گرانها می‌گردد، زیبایی یک شیء - چنان که خواهیم دید - بستگی به قدرت میل به آن شیء دارد، میلی که با اراض و اقناع ضعیف می‌شود، با منع و جلوگیری قوی می‌گردد. لاقیدی و غریزه جنسی ترک عفاف و حجاب کامل اسلامی، باعث شعله‌ور شدن نیرومندترین غریزه آدمی یعنی غریزه جنسی و در نتیجه شیوع روابط نامشروع و غیرانسانی بعضی از زنان و مردان است. به هر اندازه که حجب و حیای زنان در فضای جامعه از بین برود، غریزه شعله‌ورتر و روابط نامشروع برای اطفال غیرایز افزایش می‌یابد. مردانی که از این طریق ناپسندانه، غریزه خود را اشباع نمایند، دیگر نیاز غریزی ندارند تا برای تامین آن، رضایت خاطر همسرشان را به دست آورند. بنابراین هرچه لاقیدی و روابط نامشروع حیوانی افزایش یابد غریزه جنسی در خانواده کارآیی

خود را از دست خواهد داد. به همین دلیل این زنان با رعایت نکردن شئون انسانی و اسلامی در اجتماع فرصت‌های طلایی را از دست داده، ضربه‌های بسیار بزرگ و غیرقابل جبران بر محبوبیت خود نیز و همسران خویش زده و مهم‌ترین رکن خانواده و پیوند خانوادگی را سست می‌کنند. افزون بر این که اوج فعالیت و لذت غریزه جنسی زن در صورتی است که روابط شوهر با او براساس احترام و محبت و صداقت باشد و به شخصیت حقیقی و حقوقی او توجه کامل کرده و زن در امنیت کامل به سر ببرد. بدیهی است روابط مردان بی‌تقوا و شهوت‌ران با همسرانشان هرگز چنین نیست و لذا زن در این لذت نامشروع ناکام خواهد بود و احیاناً زمینه برای انحراف او فراهم خواهد گشت. خودنمایی در جاهلیت قدیم و جاهلیت مدرن همانگونه که بیان شد، زنان عرب قبل از ظهور اسلام دارای پوشش و حجاب شایسته نبودند و با آشکار کردن زینت‌ها و نمایش برخی از اندام خویش در جامعه حاضر می‌شدند. این وضع با تجلی خورشید تابان اسلام نیز ادامه داشت و آیات و دستوره‌های الهی به تدریج در شرایط و موقعیت‌های مناسب نازل و بر مردم ابلاغ می‌شد، تا ایم که زمینه نزول آیات و جوب حجاب و حرمت خودنمایی در جامعه و مجالس عمومی آماده شد و آیاتی که گذشت به مردم، به ویژه زنان ابلاغ شد. اما به دلیل اهمیت موضوع که بی‌توجهی به آن باعث فساد اخلاقی فردی و اجتماعی و تباهی ارزش‌های راستین انسانی و الهی و جایزگین شدن ضدارزش‌ها و حتی تلقی ارزش از آنها می‌گردد، پروردگار عالم مجدداً آن را با لحن توبیخ‌آمیز و هشدار دهنده‌ای مورد تاکید قرار می‌دهد، اما چنانکه در بحث قبل گفته شد به دلیل موقعیت خاص و خطیر زنان پیامبر اکرم (ص) خطاب را متوجه آنان می‌فرماید؛ ولی در واقع همه زنان مخاطب آیه هستند و به اصطلاح یک تیر و دو نشان است، چنانکه می‌فرماید: (وقرن فی بیوتکن و لا تیرجن الجاهلیه الاولی)؛ در خانه‌های خود قرار بگیرید و همانند دوران جاهلیت نخستین که زنان به منظور خودنمایی از منزل خارج می‌شدند در میان مردم ظاهر نشوید. منظور از (قرن فی بیوتکن) این نیست که زن به طور کلی در خانه بنشیند، بلکه این است که برای خودنمایی و نمایش جاذبه‌های زنانه در میان مردم که عامل تضعیف و سقوط ارزش‌های الهی و انسانی است حاضر نشود، به قول استاد شهید آیت‌الله مطهری: تاریخ اسلام به صراحت گواه است که پیامبر اکرم (ص) زنان خود را به سفر می‌بردند و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی‌فرمودند. مقصود از این دستور آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود و مخصوصاً در مورد زنان پیغمبر اکرم (ص) این وظیفه سنگین‌تر و مؤکدتر است. چنانکه سیره حضرت زهرا (ع) نیز این بود که به هنگام نیاز و ضرورت، در جامعه حضور شرعی، صحیح و عقیفانه داشتند، نه حضور با پایین آمدن ارزش و شخصیت زن، از بین رفتن عفاف و پایمال شدن ارزش‌ها و حریم‌ها. حضرت زینب (ع) نیز که در دامن مطهر آن بانوی بزرگ اسلام و مادر نمونه پرورش و تربیت یافته بود با حضور عقیفانه و حفظ ارزش‌ها در کربلا و... درخشید و سازنده حادثه عاشورا و حافظ اهداف بزرگ قیام حسینی گشت و به جوامع، بیداری و هوشیاری و حیات معنوی بخشید و خواهد بخشید. «تبرج» به معنای ظاهر شدن در میان مردم است. برج ساختمان‌های بلند نیز از همین ماده است، زیرا همیشه در برابر دیدگان مردم ظاهر است. مقصود از جاهلیت نخستین (الجاهلیه الاولی) - چنانکه تفاسیر گویند - جاهلیت قبل از بعثت رسول گرامی اسلام (ص) بوده که در آن عصر وضعیت پوشش زنان، عقیفانه و خدایسندانه نبوده است، در حالی که موضوع عفاف و حجاب زنان، حکم و فرمان مشترک فطرت تمام انسان‌ها و شریعت تمام ادیان الهی می‌باشد و بنابراین طبق این آیه، خودآرایی و خودنمایی و بدحجابی زنان، عمل جاهلان‌های است که زنان عصر جاهلیت قدیم به آن مبتلا بودند و زنان مسلمان نباید زربار چنین ننگی بروند. ضمن این که تعبیر به جاهلیت نخستین نشان می‌دهد که جاهلیت دیگری همانند جاهلیت قبل از اسلام در پیش است و این در حقیقت یکی از پیشگویی‌های قرآن کریم است، که کاملاً با عصر ما منطبق می‌باشد و بلکه جاهلیت این عصر به اصطلاح متمدن به مراتب شدیدتر و بدتر و حتی به صورت مدرن است که مظاهر وحشتناک آن در دنیای غرب و کشورهای متمدن مادی‌گرات مشهود می‌باشد. متأسفانه جوامع اسلامی و جامعه اسلامی ایران نیز تا حدودی تحت تاثیر فرهنگ مبتذل غرب قرار گرفته و بعضی از زنان و مردان مسلمان با فراموشی فرهنگ غنی اسلام و مخالفت با فرمان پروردگار عالم درباره‌ی جوب حجاب عقیفانه و

غیر مردانه، پیرو فرهنگ بیگانه شده‌اند و ننگ جاهلیت مدرن را به جان خریدند چنانکه از امام صادق (ع) از پدر بزرگوارشان امام باقر (ع) در تفسیر این آیه مورد بحث: (ولاتبرجن تبرج الجاهلیه الاولى)؛ چنین آمده که فرمودند: ای ستمون جاهلیه اخری؛ یعنی به زودی جاهلیت دیگری خواهد آمد. لاقیدی، خودنمایی و سه دوره خطرناک فراروی امت اسلامی این پیش‌گویی قرآن، در فرمایش پیامبر (ص) که مرتبط با وحی و متصل با منبع بی‌نهایت علم الهی می‌باشد، به صورت شفاف‌تر آمده است که نشان می‌دهد سه دوره بسیار خطرناک، امت اسلامی را می‌گیرد؛ به گونه‌ای که هر دوره‌ای نسبت به دوره قبل فجیع‌تر است، آن‌جا که می‌فرماید: کیف بکم اذا فسدت نساءکم و فسق شبابکم و لم تامروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنکر؟ فقیل له: و یکون ذلک یا رسول‌الله؟ فقال: و شر من ذلک، کیف بکم اذا امرتم بالمنکر و نهیتم عن المعروف؟ فقیل له: یا رسول‌الله و یکون ذلک؟ قال نعم و شر من ذلک، کیف بکم اذا رايتم المعروف منکرا و المنکر معروفاً؟ چگونه است شما را آن زمانی که زنان شما فاسد می‌شوند و جوانان شما فاسق می‌گردند و حال آن که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید؟ به حضرت گفته شد آیا چنین می‌شود یا رسول‌الله؟ پیامبر فرمودند: بدتر از آن نیز می‌شود. چه می‌شود شما را زمانی که به کارهای بد فرمان می‌دهید و از کارهای نیک باز می‌دارید؟ باز به حضرت گفته شد: یا رسول‌الله آیا چنین چیزی می‌شود؟! پیامبر اکرم فرمودند: بله، بدتر از آن هم می‌شود. چگونه می‌شود بر شما آن زمان که نیکی‌ها در نظر شما بد و زشتی‌ها در نظرتان نیک جلوه می‌کند؟ ترتیب این سه مرحله بسیار تلخ و ناگوار در فرمایش غیبی پیامبر اکرم (ص) که از فاسد شدن زنان شروع و به منقلب شدن ارزش‌ها و ضدارزش‌ها ختم می‌شود، کاملاً طبیعی و منطقی و مرتبط با یکدیگر می‌باشد که در خور دقت است، زیرا وقتی زنان بالاخص جوانان آنها در اثر عوامل گوناگون از جمله فریب الفاظ زیبا و دلپسند و شعارهای فریبنده شیاطین، راموشی مقام با عظمت زن، دوری از فرهنگ غنی قرآن و تربیت ناصحیح خانوادگی، اعتلای شخصیت خود را در بی‌حجابی و بدحجابی و خودآرایی و خودنمایی در جامعه و دوست شدن با پسران و امثال این امور پنداشتند که اولین حرکت‌های فاسدانه و فاسقانه است و از طرفی فریضه حیاتی امر به معروف و نهی از منکر از سوی زنان عقیفه و مردان مسلمان در این باره، ترک و فراموش گشت، جوانان که شهوت جنسی آنان بیدار گشته، در اثر جاذبه‌های به نمایش گذاشته شده زنان تحریک گشته و با طغیان و سرکشی غریزه، به وادی شهوات و ارتباطات نامشروع می‌افتند و در نتیجه، زنان فاسد و جوانان فاسق می‌گردند. با ادامه این حوادث ناگوار در دوره اول، کم‌کم دوره دوم فرا می‌رسد. در اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، فساد زنان و فسق جوانان افزایش و ادامه یافته و همین امر علت تحقق دوره دوم می‌شود. در این دوره جرات برفساد و فسق افزایش یافته و قبح و زشتی برخی از گناهان به ویژه گناه بزرگ و مستمر بدحجابی‌ها و خودنمایی‌ها و روابط دختران و پسران از بین می‌رود؛ به گونه‌ای که به چنین گناهان و منکراتی امر می‌شود و غیرت و عفت و پاکی و حجاب دختران عقیف و پسران غیور مورد نهی و ملامت و تمسخر زنان فاسد و فریب خورده مردان کم‌غیرت یا بی‌غیرت و ضعیف‌الایمان قرار می‌گیرد، اما این‌جا آخر کار نیست. باز در اثر افزایش و ادامه این وضع در دوره دوم مخصوصاً با ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر از سوی خوبان و مسئولان جامعه و سیاه بودن کارنامه آنها نسبت به این واجب بزرگ الهی، به تدریج دوره سوم، که معلول دوره دوم و فرزند ناخلف و میوه تلخ آن است، پدید می‌آید. در این دوره به خاطر بیگانه شدن از فرهنگ ناب اسلام، افزایش گناهان، استمرار فسادها و فسق‌ها و آلودگی و تاریکی دل‌ها، حس تشخیص حق و باطل بسیاری از افراد جامعه به ویژه زنان و دختران فاسد و مردان جوانان فاسق از بین رفته و دگرگون می‌گردد؛ ارزش‌ها در نظر آنها تبدیل به ضدارزش و ضد ارزش‌ها تبدیل به ارزش می‌شود؛ تقوا، حیا، عفاف و حجاب اسلامی زنان که فرمان فطرت و شریعت و طاعت پروردگار عالم است، عیب و ضدارزش محسوب شده و ولنگاری و بدحجابی و ضعف یا فقدان غیرت و عفت، که ضدساختار و آفرینش انسان و مخالف دستوره‌های الهی است و خشم و غضب خداوند سبحان را بر می‌افروزد، نیک و ارزش و نشانه شخصیت و آزادی و روشن‌فکری و نظایر این عناوین جذاب شمرده می‌شود. دوستی دختران و پسران مدال افتخار شمرده شده و علامت قهرمانی و نشانه شجاعت حساب می‌شود و دختران و پسران با

عفت و حیا که افتخار و قهرمانی خود را با الهام از عقل و وحی، در غلبه برهوس و شهوت و اطاعت از خداوند متعال و پیروی از ارزش‌های راستین می‌دانند و از دوستی با غیرهم صنف خود دوری می‌جویند، هدف سلاح سرد و مورد تمسخر ساده‌لوحان غافل قرار گرفته و افراد امل، بی‌عرضه، مرتجع و عقب افتاده، ناموفق، غیرمتمدن، بی‌فرهنگ و... معرفی می‌کنند، که متأسفانه بعضی از عزیزان جوان و نوجوان پاک و با حیا نیز تحت تاثیر القائنات جاهلانه و بی‌دلیل و منطقی قرار گرفته و خود را باختند. با این که اهل حقیقت هیچ‌گاه نباید تحت تاثیر القائنات شیطانی قرار گیرند و از تمسخر و سرزنش نابخردان ملامت‌کننده نهراسند؛ (ولا یخافون لومه لائم). چه قدر جای تعجب و تأسف است که کار بعضی از زنان و مردان و جوانان بدانجا برسد که پاکی و طاعت خداوند متعال نزد آنان جرم و عیب تلقی شده و پاکان و بندگان مطیع الهی مطود آنان شوند و بی‌حیایی و مخالفت با خدای مهربان نزد آنها ارزشمند و نشانه‌ی رشد فکری و فرهنگی و شخصیتی باشد! نتیجه ازدواجهای خیابانی براساس آمار شماری از مراجعه‌کنندگان به دادگاههای نوعروسانی هستند که هنوز عروسی نکرده‌اند و اندکی از تاریخ عقدشان گذشته است که درخواست طلاق دادند. این موضوع نشان می‌دهد که بعضی از دختران درانتخاب همسر دچار شتابزدگی شده‌اند، و بدون تحقیق درباره خصوصیات اخلاقی و دینی جوان موردنظر و بدون مشورت با والدین و ریش سفیدها، پس از دیدار سطحی در خیابان راضی به ازدواج می‌شوند در نتیجه پس از چندی پشیمان گشته و زندگی‌شان با شکست مواجه می‌شود. سرپرست مجتمع قضایی خانواده، در این مورد می‌گوید: آیا برای ازدواجی که نطفه آن در دیدارهای سطحی خیابان بسته می‌شود و ملاک‌ها، تنها صورت ظاهر و به رخ کشیدن ثروت و نشان دادن پیراهن و شلوار براساس مد روز باشد. سرنوشتی جز این را می‌توان انتظار داشت؟! اگرچه دختر و پسر باید یکدیگر را بشناسند و ببینند همانطوری که اسلام عزیز به آن عنایت درد ولی این دیدارها در حضور والدین و بزرگترها صورت گیرد تا جوانان عزیز مخصوصاً دختران به وسیله دلسوزانشان راهنمایی شوند و ملاک و معیار در شناخت افراد به کمک آنها برایشان بیان شود. بهترین سلاح شیطان رسول خدا(ص) فرمود: «اوثق سلاح ابلیس النساء». مطمئن‌ترین اسلحه برای شیطان، زنان هستند. شیطان برای نابودی بشر سلاحهای متعددی دارد. همان‌گونه که انسانها برای جنگ با دشمن، سلاحهایشان متعدد می‌باشد. لکن آن سلاحی که از همه بیشتر قابل اعتماد برای شیطان در جنگ با انسان است و او را کاملاً موفق کرده زنان بی‌تقوا هستند. از این حدیث معلوم می‌شود شیطان هر وقت از راههای مختلف برای از بین بردن انسانها مایوس می‌شود، از وجود زنان هرزه و بی‌اعتقاد استفاده می‌کند. زنانی که به غیر از خودآرایی به چیز دیگری فکر نمی‌کنند همانها که بازبچه دست مردان ظالم بوده‌اند. در روزگار ما نیز یکی از مؤثرترین عوامل استعمارگران در ظلم و غارت مردم جهان بویژه کشورهای اسلامی زنان فاسدالاخلاق هستند. خداوند سبحان می‌فرماید: «زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطره من الذهب و الفضة و الخیل المسموه و الانعام و الحرث ذلک متاع الحیوه الدنیا و الله عنده حسن الماب». محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلو داده شده است (تا در پرتو آن آزمایش و تربیت شوند ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند) رمایه زندگی پست (مادی) هستند، و سرانجام نیک و زندگی عالتر و جاودانه‌تر در نزد خدا هست. این آیه و مشابه آن هیچ‌گاه علاقه معتدل نسبت به زن و فرزند و اموال را نکوهش نمی‌کند. زیرا پیشبرد اهداف معنوی بدون وسایل مادی ممکن نیست و از طرف دیگر دنیا و آنچه در آن است اعم از خوراکیها و پوشیدنیها و آنچه در آسمانها و زمین هست همه زیبا هستند زیرا اینها نعمت و نشانه‌های قدرت و عظمت خداوند قادر می‌باشند. عواقب اسفبار بی‌حجابی و بدحجابی ۱- ضایع کردن حق شوهر خداوند سبحان بدن و اعضای آن را به عنوان امانت به ما داده است. و صاحب اصلی، خدای بزرگ است. زینت و زیبایی زن که از نعمت و امانت حق تعالی محسوب می‌شود نیز پس از ازدواج مربوط به شوهرش است، نه اینکه آن را در معرض دیدگاه عموم قرار دهد. رسول خدا(ص) فرمودند: «ایما امراه تطیبت لغير زوجها لم تقبل منها صلاه حتی تغتسل من طیبها کغسلها من جنابتها». هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو و آرایش کند، خداوند نماز او را

قبول نمی‌کند، تا اینکه برای پاک ساختن خود از آن، غسل کند چنانکه خود را از جنابت، غسل می‌دهد. ۲- محروم از محبت زن هرچه عفتش بیشتر باشد در قلب مرد بیشتر جای دارد و زن بی‌بندوبار چون ترس از خداوند در دلش نیست و عفت ندارد، نمی‌تواند محبت شوهرش را به دست آورد. ۳- آفت تحصیل علم هرچه قدر زن عفت بیشتری داشته باشد، در تحصیل علم موفقتر می‌باشد. زیرا تحصیل علم نیازمند تمرکز فکر است و دختر یا زنی که به دنبال خودنمایی است و هر لحظه برای جلب مردان هرزه خود را به شکلی در می‌آورد، دیگر تمرکز حواس ندارد و در تحصیل علم موفق نخواهد بود. ۴- پیوسته زیانکار راستی او که خود را در معرض دید نامحرم قرار می‌دهد. در مقابل، دل چه کسی را به دست می‌آورد؟ دل جوانان و مردان هرزه را، زیرا مرد مسلمان و مومن حقیقی از این کار، متنفر است. آیا دل آن گونه افراد به دست آودن، ثمره دنیوی و اخروی دارد؟! حال که خداوند چنین نعمت تندرستی را بذل و بخشش نموده، رسم امانتداری و بندگی او این است که رضای وی را به دست آورده نه دل مردان هرزه که زنان را وسیله‌ای برای اهداف شیطانی خود قرار می‌دهند. ۵- تباهی شخصیت گویند مرد شمشر زن است و زن شمشر ساز است. پیوسته در طول تاریخ مرد در صحنه مبارزه علیه طاغوت از مدد زن بهره جسته است. حضرت خدیجه در کنار رسول خدا(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س)، در کنار حضرت علی(ع) حضرت زینب(س) در کنار برادرش امام حسین(ع) مبارزه کردند. زنی که چنین مقام و ارزشی دارد، چرا باید آن قدر سقوط کند تا آنجا که ملعبه مردان هرزه و شهوتران باشد. کمبود تربیت و شخصیت و محبت را نمی‌توان با عشو و ناز و کرشمه با نگاه کردن مردم به دست آورد. جز آنکه آدمی روز به روز از نظر روحی افسرده و ناامیدتر و از لحاظ جسمی زشت‌تر، و از نظر اجتماعی مورد تنفر انسانهای مؤمن قرار خواهد گرفت. زن بدحجاب به جای این که عفت را که ارزش زیادی دارد حفظ کند تا مردم با عزت و احترام به سراغ او بیایند، با بدحجابی و نشان دادن خود به دیگران، خویش را بی‌ارزش می‌کند. ۶- نوعی شرک شاید بتوان مدپرستی را نوعی شرک دانست. زن اگر تعدادی لباس متنوع داشته باشد، در حالی که به حد اسراف نرسد و با پوشیدن آنها شوهر را خوشحال کند، امر پسندیده‌ای است. ولی نباید هم و غم خود را این گونه مسائل قرار دهد تا جایی که برای رضایت دیگران و فخرفروشی و مدپرستی شوهرش را تحت فشار قرار دهد، و او را مجبور به قرش کردن شود و نزد دیگران شرمنده گردد. ۷- موجودی مصرفی زن بدحجاب را باید مصرف‌گری شناخت که با رفتار خود جز مفسده و ضرر چیزی به بار نمی‌آورد، زیرا با مصرف و حرکات تحریک‌آمیز منشأ انحراف و فساد در جامعه می‌گردد. ۸- اضطراب بی‌پایان آنگاه که اصل و کمال در انسان لباس و مدپرستی باشد هر چه می‌بیند، می‌خواهد و دایم به فکر و تهیه آن است. و چون آماده کردن آنها بسیار مشکل و گاهی نامقدور است، روح او همیشه مضطرب و پریشان است و مانند کسی است که گم کرده خود را پیدا نمی‌کند. ۹- تاخیر در ازدواج این امر عجیب نیست که اغلب خانواده‌ها و جوانان از زن بی‌تقوا و بدحجاب که هر روز از لحاظ اقتصادی و اجتماعی برای آنها دردسر ایجاد کند، متنفر می‌باشند. در نتیجه سراغ دخترانی که چنین اوصاف و حالاتی دارند، نمی‌روند. از سویی غیرت به آنها اجازه نمی‌دهد دختری را که زبانه‌زد ارادل است، شریک و همراز زندگی خود قرار دهد. طبق این اصل دختران بدحجابی که به همین علتها ازدواجشان به تاخیر می‌افتد کم نیستند. ۱۰- پاشیدگی زندگی وقتی ارزش و ملاک در زندگی بعضی‌ها ظواهر و تجملات و مدپرستی باشد چون اینگونه امور زود کهنه می‌شود در نتیجه چنین افرادی مطلوب و مرادشان را هم زود از دست می‌دهند، و سرانجام کار به جدایی می‌کشد. اصولاً در چنین خانواده‌ها چون عقل در انتخاب همسر نقشی ندارد اساس خانواده زود متزلزل می‌شود و سرنوشت آنها جز طلاق و سرگردانی زن و بچه‌ها، و گاهی انحراف آنها چیز دیگر نیست. از سویی زن بدحجاب و بی‌تقوا در اثر ناز و کرشمه و حرکات شیطانی خود باعث توجه مردان ضعیف‌الایمان به خود می‌شود، در نتیجه، آن مردان به زنان خود بی‌اعتنا می‌شوند و سرانجام این زن بی‌تقوا سبب سردی و از هم پاشیدگی زندگی یک یا چند خانواده می‌شود، و عواقب شوم و گناه بزرگ این عمل زشت به گردن اوست. بعدها زنی هم از او زیباتر اساس زندگی وی و خانواده‌اش را از بین می‌برد. ۱۱- عامل فساد و ظلم، سقط جنین و سایر گناهان اگر در یک کشور دین و مذهب حاکم نباشد، هیچ قدرتی قادر به

جلوگیری از جنایات و جریام در آن جامعه نیست اگر چه از نظر نیروی انسانی، تجهیزات و اطلاعات قوی باشد، زیرا نیروی پلیس و... حداکثر کاری که می‌کند ظواهر کشور را از لحاظ مفسد حفظ می‌کنند و از باطن کار، خبر ندارند. بنابراین باید یک نیروی دیگر در کنار این نیروی ظاهری باشد، تا جامعه از انحطاط رهایی یابد و آن نیروی دیگر از دین باید فرا گرفت، زیرا قدرت دینی در روح انسان نفوذ می‌کند و همیشه در خلوت و آشکار همراه انسان هست و او را به کارهای خوب تشویق می‌کند و از انجام امور زشت باز می‌دارد. این نیرو که همان ایمان به مبدأ و معاد است از میلیونها پلیس برای جامعه مفیدتر است و تا زمانی که دنیای امروز مجهز به این قدرت درونی و اعتقادی نشود، آمار جنایان و مفاید زیادتر می‌گردد. عاقبت تسامح و سهل انگاری نسبت به روابط زن و مرد حضرت محمد(ص) فرموده است: «المرأه عوره فاذا خرجت استشرهها الشیطان». «زن سراسر پیکرش (اندام، حرکات و صدایش) شهوت‌انگیز و تحریک کننده است. هنگامی که از خانه خارج می‌شود شیطان سراسر وجود او را احاطه می‌کند.» این حدیث مربوط به زنانی است که در برابر نامحرم چه در داخل منزل و چه خارج منزل و محل کار و تحصیل و... حجاب کامل را رعایت نمی‌کنند و با لباسها و سخنان و حرکات تحریک آمیزشان فضای جامعه را آلوده می‌سازند. براساس همین روایت و روایات دیگر است که مراجع بزرگوار می‌فرمایند: نمایان بودن بدن زنی حتی پا، در برابر نامحرم جایز نیست و پوشاندن دستها و گردی صورت نیز هرگاه آشکار بودن آنها سبب تحریک نامحرم باشد، واجب است. مردان نیز نمی‌توانند به صورت و دست نامحرم آنگاه که با آرایش و زینت همراه است نگاه کنند و هرگاه بدون آرایش باشند نیز اگر به قصد لذت بردن نگاه کنند حرام است. و باز مراجع می‌فرمایند: پوشیدن هر گونه لباسی که جلب توجه نامحرم کند برای زن حرام است. و زن در صورت ضرورت بیش از چند کلمه با نامحرم نمی‌تواند صحبت کند. و همچنین می‌فرمایند: اگر دختری که سن او بیشتر از سه سال است فوت کرد مرد نامحرم نمی‌تواند او را غسل دهد و نیز پسریچه که بیش از سه سال دارد زن نامحرم نمی‌تواند غسلش دهد. و در بحث قرائت نماز می‌فرمایند: زن در نماز صبح و مغرب و عشاء اگر صدایش را نامحرم می‌شنود احتیاط واجب است که نمازش را آهسته بخواند. و در احکام نگاه کردن بعضی از مراجع می‌فرمایند: نگاه کردن به بدن زن نامحرم و دختری که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد، و نگاه کردن به او عادتاً امکان تهییج و تحریک شهوت دارد و همچنین نگاه کردن به موی آن چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست آنان حتی اگر چه بدون قصد لذت باشد جایز نیست. و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد. و باز مراجع عظام می‌فرمایند: بودن مرد یا زن نامحرم در جای خلوت که دیگری نمی‌تواند به آنجا وارد شود حرام است و نمازشان صحیح نیست... اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز مرد و زن باطل است، اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده باشد نماز او صحیح و نماز دومی باطل است. این فتاوی مراجع عظیم‌الشان که از روایات ائمه اظهاری(ع) گرفته شده به ما می‌گوید: مسئله غریزه جنسی و برخورد دو جنس مخالف را باید جدی گرفت و اگر یک لحظه از موازین شرع مقدس اسلام غفلت کنیم جامعه اسلامی به حرام و گناههای بزرگ مبتلا خواهد شد. براساس همین که زن تمام او شهوت‌انگیز است حضرت محمد(ص) فرمود: وقتی زن در جایی نشست و بعد بلند شد، در آن مکانی که زن نشسته بود ننشیند تا جای او سرد گردد. و باز حضرت محمد(ص) فرمود: کسی که ایمان به خداوند بزرگ و روز قیامت دارد، شب را به صبح نمی‌کند در مکانی که نفس زن نامحرم را بشنود. امام محمدباقر(ع) فرمود: سخن گفتن با زن نامحرم، از دامهای شیطان است. فردوسی در این مورد می‌گوید: چون بازن پس پرده باشد جوان — بماند منش پست و تیره روان به خواهران محترمی که شاغلند و یا به هر عنوان با نامحرم روبه رو خواهند شد اگر چه در داخل منزل با امثال برادر شوهر و شوهر خواهر و... باشد توصیه می‌شود خیلی مواظب موازین شرعی و اخلاقی باشند. که ممکن است کوچکترین خنده و تبسیم و نرم سخن گفتن با نامحرم ایجاد فتنه و فساد نماید. و شیطان ملعون با وارد شدن در فکر و ذهن انسان بسیار مودیانه او را می‌فریبید، بطوری که گاهی انسان را در محل کار و منزل و... وادار به گناه می‌کند و بعد هم آن گناه را برای ما توجیه می‌کند. به این که ایشان مثل برادرت می‌ماند و یا می‌گوید: وقتی شما منظوری ندارید

خنده اشکال ندارد. در حالیکه آتش بسیاری از مفاصل و جنایات و روابط نامشروع از همین خنده‌ها و نرم‌سخن‌گفتن‌ها و... شعله‌ور می‌شود. نه تنها در برابر نامحرم بلکه آزاد بودن در برابر محرم هم حد و مرزی دارد.

حجاب و حریص شدن بر بی‌حجابی

طرفداران اخلاق جنسی معتقدند: آتش میل و رغبت بشر در اثر منع و محدودیت فزونی می‌گیرد و مشتعل‌تر می‌گردد اما در اثر ارضا و اشباع، کاهش می‌یابد و آرام می‌گیرد. برای این که بشر را از توجه دائم به امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف کنیم، یگانه راه صحیح آن است که هر گونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم و به او آزادی بدهیم. (۱) فروید و پیروان وی بر این اساس معتقد به آزادی‌گریزه جنسی شده‌اند اما استاد مطهری می‌گوید: "اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته‌اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع بی‌حد و حصر آن‌ها است. این‌ها فقط متوجه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها و عواقب سوء آن‌ها شده‌اند. طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این‌ها غریزه باید به آن آزادی مطلق داد. این‌ها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند همان‌طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن را دیوانه می‌سازد و چون این امکان وجود ندارد که هر خواسته‌ای برای هر فردی برآورده شود، بلکه امکان ندارد همه خواسته‌های بی‌پایان یک فرد برآورده شود، غریزه بدتر سرکوب می‌شود و عقده روحی به وجود می‌آید." (۲) به نظر استاد مطهری برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: ارضای غریزه در حد نیاز طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. (۳) اما این که می‌گویند: انسان نسبت به چیزی که از آن منع شود حریص است، مطلب صحیحی است، ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود. به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند اما او را ممنوع سازند. اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کم‌تر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت به آن کم‌تر خواهد بود. (۴) فروید "که طرفدار سرسخت آزادی‌گریزه جنسی بود، متوجه شد خطا رفته است، از این رو پیشنهاد کرد باید آن را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد". راسل "نیز که به آزادی جنسی معتقد است، اعتراف کرده که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آن چه با ارضا تسکین می‌یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روحی. یعنی روح انسان سیری ناپذیر است و اگر چه شاید از نظر حرارت جسمی در زمانی ارضا شود، اما چون انسان روح سیری ناپذیر دارد، به آن حد قناعت نمی‌کند و می‌خواهد از آن هم بالاتر رود. پس باید گفت: آزادی در روابط زن و مرد و یا بی‌توجهی به حجاب، از حرص و ولع نسبت به شهوت، پیشگیری نمی‌کند، بلکه سبب شعله‌ور شدن شهوات می‌گردد. آمار موجود در جهان گویای این واقعیت است. ره آورد آزادی جنسی در عصر حاضر، رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط جنسی و استفاده قهرآمیز از زنان و آزار جنسی در محل کار و بیماری‌های مقاربتی از جمله ایدز است. در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی دچار آزار جنسی می‌گردند. در مورد تجاوز جنسی نیز بررسی‌ها در لندن آشکار ساخت که از هر شش تن یک تن مورد تجاوز قرار گرفته بود. (۶) بر این اطلاعات باید آمار همجنس‌بازی‌ها و کشانده شدن به راه‌های دیگر را اضافه کنیم که همه نشان از آن دارد که عطش روحی هیچ‌گاه سیری‌پذیری نیست. اگر آزادی جنسی و روابط آزاد زن و مرد، حرص و ولع را کاهش می‌دهد، پس اتفاقات در غرب ناشی از چیست؟ بهتر است بگوییم آن قدر پیامدهای بد زیاد است که نسبت به آن بی‌اهمیت شده‌اند، نه آن که دیگر تجاوزات و راه‌های انحراف مانند همجنس‌بازی دیگر وجود ندارد. مانند این که کسی به خانه‌ای وارد می‌شود و می‌بیند بچه‌های خانه دیوار را خراب کرده، فرش‌ها را پاره کرده و ظرف‌ها را شکسته، آن وقت می‌بیند مادر خانه اصلاً ناراحت نیست یا توجه نمی‌کند. عدم توجه مادر، نشان آن نیست که وضع خانه به هم ریخته و خراب نیست، بلکه ناشی از بی‌توجهی مادر به وضعیت است. اسلام نه به صورت مطلق، غریزه جنسی را محدود و سرکوب کرده و

نه آن را به طور مطلق آزاد گذارده است. به نظر می رسد راه میانه ای را مطرح کرده است و آن عبارت است از: ارضای غریزه جنسی به صورت طبیعی و قانونمند با حفظ کرامت انسانی و امنیت روانی جامعه؛ پرهیز از تحریک و تهییج غریزه جنسی و تأکید بر آسان گیری در ازدواج. فلسفه اصلی پوشش، حیا و عفت است که خصلت بشری است و تمامی انسان ها آن را پذیرفته اند. البته نتایج دیگری نیز بر پوشش مترتب است، مانند سلامت جامعه و حفظ اصالت خانواده. پی نوشتها: ۱. استاد مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص ۲۶. ۲. همان، مسئله حجاب، ص ۱۳۰ - ۱۴۰. ۳. همان، ص ۱۰۴. ۴. همان، ص ۱۰۵. ۵. همان، ص ۹۸. ۶. مجله کتاب نقد، ش ۱۷، ص ۲۷۵.

پیامدهای بدحجابی

آسایش نداشتن خانواده: می دانیم که حجاب حافظ وقار و شخصیت و کرامت و اصالت و عظمت زن و حافظ زیبایی و منافع او برای شوهر است. گرمی خانواده ها، استحکام رابطه زن و شوهر، تداوم زندگی، آرامش قلوب مردان، ثبات دلبستگی و عشق و علاقه مرد به همسر قانونی و شرعی خود، برپایی خانه و خانواده، برجایی اعتماد و اطمینان مرد به زن، همه و همه مرهون پوشش و حجاب زنان است و اینکه مردان زیبایی چهره و زینت و زیور زنانی غیر از زن خود را نبینند. مردان اگر براحتی و به آسانی در تمام صحنه های اجتماعی به زنان دسترس داشته باشند، ضمانتی برای اثبات محبت و دلبستگی آنان به همسرانشان نخواهد بود؛ تحریک هوی و هوس و شهوات آنان را از زندگی خود دلسرد می کند و خود کلنگی برای خراب کردن کانون گرم خانواده خواهد شد. تاکنون، بی حجابی زن باعث گمراهی میلیونها مرد و به گناه افتادن دیگران و پیدا شدن هیولای طلاق در خانواده ها و به وجود آمدن عشق مرد به زن شوهردار و روابط نامشروع شده است. بعضی از مردان به سبب بدحجابی زنان از کانون خانوادگی خود دلسرد می شوند و دست از همسران خود می کشند و به قول معروف از زیر بار مخارج خانه که مسئولیتی بر دوش آنان است فرار می کنند و برای ارضای نیازهای شهوانی خود از زندگی خانوادگی دست شستند. روایت: امیرالمؤمنین (ع) خطاب به حضرت مجتبی (ع) و در حقیقت خطاب به تمام مردم فرمودند: محرم و نامحرم را جداً مراعات کن؛ زیرا این برنامه برای تو و همه زنان نامحرم مصونیت از افتادن در خیال گناه و خود گناه است، و اگر قدرت داری، چنان باش که زنان خانواده تو مردی غیر از تو را نشناسند. عواقب بدحجابی: الف - ضایع کرن حق شوهر: خداوند سبحان بدن و اعضا و جوارحمان را به عنوان امانت به ما داده است و صاحب اصلی خداوند بزرگ است. زینت و زیبایی زن که از نعمت و امانت حق تعالی محسوب می شود نیز پس از ازدواج متعلق به شوهرش است، نه اینکه آن را در معرض دیدگاه عموم قرار دهد. رسول خدا (ص) فرمودند: هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو و آرایش کند خداوند نماز او را قبول نمی کند، مگر اینکه برای پاک ساختن خود از آن غسل کند. ب - محروم از محبت: زن هرچه عفتش بیشتر باشد در قلب مرد بیشتر جای دارد؛ و زن بی بند و بار چون ترس از خداوند در دلش نیست و عفت ندارد، نمی تواند محبت شوهرش را به دست آورد. پ - آفت تحصیل علم: هر چقدر که زن عفت بیشتری داشته باشد در تحصیل علم موفقتر است. ت - تباهی شخصیت: کمبود تربیت و شخصیت و محبت را نمی توان با عشو و ناز و کرشمه و با نگاه کردن مردم به دست آورد، جز آنکه آدمی روز بروز از نظر روحی افسرده تر و ناامیدتر و از لحاظ جسمی زشت تر می شود و از نظر اجتماعی مورد تنفر انسانهای مؤمن قرار خواهد گرفت. ز - بدحجاب (به جای اینکه عفت را - که ارزش زیادی دارد - حفظ کند تا مردم با عزت و احترام به سراغ او بیایند)، با بدحجابی و نشان دادن خود به دیگران، خود را بی ارزش می کند. س - اضطراب بی پایان: آنگاه که اصل و کمال در انسان لباس و مدپرستی باشد، هر چه می بیند می خواهد و پیوسته به فکر تهیه آن است؛ و چون آماده کردن آنها مشکل و گاهی نامقدور است، روح او همیشه مضطرب و پریشان است و مانند کسی است که گم کرده خود را پیدا نمی کند. ش - خنده فرشتگان در عالم قبر: رسول خدا (ص) از حضرت جبرئیل (ع) سؤال کرد که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟

جبرئیل فرمود: بله، (یکی از جاهایی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجاب و بدحجابی می میرد و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهرش) از خود غیرت نشان ندادند و او را پوشانند؛ ولی اکنون که مرده است و همه از دیدنش نفرت دارند او را می پوشانند.

ماهیت شناسی پدیده بی حجابی، زمینه ها

ماهیت شناسی پدیده بی حجابی، زمینه ها چکیده مسئله اساسی در پژوهش حاضر، ماهیت شناسی پدیده بی حجابی، زمینه ها و راهکارهای اجتماعی اصلاحی بوده است. بر این اساس دو سوال پژوهشی پیرامون؛ عمده ترین زمینه های موثر در بروز پدیده بی حجابی و راهکارهای اجتماعی ترویج فرهنگ حجاب طرح و مورد بررسی واقع شده است. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده و به منظور گردآوری داده های لازم جهت پاسخگویی به سوال های پژوهش اسناد و مدارک موجود، مرتبط و در دسترس با استفاده از فرم گردآوری داده ها جمع آوری و به شیوه کیفی تحلیل شده اند. یافته های پژوهش عبارتند از: ۱- عمده ترین علل مطرح در بروز پدیده بی حجابی را می توان در رویکردهای چون؛ رویکرد اقتصادی- اجتماعی، رویکرد ظاهرگرایی، رویکرد اخلاقی، رویکرد عاطفی و رویکرد روانی جستجو کرد به علاوه برخی از عمده ترین عوامل مطرح در تبیین پدیده بی حجابی نیز شامل؛ خودنمایی فردی، رسانه ها، جهانی سازی، نظام سرمایه داری، نهادهای دینی، رواج مد گرایی و توجه به تنوع پوشش های جدید، جذابیت پوشش های جدید از طریق تبلیغ در رسانه ها و ماهواره ها، کم ارزش یا بی ارزش جلوه دادن پوشش سنتی و مذهبی، تأثیر رسانه ها بر تغییر ذائقه مردان، تغییر در شیوه اشتغال زنان، مسافرت آسان به کشورهای غربی و تأثیرپذیری از رفتار دیگران، تزلزل بنیان خانواده، تساهل و تسامح مردان و الگوپذیری از فرهنگ غرب و غیره می باشند ۳- عمده ترین راهکارهای ترویج فرهنگ حجاب شامل؛ احیای فرهنگ اسلامی با تبیین و تشریح فلسفه و حکمت پوشش در اسلام، اصلاح نظام الگو سازی، تعریف استانداردهای فرهنگی مناسب جهت ترویج فرهنگ عفاف، فراهم کردن ابزارهای لازم برای ترویج الگوی مناسب پوشش اسلامی، برنامه ریزی و سیاستگذاری بلند مدت و مسئولانه نهادها و دستگاه های فرهنگی در جهت گسترش فرهنگ پوشش اسلامی، تجدید نظر محتوایی در نظام آموزشی کشور (اعم از مدارس و دانشگاه ها)، گنجاندن مطالبی درباره حجاب در کتاب های درسی، اصلاح عملکرد رسانه ها، بهره گیری از گفتمان، تولید فیلم، تیزرهای تلویزیونی، مناسب جهت به تصویر کشیدن زنان تحصیل کرده، ممتاز، متعهد و با حجاب، نشان دادن اثرات منفی فرهنگ مبتذل غربی، کنترل قانونمند جلوه های زننده بی حجابی از سوی دستگاه های قضائی، مقابله جدی با مراکز تولید کننده پوشاک غیراسلامی، روتق بخشیدن به فرهنگ صحیح امر به معروف و نهی از منکر، آسان سازی ازدواج برای جوانان و پاسخ به پرسش ها در زمینه حجاب اسلامی و غیره می باشند. کلید واژه گان: بی حجابی، زمینه ها، راهکارهای اجتماعی. مقدمه عده ای عصر کنونی را، عصر انقلاب ارتباطات و اطلاعات نام نهادند، برخی عصر کنونی را «قرن دیوانه» نام نهادند. بعضی ها از عصر کنونی «عصر برهنگی» نام بردند. زیرا برهنگی و بدحجابی، در این عصر به اوج خود رسیده است. روانشناسان بر این باورند که اولین ویژگی جهان امروز این است که در بحران معنویت به سر می برد البته این با معنای کلیشه ای متداول آن اشتباه نشود. بلکه در یک وجه منظور بحران معانی و مفاهیم است و در درجه دیگر منظور بحران معنویت و اخلاق است. دنیای پست مدرن دنیای شکستن باور انسان نسبت به یک مفهوم یا مفاهیم قابل باور است. با ورود به قرن بیستم انسان در باور دچار مشکل شد. نیچه می گوید: «در ورود به قرن بیستم خدا مرده است». این جمله به ظاهر کفر آمیز است که از دید ما یک انسان کافر این کلام را بر زبان رانده است. اما در بطن موضوع تصویر این معنا را دارد که انسان غربی وارد عرصه ای شد که هیچ چیز حتی خدا را مستحق باور ندارد. باید گفت، حجاب همواره یکی از شاخصه های اجتماعی دین داری تلقی شده

است. مطالعات تاریخی در ادیان الهی نشان دهنده ی این نکته است که پوشش مناسب همواره مورد تاکید آموزه های دینی بوده است بطوریکه تمامی تصاویر به جای مانده از زنان معنوی همراه با حجاب می باشد و این امر به هیچ وجه مورد خدشه قرار نگرفته است. مساله حجاب در چند قرن اخیر افت و خیزهای فراوانی را تجربه کرده است. با آغاز رنسانس و شکل گیری جنبش های ضد دینی در اروپا حجاب به عنوان یکی از نمودهای اجتماعی دین داری مورد هجمه روشنفکران قرار گرفت و با گذشت زمان نه تنها حجاب و پوشش مورد بی مهری قرار گرفت بلکه برهنگی و مدگرایی تبدیل به یکی از شاخصه های دنیای مدرن قرار گرفت (مطهری، ۱۳۸۲). بطوری که بعضی ها از عصر کنونی با نام «عصر برهنگی» نام بردند. زیرا برهنگی و بدحجابی، در این عصر به اوج خود رسیده است. عده ای از زنان از مقام گران مایگی به مرحله فرومایگی فرو افتاده اند و همسان شیطان از مقام قرب، دورگشته، زلیخا گری در این عصر توسعه پیدا کرده است. دیگر بعضی از زنان تنها در درهای بسته، به شکار یوسف و پیروان او اکتفا نمی کنند، بلکه به صورت پنهان و پیدا، از زمین و هوا، از خشکی و دریا، از چپ و راست، در کاخ و کوخ، در شهر و روستا، در خلوت و جلوت به دنبال شکار یوسف ها و پیروان وی هستند. زنان الگوگیر از زلیخاهای زمان، دیگر تنها به عرضه کردن خود به فرد یا افراد خاص بسنده نمی کنند، بلکه برای عرضه کردن خود، در آگهی های تلویزیون، فیلم های ماهواره ای، و فیلم های ویدئویی و رایانه ای، در نقش های لباس و ظروف، در مطبوعات و پوستره های تبلیغاتی و انتخاباتی، در خیابان ها... هم ظاهر می شوند و خودشان را به رایگان بر همگان عرضه می کنند. عرضه ای ارزانتر از هر کالا. در «تفسیر التبیان» آمده است که جاهلیت دوباره باز می گردد و منظور از جاهلیت آخرین، زمانی است که مردم همان گونه عمل کنند که قبل از اسلام عمل می شده است. در ایران طی سال های پس از انقلاب، بر اثر آسیب پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه گردید و عدم رعایت حجاب اسلامی، موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و تبدیل آن به عنوان مساله ای اجتماعی شد. به نظر می رسد وضعیت فعلی پوشش زنان در جامعه با تدقیق در فرآیند تغییرات ارزشی جامعه از فرامادی به مادی، توسعه شتابان، و نامتوازن دوران پس از پایان جنگ تحمیلی قابل تبیین می باشد. مساله حجاب به عنوان آسیبی اجتماعی، در سطح جامعه و نمادی از مسایل اجتماعی، در عمق جامعه است که اصلاح و ترمیم آن، نیازمند مهندسی فرهنگی و اتخاذ سیاست های فرهنگی و اجتماعی در این راستا است. در عرصه پوشش، غرب، مساله حجاب را با سوار کردن بر دو عامل روانی غریزه ی جنسی مردانه و خودنمایی زنانه منفعت های قابل ملاحظه ای را عاید بنگاههای اقتصادی مدرن کرد و برهنگی و خودنمایی جنسی را به عنوان ارزش جایگزین حجاب و پوشش های پیش از آن نشان داد (حداد عادل، ۱۳۷۲). ظهور مانکن در عصر مدرن و شویست های خوش اخلاق و خوش صدا در عصر پست مدرن (۱) به عنوان الگوهای آرمانشهر زمینی از کارکرد فوق تصویری برخوردار گشت (جی دان، ترجمه نجفی، ۱۳۸۵). پوشش در جامعه ایرانی، مشابه سایر اجزاء فرهنگ، اقتصاد و... ایرانی در عصر برزخی میان سنت و مدرنیته باقی مانده است. دو قطبی شدن فرهنگ در جامعه ایرانی، گسترش رفاه مادی و شکل گیری شاخصه های مدرن، جامعه نوظهور را که در تماس بیشتری با جهان غیر ایرانی و غیر اسلامی قرار دارد بر سر دو راهی انتخاب و شاید اجبار غربی شدن قرار داده است. می توان گفت تقید به پوشش اسلامی در این نسل کمتر شده است. موضوع کشف حجاب نوین یکی از بزرگترین و مشهورترین جرم ها و منکرات آشکاری است که نظام انقلاب اسلامی را به چالش کشیده است و برای بیگانگان نقطه امیدی است که فرهنگ صادراتی را از طریق ماهواره ها و عوامل داخلی شان به اجرا در آورده اند. حجاب در جامعه مسلمانان مانند دستگاه حرارت سنجی است که از ضمیر و درون خانواده ها و عملکرد فرهنگ پیام می آورد. و از حجاب اسلامی تنها نامی مانده و شعار «رعایت حجاب الزامی است». دکتر «نوال سعداوی»، فمینیست مصری معتقد است؛ «آرایش» یکی از بزرگترین سندهای بردگی زنان امروز است. او می گوید؛ «من حجاب زن را با حجاب ذهن، حجاب جهانی و حجاب سیاسی مرتبط می دانم و معتقد است که ما در دنیا همچنان در یک نظام برده داری پسامدرن زندگی می کنیم». زنان در نظام سرمایه داری به دام افتاده اند. از زنان به منزله تن و کالا استفاده

می‌شود. در نظام سرمایه‌داری در بازار آزاد، زنان به کالای جنسی و «تن‌های بدون سر» تبدیل می‌شوند». در راستای تبیین مبانی نظری حجاب در دوران کنونی برخی زمینه‌های بنیادی چون؛ عرفان معطوف به قدرت، معنویت‌های جدید و تخریب اذهان، تساهل و تسامح دینی و معنویت‌منهای شریعت قابل توجه می‌باشند. در این جا در خصوص هر یک از زمینه‌های فوق مباحثی به اختصار طرح خواهد شد. ۱- عرفان معطوف به قدرت: زمانی که نیچه فیلسوف آلمانی به علم معطوف به قدرت اشاره می‌کرد و بیان می‌نمود که علم جدید که در تمدن غربی متولد شده است غایت و مقصدی غیر از قدرت ندارد و به طور کلی رسیدن به معرفت متعالی از دستور کار علم حذف شده است، نمی‌دانست زمانی فرا می‌رسد که علم، وظیفه دستیابی به قدرت را به عرفان و معنویت محول می‌کند. تمدن جدید غربی نه تنها قصد استفاده از معنویت را دارد بلکه به دخل و تصرف در آن نیز می‌پردازد. امروزه یکی از بارزترین وجوه تمایل انسانها به فرقه‌های عرفانی بخصوص نحله‌های نهان‌روش و رازآمیز، تمایل به کسب قدرت و تسلط است. سینمای سالیان اخیر غرب به خوبی این تمایل جنون‌آمیز را ترسیم کرده است. قهرمانهای این گونه از تولیدات سینمایی برخلاف گذشته به ابزارهای جنگی پیشرفته یا بدنهایی عضلانی و قوی متکی نیستند، بلکه با ابزار بسیار قوی تر و مؤثرتر دیگری که همان قدرت ذهن و تمرکز است، با دشمنان خود به مبارزه می‌پردازند. قدرت ذهن وقتی که توسط مکاتب سری و جادوگری تقویت می‌شود قهرمانان را قادر می‌سازد که اشیاء را با نگاه خود حرکت دهند، در آسمان پرواز کنند، نامرئی شوند و به امکانات و قدرتهای خارق‌العاده فراوانی دست یابند که هیچ‌گاه ابزارهای پیشرفته تکنولوژیک به‌گردد آنها نیز نمی‌رسند. در اینجا باید به این نکته توجه داشت که جادوگری در طول تاریخ گرچه حرفه‌ای مدموم و مطرود کلیه ادیان الهی بوده است ولی هیچ‌گاه هدفی صرفاً معطوف به قدرت نداشته است. جادوگران و کیمیاگران حرفه خود را یک مکتب تعالی بخش می‌پنداشته‌اند که مسیر سیر و سلوک به سوی حقیقت را برای ایشان آسان می‌ساخت. ولی تمدن غرب در مواجهه با جادوگری، تمامی موضوعات تعالی بخش آن را به کنار می‌گذارد و یکسره به دنبال کسب قدرت و تسلط از طریق این فرقه‌ها می‌رود و این آرزویی است که انسان جدید تا چند دهه گذشته آن را در علم و تکنولوژی پیشرفته جستجو می‌نمود. فرقه‌هایی نظیر کابالا، فرقه برادران صلیب گلگون، شوالیه‌های معبد و سایر فرق جادوگری و شیطان‌پرستی، هدفی جز دست یافتن به قدرتهای مافوق طبیعی از طریق انجام برخی اعمال و گفتن بعضی اذکار در سر ندارند و البته بدیهی است که هدف این قدرتمداری، سلطه و سیطره دنیایی بر دیگران است. ۲- معنویت‌های جدید و تخریب اذهان: هنگامی که پست مدرنیستها به این نتیجه رسیدند که دنیای مدرن دیگر جایی برای زندگی نیست، یکی از راههایی را که برای خلاصی از ساز و کارهای زندگی مدرن پیشنهاد دادند، پناه بردن به ذهن و قوه و تخیل و تجسم فردی و زندگی کردن در دنیای توهمات بود. از نظر یک پست مدرن، هیچ حقیقت متعالی وجود ندارد که قابل دستیابی توسط انسان باشد، بلکه همه اشیاء و امور بازنات و وانمایی از حقیقت هستند که توسط افراد گوناگون به طرق مختلفی مورد فهم و تفسیر قرار می‌گیرند (نوذری، ۱۳۸۰). در واقع حقیقت، متکثر و به تعداد افراد بشر است. برداشت شخصی هر کس از پدیده‌ها و امور همان قدر حقیقی و درست است که برداشت کاملاً متضاد شخصی دیگر. در این جهان هیچ چیز بی مفهوم تر از جنگ و نزاع بر سر عقاید نیست و بهتر است که انسانها به دنیای وهمی و ذهنی خود پناه ببرند و به همان اتکا کنند و تلاش برای اثبات یا رد عقلانی مسائل را کنار گذارند. و این دقیقاً همان چیزی است که غرب پست مدرن در مکاتب و ادیان شرق دور مانند بودیسم، هندوئیسم و شینتوئیسم یافته و همین امر باعث رواج و گسترش روزافزون این مکاتب قدیمی و غیرعقلانی در جهان حاضر شده است. یکی از موارد جذاب موجود در این گونه ادیان برای بشر پست مدرن غربی، وجود گزاره‌های متناقض، چند پهلو و نامفهوم در متون این مکاتب است. به عنوان مثال در مکتب «ذن» که نسخه ژاپنی بودیسم است و در سالیان اخیر رشد فزاینده‌ای در غرب به ویژه ایالات متحده داشته است، به عبارات زیر برمی‌خوریم: بودن، بودن نیست، نبودن، بودن است»، «الف، الف است، زیرا الف، الف نیست» «من، تو هستم و تو، من هستی»، «امواج خاک در چاه برمی‌خیزد» ... آیا این جملات شما را به یاد دیالوگ‌های فیلم ماتریکس

نمی اندازد؟ هر چه هست اینگونه عبارات به جهت چند پهلو بودن جذابیت فوق العاده ای برای انسان پست مدرن دارند و او را برای ورود به جهان تخریر ذهنی آماده می کنند. گام بعدی در جهت تخریر کامل ذهن و گام نهادن در دنیای اوهم و خیالات باطل و شیطانی، استفاده از تکنیک های مراقبه با مدیتیشن است. ۳- تساهل و تسامح دینی: یکی از خصوصیات مشترک همه مکاتب و فرقه های معنوی امروزی و مورد تایید غرب، ویژگی تساهل و تسامح معنوی است. اگر از معنای حقیقی تساهل و تسامح که در دین اسلام بدان پرداخته شده صرف نظر کنیم، تساهل و تسامح معنوی در قاموس تمدن غربی بدین صورت تفسیر می شود که هر دین و مذهب و مرام معنوی راهی برای رسیدن به حقیقت و آرامش است و هیچ مذهب و مکتبی بهتر یا کاملتر از دیگری نیست. تمدن غرب با تبلیغ این تفکر اولاً- وجود حقیقت متعالی را نفی کرده است و ثانیاً روحیه سلطه پذیری را در جهان گسترش داده است. ادیان مورد تایید غرب با تساهل و تسامح معنوی خود هیچ واکنشی را در برابر سلطه جویی و خودخواهی قدرت های دنیایی تمدن غرب نشان نمی دهند و اصولاً رویکردی فرد محور و جامعه گریز دارند. در نتیجه در برابر زیاده خواهی و خودخواهی قدرت ها تسلیم محض هستند و اینچنین است که ادیانی مانند اسلام که زندگی فردی و اجتماعی انسان را در هم تنیده و وابسته به هم می دانند و معتقد به وجود حقیقتی متعالی برای جهان هستند، از سوی غرب با عنوان مذاهبی فاقد روحیه تساهل و تسامح دینی و گسترش دهنده تروریسم در جهان معرفی می گردند (باقری، ۱۳۸۴). ۴- معنویت منهای شریعت: شریعت به معنای دستورالعملی کامل و جامع با منشای حقانی جهت زندگی توأم با سیر و سلوک معنوی، مفهومی است که اکثریت قریب به اتفاق مکاتب عرفانی و معنوی جدید از آن بیگانه اند. درست است که در اکثر فرقه های غربی شده امروزی، نوعی آداب و رسوم آیینی برای نیل به اهداف مادی یا معنوی این فرقه ها وجود دارد، ولی اثری از شریعت به عنوان یک طرح جامع و کامل الهی که به تمامی فعالیت های دینی و دنیایی مردمان جهت می دهد، به چشم نمی خورد. در این گونه فرقه ها اباحه گری و خود اجتهادی رواج دارد و اکثراً به عقیده جدایی عمل انسان و سرنوشت او صحنه می گذارند. بنابراین در غالب این مکاتب امری به نام گناه یا ثواب وجود ندارد و اعمال مختلف می توانند در موقعیت های گوناگون و در مورد انسان های مختلف، نتایج مثبت یا منفی داشته باشند. بدین ترتیب مشاهده می کنیم که تعداد زیادی از فرقه های مذکور به صورت افراطی به سمت لذت طلبی و پرستش شهوات گرایش پیدا می کنند و اصولاً شهوت رانی به عنوان یکی از طرق دستیابی به حالات معنوی در این گونه مکاتب تئوریزه می شود. در دین اسلام نیز در طول تاریخ معاصر فرقه های گوناگونی با عقاید صوفیانه و ضدشریعت، با کمک و همراهی سیاست های استعماری غرب شکل گرفته اند که امروزه نیز به شدت توسط رسانه های جمعی جهانی به عنوان اسلام اصیل و واقعی معرفی می گردند. با توجه به مطالب فوق، مسئله اساسی پژوهش حاضر، ماهیت شناسی پدیده بی حجابی، زمینه ها و راهکارهای اجتماعی اصلاحی است. در این راستا ضمن بررسی منابع و مراجع مختلف، عمده ترین زمینه های موثر در بروز پدیده بی حجابی، پیامدهای نامناسب اجتماعی پدیده بی حجابی و عمده ترین راهکارهای اجتماعی ترویج فرهنگ حجاب به بحث گذارده شده است. در پژوهش سه سوال اصلی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است: ۱- عمده ترین زمینه های موثر در بروز پدیده بی حجابی چه می باشند؟ ۲- راهکارهای اجتماعی اصلاحی در خصوص ترویج فرهنگ حجاب چه می باشند؟ روش پژوهش پژوهش حاضر بدنبال ماهیت شناسی پدیده بی حجابی، زمینه ها، پیامدها و راهکارهای اجتماعی اصلاح و بازنگری بوده و با عنایت به عنوان و سوال های مطروحه، پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است. جامعه و نمونه پژوهش با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد. از آنجا که در پژوهش حاضر کلیه منابع و مراجع موجود فیش برداری و در راستای هدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، نمونه گیری انجام نشده و کلیه منابع و مراجع در دسترس مذکور مورد بررسی و تحلیل واقع شده است ابزار گرد آوری داده ها به معنای خاص پژوهش های میدانی، ابزاری در پژوهش استفاده نشده ولی در این ارتباط از فرم های فیش برداری به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط استفاده شده است. شیوه تحلیل

داده ها از آنجا که داده های به دست آمده کیفی است، بنابراین از تحلیل کیفی به منظور تحلیل و جمع بندی آنها استفاده شده است. تحلیل یافته های پژوهش در اینجا نتایج بررسی سوال های پژوهش ارائه خواهد شد: ۱- بررسی سوال اول پژوهش اولین سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه؛ عمده ترین زمینه های موثر در بروز پدیده بی حجابی چه می باشند؟ تبلیغ و تبیین صحیح فلسفه ی حجاب در گسترش و تعمیق آن نقش دارد، در مقابل شبهه پراکنیها و سمپاشیها و تبلیغ منفی مخالفان نیز در آسپیدری فرهنگ حجاب و پوشش در جوامع اسلامی تأثیر مهمی دارد. قراین و شواهد مختلف حاکی از این است که یکی از ترفندهای مهم استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی، ترویج بیندوباری از طریق گسترش بدحجابی و بیحجابی است؛ و این واقعیتی است که مستر «همفر»، جاسوس استعمار پیر انگلیس، در خاطرات خود به طور صریح به آن اعتراف نموده است. اثرپذیری زنان و دختران مسلمان از تبلیغهای کشورهای استعماری و تقلید بدون منطق زنان از مدلهای پوشش غربی نیز در این زمینه نقش مؤثری داشته است. مقام معظم رهبری حضرت آیتالله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در این مورد فرموده‌اند: عده‌های از چادر فرار میکنند به خاطر اینکه هجوم تبلیغاتی غرب دامنگیرشان نشود؛ اما به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی‌آورند، چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار میدهد. تصور نکنید اگر ما فوراً چادر را کنار گذاشتیم دست از سر ما بر میدارند؛ آنها به این چیزها قانع نیستند، بلکه میخواهند همان فرهنگ منحوس خودشان در اینجا، مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عمل شود. یکی از دانشمندان اسلامی نیز در این مورد گفته است: مشکل بسیاری از زنان شرق این است که آنان در عین حال که همچنان به ارزشهای اخلاقی، عفت و شرافت معتقدند، از آداب و رسوم و سنتهای غربی در مسئله بیحجابی و خودآرایی تقلید میکنند و این امر آنان را در حالت دوگانگی قرار میدهد (مطهری، ۱۳۸۲). در مورد زمینه سازی برای زدودن حجاب زنان باید گفت، در زمان جنگ جهانی دوم، زنان بیش از هر زمان دیگر، گروه گروه به نیروی کارگری می پیوستند و ده‌ها میلیون زن که پیش از آن صرفاً به کارهای خانگی مشغول بودند به سوی بازارهای کار گرایش یافتند. این فرآیند موجب شد تا زنان و مردان درباره جایگاه و هویت اجتماعی زن بیاندیشند. با اتمام جنگ جهانی نیز میلیون‌ها زن و مرد تمایل داشتند فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان همچنان تداوم یابد. از آن جا که از نظر صاحبان سرمایه، افزایش آگاهی و ارتقای موقعیت اجتماعی زنان با بهره‌کشی از آنها ناسازگار بود، به تبلیغ نظریه «راز و رمز» زنانه پرداختند. هدف این پیکار گسترده اقتصادی و ایدئولوژیکی، ایجاد تغییر در تحولاتی بود که در نگرش شایسته زنان پدید آمده بود. این جریان درصدد بود تا در بین زنان شاغل و غیرشاغل، تبلیغ نماید که آنها بیش از همه چیز باید زیبا و فریبا باشند و بایستی از هر چیزی که زیبایی و طراوت آنها را به خطر می‌اندازد، اجتناب کنند. در سال ۱۹۵۴ همزمان با رکود سرمایه داری، سود صنایع آرایشی به شدت کاهش یافت و فروشندگان بزرگ لوازم آرایشی برای اینکه بتوانند «یورش بزرگ عملیاتی» خود را به اجرا بگذارند، از جملات خاصی درباره لوازم آرایشی استفاده می‌کردند تا از این طریق بتوانند خریدارانی را برای لوازم آرایشی خود به دست آورند. همچنین بنگاه‌های سرمایه‌داری با استفاده از ناامنی اقتصادی زنان سعی می‌کردند آنان را به خرید لوازم آرایشی وادار سازند (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶). عمده ترین رویکرد های مطرح در تبیین پدیده بی حجابی به شرح ذیل است: ۱- رویکرد اقتصادی- اجتماعی در بازار رقابت جنسی که از ویژگی های سرمایه‌داری است، زنان ناگزیرند برای رسیدن به امنیت با زنان دیگر رقابت کنند؛ بر مبنای این رویکرد زنان از روی هوی و هوس به لوازم آرایش روی نمی‌آورند، بلکه به علت فشار اجتماعی است که از لوازم آرایش استفاده می‌کنند. ۲- رویکرد ظاهرگرایی مطابق این رویکرد، استفاده از لوازم آرایش خوب و ضروری است؛ زیرا به زیبایی زنان کمک می‌کند. استفاده از لوازم آرایشی در جامعه‌ای که ارزش زن را به زیبایی و جوانی او می‌داند، حق زنان است. در روزگار پیشین، هرگاه زنی به چهل سالگی می‌رسید، او را پیر و نازیبا می‌انگاشتند؛ بنابراین، این بخشی از نهاد و روان هر زن بهنجار است که برای نگاهداری زیبایی و جوانی خود تلاش کند. ۳- رویکرد اخلاقی در این رویکرد معیار زیبایی عمدتاً شامل خرد، بی‌باکی، روشنفکری، صداقت، عاطفه و سایر فضائل اخلاقی است. یک چهره بی‌آرایش نیز می‌تواند

نشانه‌گر همه این فضیلت‌ها باشد و بدین طریق به زیبایی دست یابد. چهره فرد می‌تواند بسیار نرم و صاف باشد و آن چنان با تردستی آرایش شود که شاداب و جوان و خوب نشان داده شود، ولی در باطن حرص و آرز، ترس و بزدلی یا سستی اخلاقی داشته باشد. ۴- رویکرد عاطفی دختران در سن جوانی و گاهی در نوجوانی دست به آزمون «آرایش» می‌زنند تا از گروه سنی خود پیش‌تر باشند. این دختران، به این سبب لوازم آرایش را به کار می‌برند که خود را بزرگ‌تر نشان دهند و از رهگذر جادوی لوازم آرایش، آرزوی خود را برای کوتاه کردن دوره کودکی و نوجوانی محقق سازند و به «بزرگسالی» قدم نهاده و به نیازهای عاطفی خویش پاسخ گویند. ۵- رویکرد روانی نیاز به خودنمایی در انسان، هم سبب گرایش به انواع آرایش و هم موجب میل به تمایزیابی و گرایش به مد می‌شود. لذا در این بخش جا دارد قدری هم به بحث نیاز و نقش آن در گرایش به مد بپردازیم. در کنار بررسی و تشریح رویکردهای مطرح در تبیین زمینه‌های شکل‌گیری فرهنگ بی‌حجابی باید اذعان داشت؛ عوامل متعددی در بروز پدیده بی‌حجابی موثر هستند که برخی از عمده‌ترین آن‌ها در این جا به بحث گذارده شده است: ۱- خودنمایی فردی الکساندر ماری، در طبقه‌بندی بیست‌گانه نیازها، «نیاز به خودنمایی» را مطرح و آن را این‌طور تعریف می‌کند: «نیاز به خودنمایی یعنی خود را طرف توجه قرار دادن، روی دیگران تأثیر گذاشتن، دیگران را تحریک کردن، کنجکاوی آنها را برانگیختن و آنها را سرگرم کردن» (رحیمی نیک، ۱۳۷۴: ص ۲۱). کرونیخ (۲)، در طبقه‌بندی نیازها، «نیاز به تأیید و تحسین همگان» را مطرح می‌کند. از دیدگاه او انسان نیازمند به تأیید و پذیرش همگان خویش است، کودک آرزو می‌کند گروه همسالانش او را بپذیرند، کارمند می‌خواهد همکارانش او را تأیید کنند و به طور کلی هر فرد نیازمند پذیرش همگان و سایر کسانی است که با آنها داد و ستد اجتماعی دارد. احساس تعلق به گروه از خصایص بارز انسان اجتماعی است. فرد می‌خواهد متعلق به گروه باشد، گروه دوستش بدارد، قبول هنجارهای گروهی و انجام پاره‌ای تکالیف و تعهدات و عدم انجام بعضی دیگر، از نیاز انسان به تأیید گروه سرچشمه می‌گیرد (همان، ص ۲۷). انسان‌ها برای ارضای نیاز به احترام و تأیید و منزلت در پی آن هستند که از یک سو همرنگ دیگران باشند تا مبادا مورد سرزنش و اهانت قرار گیرند و از سوی دیگر سعی می‌کنند تا از دیگران عقب نمانند و حقوقشان ضایع نشود و بدین ترتیب حرمت خود را از دست ندهند. به عبارت دیگر، این نیاز فطری به احترام و تأیید و منزلت است که انسانها را به پیروی از هنجارها و وابستگی به نیازهای استاندارد شده از سوی جماعت وا می‌دارد. در کنار این عوامل، نیاز به احترام، تأیید و منزلت، در به هم خوردن تعادل نیازها و پیدایش استانداردها و هنجارهای جدید نیز نقش مؤثری دارد، بدین معنی که عده‌ای به علت احساس برتری خانوادگی، اقتصادی، فکری، جسمی و... در رابطه با نیاز به قدرت و قدرت طلبی، در پی یافتن طرق جدید ارضای نیاز برمی‌آیند تا از آن طریق، تأیید دیگران، احترام و منزلت بیشتری را کسب یا برای مدت بیشتری حفظ نمایند. در مواردی نیاز به احترام و تأیید، کمی فراتر رفته و به نیاز «ممتاز جلوه کردن» تبدیل می‌گردد. در این گونه موارد، انسان‌ها تنها در پی یافتن عواملی نیستند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به کسب قدرت و تأمین نیاز ایمنی و تضمین نیازهای جسمی بیانجامد، آنها نیاز به خودنمایی و برتر نمایی خود را توسط عواملی ارضاء می‌کنند که کمیاب است و هیچ ربطی به نیازهای جسمانی ندارد، مثلاً با جواهرات، لباس‌های فاخر و گران‌قیمت توجه برانگیز و بدین ترتیب، عموماً به دلایل فوق، طرق جدیدی جهت ارضای نیاز به وسیله معدودی از افراد وارد جامعه می‌شود، البته این طرق جدید، تعادل نیازها و هنجارهای اجتماعی موجود را بر هم نمی‌زند و تنها زمانی این طرق جدید تبدیل به استانداردها و هنجارهای جدید می‌شود که به وسیله عده‌ای از اعضای جامعه شناخته و به کار گرفته شود، در آن صورت هنجارها نیروی مؤثر خود را در نیاز آفرینی نشان داده و وارد جریان می‌شوند، بدین معنی که به تدریج دیگر اعضای جامعه نیز آنها را پذیرفته و بکار می‌گیرند و آن‌گاه جریان انتشار آغاز می‌گردد (رفیع پور، ۱۳۷۰). ۲- رسانه‌ها رسانه‌ها نگرش‌ها و بینش مردم را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده و افراد جامعه از آنها انواع گوناگون اطلاعات را کسب می‌کنند روزنامه‌ها، کتابها، رادیو، تلویزیون، فیلم‌ها و موسیقی‌های ضبط شده، اینترنت، ماهواره، کامپیوتر و مجلات عمومی، ما را در ارتباط نزدیک با تجاربی قرار می‌دهند که

به گونه دیگر نمی‌توانستیم آگاهی چندانی در مورد آنها داشته باشیم. رسانه های عصر پست مدرن اتوپیا (۳) می سازند. بشر در ذهن خود، بهشت آرمانی و زمینی را پرورانده بود ولی در دوران کنونی به کمک رسانه ها، نصیصش شده است. بشر پست مدرن با کاربرد رسانه ها به این اتوپیا دست پیدا می کند (پورطهماسبی، ۱۳۸۷). رسانه ها از طریق ارائه هنجارهای خاص اجتماعی، به افراد تلقین می کنند که رفتار ارائه شده در رسانه، رفتار مناسب اجتماعی است. رسانه ها به شکل گیری نوعی «همگان» های جدید کمک کرده اند که شاید بتوان آنها را «همگان های عصر مدرن» یا «همگان های الکترونیکی» نام نهاد. ویژگی اساسی آنها داشتن «تصویرات قالبی»، «درونی سازی (۴)» و دارا بودن «ذهن شرطی شده (۵)» است (هوور، لاندبای (۶)، ترجمه آریایی نیا، ۱۳۸۲). رسانه و فناوری نوین به تدریج فرهنگ ما را تبدیل به فرهنگ بصری کرده است (لش (۷)، ترجمه چاوشی، ۱۳۸۲). آنها باعث بلوغ زودرس کودکان، تاکید بر سطح و ظاهر دین، تزلزل ارزشهای دینی، کثرت گرایی، هویت زدایی از جوامع، تاثیر بر افکار عمومی، بدعت و ... می شوند. مگ گوایر (۱۹۸۶)، به نقل از الیاسی (۱۳۸۵، ص ۴۰) به تاثیرات رسانه ها در دو بخش مطلوب و نامطلوب اشاره کرده است. از نظر مک گوایر مهم ترین تاثیرات مطلوب رسانه ها به شرح زیرند: ۱. تاثیر بر الگوهای مصرف مردم؛ ۲. تاثیر بر رفتار رای دادن؛ ۳. افزایش آگاهی های عمومی و بهبود رفتار عمومی؛ ۴. تغییر و بهبود سبک زندگی؛ ۵. تلقین ایدئولوژی؛ ۶. تعلیم آموزه های مختلف سیاسی و اجتماعی؛ مهم ترین تاثیرات نامطلوب رسانه ها نیز، از نظر گوایر، عبارتند از: ۱. افزایش رفتار پرخاشگرانه؛ ۲. ترویج آرمان ها و گروه های مبتدل؛ ۳. ترویج رفتارهای نامناسب جنسی؛ ۴. ایجاد فرایندهای فکری نامتعادل. تولید کنندگان بزرگ در جهت کسب منافع بیشتر و جلوگیری از ورشکستگی خود در بسیاری از مناطق جهان، به تولید و عرضه مد از طریق رسانه ها اقدام کرده اند و با رواج انواع مد و بی حجابی از طریق تبلیغات ماهواره و شبکه های مختلف جهانی می پردازند. بنابراین نقش اساسی در بازاریابی در دوران حاضر، به عهده مؤسسات تبلیغی و رسانه ها است. که پیام های تبلیغاتی را یکی پس از دیگری می فرستند. هر پیامی، پیام قبل را خنثی می کند و آنچه را که انسان ها قبلاً داشتند، کهنه و دل آزار می سازد. آنها قادرند با استفاده از روش های هنجارسازی، هر پدیده ای، حتی آنچه را که تا آن زمان از نظر افراد جامعه به عنوان بدترکیب، مسخره و نازیبا تعریف می شد، به قالب های جدید و زیبا کشیده و مورد توجه مصرف کنندگان قرار دهند. باید متذکر شد که این مسئله فقط شامل پوشاک نمی شود، مدل های جدید موی سر، الگوهای جدید بدن سازی، لوازم آرایش و جراحی های زیبایی نیز همگی جزئی از این پدیده اند (رفیع پور، ۱۳۷۰). رسانه های پست مدرن چنین تبلیغ می کنند که همه زنان می خواهند زیبا باشند و علاقه مشترکی به لوازم آرایش و مد دارند، به علاوه مد و لوازم آرایش با «زیبایی» از یک خانواده اند. آنها می گویند آرایش در هر زمانه ای به شکلی خاص، نزد همه طبقات مرسوم بوده است و به عنوان سند، این واقعیت را عنوان می کنند که حتی زنان جامعه ابتدائی نیز، بدن خود را رنگ و زینت می کردند. ۳- جهانی سازی (۸) بر پایه نظریه امپریالیسم فرهنگی، گرچه جهانی شدن فرهنگی چونان پدیده ای فرا تاریخی و فراملی یا نیرویی متعالی و جهانی نمودار می شود، ولی در واقع چیزی جز صدور کالاها، ارزش ها و اولویت های شیوه زندگی غربی نیست، آنچه در عرصه جهانی، فرهنگ رایج و مسلط میشود، تصورات و مصنوعات و هویت های تجدید غربی است که صنایع فرهنگی غربی عرضه می کنند. این صنایع بر شبکه های جهانی مسلط هستند و امکان چندانی برای روابط و تبادل فرهنگی برابر میان غرب و بقیه جهان باقی نمی گذارد (هال (۹)، ۲۰۰۲). بدین ترتیب با پیشرفت جهانی شدن فرهنگ مصرفی جهان را تسخیر می کند و امر فرهنگی، تبدیل به مسائل اقتصادی شده و فرهنگ مصرف گرایی رواج یافته و با این فرایند بر الگوهای مصرف و روشهای هویت یابی افراد جامعه تاثیر می گذارد (جیمسون (۱۰)، ۲۰۰۳). جهانی سازی موجب تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات بومی، نسبیّت گرایی، هویت مجازی، سکولاریزاسیون، تک فرهنگی شدن (۱۱)، گسترش زبان انگلیسی، کاهش اقتدار ملی، فرهنگ مصرف گرایی و ... می شوند. در چنین شرایطی شاهد نابودی ارزشهای ایدئولوژیک، فرهنگی و هویتی جوامع دیگر خواهیم بود که در مسیر بهره مندی از مزایای احتمالی مادی غرب، تحت تاثیر فرهنگ لیبرالی غرب قرار خواهند گرفت (رضایی

زارچی، ۱۳۸۵). یکی از فرآیندهایی که گمان می‌رود در جریان جهانی‌سازی رخ می‌دهد، همسان‌سازی موجودیت‌های فرهنگی است. هنوز مناقشه بر سر یک‌دست نمودن یا مثله شدن جهان پایان نیافته است؛ اما بی‌گمان یکی از بزرگ‌ترین وجوه این پدیده، وجه فرهنگی آن است. بسیاری از منتقدان فرهنگی جهانی‌سازی معتقدند که فرهنگ آمریکایی با همه مظاهرش در حال عالم‌گیر شدن و نفی بقیه موجودیت‌های فرهنگی است. این نظام اجتماعی بر ظاهرسازی روبنایی مثل پوشیدن لباس متفاوت، استفاده از مدل‌های عجیب و غریب و آرایش موی سر به سبک خاصی تأکید دارد که می‌توان از گروه‌هایی مانند پانک (۱۲) و رپ (۱۳) و ... نام برد. پیدایش و پیروی از هیپی‌ها یا پانک‌ها و امثالهم، عکس‌العمل جوانان جامعه سرمایه‌داری صنعتی نسبت به سلطه سرمایه بوده است. جوانان این کشورها با لاقیدی و پشت پا زدن به ارزش‌های جامعه سرمایه‌داری عملاً خواستند نزد سران این جوامع و کسانی که پیرو مکتب کاپیتالیسم هستند این مسأله را به اثبات برسانند که نظم و قراردادهای موجود در این جوامع برای ما ارزشی ندارد (نراقی، ۱۳۵۶). در این جوامع، پانکیسم و رپ مترادف با شلختگی، ژولیده بودن، استفاده از آرایش‌ها و مدهای عجیب و غریب و علاقه به موسیقی‌های تند و ... است. در این راستا می‌توان از گروه‌های دیگری مانند متالیکا (۱۴)، هوی متال (۱۵)، راک (۱۶) و مارداک (۱۷) نیز نام برد که از طرق مختلف خود را در کشورهای مختلف رواج داده و در جهت اهداف استعماری خود جهانی شده‌اند. برخی از وجوه تاثیرات جهانی‌سازی بر فرهنگ حجاب زنان را می‌توان در زمینه‌های ذیل فهرست نمود: ۱. رواج مد گرایی و توجه به تنوع پوشش‌های جدید (افروغ، ۱۳۸۴). ۲. جذابیت پوشش‌های جدید از طریق تبلیغ در رسانه‌ها و ماهواره‌ها ۳. کم ارزش یا بی ارزش جلوه دادن پوشش سنتی و مذهبی (افروغ، ۱۳۸۴). ۴. مشاهده رفتارهای متفاوت و تصور این که آنها مطلوبیت بهتری دارند (گل محمدی، ۱۳۸۳). ۵. تأثیر رسانه‌ها بر تغییر ذائقه مردان ۶. تغییر در شیوه اشتغال زنان (گل محمدی، ۱۳۸۳). ۷. استفاده از ابزار جدید و مدرن (مانند رانندگی اتومبیل توسط زنان) ۸. مسافرت آسان به کشورهای غربی و تأثیرپذیری از رفتار دیگران ۹. قوانین جهانی مانند حقوق زنان (محصول جهانی شدن) موجب تغییر نگاه زنان ۱۰. قوانین بازدارنده برخی از کشورهای اسلامی (عادل، ۱۳۸۲). ۱۱. تزلزل بنیان خانواده و تساهل و تسامح مردان و الگوپذیری از فرهنگ غرب ۱۲. توسعه هنر مدرن مثل سینما، نمایش، نقاشی و موسیقی (عادل، ۱۳۸۲). ۵- نظام سرمایه‌داری امروزه در هر کدام از بخش‌های مد، سوداگران از طریق لوازم آرایش، سالن‌های آرایش، سالن‌های لا-گری، سالن‌های زیبایی، جواهرات - چه بدلی و چه واقعی - و مانند آن، میلیاردها دلار به جیب می‌زنند. سوداگران کشف کردند که زیبایی فرمول بسیار انعطاف‌پذیری است. برای ثروتمند شدن تنها کافی است که کسی چیز تازه‌ای کشف کند که کمک کار زیبایی وی باشد و بعد خیل عظیم زنان را قانع کنند که به این چیز تازه نیازمندند و آن را می‌خواهند؛ اما برای حفظ و گسترش این حوزه سودآور، سودجویان می‌بایست افسانه‌های تازه‌ای اختراع کنند و به کمک ماشین تبلیغاتی خود در بین مردم اشاعه بدهند. بدین ترتیب که: الف: زنان از روز ازل برای جلب توجه مردان به جاذبه جنسی خود، با هم رقابت کرده‌اند و چون این پدیده در اصل یک قانون بیولوژیکی است، پس از آن گریزی نیست و چون این پدیده در همه دوران‌ها وجود داشته است و تا ابد نیز وجود خواهد داشت، پس زنان می‌باید به تقدیر تن در دهند و تا ابد در بازار جنسی سرمایه‌داری به رقابت و چشم و هم چشمی ادامه دهند. ب: چیزی که در جامعه نوین به حساب نمی‌آید زیبایی طبیعی زنان است. واقعیت این است که طبیعت در قلمرو زیبایی به بیشتر زنان پشت کرده است و زنان برای رفع عیب‌های جسمی و طبیعی خود می‌باید به ابزار کمکی مصنوعی متوسل شوند، همان ابزاری که سودجویان دلسوز در اختیار زنان گذاشته‌اند. ولیکن براساس مطالعات زیست‌شناختی و مردم‌شناختی، در طبیعت، رقابت جنسی وجود ندارد؛ بلکه رقابت جنسی میان زنان صرفاً ساخته و پرداخته جامعه طبقاتی است و پیش از پیدایش جامعه طبقاتی وجود نداشته است. مثلاً در جانوران هیچ کجا دیده نشده است که ماده‌ها برای جلب نرینه‌ها به رقابت جنسی متوسل شوند. در جهان جانوران تنها یک رقابت جنسی دیده می‌شود و آن هم رقابت طبیعی نرینه‌ها با هم است که هدف آن صرفاً بقای گونه‌هاست. در آغاز این دوره، رقابت جنسی تحت الشعاع مسائل مالی بود. زنانی که ثروتی به ارث برده بودند، از

نظر مردی که در حال انباشت ثروت بود، همسران مناسبی بودند. چنانچه مردی امکان انتخاب داشت، زنی را انتخاب می کرد که زیباتر و سالم تر بود، البته مسأله مالی اولویت داشت. در دوره سرمایه داری نوین، این داد و ستد آزاد، نه تنها در حوزه رقابت و سوداگری به وجود آمد، بلکه در حوزه رقابت جنسی زنان نیز شکل گرفت، البته در میان طبقه ثروتمند، پیوند ازدواج با پیوند و ادغام ثروتها همچنان باقی ماند (رفعت جاه، ۱۳۸۶). در جامعه سرمایه داری فروش زنان به عنوان کالا در جامعه سرمایه داری جای خود را به فروش کالا- به زنان داد و همراه با آن، زیبایی طبیعی نیز به تدریج جای خود را به زیبایی مصنوعی و به عبارت دیگر زیبایی بر مبنای مد روز داد و چنین شد که این اسطوره پا گرفت که زیبایی و مد از یک مقوله اند و نیاز به مد در همه زنان مشترک است، زیرا نیاز به زیبایی در همه زنان مشترک است. در مجموع سود جویانی که با ترفند، زنان را به امید زیبایی به بازار کالاهای جنسی خود می کشانند و بدین وسیله به انباشت هر چه بیشتر سرمایه می پردازند به سه دسته عمده تقسیم می شوند: در مورد مقوله نخست، برای آن که زنی زیبا باشد، بلندی قد، وزن و اندازه های او باید استانداردهای خاصی داشته باشد. زنی که مشخصه هایش در چارچوب این استانداردها نباشد، زیبا نیست. امروزه زنانی که در قالب استانداردهای خط تولید مد و زیبایی نمی گنجند، از ظاهر خود رضایت ندارند و در مواردی حتی تن به رژیم های بدن سازی و تبعیت از مدها و آرایش های عجیب و غریب و پرهزینه می دهند. تاریخ نشان می دهد که معیارهای مرسوم و نوین زیبایی پدیده های دائمی و فراگیر نیست. استفاده کنونی زنان از لوازم آرایش پدیده های بالنسبه تازه است. حمله ما به مد بدین معنا نیست که ما با لباس خوب یا حتی لباس های متنوع یا حتی تغییر نوع لباسی که می خواهیم بپوشیم، مخالفیم. عصر تازه و روابط تازه اجتماعی و تولید، دگرگونی های مختلفی به همراه دارد. چیزی که با آن مخالفیم این مسابقه زشت جامعه سرمایه داری برای خریدن کالاهایی است که به ما تحمیل شده است و در واقع نیازی به آن نداریم. ۶- نهادهای دینی غرب از جمله کارکردهای نهادهای دینی ایجاد یک سیستم کنترل درونی قوی در انسانهاست که آنان را از کارهای خلاف و نامشروع باز می دارد و از این طریق، دین، نظام اجتماعی را بدون هزینه از بسیاری خطرات مصون نگه می دارد و زندگی اجتماعی سالم را با عطف و ملاحظه در کنار انسانهای دیگر میسر و نظام اجتماعی را منسجم و مستحکم می سازد (رفیع پور، ۱۳۷۷). دین در هیچ جنبه ای بومی، محلی و موقت نیست، بلکه سمت و سوی جهانی دارد، حال اگر دین هویتی جهانی داشته باشد دینداران نمی توانند و نباید مسیر دیگری را پیمایند و طبعاً حکومت بنیاد یافته بر دین نیز باید ضمن توجه به مسائل داخلی خود، افق جهانی داشته باشد و تحقق آرمانهای اسلامی را نه فقط در قلمرو مرزهای جغرافیایی خود بلکه در پهنه ی گیتی و جبهه همت خویش سازد (توفیقی، ۱۳۸۰). بنا به گفته کودال؛ جنبش دوران حاضر و پست مدرنیسم، مجموعه پیچیده و بعضاً درهم و برهمی است که سمت و سو و جهت گیری واحدی ندارد بلکه در جهان متعددی سیر می کند. بعلاوه مضامین آن نیز بعضاً چندان با هم سازگار نیستند، بلکه در پاره ای از موارد دچار تناقض ها و ابهام های آشکاری هست. به همین دلیل، برخی از محققین، پست مدرنیسم را نوعی هرج و مرج طلبی و آنارشسیسم تلقی نمایند (حسینعلی نودری، ۱۳۸۰). ادیان رایج در غرب خوشتر داشته اند که در کسوت حامیان غیرفعال تکامل مدرنیته و چرخش به سمت نظام سرمایه داری ظاهر شوند تا بتوانند با راضی نگه داشتن سیاستمداران و فردی ساختن دین، بر حاکمیت خود در کلیسا ها و ... تدوام بخشند. اما با این همه، هنوز هم دین پویا ترین منشاء مقاومت در برابر دیدگاههای تحلیل گرا نسبت به سرشت و گوهر آدمی است، به ویژه دیدگاههایی که دست در آغوش ماتریالیسم دارند عمود خانه دین، نگرشی است روحانی و معنوی نسبت به هویت انسان به معنای حیات، و همین است که محتوای مستور در پدیده جهانی شدن، دین را به نبرد می خواند. در این نزاع، یا دین مضمحل می شود و یا چونان نیرویی توانا احیا می گردد و مقاومت خویش را با تهاجم علیه جهانی شدن از سر می گیرد (فالك (۱۸)، ترجمه عبدالرحیم مرو دشتی، ۱۳۷۹). با کاک (۱۹) امیدوار است که ادیان جهانی بتوانند پیش از آن که آسیب به سیاره زمین بیش از حد عظیم شود بر سبک زندگی مصرف گرا فائق آیند. وی توان بالقوه ادیان برای ایجاد سبک های زندگی نوین را جدی تلقی می کند. ادیان به دلیل عرضه ارزش های متفاوتی و

اخلاقی و همچنین ارائه رشته‌ای از رفتارهای سنتی که می‌تواند سازنده سبک زندگی معنویت‌گرا باشد، قادرند نقش مؤثری در ایجاد یا تغییر سبک‌های زندگی موجود ایفا کنند (فاضلی، ۱۳۸۲). ۲- بررسی سوال دوم پژوهش دومین سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت بود از اینکه؛ راهکارهای اجتماعی اصلاحی در خصوص ترویج فرهنگ حجاب چه می‌باشند؟ حجاب و پوشش اسلامی یکی از برجسته‌ترین ارزش‌های رفتاری شریعت مقدس اسلام درباره قشر زنان است. حجاب یکی از احکام قطعی و مسلم شرعی در فقه اسلامی قلمداد می‌گردد بدین سبب، مقوله حجاب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاه و منزلت والایی دارد. از این رو نهادهای فرهنگی باید حساسیت ویژه‌ای نسبت به این موضوع داشته باشند. متأسفانه در سالهای اخیر عدم رعایت حد نصاب حجاب اسلامی و استفاده از لباسها و پوشش‌های زننده و ناشایست، روند شتابان و فزاینده‌ای یافته‌است و روایتی که بی‌حجابی و بدحجابی به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی و با اولویت آسیب‌شناسی فرهنگی جامعه امروز ایران طرح شود. در وضعیت پیش آمده صحبت از بی‌حجابی‌های ناآگاهانه و غیر معاندانه نیست، بلکه به طرز مرموزی «جنون عصیان» و «ابتدال» است که از حاشیه جامعه به سمت اشغال متن جامعه می‌تازد. امروزه سلطه متخصصان، کالاپرستی و تفردگرایی‌های بیمارگونه، همگی به نوعی به تجدید حیات علایق مذهبی منجر شده‌است. علیرغم ادعاهای «مارکس (۲۰)» و «وبر (۲۱)»، که دین را افسون توده‌ها می‌دانستند، افسون زدایی در جامعه مدرن تحقق نیافته و گرایش‌های دینی از بین نرفته‌است، بلکه اشکال تازه‌ای از تمایلات مذهبی ایجاد شده‌است، پرسش‌های اخلاقی و وجودی (هویتی) دوباره به صحنه آمده‌اند و ضرورت بازتعریف هویت‌ها و اصلاح و بازسازی نهادها را مطرح کرده‌اند. در این میان، زنان و دختران بیش از همه با این مسأله که «من کیستم؟» و به راستی حیران هستند که رضایت خاطر واقعی از زندگی را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ در چنین جهانی که هنوز زنان در معرض نگاه‌های خیره دیگران هستند و قضاوت درباره آنان بسیار بیش از مردان، براساس ظاهرشان استوار است، زنان جوان باید بتوانند در ارتباط‌های خانوادگی و اجتماعی‌شان، موازنه قدرت را برقرار کرده و آن را از جهت‌گیری و بنا شدن بر هویت بدنی‌شان بچرخانند (گیدنز (۲۲)، ۱۳۸۲). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که در ایران امروز، خوددرمانی که مستلزم خودشناسی و تفکر منظم درباره زندگی است، در زنان بیشتر صورت می‌گیرد و با خودنگری آغاز می‌شود، نتیجه آن آگاهی بیشتر از اندیشه‌ها و عواطف جسمانی و احتمالاً بروز تغییرات رفتاری و ساختن مسیر زندگی بر اساس آرمان‌های جدید است. بازتعریف‌های هویتی و بازنگری‌های رفتاری در بین زنانی که از سرمایه فرهنگی و استقلال اقتصادی بیشتری بهره‌مند بوده‌اند بیشتر است. زن ایرانی مسلمان، چنانچه عناصر ارزشمند فرهنگ ملی و دینی خود را بشناسد، قدرت مقاومت و مبارزه‌اش با مصرف‌زدگی، تفرد و مادی‌گرایی و خودشیفتگی برآمده از مدرنیته غربی بیشتر می‌شود. یکی از رسالت‌های نهادهای خانواده، مدرسه و دانشگاه و مهم‌تر از همه رسانه‌های همگانی، برنامه‌ریزی جامع فرهنگی و مقابله با این آسیب‌ها است. متأسفانه معما و پارادوکس جامعه ما آن است که از سویی تبعیت از تفکر دینی و اسلامی را رواج می‌دهد، تفکری که ذهن و روح را بر بدن مقدم و اولی می‌شمارد و سعادت را نه در گرو مصرف بیشتر و کالاپرستی بلکه در خدمت به خلق می‌داند و در همه چیز و از جمله در مصرف، تعادل را توصیه می‌کند، و از سوی دیگر، می‌بینیم، چه در رسانه‌های جمعی و چه در کوچه و خیابان، برای مصرف بیشتر و برای خرید کالاهای دارای مارک‌های خاص و نیز برای رژیم‌های گوناگون بدن‌سازی (اعم از آرایشی، بهداشتی و زیبایی) تبلیغات صورت می‌گیرد و به نوعی خرید بیشتر و مصرف هرچه فزاینده‌تر تبلیغ می‌شود. ضروری است که این مسایل در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور به ویژه در رسانه‌های عمومی، مورد توجه، بازنگری و اصلاح قرار گیرد. ما باید معیارهای خاصی برای زیبایی داشته باشیم؛ و ملاک سنجش زیبایی نباید زیبایی ظاهری باشد همان طوری که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «برترین زیبایی، زیبایی درون، باطن و نین پاک انسانها است». و نیز شاعر پرآوازه مولوی می‌گوید: صورت زیبای ظاهر هیچ نیست = ای برادر سیرت زیبا بیار؛ بر زیبایی درون تاکید می‌کنند. و در این راستا معیارهای ما باید برخاسته از الگوهای نمونه دینی و اسلامی همچون فاطمه زهرا (س) و زینب کبری (س) باشند. برای همین به مدد آموزش و

پرورش و آموزش عالی و الگو دهی مناسب با ارائه برنامه های مناسب از طریق رسانه ها جهت تحکیم امر حجاب اسلامی اقدام گردد. حجاب و عفاف پدیده مذهبی - ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی می باشد و توجه به زمینه های فرهنگی - اجتماعی به عنوان بستر آن بسیار شایسته و لازم می نماید و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزش های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع است. بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی برای ارزش تلقی کردن و الگوپذیری این فرهنگ، نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد می باشد. بدون شک رسیدن به این هدف نیازمند مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاهها به صورت مستمر و هدفمند می باشد. در این راستا راهکارهای زیر می تواند راهگشا باشد: ۱- احیای فرهنگ اسلامی با تبیین و تشریح فلسفه و حکمت پوشش در اسلام و حدود آن و مصالح رعایت آن از سوی مراکز و متولیان دینی جامعه به خصوص نهادهای فرهنگی - تبلیغی حوزه های علمیه و اندیشمندان و سخنرانان برجسته. ۲- اصلاح نظام الگو سازی؛ ایجاد مراکز و مؤسسات متعدد با هدف الگوسازی، ارائه مدل های مناسب و متنوع و ایجاد رقابت سالم در این زمینه بین افراد. متأسفانه علارغم اهمیت این مساله کارها و تمهیدات لازم در این زمینه صورت نگرفته و زن مسلمان ایرانی با شخصیت های بزرگ اسلامی چون حضرت فاطمه (س)، حضرت زینب، حضرت معصومه و ... آشنایی کامل پیدا نکرده است. ۳- تعریف استانداردهای فرهنگی مناسب جهت ترویج فرهنگ عفاف منطبق با فرهنگ دینی و ملی و فراهم کردن زمینه های لازم برای ترویج الگوهای مناسب پوشش اسلامی توسط نهادهای الگوده و طراحی لباس ملی و مدل های پوشش به سبک و ویژگی ایرانی - اسلامی (پورطهماسبی، ۱۳۸۷). ۴- اصلاح نگرش های فرهنگی مسئولان و برنامه ریزان با برنامه ریزی و سیاستگذاری بلند مدت و مسؤولانه نهادها و دستگاه های فرهنگی جامعه در جهت گسترش و اشاعه فرهنگ رعایت پوشش اسلامی. ۵- تجدید نظر محتوایی و ساختاری در نظام آموزشی کشور (اعم از مدارس و دانشگاه ها) در راستای همطراز دانستن ارزش و اهمیت پرورش و تربیت با آموزش علمی و گنجاندن مطالبی درباره حجاب در کتاب های درسی (رضایی زارچی، ۱۳۸۵). ۶- اصلاح عملکرد رسانه ها؛ تبیین و آموزش احکام شرعی حجاب و عفاف، فرهنگ سازی در زمینه اصلاح پوشش نامناسب و ارائه راه حل های مؤثر و فوری از طریق تولید برنامه های کارشناسی، گفتمان، تولید فیلم، تیزرهای تلویزیونی و ...، ترویج الگوهای مناسب حجاب از طریق تولید فیلم و سریال و سایر برنامه های، به تصویر کشیدن زنان تحصیل کرده، ممتاز، متعهد و با حجاب، نشان دادن اثرات منفی تأثیر فرهنگ مبتذل. ۷- محور کردن مظاهر و جلوه های محرک و زنده بی حجابی و ولنگاری اخلاقی از سوی دستگاه های انتظامی و قضائی با اجرای حدود و تعزیرات اسلامی که طبق تبصره ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر می شوند به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد (عابدزاده، ۱۳۷۵). ۸- به کارگیری روش های صحیح برای گسترش حجاب و مقابله جدی با مراکز تولید کننده پوشاک و لباس های غیراسلامی و مدسازان سودجو و نظارت بر سیستم تولید لباس. ۹- رونق بخشیدن مجدد به فرهنگ و روحیه صحیح امر به معروف و نهی از منکر و نظارت متقابل اجتماعی. ۱۰- تهیه و تصویب طرح های آسان سازی ازدواج و تأمین منابع مورد نیاز اقتصادی، فرهنگی و ... برای زوج های جوان. ۱۱- برگزاری همایش، کنفرانس، مسابقات فرهنگی و نمایشگاه های کتاب در مدارس و دانشگاه ها و مراسم جشن تکلیف در مدارس دخترانه با هدف فرهنگی شدن حجاب. ۱۲- شفاف سازی ابهام ها و پرسش ها در زمینه حجاب اسلامی و پاسخ گویی به این پرسش ها و رفع ابهام از آنها. برخی از این پرسش ها عبارتند از: ۱- حجاب اسلامی مد نظر اسلام کدام است؟ ۲- حدود و مرزهای میان «حجاب»، «بدحجابی» و «بی حجابی» کدام است؟ ۳- «فلسفه» پوشش اسلامی چیست و چرا حجاب به «زنان» اختصاص یافته است؟ ۴- آیا عدم رعایت حجاب «گناه» است یا «جرم»؟ ۵- آیا امکان اجرای «طرح لباس ملی» برای زنان و مردان وجود دارد؟ ۶- آیا الگو برداری از «مدهای غربی پوشش» منکر شرعی و قانونی است؟ و سؤالی از این نوع. بحث و نتیجه گیری به نظر می رسد که برای پیاده کردن حجاب در جامعه اسلامی چالش نوینی در حال شکل گیری است در حقیقت نگرش هایی که حجاب را

خواهان است نگرش های قدیمی نیست بلکه یک رویکرد پسایست مدرن حجاب است که با توجه به اشکال نوظهور جامعه جهانی و ایرانی با برداشت هرمنوتیکی از مسائل و چالش های بوجود آمده و مهندسی فرهنگی، رویکردهای گذشته حجاب، حفظ عفت و عصمت زن را احیا می کند. و با توجه به این فرمایش امام حسین (ع) در اصلاح جامعه می فرمایند: باید آهنگ یک بازگشت عمومی، «توبوا الی الله جمیعاً»، به ارزشها و اصالتها در جامعه طنین انداز باشد در حال حاضر بازگشت آخرالزمانی به معنویت در دنیای پست مدرن و بیداری اسلامی در جهان اسلام بار دیگر حجاب را به عنوان یک ارزش مورد توجه قرار داده است که نمونه های آنرا در کشورهای ترکیه، مالزی و ... می توان مشاهده کرد. با اینهمه حداقل سه علت مهم برای شکست حرکت های حجاب زدایی در کشورهای اسلامی میتوان ذکر کرد: ۱- فطری بودن حجاب به نظر میرسد که عامل اصلی گرایش انسانها، مخصوصاً زنان، به حجاب و پوشش، تأمین یک نیاز فطری و درونی به نام حیا و شرم است. شرم، یکی از صفات مخصوص انسان است؛ و انسان تنها حیوانی است که اصرار دارد، دست کم، بعضی از اندامهای خود را بپوشاند. پروفیسور اسوالد شوارتز، طیب و روان شناس اتریشی می گوید: احساس شرم، یکی از صفات عمده نوع بشر است. هیچ قبیله ی اولیه ای، هر قدر هم بدوی بوده باشد، شناخته نشده است که از خود، شرم بروز ندهد و بجهت های کوچک نیز شرم دارند. در طی دوران رشد بشر و همچنین در خلال رشد افراد، بر وسعت موضوعاتی که مورد حمایت شرم قرار میگیرند افزوده میشود. حمایت، وظیفه ی مخصوصی است که به عهده ی شرم گذارده شده است. کاملاً معلوم است که شرم، قبل از همه چیز از اعضای تناسلی و وظایف آنها حمایت میکند... ادعای پیشرفت و مدرنیزم خرقهای بر تن بیخبری از ارزش های اساسی است؛ و شرم، نخستین قربانی این گمراهی اخلاقی است؛ مثلاً نهضت اعتقاد به لختی، نمونه ی وحشتناکی از این ادعاست. همچنین با توجه به مطالعات تاریخی، انسان در هیچ مقطعی بدون پوشش زندگی نکرده است؛ و این مطلب حاکی از وجود شرم و حیای ذاتی انسان است. از آیات مربوط به خلقت حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش و حجاب استفاده میشود. خداوند در قرآن به انسانها هشدار میدهد که مواظب باشند مبادا همان گونه که فتنه و فریب شیطان باعث برهنگی آدم و حوا گردید، موجب فریب و برهنگی آنان نیز بشود: یا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا. قرآن همچنین از وسوسه ی شیطان برای برهنگی آدم و حوا خبر میدهد: فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا. و بالاخره قرآن از کارایی وسوسه ی شیطان نسبت به آدم و حوا و خوردن از شجره ی ممنوعه و در نتیجه، آشکار شدن زشتیهای آدم و حوا و اقدام آن دو به پوشاندن بدن خود با برگ درختان خبر میدهد: فَذَلَّلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْنَهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ. از تعبیر «ينزع عنهما لباسهما» و «ليبدى لهما ما وورى عنهما من سواتهما» در آیات فوق به روشنی استفاده میشود که انسان قبل از ارتکاب خطا در بهشت دارای پوشش بوده است؛ همچنین از تعبیر «طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْنَهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» نیز استفاده میشود که به دلیل برخورداری آدم و حوا از حیا و شرم فطری، پس از برهنه شدن، فوراً بدن خود را با برگ درختان پوشاندند. البته، علاوه بر عامل فطری که در پیدایش اصل پوشش دخالت اساسی داشته است، عوامل دیگری، مثل محفوظ ماندن بدن از سرما و گرما، گرایش به تجمل و زیبایی، شرایط محیطی، جغرافیایی، قومی و ... در پیدایش تعدد و تنوع و مدل های مختلف پوشش مؤثر بوده اند. ۲- دینی بودن حجاب یکی از احکام مسلم دین اسلام است که اصل آن از ضروریات میباشد و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد؛ بنابراین، به دلیل شدت وضوح دینی و شرعی بودن حجاب و پوشش، نیازی به بحث درباره ی آن نیست. همین دینی بودن حجاب باعث شده تا در تاریخ مبارزه با حرکت های حجاب زدایی، روحانیت و عالمان دینی، در صف نخست این گونه مبارزات قرار داشته باشند. در قضیه ی کشف حجاب به وسیله ی رضاخان، عالمان دینی و حوزه های علمیه، به دو صورت علمی و عملی با آن مبارزه نمودند. مواجهه ی علمی عالمان دینی در نگارش مقالات، رساله ها و کتاب های علمی در تبیین حجاب و فلسفه و فواید آن تبلور یافت. مواجهه ی عملی عالمان دینی در تحمل زندانها، شکنجه ها و تبعیدها تحقق یافت که یکی از نقطه های اوج آن، قصه ی غمانگیز

مسجد گوهرشاد مشهد مقدس است. ۳- آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب بدون تردید، بین آگاهی و اعتقاد بیشتر و عمیقتر زنان نسبت به فواید حجاب و پوشش، و رعایت بیش تر حجاب توسط آنها، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد که نمونه‌ی بارز آن را در حجاب فاطمه‌ی زهرا(س) و دیگر زنان اهل بیت(ع) و اصرار آنان بر حفظ حجاب در شرایط سخت اسارت و اعتراضهای افشاگرانه‌ی آنها در مقابل هتاکیه‌های مخالفان اهل بیت(ع) میتوان مشاهده نمود. نقش آگاهی زنان نسبت به فواید و فلسفه‌ی حجاب، در مقابله با نقشه‌های حجابزدایی استعمارگران در مبارزه‌ی مردم الجزایر با دولت استعمارگر فرانسه و همچنین مقاومت دانشجویان دختر محجبه در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه نیز، قابل توجه است. جلوه‌ی دیگر تأثیر آگاهی زنان بر علیه بیحجابی، قیام زنان آگاه ایرانی در مقابل کشف حجاب رضا خان است چنانکه امام خمینی (ره) در این باره فرموده اند: زنده‌ی ایرانی هم قیام کردند بر ضدش و تودهنی به او زدند که ما نمیخواهیم این طور چیزی (کشف حجاب) را. دکتر مهدی سبحانی نژاد: استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران سیاوش پورطهماسبی: مدرس دانشگاه پیام نور مرکز بيله سوار آذر تاجور: مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد علوم تربیتی منابع ۱- افروغ، عماد(۱۳۸۴)، اسلام و جهانی شدن، تهران، کانون اندیشه جوان. ۲- الیاسی، محمد حسین(۱۳۸۵)، مبانی نظری و عملی رسانه اثر بخش و کارآمد، فصلنامه عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۷، پاییز. ۳- باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه. ۴- پورطهماسبی، سیاوش و آذر تاجور(۱۳۸۷)، رویکرد پست مدرنیستی به حجاب، همایش کشوری حجاب، دانشگاه علوم پزشکی بابل، آذرماه. ۵- توفیقی، حسین(۱۳۸۰)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، انتشارات ۶- جی دان، رابرت(۱۳۸۵)، نقد اجتماعی پست مدرنیته، ترجمه صالح نجفی، تهران، انتشارات شیرازه. ۷- حداد عادل، غلامعلی(۱۳۷۲)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات سروش. ۸- رحیمی نیک، اعظم(۱۳۷۴)، تئوری‌های نیاز و انگیزش، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی. ۹- رضایی زارچی، محمد رضا (۱۳۸۵)، بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران. ۱۰- رفعت جاه، مریم(۱۳۸۶)، هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۳۶. ۱۱- رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۰)، جامعه روستایی و نیازهای آن، تهران، شرکت سهامی انتشار. ۱۲- رفیع پور، فرامرز(۱۳۸۴)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار. ۱۳- ریچارد، فالک(۱۳۷۹)، ادیان توحیدی در عرصه جهانی شدن، ترجمه عبدالرحیم مروودشتی، نشریه گوناگون، شماره ۵۰۴. ۱۴- عابدزاده، حسن(۱۳۷۵)، قانون مجازات اسلامی، تهران، موسسه فرهنگی عابدزاده، ص ۵۳. ۱۵- عادل، عبدالحمید علی(۱۳۸۲)، جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. (عادل، ۱۳۸۲). ۱۶- فاضلی، محمد(۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق. ۱۷- گل محمدی، یحیی (۱۳۸۳)، جهانی شدن و فرهنگ، فرهنگ در عصر جهانی شدن و چالشها و فرصت ها، تهران، انتشارات روزنه. ۱۸- گیدنز، آنتونی(۱۳۸۲)، تجدد و شخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشرنی. ۱۹- لش، اسکات(۱۳۸۲)، جامعه شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر مرکز. ۲۰- مطهری، مرتضی(۱۳۸۲)، مساله حجاب، تهران، انتشارات صدرا. ۲۱- نراقی، احسان(۱۳۵۶)، جامعه جوانان، دانشگاه، تهران، انتشارات امیر کبیر. ۲۲- نوذری، حسینعلی(۱۳۸۰)، پست مدرنیته و پست مدرنیسم. تهران، انتشارات نقش جهان. ۲۳- هوور، استوارت ام. و نات لاند بای(۱۳۸۲)، رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه مسعود آریایی نیا، تهران، انتشارات سروش. ۲۴- anti-Globalization (2002). Held, David and McGrew A.G. Globalization and the Challenge of Postmodernity. London, Routledge. -----

(۱)-Postmodern (۲)-

(۳)-Cronbach (۴)-Utopia (۵)-Internalization (۶)-Conditioned mind (۷)-Hoover & Lanbay

Lach (۸)-Globalization (۹)-Held (۱۰)-Jemson (۱۱)-Monoculture (۱۲)-Pank (۱۳)-Rap (۱۴)-
Metalica (۱۵)-Heavymetal (۱۶)-Rock (۱۷)-Mardock (۱۸)-Falk (۱۹)-Bocock (۲۰)-Marx (۲۱)-
weber (۲۲)-Gidnes

پیامدها و اثرات سوء ابتذال در پوشش و خودآرایی

در این قسمت به برخی زیانها و تبعات سوء بی بندوباری افراد در امور آراستگی و زینت اشاره می کنیم. تا بابتی از علم برای طالبان تحقیق و جستجو گشوده و یا حتی الامکان راهنمایی و ارجاعی باشد جهت مطالعه عمیق تر در مطالب کتب مختلف، امید است این مباحث به گوش افراد مورد خطاب رسیده تا شاید صدقه ای باشد بر ارائه علم آموخته شده مؤلفان کتب و مطالب مفید. «منظور از ابتذال در پوشش؛ خواه پوشیدن لباسهای نازک و بدن نما یا تنگ و چسبان و کوتاه که برجستگیهای بدن را نمودار می سازد، باشد و خواه استفاده از آرایشهای غلیظ و چرب و عطرهاى تند در خارج از خانه، یا لباسهای جلف باشد (که به نظر خودشان شیک پوشی است)، و خلاصه هر حرکتی که شهوت انگیز باشد و توجه به نامحرم را جلب نماید، در این دایره جای دارند.» با وصفی اجمالی از واژه خودآرایی و ابتذال در پوشش اکنون لازم است مجموعه مضرات و پیامدهای سوء این معضل را ارزیابی نماییم و آن را از دیدگاههای مختلف مورد تحلیل قرار دهیم. الف: اثرات فردی (دنیوی، اخروی) ۱- بیماریهای روانی و هیجانات روحی ۲- تباهی شخصیت و پایمال شدن ارزش زن ۳- بی رغبتی به ازدواج ۴- کاهش امنیت زنان و ظلم به زن ۵- گرایش به پدیده ای نو و جدید ۶- بی عاطفگی و قساوت قلب ۱- بیماریهای روانی و هیجانات روحی همانگونه که حضور مناسب و متعادل زنان در جامعه سبب آرامش فکری، روحی و روانی فرد و خانواده می گردد. برهنگی و خودآرایی زنان نیز عامل تحریک آمیز و التهاب برانگیز روحی بینندگان می شود و افراد را تا مرز خودباختگی و انحطاط می کشاند، چراکه التهاب روحی و هیجان افراد به محض دیدن چهره آرایش کرده و پوشش نامناسب زن جوانی افزایش می یابد؛ از آنجا که ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد دلخواه ممکن نیست، لذا باعث برهم خوردن تعادل روحی بینندگان می گردد زیرا موانع اعتقادی و عرفی و اجتماعی و اخلاقی سدّی است جهت برآورده نشدن خواسته دل، ولی اگر این صحنه ها تکرار و تشدید شود، موجبات ابتلاء به بیماریهای روانی، ضعف اعصاب، کم اشتهایی و اختلالات گوارشی و... را در فرد ابتلا و دیگران نیز فراهم می کند. طبق بررسیها و مشاهدات می توان این مطلب را انتزاع نمود که: فردی که نیمی از وقت و هزینه عمر خود را جهت آرایش های جذاب و پوششی جلوه نما صرف می کند مسلماً اگر روزی شرایط و زمینه و یا حتی فضای مناسبی جهت استفاده از اقسام وسایل و ابزار آلات خودآرایی نداشته باشد و یا حتی به طور جدی با این کارش مقابله شود و یا مثلاً با توجه به اقتضای زمان و مکان از این عمل منع شود، دچار پریشان حالی و ایجاد هیجاناتی روانی می گردد زیرا ترک عادت موجب مرض می باشد. ۲- تباهی شخصیت و پایمال شدن ارزش زن عفت و خود نگه داری گوهرهای گرانبهایی هستند که اگر شخصیت زن را در برگیرند همواره ارزشمندتر می گردد زیرا آنچه کمیاب باشد ارزشش بیشتر است، ولی آنچه در دسترس باشد کمتر مورد توجه است. متأسفانه امروزه بر اثر بی عفتی و عریان گرایی، شخصیت زن بدست فراموشی است، یعنی زن را به عنوان فردی محترمه که وظیفه حفظ و نگه داری فرزند و کنترل آرامش خانواده را در دست تصور نمی کنند و نمی شناسند بلکه تنها به جلوه گری ها و خودآرایی وی توجه داشته و ارزش زن را در حدّ یک کالا و جنس پست می دانند او را وسیله ای مناسب برای کامیابی و شهوت پرستی خود قرار داده و بدین گونه تباهی شخصیت می کنند. زنی که تن و اندام خود را به معرض دید همگان می گذارد و آنچه را که مربوط به جنسیت او می شود به مجامع و کوچه و بازار می کشد، در حقیقت می خواهد با تکیه بر زنانگی خویش جایی برای خود در جامعه باز کند، نه با تکیه، بر «انسانیت» خویش. با این وضعیت، زن بودن برایش مهمتر از هر چیزی است. و توجهی به انسان بودن، داشتن اندیشه والا و لیاقت و کارآیی مفید خود ندارد، او دائماً در فکر

چهره پردازی و تزئین خود می باشد و این حقیقت را فراموش کرده که باید نسلی را تربیت صحیح کرده و کانون گرمی را اداره نماید و هرگز حس غمخواری برای هموعان و گرسنگان در او رشد نمی یابد همه این مقولات در تباهی شخصیت و تنزل ارزش زن نقشی مستقیم دارند که همه ریشه در عریانی و فرهنگ خودآرایی مبتذل دارند.» (۱) ۳- بی رغبتی به ازدواج اگر در جامعه ای نگاه کردن و خود را در معرض نگاه دیگران به نمایش گذاردن آزاد باشد، هوی و هوس نیز آزادانه جولان می دهد و همچنین آزادی روابط افراد و افراط در اختلاط بین دختر و پسر همه از میزان علاقه و گرایش فرد به ازدواج می کاهد. استاد مطهری در این زمینه چنین بیان می کنند که: «... علت اینکه جوانان امروز از ازدواج و تشکیل خانواده گریزانند و هر وقت به آنها پیشنهاد می شود، آنها سرباز می زنند این است که؛ امروزه شاهد بی بندوباری و کالا بودن زن هستند و به دلیل کامجوییهای نامشروع در سطحی وسیع و فراگیر دلیلی برای اشتیاق آنها وجود ندارد.» پر واضح است که در سیستم آزاد جنسی، جوان به اقتضای طبع حیوانی و سرشت طبیعی خویش از مهدویت گریزان است زیرا می خواهد در صحنه وسیع به لذات خود نائل شود و هرگاه خواست آن را تشدید و یا تضعیف نماید. ولی چون ازدواج برایش محدودیت آور است لذا هرگز خواهان قرار گرفتن تحت لوای قانون و شرایط خاص نمی باشد و به ازدواج بی علاقه می شود. از جوانی اروپایی پرسیدند: چرا ازدواج نمی کنی؟ گفت: وقتی هر روز شیری تازه می توان بدست آورد چرا گاو تهیه کنیم. (۲) ۴- کاهش امنیت زنان و ظلم به زن بی حجابی و آرایش غریزه جنسی را تحریک و طوفانی می کند، این تحریک و تهیج نه تنها کنترل و هدایت غریزه آتشین جنسی را مشکل می سازد، بلکه مردان را به کانون خطر جدی برای زنان که با خودنمایی و جلوه گری آنها را تحریک نموده اند، تبدیل می کند و امنیت فردی زنان را برهم می کند. شواهد و آمار از جوامع گوناگون خود دلیل متقن بر همین ادعاست. آمار فرهنگ بی حجابی و آرایش و بدپوشی، بیشترین ضرر را متوجه زنان و دختران، ساخته زندگی آنها را با خطرات و مشکلاتی از قبیل: مورد تجاوز قرار گرفتن، ظلم به او و تباهی شخصیت او، همراه ساخته است. (۳) بنابراین ظلمی که در این بین متوجه زن می شود این است که او را هدف نگاههای شوم قرار داده که ظلمی که در آن به زن به عنوان یک انسان، بلکه یک شیء و ابزاری در خدمت تنوع طلبی ها و سودجوییهای مردان رفتار می شود، زیباییهای خدادادی مادران جامعه وسیله ای برای ثروت اندوزی و فروش کالا- قرار می گیرد، و نه تنها در صحنه کار و فعالیت اجتماعی بلکه در عرصه هنر و ادبیات نیز به زن ظلم کرده اند و نگرش آنها به زن در آثار هنری، داستانها، فیلم ها و نقاشیهایشان منعکس کننده همین واقعیت است. (۴) در سایه همه این تأثیرات است که زنان و دختران در جوامع و محافل از نظر شخصیتی و امنیتی از جانب کوردلان ظاهر بین احساس خطر می کنند و آنچه در دنیا مشاهده می شود ظلم به زن را روز به روز افزونتر می کند و ظلم به زن که اشاره شد- زن وسیله تمتع و بهره وری است- سبب شده که زن را آزاد کنند، آزاد بگذارند، تا بیشتر خودنمایی داشته باشد، این چه آزادی است که به زن میدان شکوفایی استعدادها، نهفته بشر که او را به کمال می رساند (آشکار کند) نمی دهند، بلکه جنبه خاص خلقت وی را به شکل غیرقانونی استفاده کرده و او را وسیله استمتاع خویش قرار داده اند. ۵- گرایش به پدیده ای نو و جدید «پسرنمایی دختران» و «دخترنمایی» پدیده ای نو است، از اثرات خودآرایی های غلط و جلوه گری زنان و مردان استنباط می شود. این معزل، پدیده ای متداول در اکثر فرهنگها و جوامع است، از جمله جامعه اسلامی ما، که خود نوعی جلوه گری و جلب توجه نمودن جنس مخالف، و خودآرایی هر دو است برای هم نوایی و همانندسازی از نظر ظاهر با جنس مخالف است که نقش اول آن افراد جوان و غالباً گروههای سنی زیر ۲۵ سال، اعم از دختر و پسر هستند، چراکه جوانان دارای کنجکاوئیهای خاص، تنوع گرایی و از همه مهمتر، روحیه سرکشی نسبت به سایر گروههای سنی جامعه می باشند. «پسرنمایی دختران» پیشینه آن به کشورهای صنعتی برمی گردد و کم کم وارد فرهنگ جامعه اسلامی گردیده و به عنوان آفتی می باشد در زمینه روحی، روانی و ایجاد شخصیتی دو گانه که در ابتدا زیبا جلوه گری کرده ولی به مرور زمان تأثیرات مخربی به فرهنگ و نحوه حضور زنان در جامعه ایجاد می کند. در جوامع دینی، علاوه بر آنکه موجب سست شدن پایه های خانواده می شود به دلیل

مغایرت با اعتقادات بسیار مفسده آور است. زیرا پسرنامی دختران تنها تغییر مدل لباس و خودآرایی ظاهری آنها نیست (از قبیل کوتاه کردن مدل مو، سخن گفتن و نحوه برخورد با یکدیگر) بلکه این قشر، دچار تغییر شخصیت گشته و در واقع پذیرفتن نقشهای اجتماعی متناسب و وظایف آنها که در آینده با آن مواجه می شوند، برایشان غیرممکن و سنگین می آید و مهمترین علت گرایش افراد به این رفتار، نحوه رفتار و تربیت فرزندان دختر و پسر و واقعیات موجود در جامعه که سبب الگوپذیری غلط آنها گردیده است، می باشد. اگر بخواهیم تأثیرات منفی این پدیده را ارزیابی نماییم، باید نظر صاحبانظران را مقدم بداریم که عنوان نموده اند که: در حال حاضر، پاره ای هنجارهای مغایر با شئون جامعه اسلامی در واقع واکنش به تصمیم گیریهای غیرمسئولانه و بی توجهی هاست، این پدیده به سبب وجود دشمنان قسم خورده و شکلهای دیگری از گروههای ضد فرهنگ و ضد هنجار نیز در جامعه پدید آمده است که تغییر در نحوه پوشش و تزیین های مختلف مخالف با شئونات اسلامی است. پس تأثیرات و مضرات خودآرایی در ابعاد گوناگون این پدیده نقش دارد که می توان آنها را علت و معلول یکدیگر دانست و از آنجا که زن و مرد از دو جنسیت مخالف ولی مکمل یکدیگر خلق شده اند یک سری وظایف و حدوداتی در زمینه های اخلاقی و رفتاری دارند که عدول آنها از وظایف، تأثیرات سوئی بر عواطف، شخصیتها و روال آرام زندگی می گذارد. علاوه بر آنکه اسلام پوشیدن لباسهای جنس مخالف را به صراحت نفی نموده است، لباسها و پوشش و آرایش دشمنان را نیز جایز نمی داند و چه بسا اینکه آنها را جزء لباسهای حرام (استفاده آن) می داند. امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) همواره از شبیه شدن مرد به زن و زن به مرد در پوشیدن لباس نهی می فرمود.» (۵) اما لباس دشمنان؛ سبب می شود کم کم اخلاق، فرهنگ و خلق و خو و حتی اعتقادات آنها را تقلید کنند. این مشکلات از طریق های مختلف بوجود می آید از جمله: استفاده ناصحیح از ویدئو، سی دی ها و سایتهای انحرافی راجع به نوع پوشش، آرایش و زینت و شبکه های اینترنتی از جمله عوامل گرایش های جوانان به تیپ و لباسهای جنس مخالف می باشند. (۶) بی عاطفگی و قساوت قلب جلوه گری بی پرده زن در برابر مرد سبب ایجاد بی عاطفگی و قساوت قلب می گردد. وجود زن که مظهر مهر و عاطفه است و دامنش مهد پرورش نسلهای آینده است باید خالی از هر شائبه و ناهنجاری باشد، زیرا فرزندی که در محیط ناسالم عاطفی رشد یابد، جاننش از زلال محبت سیراب نگردد، به عنوان عضوی مضر است که سربار جامعه و افراد دیگر می باشد. فرهنگ برهنگی و خودآرایی، گاهی عامل محرومیت فرزندان از نعمت وجود مادر هست زیرا این پدیده گاهی زن را از مقام یک مادر یا همسر شایسته فرود می آورد و عواطف وی را می میراند و بسیاری زنانی که صرفاً به خاطر حفظ زیبایی ظاهری و خودنمایی، کودکان خود را از طبیعی ترین حقوقشان، یعنی تغذیه با شیر مادر محروم می کنند و آنان را به خوردن شیر خشک که علاوه بر زیانهای جسمی، نیازهای عاطفی کودکان را برآورده نمی کند و سبب می شود فرزندان بیچاره ساعتها بدون مادر و در خانه تنها بسر برند و از آن طرف، مادران آنها تا ساعتها از شب به پرسه زنی در خیابانها و... می پردازند. (۷) تهیه و تنظیم: صدیقه جنگجو (۱) ستار هدایتخواه، زیور عفاف، ص ۱۰۷. (۲) . اسدالله محمدی نیا، بهشت جوانان، ص ۱۵۲. (۳) . یوسف علی پور باغبانی نژاد، و اصغر رضایی، حجاب، آزادی یا اسارت، ص ۱۹۱. (۴) . ستار هدایتخواه، زیور عفاف، ص ۱۱۷. (۵) . یوسف علی پور باغبان نژاد، و اصغر رضایی، حجاب، آزادی یا اسارت، ص ۷۲، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۵. (۶) . ابوالفضل بهنام، چشم اندازی به یک پدیده نو پیدا، ص ۱۱۵ و ۱۱۸. (۷) . ستار هدایتخواه، زیور عفاف، ص ۹۳.

بد حجابی و عوارض آن

۱- عدم آسایش خانواده دانستیم که حجاب حافظ وقار، شخصیت، کرامت، اصالت و عظمت زن و حافظ زیبایی و منافع او برای شوهر است. گرمی خانواده ها، استحکام رابطه زن و شوهر، تداوم زندگی، آرامش قلوب مردان، ثبات دلبستگی و عشق و علاقه مرد به همسر قانونی و شرعی خود، برپایی خانه و خانواده، برجایی اعتماد و اطمینان مرد به زن، همه و همه مرهون پوشش و حجاب

زنان مملکت است و اینکه مردان زیبایی چهره و زینت و زیور زنانه غیر از زن خود را نیندند. مردان اگر به راحتی و به آسانی در تمام صحنه های اجتماعی دسترسی به زنان داشته باشند، ضمانتی برای اثبات محبت و دل بستگی آنان به همسرانشان نخواهد بود. تحریک هوی و هوس و شهوات، آنان را از زندگی خود دلسرد و خود کلنگی برای خراب کردن کانون گرم خانواده خواهند شد. تا کنون بی حجابی زن باعث گمراهی میلیونها مرد، و به گناه افتادن دیگران و پیدا شدن هیولای طلاق در خانواده ها، و پدید شدن عشق مرد به زن شوهردار و روابط نامشروع شده و همانطور که یهودیت و مسیحیت می خواسته علت خروج بسیاری از مردان و زنان از عرصه گناه ملکوتی اسلام و دینداری شده است. عوارض بد حجابی و بی حجابی و آزادی زن در روابط با هر که دلش بخواهد یکی دو تا نیست و محصولات تلخ این مسئله عددی کامپیوتری است. مردان با دیدن این مناظر دست از همسران خود کشیدند و به قول معروف از زیر بار مخارج خانه که مسئولیتی بر دوش آنان بوده فرار کرده و برای ارضاء خود روی به بازار آزاد آوردند و جوانان بی زن چون فرونشاندن شعله شهوت را ارزان دیدند، از تشکیل زندگی و ازدواج سرباز زده، دنبال چشم چرانی و صید ناموس مملکت رفتند، بدین گونه نظام خانواده در غرب و در مقلدان شرقی آنان از هم پاشید و اوضاعی شبیه اوضاع جنگل پیش آمد. (۱) ۲- یک روایت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به حضرت مجتبی علیه السلام و در حقیقت خطاب به تمام مردم فرمودند: محرم نامحرم را جداً مراعات کن، زیرا این برنامه برای تو و همه زنان نامحرم مصونیت از افتادن در خیال گناه و خود گناه است، و اگر قدرت داری زنان خانواده تو مردی غیر تو را نشناسند، این برنامه را انجام بده. (۲) ۳- واقعیتی بهت آور در روزنامه پرتیراژ کیهان که شماره آن را به خاطر ندارم خواندم: خانم جوانی، نمونه همانها که در روایت امیرالمؤمنین آمده، بر اثر آزادی از سبک غربی و به خاطر آمد و رفت دوستان شوهرش به خانه، و در معرض بودن وی با سر برهنه و نیمه عریان و رفت و آمد به مجالس مختلط از مرد و زن، با داشت که دختر بچه سه ساله، دل به جوانی بست و در آرزوی رسیدن به او برآمد، جوان غرق در شهوت و هرزه و بی دین که زن جوان شوهردار بیشتر باعث تحریک او شده بود، به زن گفت این کودک مانع برنامه ماست، باید از میان برداشته شود!! نزدیک به چهارماه در رابطه با طفل معصوم بین عاشق و معشوق از خدا بی خبر، و آن دو حیوان صفت، درگیری بود. به ناچار مادری که کانون مهر و عاطفه و منبع رحمت و رأفت آفریده شده، بر اثر شهوت و میل به آغوش دیگران هویت مادر بودن را فراموش کرد و دخترک موطلائی و زیبا و بی گناه را به حمام خانه برد و او را با دست جهنمی خود خفه کرد تا مزاحم شهوت و شهوترانی از میان برداشته شود و جوان نامحرم آلوده ای برای چند لحظه به کام دل برسد و زن شوهرداری در کمال بی عفتی برای چند دقیقه به لذت جنسی دست یابد، و تا ابد دامن آلوده کند، و شوهر بیچاره را برای همیشه به داغی سوزنده و مصیبتی جانکاه دچار نماید. اگر شوهر این زن غیرت به خرج می داد و از اینکه زن جوان زیباییش آزاد در دسترس هر دیده ای قرار بگیرد و همه بتوانند او را در زیبایی و زینت و عشوه گری و طنازی بینند مانع می شد، طفلی بی گناه کشته نمی شد، داغی دائمی بر دل پدر قرار نمی گرفت، زن شوهرداری دامن عفتش برای همیشه لکه دار نمی گشت، جوانی به این صورت به بدبختی و بیچارگی دچار نمی شد و کانون گرم خانواده ای جوان و تازه ازدواج کرده از هم نمی پاشید. (۳) ۴- عواقب بدحجابی ۱- ضایع کردن حق شوهر: خداوند سبجان بدن و اعضای آن را به عنوان امانت به ما داده است و صاحب اصلی خداوند بزرگ است. زینت و زیبایی زن که از نعمت و امانت حق تعالی محسوب می شود نیز پی از ازدواج مربوط به شوهرش است نه اینکه آن را در معرض دیدگاه عموم قرار دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو و آرایش کند، خداوند نماز او را قبول نمی کند، تا اینکه برای پاک ساختن خود از آن، غسل کند چنانکه خود را از جنابت، غسل می دهد. (۴) ۲- محروم از محبت: زن هرچه عفتش بیشتر باشد در قلب مرد بیشتر جای دارد و زن بی بند و بار چون ترس از خداوند در دلش نیست و عفت ندارد نمی تواند محبت شوهرش را به دست آورد. ۳- آفت تحصیل علم: هرچه قدر زن، عفت بیشتری داشته باشد، در تحصیل علم موفق تر می باشد. ۴- تباهی شخصیت: کمبود تربیت و شخصیت و محبت را نمی توان با عشوه و ناز و کرشمه و با نگاه کردن مردم به دست

آورد، جز آنکه آدمی روز به روز از نظر روحی افسرده و ناامیدتر و از لحاظ جسمی زشت تر، و از نظر اجتماعی مورد تنفر انسانهای مؤمن قرار خواهد گرفت. زن بدحجاب به جای اینکه عفت را که ارزش زیادی دارد حفظ کند تا مردم با عزت و احترام به سراغ او بیایند، با بدحجابی و نشان دادن خود به دیگران، خویش را بی ارزش می کند. ۵- اضطراب بی پایان: آنگاه که اصل و کمال در انسان لباس و مدپرستی باشد هر چه می بیند، می خواهد و دائم به فکر تهیه آن است و چون آماده کردن آنها مشکل و گاهی نامقدور است، روح او همیشه مضطرب و پریشان است و مانند کسی است که گم کرده خود را پیدا نمی کند. (۵) ۵- خنده فرشتگان در عالم قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت جبرئیل علیه السلام سؤال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود، بله، (یکی از آن جاهایی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجاب و بدحجابی می میرد، و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهر) از خود غیرت نشان ندادند و او را پوشاندند ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می پوشانند. (۶) گردآورنده: مرضیه پور باقر مهنه پی نوشت: ۱- نظام خانواده در اسلام. ۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۴. ۳- نظام خانواده در اسلام، ص ۲۶۷. ۴- اصول کافی: ج ۶، ص ۵۰۷. ۵- بهشت جوانان: ص ۱۷۶. ۶- همان، ص ۱۷۲.

عروسک های کاغذی

فاصله گرفتن از خانواده و نزدیک شدن به اجتماع غریبه دوستان و همکلاسی ها، پیامدهای بسیاری دارد. انکار قانونمندی ها و اصول سنتی خانواده یعنی قبول و پذیرش الگوهای جدید اجتماع بیرون از خانواده، دختران دبیرستانی بیشتر و زودتر از پسران هم سن و سال خود شیفته مظاهر دل فریب جهان بیرون می شوند. حس غریزی زیانمایی، دختر را بسیار زودتر از پسر به تلاش و می دارد؛ تلاشی که بتواند چهره او را بهتر و کامل تر از آنچه هست، نشان دهد، معمولاً خواسته ها و سلیقه دختر یا آنچه پدر و مادر از او می خواهند، هماهنگ نیست. چرا که دختر از همان سال های آغازین نوجوانی، دوستان و نزدیکان دیگری برای خود دست و پا کرده است. بنابراین ریشه تفاوت ها و تضادهای او را با خانواده اش باید در همان الگوهای تازه یافته، جستجو کرد. دوستی های عاشقانه میان هم شاگردی ها سبب می شود آنها به دقت رفتار و گفتار یکدیگر را مورد ارزیابی قرار دهند. البته این ارزیابی نه به معنای انتقاد از رفتارهای غلط همدیگر، که به معنای « تقلید » از هم است. دوستان صمیمی که گاه پیمان خواهری با یکدیگر می بندند، مقلد خرده رفتارهای هم می شوند. هر چند ممکن است در بسیاری موارد این تقلید، یک طرفه و یک جانبه باشد. بی تردید دختران در سنین نوجوانی و آغاز جوانی به شدت تحت تاثیر جلوه های بیرونی هستند. جهان بیرون، آنها را فریفته و شیدای خود می کند آنها مبهوت زیبایی های تازه جهانی می شوند که هیچ شباهتی به توصیه های والدین ندارد. ممنوعیت و محدودیت اعمال شده از سوی پدر و سختگیری های خیرخواهانه مادر، اشتیاق دختر را برای یکی شدن با جلوه های رنگارنگ و تازه به تازه دنیای پیرامون، بیشتر می کند. « مد » یکی از همان الگوهای بیرونی است که به آسانی و بی هیچ زحمتی به خانه ها راه می یابد. فرزندان جلوه های تازه مد را از کوچه و خیابان و مدرسه به خانه می آورند. رسانه ها نیز در این میان نقش موثر خود را به خوبی بازی می کنند. اما پدر و مادر به راحتی در برابر هجوم بی امان مدزدگی تسلیم نمی شوند. بحث های خانوادگی که معمولاً پرتنش و تشنج آمیز هم هست، بیشتر درباره مدل مو و رخت و لباس بچه هاست. والدین همه مسیرها و همه راهها را امتحان می کنند تا الگوهای آشنایی سنتی را تحمیل کنند. ترغیب و تشویق به استفاده از الگوهای خودی خانواده و تحقیر مدهای عجیب و غریب و خنده دار، یکی از آن راههاست. چاره بعدی، تهدید و تنبیه است که تجربه و علم ثابت کرده اند همیشه بی حاصل است. دخترهای خانواده های متوسط - چه از نظر فرهنگی و چه از نظر اقتصادی - معمولاً ویژگی های زندگی طبقه اجتماعی خود را نمی پذیرند. شاید بهتر

است بگوییم آنها شیوه زندگی را برانزده شخصیت اجتماعی خود نمی دانند. طبقه اجتماعی خانواده یک دختر را نمی توان با ارزیابی شیوه های رفتاری، گفتاری و نوع پوشش دختر در اجتماع (دبیرستان، دانشگاه، خیابان ...) معین کرد. «تیپ» اجتماعی دختر در بیشتر موارد با طبقه فرهنگی و حتی اقتصادی خانواده اش متفاوت است. این تفاوت در میان دختران اقشار متوسط و پایین تر از متوسط به خوبی قابل مشاهده است. رسانه هایی چون تلویزیون، سینما و نشریات مختلف، زمینه های آماده و جذابی برای دختر است. امروزه، تلویزیون و مجموعه های داستانی رنگارنگش دم دستی ترین الگو برای نوع لباس پوشیدن، مدل اتومبیل و مبلمان و آداب معاشرت است. بی میلی دختر نسبت به آداب سنتی و بیزاری از الگوی تحمیلی مادر و پدر، تاثیرپذیری او را از الگوهای بیرونی دو چندان می کند. عاملی که تاثیر پذیری دختر را از جهان بیرون، نسبت به برادرش شدت می بخشد، ویژگی های شخصیتی و ذاتی است. مهارت های کلامی دختر بچه ها از همان دوران کودکی، سبب می شود آنها زودتر از پسرها با دنیای اطراف ارتباط برقرار کنند. توانایی های اجتماعی زود هنگام و میل مهار ناپذیر دختر به دیده شدن و البته زیبا به نظر رسیدن، مهم ترین عاملی است که دختر را بسیار زودتر از پسر به سوی اجتماع و هیاهوی پر زرق و برق آن می کشاند. بنابراین بسیار طبیعی است که دخترها زودتر از پسرها به دنبال شکل های جدید و مدهای تازه راه بیفتند. در واقع می توان گفت مدگرایی افراطی دختران نوجوان ریشه در طبیعت متفاوت آنها دارد. تنها مسئله ای که باید بدان، پرداخت مسئله مسخ تدریجی دختر نوجوان و یکی شدن با جلوه های ظاهری متنوع است. آنچه خانواده ها را نگران سر وضع دخترشان در کوچه و خیابان می کند، پیروی موقتی دختر از جریان گذرای مد نیست. اشتیاق هر از گاه به آنچه جریان مداوم مد عرضه می کند، شوقی طبیعی و بی خطر است. آنچه هم خانواده و هم صاحب نظران جامعه شناسی را نگران می کند، فرو رفتن در این جریان است. «تابع» مد شدن و چشم به راه تازه های مد ماندن به اعتیادی بدل می شود که فرصت اندیشیدن را از انسان مد زده می گیرد. مد یک سرگرمی ظاهری است که پرداختن بیش از حد به آن، سبب می شود «روح» به عنوان جنبه بنیادین و برتر هستی آدمی به فراموشی سپرده شود. آرایه های ظاهر، زیبایی های دست نخورده باطن را پنهان می کند و رفته رفته آدمی را به یک صورتک زیبا مبدل می کند؛ صورتکی که پشت آن یک تهی بزرگ نهفته است. دخترک نوجوانی که به مد روز بودن لباس و آرایش صورت خود به عنوان یک ضرورت نگاه می کند، ضرورت حیاتی آراستگی های جان و روح را فراموش می کند. او در گذر زمان به یک دست لباس مضحک و یک صورتک رنگ آمیزی شده تبدیل می شود از او به عنوان یک انسان، همین رنگ ها و همین رخت ها باقی می ماند. نیرنگ رنگ، عاقبت سیرت را مغلوب صورت می کند؛ و چه حماقت بزرگی است و چه ضرر و زیان بزرگ تری است که آدمی اسیر نیرنگ «رنگ» شود!

ریشه های بدجبابی

مسایل و معضلات کنونی درباره حجاب، معلول متغیرهای روانی و اجتماعی متعددی است. نمی توان شیوع بی حجابی در جامعه را تنها به یک یا دو عامل خاص نسبت داد و برخوردی سطحی و عوامانه با این فرایند پیچیده اجتماعی کرد. مطلب در این نکته نهفته است که امروزه به روشنی دریافته ایم که در مواجهه باید در گام نخست، ریشه ها و سرچشمه های شکل گیری این پدیده اجتماعی را یافت و درباره هر یک و رابطه آن با دیگر عوامل و نقش و وزن آن ها تأمل علمی کرد. اگر از همان ابتدای ظهور این پدیده نابهنجار اجتماعی - که شدت و فراگیری چندانی نداشت - مسئولانه و عالمانه در این باره تأمل و تصمیم سازی می شد، هرگز شاهد شدت یافتن روزافزون آن و تبدیل شدنش به یک معضل اجتماعی نمی بودیم و در موقعیت فعلی قرار نمی گرفتیم شاید اگر حرکت های اخیر در مورد مقابله با گسترش بدجبابی صورت نمی پذیرفت، در آینده ای نه چندان دور، بدجبابی به صورت پدیده ای عادی و بهنجار درمی آمد و نظامات و معادلات ارزشی و هنجاری جامعه، واژگون می شد. نگارنده قصد دارد در این

مجال محدود، گام نخست مذکور را بردارد و به شناسایی و تبیین برخی از دلایل و زمینه های شکل گیری پدیده بدحجابی در جامعه پردازد. در این نوشتار دلایل و زمینه های خرد بدحجابی را بررسی می کنیم: ۱- ناآگاهی و نقصان معرفتی طبیعی است که سهمی از پدیده بدحجابی، به جهل و ناآگاهی بدحجاب ها باز می گردد؛ به این معنی که برخی از این افراد، از معارف و تعالیم اسلامی بهره چندانی نبرده اند و نمی دانند که حجاب اسلامی، دارای چه حدود و قیودی است. در تصور اینان، حجاب فعلی شان در تضاد با شریعت نیست. ۲- فساد اخلاقی گروه دیگری از افراد بدحجاب وجود دارند که اساساً تقیدی به احکام و ارزش های دینی ندارند؛ زیرا کاملاً ولنگار و بی بندوبارند و هدف آن ها از نوع پوشش شان، انجام رفتارهای ضد اخلاقی است. ۳- جامعه پذیری افراطی افرادی وجود دارند که از خود، اراده و شخصیتی ندارند و همچون مایعات که در هر ظرفی ریخته شوند به شکل آن ظرف در می آیند، دارای شخصیت سیال و متأثر از جامعه اند. دلیلی که این عده برای نوع پوشش یا الگوهای رفتاری خود ارایه می کنند، تبعیت از جامعه و همرنگی با آن است. اینان یا واهمه ندارند مقابل برخی الگوهای غیرارزشی رایج در جامعه مقاومت کنند- چون توان ایستادگی در مقابل تحقیر دیگران را ندارند- یا اساساً هر نوع تحول اجتماعی را پیشرفت می شمرند و علاقه دارند تا به همراه جامعه، مرتباً رنگ عوض کنند و نو به نو شوند. ۴- بیماری های روحی و روانی بعضی افراد بدحجاب، مبتلا به امراض روانی از قبیل افسردگی اند. این افراد به دلایل روانی، علاقه دارند جلب توجه کرده و از دیگران تایید بگیرند. یعنی دیگران آن ها را بپذیرند یا نوعی سرگرمی رفتاری برای خود ایجاد کنند. ۵- به تأخیر افتادن ازدواج دخترانی که در سن ازدواج قرار گرفته اند یا آن را سپری کرده اند اما کسی از آن ها خواستگاری نکرده و نتوانسته اند ازدواج کنند، به قصد یافتن فردی برای ازدواج و از طریق در معرض انتخاب قرار دادن خود، با حجاب نامناسب پای به جامعه می گذارند. روشن است که در چنین افرادی، عنصر ایمان دینی و اخلاق، آن چنان نیرومند نیست که آنان را از بروز این رفتارها بازدارد. (رحیم پورازغدی- چند پرسش درباره حجاب و برهنگی).

۶- میل به تبرج در نهاد زن اساساً میل به تبرج و خودآرایی در درون زنان وجود دارد، همچنان که میل به چشم چرانی در مردان شایع تر است. براین اساس، غریزه گرایش به جلب توجه و شاخص بودن، زنان را وادار به خودآرایی در جامعه می کند. افرادی که تحت تربیت دینی قرار نگرفته اند و التزام به رعایت ارزش های دینی ندارند، در برابر بسیاری از امیال غریزی و حیوانی خود ناتوان هستند و میل به تبرج نیز از همین سنخ است (شهید مطهری- مسأله حجاب). ۷- برانگیختگی غریزه جنسی در برخی از جوانان که امکان ازدواج ندارند و به صورت موقت، مجرد هستند؛ گاهی غریزه جنسی در اثر محرک های بیرونی، به شدت فعال و نیرومند می شود و فرد را وادار می کند تا به نوعی، آن را ارضاء کند. می توان ادعا کرد که در جامعه کنونی ما، حجم قابل توجهی از پدیده بی حجابی و بدحجابی، معلول مستقیم وجود همین عامل است. برای روشن شدن ابعاد متنوع این عامل، به برخی از محرک های غریزه جنسی که جوان را به سوی انتخاب رفتارهای ضد ارزشی سوق می دهد اما در این نوشتار تنها به عامل نگاه که اصلی ترین محرک غریزه جنسی است می پردازیم. در روایتی آمده است: «نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت را در قلب می پاشد و همین موضوع برای این که صاحبش را در فتنه بیندازد کافی است.» (وسائل الشیعه جلد ۱۴ ص ۱۳۹) در روایات دیگر نیز این مضمون مورد تأکید قرار گرفته است: «آن که نگاهش را مهار کند، دلش را آسوده ساخته است» (غررالحکم ص ۲۶۰) «نگاه به نامحرمان، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است» (کتاب النکاح ج ۵ باب ۱۰۴) «آن که چشم خود را آزاد نهد، تأسف و اندوه وی بی پایان است» (اصول کافی) «بسا نگاهی که حسرتی طولانی را به دنبال آورد.» (بحارالانوار جلد ۸). این روایات، ناظر بر این معنا است که فرد با نگاه کردن - به قصد التذاذ جنسی - به نامحرمان، میل جنسی خود را بیدار و فعال می کند، در حالی که به موضوع نگاه، دسترسی ندارد. بدین ترتیب، فرد دچار تنش روانی و فشار غریزه می شود. در این حال، بروز رفتارهای نابهنجار جنسی از وی، دور از انتظار نخواهد بود. مهدی جمشیدی

مقدمه بشر با توجه به اهمیتی که برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه هم ارزش می‌نهد و بیماری جامعه را بیماری خود می‌داند؛ هم‌چنان‌که تلاش می‌کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور پرهیزد و یا از واکسن‌های پیش‌گیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را به‌کار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری‌های اخلاقی و روانی پرهیز دهد تا دیگر افراد جامعه به رشد، تعالی و سعادت برسند. بدجبابی از مسائلی است که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند. پوشش نامناسب پی‌آمدها و آثار جبران‌ناپذیری در فرهنگ، اخلاق، اعتقاد، اقتصاد و امنیت جامعه دارد که گاه مسیری انحرافی و بازگشت‌ناپذیری پدید می‌آورد. این نگارش آثار و پی‌آمدهای گسترش بدجبابی را از دو منظر فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌کند. فرهنگ هر جامعه‌ای از جنبه‌های گوناگونی تشکیل یافته است. جنب‌های هنجاری فرهنگ جامعه، از ارزش‌ها و قواعد خاص رفتاری تشکیل می‌شود. هنجارها نشان می‌دهند که چه چیزی ارزش و ضد ارزش است؛ مانند شیوه‌های پوشش برگرفته از فرهنگ آن جامعه. تلقی بد از بدجبابی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب، در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می‌گذارد. قبل از هر چیز باید فرهنگ را تعریف کنیم تا آثار و پی‌آمدهای گسترش فرهنگ بدجبابی روشن شود. معروف‌ترین تعریف از فرهنگ از تایلور انسان‌شناس معروف انگلیسی است. او می‌گوید: فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دانش، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسم و هر استعداد و عادت دیگری را که بشر به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند، شامل می‌گردد. کلارک نیز می‌گوید: تمامی مظاهر و شئون زندگی یک ملت را فرهنگ آن ملت تشکیل می‌دهد. بنابراین، رفتارهای اجتماعی معجونی از آن‌چه جامعه از علم و دانش، باورها و مسائل اخلاقی کسب می‌کند و قوانینی است که از دین و آیین افراد سرچشمه می‌گیرد. در کنار این‌ها، برخی رسوم و عادات اجتماعی، در طول زمان سهم بسیاری در شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه دارند که هسته اصلی حیات اجتماعی را به وجود می‌آورند و در الگوهای رفتاری و هنجارهای فردی و اجتماعی بسیار تأثیرگذارند. آثار و پی‌آمدهای فرهنگی بدجبابی عبارتند از: الف) واژدگی در برابر فرهنگ بیگانه داد و ستد فرهنگی مفید است، بلکه برای هر جامعه‌ای لازم به نظر می‌رسد. تجربه نشان داده که تعامل یا تبادل فرهنگی از عوامل بالندگی و پویایی جوامع است. حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. اما در دنیای کنونی، فرهنگی که قادر نباشد عناصر فرهنگی مفید را جذب و عناصر غیر مفید را دفع کند و در الگوهای مختلف اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشد، فرهنگ مهاجم با الگودهی آن را تخریب می‌کند؛ ارزش‌ها و هنجارهای آن را نادیده می‌انگارد و با غلبه و تهاجم، ارزش‌ها و الگوهای مورد نظر خویش را جای‌گزین می‌کند تا در این ره‌گذر به اهداف خود دست یابد. بنابراین، فرآیند بدجبابی، مقدمه تهاجم گسترده‌تر به فرهنگ مقابل و شکستن هنجارها و جای‌گزین ساختن هنجار مورد نظر فرهنگ مهاجم است. چنین جامعه‌ای به نظر اسپنسر، جامعه‌شناس معروف، قدرت دفاعی خود را از دست می‌دهد و در مقابل بیماری‌ها، قدرت مقابله و دفاع ندارد و با ورود کوچک‌ترین عامل مخرب، از بین می‌رود. احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و بی‌هویتی اجتماعی، زمینه‌ساز پذیرش تهاجم فرهنگی است. بنابراین، جامعه‌ای که دچار تهاجم فرهنگی گردد و تغییرات اجتماعی در آن سریع صورت گیرد، ارزش در آن جامعه ناپایدار است و هنجارشکنی در آن مرسوم می‌شود و در برابر فرهنگ بیگانه همیشه از خود واژدگی نشان می‌دهد و در نتیجه، بحران‌زا می‌گردد. سوغاتی که بدجبابی به همراه دارد، تنها پوشش نامناسب نیست؛ بلکه ترویج لباس‌های نامناسب، بزک کردن‌ها و... را به دنبال دارد. در نتیجه، افراد متحمل بسیاری از الگوهای دیگر از فرهنگ بیگانه می‌شوند. ب) سلطه بیگانگان و تأمین منافع آنان هر جامعه‌ای در پی آن است که به ارزش‌های خود پابندد و جامعه خود را از فرهنگ‌های بیگانه مصون نگه دارد تا افراد از سلامت و ثبات لازم برخوردار باشند. چنین جامعه‌ای سریع‌تر می‌تواند به اهداف خود برسد و آرمان‌های خود را عملی

سازد. بنابراین، استعمارگران در جایی که بینند جامعه‌ای مطابق با منافع، اهداف و خواسته‌های آنها پیش نمی‌رود. برای رسیدن به منافع خود و چپاول آن، غیرمستقیم طرح‌هایی می‌ریزند تا افراد را مشغول و سرگرم کنند و به اهداف شوم خود برسند. مانند ترویج بدحجابی و بی‌حجابی است. در طرح استعماری انگلستان به مأموران خود چنین آمده است: باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی، ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند.» رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: این چیزهایی که شما می‌شنوید درباره مبارزه با دختران محجبه در فرانسه، اینها جرقه‌هایی است؛ آتش‌های زیر خاکستر است و از یک کار عظیم پشت پرده خبر می‌دهد. به راستی، دشمنان انقلاب اسلامی در تهاجم به ارزش‌های مقدس ما می‌خواهند تقدس‌زدایی کنند. آن‌گاه به اهداف شوم خود برسند. ج) گسترش فساد و تباهی «ارزش‌های جامعه، آن دسته از عوامل و عناصری هستند که اکثریت یک جامعه به اعتبار و اهمیت آنان ایمان دارند و بدان‌ها ارجح می‌گذارند.» در جامعه‌ای که حجاب، متانت، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود، به بینش و باور خویش سرایت می‌دهد و از طرفی نه تنها زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌سازد و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن، روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و خود و اجتماع را به تباهی و فساد و بالاخره به ضد ارزش‌ها می‌کشاند. زمانی این سؤال مطرح بود که بر اساس روایات، در آخرالزمان زنان پوشیده ولی برهنه‌اند. این پارادوکس را چگونه می‌شود حل کرد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: *يُظَهَّرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَرْمَنِهٖ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٌ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ مُسْرِعَاتٍ وَ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحَلَّاتٍ الْمُحَرَّمَاتِ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ*؛ در آخرالزمان که بدترین زمان‌هاست، زنانی هستند که پوشیده اما برهنه‌اند و از خانه با خودآرایی بیرون می‌آیند. اینان از دین بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها وارد شده و به شهوات تمایل پیدا کرده‌اند و به کوی لذات نفسانی در شتابند و حرام‌ها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند. بنابراین، امروزه پاسخ این سؤال پاسخ روشن شده است که بعضی زنان پوشش دارند ولی بدحجاب یا بی‌حجابند، پوشش دارند ولی عریان و برهنه‌اند. چنین مسائلی آدمی را از ارزش‌ها دور می‌سازد و در فتنه‌ها وارد می‌نماید و از همه بالاتر گاهی از دین خارج می‌کند. (د) افت تحصیلی و آموزشی فرهنگ هر جامعه‌ای، به آموزش‌های آن بستگی دارد. هر قدر آموزش‌ها از غنای بیشتری برخوردار باشد، فرهنگ آن جامعه بالاتر خواهد بود. نخبگان و فرهیختگان، در پرتو تحصیلات شناخته می‌شوند. جامعه‌ای که دانش‌مندان آن بیشتر باشد، معمولاً از تمدن بالاتری برخوردار است و پویایی در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً مشاهده می‌شود. خلاصه، پیشرفت هر جامعه‌ای در گرو آموزش آن است. دختران و پسران اگر در کنار تحصیل، دل مشغولی‌های دیگری داشته باشند، از تحصیل باز می‌مانند و وقت زیادی از فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلی آنان به هدر می‌رود. بسیاری از مشاوران از صحبت‌های دختران و پسران جوان درباره مدهای روز و آرایش‌های جدید گله‌مند هستند. نمی‌خواهیم بگوییم دختران و پسران باید در دانشگاه‌ها کاملاً از هم جدا باشند و دیواری بین آنها کشیده شود. اگر اینها فضای آموزشی را رعایت کنند و محیط را محیط درس بدانند و از آن‌چه برانزده فضای آموزشی نیست پرهیز کنند، بسیار تحسین برانگیز خواهد بود. به گفته مربیان تربیتی، در مدارسی که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و بی‌مسئولیتی به خوبی مشاهده شده است. زیرا دختران در چنین محیطی، با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند و تمرکز ذهنی و روحی را از آنان می‌گیرند و باعث افت تحصیلی آنان می‌شوند و خود نیز دیگر حوصله درس خواندن ندارند و تمام حواسشان به لباس و نوع پوشش است. روح مطالعه و تحقیق در آنها خاموش می‌شود و افت تحصیلی پیدا می‌کنند. ه)

تضعیف اعتقادات دینی در جامعه جامعه‌ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در سایه ایمان، در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌ماند و دشمنان نمی‌توانند در صفوف آن رخنه کنند و نقشه‌های آنان نقش بر آب می‌شود. این جامعه که دل به خدا سپرده و سرانجام زندگی را رسیدن به خالق خود می‌داند، دل به دیگری نمی‌سپارد و عقاید خود را متزلزل نمی‌کند. در این جامعه، حجاب و پوشش جزء احکام مسلم دین و مذهب به شمار می‌رود و زنان حاضر نمی‌شوند خود را به زینت‌های زودگذر و دنیایی مزین کنند و در پرتو آن عقاید دیگران را متزلزل نمایند و خود نیز زمینه‌ساز فساد در جامعه شوند. تظاهر به بدحجابی نشانه پای بند نبودن و بی‌مبالاتی فرد به احکام و اعتقادات اسلامی است؛ زیرا زنان با بدحجابی، چشم‌های هوس‌آلود را متوجه خود می‌سازند و پایه‌های ایمانی مردم را سست می‌کنند و جامعه را به فساد می‌کشانند. «هیچ راهی برای امریکا و ابرقدرت‌ها بهتر از این نیست که بدون جنگ و کشتار و بدون این که پولی خرج کنند و حساسیتی ایجاد نمایند، ایمان را از دل‌های مردم بزدند و بزدایند. این کار به سادگی انجام می‌شود؛ با فیلم‌ها، نمایش‌نامه‌ها و چیزهایی از این قبیل به نام پیشرفت علم و... هیچ راهی بهتر و موفق‌تر از این وجود ندارد.» و می‌دانیم که باورها و ایمان‌های راسخ نقش بسزایی در بالندگی زندگی جامعه ایفا می‌کنند و زمانی که ایمان به سستی گراید، نفوذ دشمن و به انحراف کشیدن آن جامعه به راحتی صورت می‌پذیرد. بدحجابی پی‌آمدهای اجتماعی نیز به دنبال دارد، از جمله: الف) ایجاد ناامنی و سلب آرامش آرامش و امنیت والاترین نعمتی است که خداوند به جامعه عنایت می‌فرماید و می‌توان گفت، اگر جامعه‌ای فاقد آن باشد به یک معنا، هیچ چیز ندارد و با وجود امنیت، همه چیز دارد. سلامت جسمی و روحی - روانی جامعه در سایه امنیت حفظ می‌شود و خلاقیت و نوآوری بروز می‌کند. زنان بدحجاب نمی‌دانند که چه ضربه‌های و جبران‌ناپذیر خانمان براندازی بر پیکره جامعه وارد می‌سازند. در جامعه‌ای که بدحجابی رواج پیدا کند، چشم و هم‌چشمی‌ها و ارائه هر چه بهتر زینت‌آرایی، تمامی نخواهد داشت و زنان سعی می‌کنند تا چشمان بیشتری را متوجه خود سازند و در معرض دید همگان قرار گیرند و این امر تمامی نخواهد داشت تا جایی که تمام افراد جامعه را آلوده سازد. در نتیجه، ناامنی نه تنها دامان خود بدحجاب را می‌گیرد بلکه خیلی سریع به اجتماع سرایت می‌کند و جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌دارد. بسیاری از کجروی‌های گوناگون اجتماعی مانند مدگرایی، شورش‌ها و درگیری‌های خیابانی، ناهم‌نوایی اجتماعی و آزارهای جنسی، از بدحجابی و بی‌هویتی اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. زنان بدحجاب که به نمودهای ظاهری و تجمل و تنوع می‌پردازند و هر روز به سراغ اسباب آرایش و زیورآلات جالب‌تر و کفش و لباس شیک‌تر می‌روند، از سرمایه‌های معنوی محرومند و جمال معنوی برای آنان نامفهوم است. اینان کمبود خویش را بدین گونه جبران می‌کنند و عطش شخصیت‌یابی را از این طریق فرومی‌نشانند. «آری، بدحجابی، ارزش‌های راستین دختران را تحت‌الشعاع ظواهر جنسی‌شان قرار می‌دهد و آنان را فدای هرزگی‌ها و هوس‌رانی‌های شیادان می‌سازد. بدحجابی ارزش زن را از بین می‌برد و او را تا حد یک کالا پست می‌کند. زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان می‌گذارد و آنچه را که به جنسیت او مربوط می‌شود، به کوچه و بازار می‌کشد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر زنانگی خویش، جای خود را در جامعه باز کند نه با تکیه بر انسانیت خویش. در واقع او بدین ترتیب اعلام می‌کند که آنچه برای او اصل است، زن بودن اوست، نه انسان بودن و نه اندیشه و لیاقت و کارآیی او. چنین زنی قبل از هر چیز اسیر خود است. او به مغازه‌داری شبیه است که دائما در فکر تزیین و تغییر دکوراسیون ویتترین مغازه است.» ب) ترویج رذایل اخلاقی بدحجابی علاوه بر این که خود یک ناهنجار اجتماعی به شمار می‌آید و جامعه را به بی‌بند و باری می‌کشد، زمینه‌ساز بسیاری از زشتی‌های اخلاقی است. وقتی به پوشش و متانت بی‌اعتنایی می‌شود، مسائل اخلاقی دیگر هم از جامعه رخت بر می‌بندد. بدلباسی، بداخلاقی به دنبال دارد، چنان که مدپرستی، هواپرستی می‌آورد. جامعه‌ای که هر روز مد جدیدی را به شکل‌های گوناگون پذیرد، دچار بسیاری از بیماری‌های اخلاقی چون غرور، تکبر، عصیان، قساوت قلب و فخرفروشی خواهد شد. هرگاه جامعه‌ای به انجام دادن گناه جسارت پیدا کرد و مفاسد و معاصی رواج پیدا کرد، زشتی گناه از بین می‌رود و این خود گناه بزرگتری است. یعنی جامعه‌ای که گناه را گناه نداند، به

سبب رواج زیاد و همگانی شدن آن، سقوط خواهد کرد. بنابراین، بدحجابی قبح و زشتی گناه راز بین می‌برد و باعث رواج گناهان دیگر می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: *وَ أَمَّا اللَّبَاسُ يَحْمِلُكَ عَلَى الْعَجَبِ وَالرَّيَاءِ وَالتَّزْيِينِ وَالتَّفَاخُرِ وَ الْخَيْلَاءِ فَإِنَّهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَ مَوْرَثَةُ الْقَسْوَةِ فِي الْقَلْبِ*؛ لباس، لباسی نباشد که تو را به گناه خودپسندی، ریا، آراسته نشان دادن، مباحثات به دیگران، فخرفروشی و تکبر، آلوده کند که تمام اینها از آفات دین و موجب سختی دل است. بدحجابی موجب سوء ظن نیز می‌گردد. پوشش، نشانه ترس از خدا و آتش جهنم است و زن باحجاب، خود را به احکام الهی پای‌بند می‌داند. از آن طرف زنان بدحجاب به راحتی احکام الهی را زیر پا می‌گذارند و بی‌مبالاتی خود را به موازین اسلامی اعلام می‌دارند. چنین زنانی در معرض گناه هستند و افراد جامعه به آنها گمان بد می‌برند و زمینه این گناه را تنها زنان بدحجاب به وجود می‌آورند. پس زنان پاک‌دامن و با عفاف، باید کاری کنند که در معرض تهمت قرار نگیرند. (ج) کم‌رنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه زن در بسیاری از جوامع در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... شرکت می‌کند و سهم بسزایی در این زمینه‌ها دارد. بنابراین، حضور زنان در جامعه امری انکارکردنی نیست و روز به روز به این فعالیت‌ها اضافه می‌شود و زنان دوش به دوش مردان در تمامی زمینه‌ها به فعالیت می‌پردازند. حال آیا پوشش می‌تواند بر حضور زن در جامعه تأثیر داشته باشد یا خیر؟ پاسخ بسیار روشن است؛ زیرا اسلام همان‌گونه که به اختلاط مرد و زن نامحرم هشدار داده و آنان را از پی‌آمدهای بد و زشت آن بازداشته است، به پوشش و حجاب او توجه خاصی داشته تا حضور او را در جامعه حفظ و سلامت نفسانی جامعه را تضمین کند. زنان بدحجاب در محل کار، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، تمرکز فکری لازم را از دست می‌دهند؛ در حالی که لازمه کار و تلاش جدی در محل کار، حضور قلب و تمرکز حواس است. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی‌پردازد، بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود می‌سازد. در نتیجه، که چرخه فعالیت کاری جامعه را به کندی رهنمون می‌سازد. از طرفی خانواده‌هایی که غیرت دینی بالایی دارند، از حضور دختران و زنان خود در چنین جامعه‌ای نگران هستند و نخواهند گذاشت حضور پرشور آنها در فعالیت‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، جامعه ضرر خواهد کرد و بخش بزرگی از نیروهای کاری را از دست خواهد داد. (د) برهم زدن تنظیم روابط جنسی و عاطفی پوشش و حجاب، نه تنها باعث سلامت اخلاقی جامعه و پای‌بندی به هنجارهای دینی می‌شود، بلکه زمینه بروز و شکل‌گیری بزه‌کاری‌های جنسی را به حداقل می‌رساند و اعضای جامعه را نیز به سوی تشکیل خانواده، تنظیم روابط جنسی و عاطفی و قاعده‌مند کردن آن سوق می‌دهد. حجاب باعث می‌شود فاصله‌های اجتماعی محفوظ بماند و رعایت شود، یعنی هر کسی نمی‌تواند با دیگران هر نوع تعاملی را برقرار سازد. لذا پوشش، تعامل‌ها را الگودار و معنادار می‌سازد. این ویژگی مانع نزدیک شدن غریبه‌ها و در نهایت ارتباط جنسی می‌شود. رعایت حجاب و پوشش مناسب، افراد را از بزرگ‌ترین نعمت یعنی آزادی برخوردار خواهد ساخت؛ زیرا زنان اجازه نخواهند داد کسی بدون اجازه، به حریم شخصی و خصوصی‌شان نزدیک شوید و در این زمینه تصمیم بگیریم. بنابراین اگر افراد پاک و پاکدامن و جامعه سالم می‌خواهیم، باید زنان ما پوشش را کاملاً رعایت کنند؛ چنان که امیر مؤمنان در نهج‌البلاغه به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: *وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ ابْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ*؛ از راه حجاب و پوشش بانوان آنها را بپوشان؛ زیرا رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به طور سالم‌تر و پاک‌تر حفظ خواهد کرد. (ه) افزایش آزار جنسی زنان و دختران با پوشش نامناسب در فعالیت‌های اجتماعی، به جوانان و مردان بزهکار اجازه خواهند داد تا به حریم آنان تجاوز کنند و مورد اذیت و آزار خود قرار دهند. نقطه شروع بسیاری از ناهنجاری‌ها، مزاحمت‌ها و بی‌احترامی‌هایی است که افراد جامعه برای یک‌دیگر به وجود می‌آورند و بدحجابی عامل بسیار مهمی در ایجاد این مزاحمت‌ها به شمار می‌آید، دختران بزرگ کرده با پوشش‌های زننده و گاه بسیار تهییج‌کننده، در جامعه خود را ارائه می‌نمایند تا شاید نگاه‌های آلوده بیشتری را به خود جلب کنند و از این طریق، حس خودآرایی و خودنمایی را به نحوی ارضا کنند، ولی این سرابی بیش نیست و عاقبت پشیمان خواهند شد که دیگر راه بازگشت نخواهند داشت. خداوند در قرآن کریم به

پیامبرش (ص) می‌فرماید: «بَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن‌ها که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند (به احتیاط) نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است. در شأن نزول این آیه آمده، هنگامی که شب‌ها زنان برای نماز به مسجد می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه بر سر راه آنها می‌نشستند و آنان را با مزاح و سخنان ناروا آزار می‌دادند و مزاحم آنها می‌شدند. این آیه به زنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا از کنیزان، آلودگان و یهودیان شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند. پس جامعه‌ای که بخواهد ثبات امنیتی بیشتری داشته و از ناهنجاری‌ها به دور باشد، باید خود را از عواملی که باعث ناهنجاری و بزه می‌شود، دور نگه دارد و حجاب بهترین وسیله‌ای است که زنان و دختران را از آزار جنسی محافظت می‌کند. (و جلب نگاه‌های چشم‌چران و هوسباز خداوند به پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه نامحرمان فرو گیرند.» شهوت از غرایزی به شمار می‌آید که خداوند در آدمی قرار داده است. شهوتی که باعث بقای نسل و سامان‌دهی زندگی و حیات می‌شود، آرامش و آسایش را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و آثار بسیار مطلوبی در جامعه خواهد داشت. اما اگر از مسیر اصلی خود منحرف شود و در سمت و سویی دیگر قرار گیرد، آثار بسیار بدی برای فرد و جامعه دارد. بدحجابی از مسائلی است که غریزه شهوت را از سیر خود منحرف می‌سازد. زنان بدحجاب، نگاه‌های آلوده مردان هوس‌باز را به خود جلب می‌کنند و آتش شهوت را در دل آنان شعله‌ور می‌سازند. به ویژه در جامعه‌ای که بیشتر افراد آن جوان هستند، نگاه‌های شیطانی به سوی دختران بزرگ کرده و بدحجاب جامعه را به فساد و تباهی رهنمون می‌سازند. آری، در جامعه‌ای که چشم‌چرانی بر اثر بدحجابی رواج پیدا کند، بسیاری از گناهان در آن جامعه رواج پیدا می‌کند و سرانجام، جوانان چشم‌چران بر اثر این گناه خانمان‌سوز، زندگی بسیاری از دختران معصوم و ساده‌لوح را بر باد می‌دهند و آبروی خانواده‌ها را به ارزانی می‌فروشند و زندگی‌ها را سست می‌کنند و سرمایه عفت و پاک‌دامنی را از بین می‌برند. امام صادق (ع) می‌فرماید: النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سَهْمِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً؛ نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است. چه بسا یک نگاه حسرت طولانی در پی دارد! (ز) اختلالات روحی و روانی اختلال روحی و روانی از آثار ناگوار بدحجابی در جامعه است. برخی از دختران و زنان، بر اساس نیاز ذاتی خود برای جلب رضایت محیط و توجه بیشتر بینندگان، به خودآرایی و جلوه‌گری و ارائه پوشش غیرمعارف می‌پردازند و افکار خود را در بعد تمایلات و تخیلات موهوم، تقویت می‌کنند. بنابراین، پوشش و حجاب ناقص فشارهای فراوانی را بر روح و روان افراد وارد می‌سازد. چنین افرادی همیشه در پی آنند که خود را به گونه‌ای ارائه دهند که افکار و نگاه‌های آلوده و هوس‌انگیز را به خود جلب کنند و شخصیت خود را با خواسته‌های دیگران همگون سازند. این خواسته‌ها محدود نیست و وقتی دختران نتوانند خود را مطابق خواسته‌ها ارائه دهند. افراد جامعه ثبات روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و امیدها و آرزوها به ناامیدی می‌گراید. شهید مطهری؛ می‌فرماید: روح بشر فوق العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان می‌کنیم تحریک‌پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان‌طور که بشر در ناحیه ثروت و مقام، از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در امور جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها که به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری‌های روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جرایم و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود. اگر بتوان از لحاظ پوشش، الگوی مناسبی به جامعه ارائه داد، سلطه‌ای آگاهانه به افراد جامعه پیدا خواهیم کرد و جامعه را از بی‌ارادگی و بی‌اختیاری نجات خواهیم داد. اما با بدحجابی، به

افراد جامعه اجازه داده‌ایم که هرگونه می‌خواهند، برای پوشش خود تصمیم بگیرند و مدل‌های متنوع را جای‌گزین کنند و دل‌ها را به سمت و سوی انحرافات اجتماعی سوق دهند که در این صورت، اداره و اختیار از افراد جامعه گرفته می‌شود و جامعه‌ای که از خود اراده‌ای نداشته باشد، اختلالات روحی و بیماری‌های روانی به سراغ آن خواهد آمد و به منجلا ب کشیده خواهد شد. «بدحجابی زن در جامعه، سبب نقش بازی کردن او در اسلوب‌ها و مدل‌های گوناگون می‌شود. این اعمال او را به صورت موجودی بی‌اختیار و بی‌اراده، به هر طرف می‌کشد و دیگر بر زندگی‌اش تسلط آگاهانه نخواهد داشت. در زندگی و اعمال خود، نظر دیگران را ترجیح می‌دهد که برای جلوگیری از این امور منفی، حجاب بهترین درمان می‌باشد.» (ح) تزلزل نهاد خانواده تشکیل نهاد خانواده، مقدس‌ترین پیوند زناشویی است. برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب خانوادگی مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. اگر زن لذت‌های جنسی خود را از محیط خانواده بیرون نبرد و دستورهای اسلام را اطاعت کند، محیط خانه سالم و آرام‌بخش خواهد بود. ولی اگر عفت را رعایت نکند و لذت‌های جنسی و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشانند، مورد نگاه‌های هوس‌آلود نامحرم قرار خواهد گرفت و ناخواسته عامل پاشیدگی و تیرگی روابط افراد خانواده خواهد شد. وقتی اختلافات زن و شوهر در محکمه‌های قضایی، را ریشه‌یابی می‌کنیم، پی می‌بریم که بسیاری از ناسازگاری‌ها به دلیل رعایت نکردن حجاب است. وقتی زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود، چشم‌ها، به سوی او نشانه می‌روند و او هم دل‌باخته و فریفته چشم‌چرانان می‌شود و کم‌کم از نگاه‌های شوهرش لذت نمی‌برد و از او سرد می‌شود و سرانجام باعث جدایی می‌گردد. گاهی همین امر از طرف شوهر صورت می‌گیرد. بر اثر چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود به دختران و زنان بدحجاب، از همسرش دل‌سرد می‌گردد و لذت‌ها و محبت‌هایش در بیرون از خانه صرف می‌شود. در نتیجه، بنای ناسازگاری با همسرش شروع می‌شود و تیرگی بر کانون خانواده سایه می‌افکند. بنابراین، برای حفظ نظام خانواده و به وجود آوردن محیطی سالم و فرزندان پاک رعایت حجاب ضروری است و باید بالاترین امنیت، یعنی امنیت ناموسی، در خانه حاکم شود. از طرفی بدیهی است، اگر خانواده سالم باشد و پوشش را رعایت کند، جامعه که از اجتماع خانواده‌ها تشکیل شده، سالم و پایدار خواهد ماند. در جامعه‌ای که بیشتر اعضای آن را جوانان تشکیل می‌دهند باید در برابر این فرآیند حساس تر باشند؛ زیرا جوانان در برابر مناظر شهوت‌انگیز و تهییج‌کننده، زودتر تحریک می‌شوند و چنین مناظری عامل مهمی در سوق دادن آنان به فساد خواهد شد. در نتیجه، نیروی فعال اجتماع به راه‌های فساد و تباهی کشانده می‌شوند و به جامعه ضربه جبران‌ناپذیری از جهات اقتصادی مادی، اجتماعی و اخلاقی وارد خواهد شد. «آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش بی‌حجابی و بدحجابی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مدام بالا رفته است؛ چرا که «هر آن‌چه دیده بیند دل کند یاد» و هر چه دل در این جا یعنی هوس‌های سرکش، بخواهد، به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دل‌بری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید». به امید روزی که بتوان جامعه را به زیور عفاف و حجاب مزین کرد و از بدحجابی رهانید. پیام زن < -تیر و مرداد ۱۳۸۶، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵

خودنمایی و تخریب عشق

نقش تخریبی خودنمایی بر عشق واقعی و مقام معشوق بودن زن پایه و رکن عشق راستین میان زوجین، صفات پسندیده و اخلاق انسانی و ارزش‌های معنوی است که در محیط پاک و سالم و به دور از هوس‌ها و شهوات نامشروع و در فضایی سرشار از معنویت، عفت و حیا رشد می‌کند، چرا که سلامت و امنیت روانی افراد در چنین محیطی تضمین شده و موجبات تعالی فکری و شکوفا شدن استعدادها و اخلاقی و معنوی فراهم می‌گردد. بنابراین اساس جامعه‌ای که زنان، به خود آرایی و نمایش تحریک آمیز خود می‌پردازند، پیروی از هوا و هوس و گرایش به شهوات در آن افزایش می‌یابد و ارزش‌های دینی و معنوی - که تنها عامل انسانیت و بالندگی فضایل اخلاقی و در نتیجه عشق واقعی است - از بین رفته و یا کم‌رنگ می‌شود و به این ترتیب، فضایل

پسندیده در افراد جامعه و خود زنان و همسران حال یا آینده آنان رشد نکرده، بلکه صفات ناشایست در آنها افزایش می یابد؛ در نتیجه با تزلزل پایه عشق و محبت، محبوبیت اجتماعی و مقام معشوق بودن زنان در خانواده سقوط می کند و به عنوان بازیچه و وسیله ی ارضای شهوات برای مردان در می آیند، مگر زنان عقیف و با حجاب که از همسران عقیف، غیور و مؤمن برخوردارند. پس این گونه زنان، بزرگ ترین ضربه و آسیب را به شخصیت و محبوبیت خود و هم صنف های خویش وارد می کنند که از پی آمدهای ناگوار آن ایجاد زمینه برای آزار و ستم از سوی مردان و بی توجهی یا کم توجهی به شخصیت و حقوق آنها و اختلاف، ناراحتی و اضطراب فراوان در محیط خانواده است و چه بسا پیوند خانوادگی به طلاق و جدایی می انجامد. خدای جمیل از محبوبیت و عزت بی نهایت برخوردار است و هر محبوبیت و عزت راستین جلوه ای از او و هدیه ای از جانب اوست، تنها راه رسیدن به محبوبیت حقیقی و عزت ماندگار این است که از چنین منبعی دریافت شود و هر راهی غیر از آن سرابی بیش نیست. مَنْ كَانَ يَرِيدَ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ هر کس بزرگی و ارجمندی بخواهد، پس (بداند که) بزرگی و ارجمندی همه از آن خداست (و به هر کس در اثر ارتباط با او لایق شود، عطا می کند). (فاطر-۱۰) و کسی که محبوب خداوند باشد، محبوب مردم نیز خواهد بود: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ اللَّهُ ذُرِّيَّةً وَدًّا؛ کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند، خدای رحمان برای آنان محبت و دوستی (در دل ها) خواهد نهاد. (مریم-۹۶) حضرت علی علیه السلام - سخن گوی قرآن کریم - می فرماید: من اراد الغنى بلا مالٍ والعزُّ لا عشيرَةٍ والطَّاعَةُ بلا سلطانٍ فليخرج من ذلِّ معصيةِ الله الى عِزِّ طاعةِ الله؛ کسی که می خواهد بدون مال و ثروت غنی و بی نیاز شود، بدون قوم و خویشاوند عزیز و محبوب گردد و بدون سلطه و قدرت مورد اطاعت قرار گیرد، باید از ذلت و خواری نافرمانی خداوند خارج شود، به عزت اطاعت و پیروی از خواسته های او روی آورد. بنابراین برای شناخت حق و باطل، هر چیزی دو معیار کلی است: نخست آن که اطاعت خداوند متعال محسوب شده و عامل نزدیکی و رسیدن به او باشد و دیگر این که موافق فطرت و روح ملکوتی و در جهت شکوفایی استعدادهای والای آدمی باشد. در چنین حالتی آن چیز، حق و عزت بخش و محبوبیت افزاست. و اگر با دستور شریعت و خواسته فطرت هماهنگ نباشد، بلکه موافق خواسته های شهوانی بوده و باعث معصیت، خشم و غضب خدای سبحان و موجب دوری از او گردد، باطل و ذلت آور است. از مظاهر پیروی از شیطان جهت به دست آوردن محبوبیت کاذب همانا جلوه گری، خودنمایی و ترویج عملی فرهنگ برهنگی توسط عده ای از زنان است. رعایت نکردن پوشش کامل اسلامی و پیروی زنان از مدها و مدل هایی که با انگیزه های شیطانی و حیوانی و با نام های ظاهرپسند هم چون نشانه ی تمردن و اجتماعی بودن و روشنفکری و کلاس بالا بودن توسط شیاطین زمان ترویج می شود، همگی مخالف حکم صریح خداوند است که بر لزوم عفت و پوشش کامل و پرهیز از لباس های جلب توجه کننده ی مردان تأکید می فرماید و لذا گناهی عظیم محسوب می شود و حقیقتی جز ذلت و حقارت برای زن و مرد ندارد و هرگز مایه عزت و محبوبیت راستین برای فرد نمی باشد، مگر نزد اهل هوی و هوس و بی خبران، اما همین نیز پایدار نیست و به زودی دیگر شهوت پرستان نیز از او سرخورده می گردند و او - خودنما - می ماند و انبوهی از حقارت ها و حسرت ها. احساس حقارت عده ای از زنان، در اثر نداشتن نشانه های مقبول زیبایی ویژه ی زنان، و خودآرایی و استفاده از مدهای ناهنجار برای جبران حقارت و به دست آوردن مقبولیت اجتماعی مشکل دیگری است. زنانی که به علت نداشتن زیبایی کافی احساس حقارت می کنند، باید دریابند که درد با درد درمان نمی شود؛ یعنی احساس حقارت را با بیماری خودنمایی نمی توان مداوا کرد. یگانه راه درمان، بازگشت به خویشتن و آراسته شدن به زیبایی های روحی و اخلاقی است که کاستی های بدنی و زشتی های ظاهری را تحت الشعاع قرار داده و آنها را می پوشاند و جبران می نماید و خدایی که صاحب قلب هاست بدین وسیله او را عزت و محبوبیت حقیقی می بخشد. امام علی علیه السلام در ضمن حدیثی به یکی از نمونه های خودنمایی زنان و مردان و ضعف معرفتی و دینی آنان اشاره نموده می فرماید: علیکم بالصِّفْقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مِنْ رَقِّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ؛ بر شما باد به لباس ضخیم پس کسی که لباس نازک و بدن نما پوشد دینش ضعیف است. (وسائل الشیعه - جلد ۳

صفحه ۳۵۷) در مقالات بعدی به تاثیر بر بند و باری بر بالارفتن نا هنجاری ها و جرم های اجتماعی و فردی و متلاشی شدن خانواده ها می پردازیم.

آثار بد حجابی و خود آرایی

بررسی علل برقراری قانون حجاب در جامعه بدحجابی پدیده ای است که از سوی برخی بیمار دلان تشویق و ترغیب می شود، بطوری که آن را ابزاری برای دور زدن قوانین و احکام اسلامی یعنی حکم شرعی حجاب قرار داده اند. در جامعه اسلامی، بدحجابی به عنوان یک نابهنجاری به وجود آمده که خود عامل بسیاری از مشکلات جنسی، خانوادگی، تعرضات خیابانی و بحران های اجتماعی شده است. از نظر نویسنده این مطلب، بدحجابی بدتر از بی حجابی است؛ زیرا جامعه عقلانی و اسلامی به طور طبیعی از بدحجابی حمایت نمی کند و به شدت با آن مبارزه می کند؛ ولی از آن جایی که جامعه نسبت به برخی از امور تساهل و تسامح روا می دارد، بدحجابی به عنوان یک شیوه خودآرایی شیوع و رواج می یابد و خود عامل فساد و تباهی در جامعه می گردد؛ زیرا بدحجابی به عنوان خودآرایی، عامل تهییج شهوات جنسی است که پیامدهای آن مانند موریانه آهسته جامعه را از درون متلاشی می کند و اساس خانواده ها را از هم می پاشد. درمطلب حاضر نویسنده با مراجعه به آموزه های قرآنی، بر آن است تا تحلیل قرآن از این عمل تهییج کننده را تبیین کند و آثار و کارکردهای زیانبار و آسیب زای آن را تشریح نماید. با هم این مطلب را از نظر می گذرانیم؟. فلسفه حجاب حجاب برای این وضع شده تا جامعه در سلامت جنسی باشد و ابزارهای تحریک قوای شهوانی تحدید شود. از این رو، حجاب به عنوان یک قانون کلی وضع شده است تا این سلامت فراهم آید. از آیات قرآن این معنا به دست می آید که نیازی به پوشیدن از کودکانی نیست که قدرت تشخیص میان زن و مرد نداشته و هنوز به مسائل جنسی آگاهی نیافته اند. اما کسانی که بدحجابی شان عامل برانگیختگی شهوانی است، باید خود را به طور کامل بپوشانند و بر مومنان است که به این افراد بدحجاب ننگرند و چشم خویش را فروافکنند. به سخن دیگر، مومن در دو حالت باید چشمان خویش را از جنس مخالف بپوشانند: ?در زمانی که شخصی بی حجاب یا بد حجاب است، حال چه این بی حجابی یا بدحجابی تحریک کننده باشد یا نباشد؛ زیرا حجاب قانونی اجتماعی است که مراعات آن بر همگان لازم است و اگر کسی مراعات نکرد می بایست با چشم پوشیدن، خود را از احتمال تحریک قوای شهوانی محافظت کند و چشم پوشیدن بر او واجب و لازم است؟؛ زمانی که شخص با حجاب است ولی او با دیدن همان مقدار مجاز تحریک شده و قوای شهوانی او برانگیخته می شود، در این حالت بر او لازم و ضروری است که چشمان خویش را از جنس مخالف بپوشاند و به آن ننگرد. اصولاً حجاب یک قانون اجتماعی است که بر همه شهروندان امت اسلام از زن و مرد لازم است تا آن را اجرا کنند و در صورت تخطی به عنوان جرم تلقی شده و مجازاتی چون تعزیر دارد؛ چنان که گناهی است که عقوبت آن در آخرت و بلکه در دنیا نیز گریبانگیر وی خواهد شد و بسیاری از برکات و نعمت های الهی از او سلب شده و به معیشت سخت و تنگدستی گرفتار می آید. هدف از وضع حجاب آن است تا زمینه برای سلامت جامعه فراهم گردد و بیمار دلان، متعرض مردان و زنان با ایمان نشوند و ایمان ایشان را به غارت و چپاول نبرند. البته یکی از فلسفه ها و اهداف حجاب را باید ایجاد عفت و پاکدامنی در میان امت اسلام و شهروندان آن دانست؛ زیرا حجاب شرایط مناسبی را برای پاکدامنی و عفت در جامعه فراهم می آورد؛ چرا که با وجود حجاب مناسب و شرعی، قوای شهوانی، تحریک و تهییج نمی شود و شخص در یک فرآیندی با کمک عقل و شرع، بر نفس خویش مسلط شده و زمام امور نفس را در اختیار عقل می گذارد. از آموزه های قرآنی این معنا به دست می آید که عفت و پاکدامنی، به معنای چیرگی عقل و مدیریت مهار قوای شهوانی به دست آن است. این حالت اگر به شکل ملکه ای در نفس انسانی در آید، شخص در حالتی قرار می گیرد که به سادگی تهییج نمی شود و قوای شهوانی نمی تواند سرکشی کند و او را به سوی گناه سوق دهد. به سخن دیگر، هدف آن است که آدمی در یک فرآیندی به جایی برسد که قوای نفسانی بر او

حکومت نکند، بلکه عقل و آموزه های عقلانی و وحیانی بر جان او مسلط شود که همان معنای تقوا و پرهیزگاری واقعی است. در برخی از روایات آمده است برای هر چیزی مستی و سگری است. انسان ها همان گونه که با شراب دچار مستی می شوند، یا به سبب ترس از مرگ دچار این حالت می گردند. (ق، آیه) ?? یا دنیازدگی، ایشان را مست می کند (حجر، آیه) ?? همچنین برخی از اوقات چشمان آدمی مست می شود و همانند آدم هایی افسون شده می گردد. (حجر، آیه) ?? این مستی چشمان، شاید به سبب چشمان مست آفرین جنس مخالفی باشد و شاید به تار مو و زلف زنی و شانه سبتر مردی اتفاق بیفتد. از این رو باید انسان چشم، فروهشته دارد تا در دام مست آفرینان گرفتار نیاید. حجاب، مانع بازدارنده ای است که آدمی را از مست آفرینان در امان نگه می دارد. لذا به عنوان یک حکم اجتماعی اسلامی مطرح شده است. از نظر اسلام، همان اندازه که انسان نسبت به ایمان و عمل صالح خود مکلف و موظف است همچنین نسبت به ایمان و اعمال دیگران نیز مسئولیت دارد؛ زیرا اسلام دینی اجتماعی است و حوزه های فردی آن تا حوزه های اجتماعی کشیده شده است و ایمان واقعی جز به رهایی از خود و دیگران معنا نخواهد یافت. از این رو بر هر فردی این مسئولیت نهاده شده تا با ایجاد حجاب، مانع از برانگیخته شدن شهوات جنسی دیگران شود. بنابراین حجاب برای مرد و زن یک مسئولیت اجتماعی است تا بستر عفاف را در دیگران ایجاد یا تقویت کند. بنابراین اگر به انسان مؤمن گفته شده تا برای حفظ عفاف و یا تقویت آن در خود، چشم بر هر مست آفرینی فروهشته دارد، همینطور از وی خواسته شده تا برای حفظ عفت دیگران و یا ایجاد و تقویت آن، حجاب داشته باشد. بر این اساس، اگر مردی احساس کند و یا احتمال دهد که پوشیدن مقدار واجب و لازم نمی تواند نقش بازدارندگی را ایفا کند، باید بیش از حد واجب اندام خود را بپوشاند و این یک مسئولیت اجتماعی است که به عنوان آداب پوشش مطرح می باشد. چنان که اگر زنی دید که دستان ظریف و لطیف وی نگاه ها را مجذوب می کند و یا چشمان مخمورش دل ها را به بند می کشد و مسحور می سازد، باید به آداب اسلامی پوشش، دستان خویش بپوشاند و یا چشمان را با عینک دودی و یا هر ابزار دیگری مخفی نگه دارد و این گونه حجاب را مراعات نماید. در حقیقت، مقدار لازم برای مرد و زن مسلمان همان چیزی است که در شریعت بیان شده است ولی مسئولیت اجتماعی و دینی شخص می طلبد که وی با توجه به شرایط حتی برخی از بخش های مجاز را نیز بپوشاند تا شرایط برای تهییج قوای جنسی دیگران فراهم نیاید؛ زیرا هدف از حجاب ایجاد بسترهای لازم برای دست یابی به حالت نفسانی عفاف است که نوعی چیرگی عقل بر قوای نفسانی و ایجاد تعادل و اعتدال در آن است. عفت در کلام الهی همان عصمتی است که شخص را از انجام گناه باز می دارد و اجازه نمی دهد تا قوای شهوانی حتی در محیط مناسب تهییج برانگیز، خود را بر جان آدمی مسلط و چیره نماید. از این رو عفت حضرت یوسف (ع) وی را از گناه در شرایط مناسبی که زلیخا فراهم آورده بود، بازداشت. (یوسف، آیات ?? و ?? و ??) همین عفت است که به عنوان یک ارزش مورد توجه قرآن و آموزه های وحیانی آن قرار می گیرد و همه عقلا و خردمندان، دارندگان عفاف را می ستایند و بر آنان آفرین می فرستند. (یوسف، آیات پیشین و نیز ?? و ?? تا) ?? بی گمان عفت یکی از مصادیق احسان و صالح بودن انسان است. (یوسف، آیه) ?? از این رو حضرت یوسف (ع) مورد ستایش شاه مصر قرار می گیرد. انسان های عفیف حتی اگر فاقد امکانات پاسخ گویی به نیازهای جنسی خویش باشند، هرگز در دام شهوت نمی افتند و با خویشتن داری نشان می دهند که چگونه عقلشان بر شهوات و قوای درونی و وسوسه های بیرونی چیره است. زنان و مردان عفیف با همه مشکلات و تنگدستی ها هرگز تن به خفت نمی دهند و خواری تقاضا و سوال را بر خود هموار نمی سازند (بقره، آیه) ??? چه رسد که در دام آن گرفتار آیند و خود را به دست شهوت بسپارند و بدنام و بی آبرو کنند. به هر حال هرگونه بدحجابی که به عنوان عامل تهییج شهوات جنسی باشد، به عنوان یک عمل ضداخلاقی و هنجاری شناخته می شود و باید با آن به عنوان یک پدیده زشت از سوی اولیای امور و مجریان قوانین به شدت مبارزه شود و از سوی مومنان و شهروندان محکوم شود. بدحجابی، ترفند شیطانی عفت و پاکدامنی، حالت نفسانی است که داشتن آن بیانگر تسلط عقل بر نفس و چیرگی آن بر قوای شهوانی و مدیریت و مهار آن است. انسان های پاکدامن به سبب آن

که کمال را در خدایی شدن می جویند، به عقل گرایش داشته و خردورزی اساس زندگی آنان را شکل می بخشد؛ زیرا می دانند که تسلط عقل بر تن و جانشان، به معنای تسلط حق و حقیقت بر آنان و حرکت در مسیر تعالی است. افراد پاکدامن به حکم عقل نه تنها کمال را برای خود می پسندند، بلکه آن را برای همگان می پسندند و بدین منظور نه تنها شرایط را برای حرکت های کمالی و عقلانی خود فراهم می آورند، بلکه می کوشند تا شرایط مطلوب و مناسبی نیز برای دیگران فراهم آید. از این رو، از هرگونه ابزاری که قوای شهوانی را تهییج یا تقویت کند، پرهیز می کنند و پرهیزگاری و تقوا در ایشان به عنوان ملکه درآمده است. آنان از هرگونه خودآرایی که موجب تهییج قوای شهوانی و نفسانی جنس مخالف می شود، خودداری می کنند و عفت را برای همگان می پسندند. در همین راستا حجاب در ایشان به عنوان ابزاری مفید و سازنده در دستور کار قرار می گیرد تا ضمن ایجاد دیواره امنیتی برای خود و جلوگیری از هرگونه تعرض از سوی بیماردلان، شرایط مناسب را برای تعالی دیگر افراد جامعه فراهم آورند. اما در مقابل، بیماردلان و ناپاکدامنان، به سبب فقدان عفت درونی، نه تنها حجاب را ابزار حفاظتی بر نمی شمارند، بلکه آن را به عنوان عامل تهییج قوای شهوانی دیگران و تقویت آن به کار می گیرند و بدحجابی به عنوان یک ترفند فریبکارانه از سوی بی عفتان مورد بهره برداری قرار می گیرد. البته همه کسانی که بدحجاب هستند، از آن به عنوان یک ترفند بهره نمی برند؛ زیرا بسیار از آنان نسبت به احکام شرعی آگاهی کاملی ندارند و ناخواسته اهتمام و جدیتی نسبت به احکام شرعی از خود بروز نمی دهند و به طور ناخواسته در انجام کامل قوانین و احکام شرعی کوتاهی روا می دارند. این در حالی است که برخی دیگر از افراد، بدحجابی را به عنوان یک پدیده اجتماعی در برنامه ریزی رفتاری و جنگ نرم و روانی خویش قرار می دهند. بنابراین، بدحجابی به عنوان یک پدیده اجتماعی برنامه ریزی شده، ترفندی است که دشمنان جامعه و بی عفتان خواهان گسترش آن هستند. بدحجابی به عنوان یک ترفند فرهنگی و سیاسی از سوی برخی از افراد مدیریت و هدایت می شود. این جاست که جامعه با جلوه هایی از خودآرایی مواجه می شود که بحران های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی را به دنبال دارد. از این رو گفته شده، بدحجابی، ترفند بیماردلان و بی عفتان است؛ زیرا هدف این گروه ها آن است که شرایط برای بهره گیری های شهوانی فراهم آید و با طبیعی و عادی و معمولی جلوه دادن این گونه رفتار، هرگونه حساسیتی را از جامعه و مدیران آن بردارند؟ بدحجابی، نوعی خودآرایی اصولاً زنان و مردان گرایش به خودآرایی دارند تا این گونه جنس مخالف را برانگیزند و توجه آنان را به خود جلب و جذب کنند. در اسلام تهییج همسران از طریق خودآرایی مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته و آیات و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است که چگونه همسران به این نیاز طبیعی یک دیگر پاسخ دهند و با پوشیدن و آراستن خود به زر و زیور و جامه های زیبا و خوشنگار، شرایط مناسب و شایسته ای برای پاسخ به عواطف و احساسات یک دیگر در این حوزه فراهم آورند. بی گمان، این تهییج و برانگیزاندن عواطف و احساسات جنس مخالف، نیازمند پاسخ گویی های جنسی مناسبی از سوی همسران است که در آیاتی از جمله ?? سوره نور بدان اشاره و توجه داده شده است. در این آیات از خلوت های سه گانه همسران در شبانه و روز سخن به میان آمده که برای ارتباط جنسی بوده و هیچ کسی حتی فرزندان نیز مجاز به شکستن حریم خلوت ایشان نیستند. اما از آن جایی که هرگونه تهییج جنس مخالف از سوی دیگران به معنای شکستن حدود الهی است، امری ممنوع و محرم دانسته شده است. بر این اساس همه عوامل و ابزارهای تهییج جنسی جنس مخالف تحریم شده و قوانین سفت و سختی در این باره وضع شده است تا جامعه در سلامت باقی بماند. از جمله این قوانین حجاب است. قانون حجاب، اختصاصی به مرد و زن ندارد و همگام موظف به اجرای دقیق آن هستند. هر چند که میزان و شرایط حجاب در مرد و زن فرق می کند و این تفاوت به سبب اختلاف طبیعی در زن و مرد است. ناگفته نماند که اگر زنی با دیدن حتی بخش هایی از بدن مردان که لازم نیست پوشیده باشد، تحریک شود می بایست چشم خویش را از آن مرد یا مردان پپوشاند. از این رو با آن که مردان با دیدن و زنان با لمس تحریک می شوند؛ خداوند از فرو انداختن چشمان زن و مرد سخن به میان آورده است (نور، آیه) ?? زیرا برخی از زنان با دیدن جاهایی که به طور طبیعی حجاب مرد نیست، تحریک می

شوند و یا این که مردانی بدحجابی را پیشه می گیرند تا زنانی تحریک شوند و در دام شهوت ایشان گرفتار آیند. بر این اساس بر مؤمنان حکم شده تا چشمان خویش را از نگاه به نامحرم از جنس مخالف بپوشانند تا قوای شهوانی آنان تحریک نشود. به سخن دیگر، در این جا دو حکم وجود دارد، حکمی که بر همگان است که حجاب مناسب مرد و زن را مراعات کنند و حکمی دیگر آن که در صورت احتمال تحریک، چشمان خویش را بر همان بخش مجاز نیز بپوشانند؛ زیرا برخی از مردان و زنان نسبت به دیدن جنس مخالف واکنش مثبت نشان می دهند و قوای شهوانی ایشان برانگیخته می شود. از این رو، اگر مردی نسبت به دیدن چهره و دست زنی تحریک می شود بر اوست که چشم فرو بندد و آن جا را نیز نبیند؛ هر چند که برای دیگران دیدن آن بخش مجاز باشد و بر زن نیز پوشیدن آن بخش لازم نباشد. هم چنین در زنان هم این حکم جاری است. بنابراین اگر زنی با دیدن فوتبالیست ها و پوشش آنان تحریک شود می بایست چشم از ایشان فرو بندد، هر چند که به طور عموم زنان با دیدن تحریک نشوند. به عبارت دیگر، مبنای احکام، جلوگیری از تهییج جنسی است و اگر مرد و زنی احتمال تحریک جنسی و برانگیخته شدن قوای شهوانی خود را بدهند نمی توانند مواضع و جاهایی را ببینند که دیدن آن جایز و پوشیدن آن لازم نیست. از این رو شخصی که احتمال تحریک خود را می دهد، دیدن این مواضع و جاهائی از زن و مرد جایز نیست و حرام می باشد. حمید شریف زاده روزنامه کیهان (www.kayhannews.ir)

بی حجابی با رضایت همسر!

مشاور امور بانوان سازمان صدا و سیما گفت: اگر زنان جامعه اهمیت و جایگاه حجاب را درک و رعایت کنند، مورد تعرض افراد بیمار قرار نمی گیرند. حجاب امری درونی است که نمادی از مناسبات و اعتقادات جامعه اسلامی را نشان می دهد. وی تصریح کرد: بر اساس استدلال آیت الله جوادی آملی حجاب حق خداوند است و رضایت همسر و خانواده مجوزی برای رعایت نکردن آن نیست. در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف باید فلسفه عقلانی و ادراکی حجاب بیان شود تشویق دختران به حجاب بدون این که از عمق این مقوله دریافت و درکی داشته باشند کاری بیهوده است. رعایت حجاب مختص زنان نیست؛ حفظ حریم زن و مرد همچنین محافظت از چشم در مقابل نامحرم برای مردان هم، به نوعی حجاب محسوب می شود. تا زمانی که حجاب و عفاف در جامعه رعایت نشود فساد و بی بندوباری از بین نمی رود اگر زنان جامعه اهمیت و جایگاه حجاب را درک و رعایت کنند، مورد تعرض افراد بیمار قرار نمی گیرند. نمادهای بی حجابی در جامعه مانع ترویج حجاب می شود میرمحمدی ابراز داشت: بیان فلسفه حجاب و ترویج آن تنها بر عهده خانواده و یا آموزش و پرورش نیست در این راستا نهادهای فرهنگی همسو باید حضوری فعال داشته باشند. وی اضافه کرد برای ترویج حجاب باید این گونه تعارض ها پیگیری و رفع شود. وی به واقعه کشف حجاب در دوره رضاخان اشاره کرد و افزود: رضاخان و عوامل غربی با کشف حجاب سعی داشتند بساط بی بندوباری و فساد را در بین زنان و خانواده ها ترویج دهند. حجاب و پوشش یکی از ابعاد معنویت است، چرا که ساز و کار اندیشه حجاب و عفاف، داشتن معنویت است. این که دختری را به حجاب تشویق کنیم ولی در جامعه نمادهای بی حجابی همچون فروش لوازم و اسباب بازی های غربی مانند عروسک های باریبی با نماد بی حجابی در جامعه رواج داشته باشد فرد را دچار دوگانگی می کند. قندفروش مشاور امور زنان استانداری تهران گفت: پوشش برای زنان ایرانی دارای قداست است، به طوری که در تاریخ هیچگاه از برهنگی زن ایرانی قبل و بعد اسلام سخن گفته نشده است. وی اضافه کرد: هدف اصلی رضاخان از کشف حجاب از بین بردن بنیان خانواده به منظور ترویج هرچه بیش تر فساد در جامعه بود. این که رضاخان به دستور استعمارگران در ایران به کشف حجاب تن داده بود؛ نشان از اهمیت زن در خانواده و نقش آن در جامعه دارد و این موضوع را استعمارگران به خوبی درک کرده بودند. استعمارگران می دانستند تنها راه تسلط بر ایرانیان ترویج بی بندوباری و فساد در بین خانواده هاست و تا زمانی که زنان با حجاب و عفت در جامعه هستند، هرگز

نمی‌توانند بر این کشور حکومت کنند. مشاور امور زنان استانداری تهران افزود: در حال حاضر مهم‌ترین وظیفه ما حفظ حجاب است چرا که برای حفظ آن خون زنان بی‌گناهی ریخته شده است. وی درباره تربیت نسل جوان برای ترویج حجاب و عفاف در جامعه گفت: به منظور ترویج فرهنگ حجاب باید اهمیت و سختی‌هایی را که زنان برای حفظ آن در طول تاریخ متحمل شده‌اند تا به دست ما برسد برای نسل جوان بازگو نمود. فارس تنظیم: کهرتی

هزینه‌های گزاف خودنمایی

پیرامون مسئله حجاب مباحث متعددی مطرح می‌شود عده‌ای آن را در جهت امنیت خانواده می‌دانند و عده‌ای در جهت آسایش اجتماعی. حجت‌الاسلام جعفر رفیعی، از مدرسان دانشگاه شهید بهشتی به این نکته تاکید دارد که مسئله حجاب بسیار مرتبط با عقل است و دین در این موضوع فقط به جهت «تاکید» به مسئله حجاب پرداخته است و گرنه عقل خود می‌تواند بحث حجاب را اثبات و تجویز کند. حجت‌الاسلام رفیعی، در بیان کلی از تعریف حجاب ابراز می‌دارد: از نظر فقهی حجاب یعنی زنان در پوشیدگی بکوشند و مردان عفت و تقوای چشم داشته باشند و در کنترل نگاه و نظر خود به جنس مخالف تلاش کنند. اسلام خودنمایی را برای زنان و میل توجه برای مردان را تا حدی محدود کرده است. وی همچنین بسیاری از اندیشمندان را مثال می‌زند که با وجود مسلمان بودن به مسئله پوشش زنان و نگاه مردان توجه کرده‌اند و فواید و قوانینی را برای آن در نظر گرفته‌اند. به اعتقاد وی این مسئله ناشی از توجه به حجاب به عنوان یک موضوع عقلی است، نه موضوعی که صرفاً جنبه عبادی داشته باشد. اثرات فردی و اجتماعی حجاب به اعتقاد حجت‌الاسلام رفیعی، دلایلی وجود دارد که باعث می‌شود «حجاب» ضروری شود و مورد توجه قرار گیرد. اولین مورد آرامش روحی فرد است. وی توضیح می‌دهد: در واقع جامعه اسلامی می‌خواهد افراد از آشوب برحذر باشند و شخصیت زن و مرد در یک فضای کاملاً آرام شکل بگیرد و در واقع اگر آرامش نباشد انسان به کمال هم نمی‌رسد و در جامعه رشد نمی‌کند قطعاً خودنمایی هم هزینه‌های گزافی را به دنبال دارد که این مسائل خود به خود روح انسان را آزار می‌دهد. هم‌اکنون جرم شناسان در جامعه‌شناسی به این نتیجه رسیده‌اند که حجاب و عفاف باعث کاهش جرم، بزه و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. در بیان کلی، آرایش و درخشندگی در خارج از خانه ضد آرامش است و مصونیت و حجاب، راحتی روح را به دنبال دارد. وی سلامت جامعه را به عنوان دومین دلیل در رعایت حجاب مطرح کرد و گفت: سلامت اجتماعی تا حد زیادی به حجاب وابسته است. اگر حجاب و پوشش به نحو احسن رعایت شود می‌تواند سلامت روح را در جامعه تامین کند، و نیز ثمرات مثبت دیگری را هم در پی داشته باشد. وی ادامه می‌دهد: هم‌اکنون جرم شناسان در جامعه‌شناسی به این نتیجه رسیده‌اند که حجاب و عفاف باعث کاهش جرم، بزه و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. این مسئله‌ای است که جامعه شناسان مکاتب غیر از مکتب اسلام هم به آن رسیده‌اند. این مدرس دانشگاه همچنین آرامش جسم به عنوان سومین اثر یاد کرد و گفت: همانگونه که حجاب آرامش روح را به دنبال دارد، باعث آرامش جسمی هم می‌شود. آدمی در پرتو آرامش روحی و روانی به آرامش جسم و تن می‌رسد که این آرامش مولود حجاب است. حجاب و عفاف در جامعه حجت‌الاسلام رفیعی با اشاره به بحث حجاب در جامعه و میزان همخوانی آن با موازین اسلامی گفت: در جامعه امروز ما، حجاب تا حد خوبی با موازین اسلامی همخوانی دارد. این مسئله می‌تواند تا حدود زیادی در آیندگان هم تاثیرگذار باشد. زیرا از طریق خانواده‌های این جامعه، این عقیده در کودکان و نوجوانان شکل می‌گیرد و تداوم پیدا می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت که حجاب تابع تربیت اسلامی است. این مدرس دانشگاه البته از برخی نارسایی‌ها درباره حجاب هم سخن می‌گوید. وی ادامه می‌دهد: در حالی که در بحث غرب‌گرایی، با تبلیغات لیبرالیستی توانسته‌اند عده‌ای را از بحث حجاب دور کنند، اما در واقع نباید این عده قلیل باعث شوند که از وضعیت عفاف در جامعه به بدی یاد کنیم یا به عبارتی خوش‌بینی خود را از دست دهیم. کودکی که از سنین خردسالی در خانواده‌ای با جو آرام و پذیرا آموزه‌های وجدانی و

اخلاقی را دریافت می کند و از محبت و توجه والدین خود سیراب می شود نیازی به خود نمایی در خود نمی بیند نگاه حاکمیتی و دولتی به مقوله حجاب وی درباره نگاه حاکمیتی به حجاب گفت: در مقوله ای همچون حجاب نباید صرفاً دستور و بخشنامه برای اجرای حجاب صادر کرد. این روش نمی تواند راهبر و راهگشا باشد. حجاب مسئله ای عقلی و تربیتی است و مهمترین وظیفه دولت، کمک به تربیت جامعه اسلامی و آحاد مردم است. در حقیقت اگر در این زمینه منطبق را در پیش بگیریم، بدون شک موفق خواهیم بود. اما اگر از مقوله فرهنگ کم گذاشته شود و صرفاً به عملکرد دستوری اکتفا کنیم، باعث می شود توفیق ها کم شود و به مرور از دست برود. وی تاکید کرد: مردم ما باید به زمینه های عقلی و تربیتی حجاب پی ببرند و آن را باور داشته باشند، نه این که صرفاً از روش های دستوری و حاکمیتی آنها را وادار به اقدامی خاص در این عرصه کنیم. در بیان کلی، آرایش و درخشندگی در خارج از خانه ضد آرامش است و مصونیت و حجاب، راحتی روح را به دنبال دارد. نگاه تربیتی به حجاب مطلب دیگر در باب نهادینه نمودن حجاب آن است که والدین باید سعی کنند تا عفاف و پوشیدگی را از کودکی به فرزندان خود آموزش دهند. این مقوله در کودکی می تواند تحت عنوان آموزش حیا و پوشش با لباس های جذاب، اما پوشیده، رعایت نکات ضروری در آداب معاشرت و ارتباطات، آموزش کرامت انسانی و ارزشمندی شخصی، ضرورت حفظ جسم و روح از آسیب های اجتماعی و... جای گیرد. مهم آن است که این نوع از تربیت را از سنین پایین و با حلاوت خاص خود شروع کنیم تا در اعماق جان افراد نفوذ نماید. کودکی که از سنین خرد سالی در خانواده ای با جو آرام و پذیرا آموزه های وجدانی و اخلاقی را دریافت می کند و از محبت و توجه والدین خود سیراب می شود نیازی به خود نمایی در خود نیست، با این شیوه خو گرفته و ضمیرش با مسایل این چنینی اختلاط می یابد. همشهری، همراه با اضافات تنظیم: کهری

زنان خیابانی، معلول یا علت؟

خانواده های ناسالم در ایجاد پدیده زنان خیابانی مؤثر است. رئیس کانون کلینیک های مددکاری اجتماعی کل کشور گفت: خانواده های ناسالم و سست بنیاد در ایجاد پدیده زنان خیابانی مؤثر است. سید کمال الدین موسوی در درباره مشکلات زنان خیابانی گفت: بررسی و رسیدگی به وضعیت زنان خیابانی نیاز به رابطه علت و معلولی دارد؛ در این زمینه باید علت و دلایل این امر مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. وی ابراز داشت: برای بررسی آسیب های اجتماعی نباید فقط با معلول برخورد کرد چراکه تنها برخورد با معلول نتیجه ای در از بین رفتن علت آسیب های اجتماعی ندارد. رئیس کانون کلینیک های مددکاری اجتماعی کل کشور گفت: البته بررسی وضعیت زنان خیابانی و آسیب هایی از این قبیل نیاز به ارائه راهکارهای درست توسط افراد متخصص و صاحب نظر دارد. ازدواج های سالم و موفق را یکی از اصلی ترین راهکارهای کاهش آسیب های اجتماعی است. افرادی که معمولاً بدون هماهنگی با نظر و پیشنهاد خانواده ازدواج می کنند مشکلات زیادی را در جامعه به وجود می آورند. موسوی افزود: بررسی مسائل اجتماعی باید توسط دانشمندان و متفکران بومی که با فرهنگی جامعه آشنا هستند مورد نقد و بررسی قرار گیرد. رئیس کانون کلینیک های مددکاری اجتماعی کل کشور گفت: یکی از راه های شناخت آسیب های اجتماعی بخصوص مسائل مربوط به زنان خیابانی، شناخت بنیان خانواده و ارزش های آن است. بهترین راه برای مقابله با همه نوع آسیب های اجتماعی بخصوص پدیده هایی همچون زنان خیابانی و یا اعتیاد، آموزش برای زندگی در خانواده های سالم است. وی ازدواج های سالم و موفق را یکی از اصلی ترین راهکارهای کاهش آسیب های اجتماعی بیان کرد و افزود: افرادی که معمولاً بدون هماهنگی با نظر و پیشنهاد خانواده ازدواج می کنند مشکلات زیادی را در جامعه به وجود می آورند. موسوی افزود: بهترین راه برای مقابله با همه نوع آسیب های اجتماعی بخصوص پدیده هایی همچون زنان خیابانی و یا اعتیاد، آموزش برای زندگی در خانواده های سالم است. منبع: فارس تنظیم: داوودی

زن یا ملکه زیبایی؟

از دیرباز فساد به عنوان یکی از عوامل تباهی اجتماعات بشری شناخته شده است. بشر در طول تاریخ عوارض نامطلوب آن را به طور مکرر تجربه کرده است، در قرن نوزدهم به دلایل بسیاری، فصل نوینی در این باب گشوده و به طور کلی ارزش‌های گذشته را تحت تأثیر موج مُیدگرایی، لذت پرستی و هوس محوری دگرگون ساخت و به تدریج تبدیل به فرهنگی فراگیر گردید و بشریت موجود در اوج شکوفایی علم و صنعت به دوره وحشتناک بی‌حجابی و فساد سقوط نمود و برای راضی نمودن وجدان و قانع ساختن اندیشه انسان، فلسفه‌ها بافته شد و مکاتب فکری جدیدی بنا گردید. عمق فاجعه به قدری وحشت‌انگیز بود که کندی رئیس جمهور سابق آمریکا و تئورسین معروف آمریکایی می‌گوید: «نسل جوان اروپایی و آمریکایی، هوسبازند. من برای نسل آینده آمریکا بیمناکم از این رو دانشمندان و روشنفکران و معلمین اجتماع را دعوت می‌کنیم که درباره این خطر بزرگ که دنیای بشریت را تهدید می‌کند، فکری کرده و راه‌علاجی پیدا نمایند.» در این مقاله به نتایج بی‌حجابی و بدحجابی (۱. فردی؛ ۲. اجتماعی) می‌پردازیم. فردی: (۱) سقوط شخصیت انسانی زن: حجاب، صدفی است که گوهر گران‌بهای هستی، زن را در بر می‌گیرد. متأسفانه امروزه خصوصاً در مغرب زمین با رواج بی‌حجابی و بدحجابی، شخصیت انسانی زن به فراموشی سپرده شده و تنها به زیبایی‌های جسمی او توجه می‌شود. بنابراین زن وسیله‌ای شده است برای کامیابی و موجودیست با هویت صرفاً جسمی و نه دارای یک شخصیت مورد احترام انسانی. ۲- افزایش التهاب و بیماری روانی: بی‌تردید، اگر زنان با حجاب و پوشش مناسب در جامعه حضور یابند، خود و خانواده و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود، اما اگر زنان به صورت تحریک آمیز در اجتماع ظاهر شوند، التهاب و هیجان روحی بینندگان هر لحظه با دیدن صحنه‌ای تازه افزایش می‌یابد و از آن جا که ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد دلخواه، ممکن نیست، باعث برهم خوردن تعادل روحی بینندگان می‌گردد. همچنین بی‌حجابی و بدحجابی و پیروی از مُید و آرایش، موجب می‌شود که زنان دیگری که قادر به تهیه آن نوع پوشش نیستند نیز دچار فشارهای روانی گردند و تعادل روحی خود را از دست دهند. این التهابات و تهییجات، بیماری‌ها و اختلالات روحی و جسمی فراوانی را به دنبال خواهد داشت. پوشش زن، جذابیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش و پی‌گیری جنس مخالف را برای وصالش فزونی خواهد بخشید، بدحجابی و خودنمایی نیز از جذابیت زن کاسته، کشش و جاذبه او را کاهش خواهد داد. ۳- کاهش سلامت جسمانی: حجاب زمینه‌هیجان‌ات روحی را که منشأ برخی از بیماری‌های جسمی است و همچنین زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و بدین صورت نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید. دکتر الکسیس کارل می‌گوید: «فکر و هیجان می‌تواند سبب ضایعات عضوی و احشایی شود. عدم تعادل دستگاه‌های عصبی و نقص دستگاه هاضمه در اثر هیجان، عامل بیماری‌های معده و روده است.» بی‌حجابی و آزادی جنسی، افزایش بیماری‌های مقاربتی از جمله ایذر، هپاتیت و غیره را در پی دارد. ۴- کاهش جذابیت: همان‌طور که پوشش زن، جذابیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش و پی‌گیری جنس مخالف را برای وصالش فزونی خواهد بخشید، بدحجابی و خودنمایی نیز از جذابیت زن کاسته، کشش و جاذبه او را کاهش خواهد داد. آلفرد هیچکاک هنرمند معروف می‌گوید: «زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می‌بردند، خود به خود جذاب می‌نمودند و همین مسئله جاذبه نیرومندی بدان‌ها می‌داد. اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می‌رود و همراه آن، از جاذبه جنسی او هم کاسته می‌شود.» ۵- برهم خوردن امنیت زنان: بی‌حجابی و بدحجابی و آرایش، غریزه جنسی را تحریک و طوفانی می‌سازد. این تحریک و تهییج نه تنها کنترل و هدایت غریزه آتشین جنسی را مشکل می‌سازد، بلکه مردان را به کانون خطر جدی برای زنانی که با خودنمایی آن‌ها را تحریک نموده‌اند، تبدیل می‌کند.

اجتماعی: ۱) تضعیف ارزش های متعالی: با رعایت حجاب، امتیازات ظاهری محور ارزش های معنوی شده و جامعه در تحصیل آن کوشا می گردد. جهان معاصر به جای توجه به ارزش های واقعی و معنوی، به زیباهای جسمی زن توجه می کند و به جای انتخاب وجه علمی و اخلاقی یا وجه عاطفی و هنری زنان، با تبلیغات و هیاهوی فراوان به انتخاب ملکه زیبایی زنان می پردازد. ۲- انحطاط اخلاقی و تضعیف معنویت: تضعیف معنویت در میان افراد جامعه، زمینه تسلط همه جانبه دشمنان و غارتگران جهانی را فراهم می آورد. بی حس کردن اجتماعات انسانی و تضعیف اراده افراد جامعه برای جلوگیری از هر گونه مبارزه علیه منافع و سلطه فرهنگی و سیاسی، از پیامدهای شوم بی حجابی و بدحجابی است. اگر خودآرایی و تهییج جنسی در جامعه رواج یافته و بهره برداری های جنسی در خارج از محیط خانواده میسر گردد، افزایش طلاق و پیامدهای خطرناک آن نظیر افزایش جرایم، بزه کاری فرزندان که در چنین خانواده هایی زندگی می کنند و... از آثار خطیر این امر خواهد بود ۳- فروپاشی نظام خانواده: خانواده اولین و مهم ترین نهاد اجتماعی یک جامعه به شمار می آید. ثبات خانواده که مرکز عشق و امید و تحقق آرزوهای شیرین جوانان می باشد، توانایی های فردی را افزایش و جامعه را استوارتر می کند. اگر در جامعه ای حجاب به صورت کامل رعایت گردد و تمتعات جنسی به محیط خانواده محدود گردد، جوانان به ازدواج روی می آورند و خانواده های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهد یافت. اگر خودآرایی و تهییج جنسی در جامعه رواج یافته و بهره برداری های جنسی در خارج از محیط خانواده میسر گردد، افزایش طلاق و پیامدهای خطرناک آن نظیر افزایش جرایم، بزه کاری فرزندان که در چنین خانواده هایی زندگی می کنند و... از آثار خطیر این امر خواهد بود که وضعیت نابسامان خانواده در غرب بهترین شاهد این مدعاست. ۴- رکود فعالیت ها و در نتیجه سستی جامعه بشری: بدون شک، کشاندن تمتعات جنسی و بصری از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف، بلکه فلج می کند و در آن صورت، آموزش، پژوهش، کار و تلاش جای خود را به آرایش و خودنمایی، چشم چرانی و لذت جویی خواهد داد که سقوط جامعه را به دنبال خواهد داشت. ۵- ترویج فرهنگ غلط مصرف و زیان اقتصادی ناشی از آن: اشتغال زنان به آراستن خویش و عرضه زیبایی های جسمی، فرهنگ غلط مصرف را ترویج می نماید. افزایش مصرف همان طور که سود بیشتری را به جیب کارخانه داران تولید لوازم آرایش سرازیر خواهد ساخت، توان بازسازی و سرمایه گذاری و رشد و تعادل اقتصادی را در جهان سوم کاهش می دهد و زیان های ناشی از آن را غیر قابل جبران خواهد ساخت. لیست واردات کالاهای تزئینی و لوازم آرایش و سهم عمده آن در هزینه های ارزی جهان سوم، عمق فاجعه اقتصادی ای است که این کشورها را تهدید می کند و زنگ خطری برای جوامع و کشورهای مختلف است. منبع: مجله بشری خانواده گروه خانواده و زندگی تبیان - تنظیم: نداداودی

خودنمایی با انگیزه همسریابی

سفارش قرآن به زنان در خصوص دوری از خودنمایی و جلوه گری خداوند در قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۳۳ در این خصوص می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ...» «در خانه های خود بمانید و همچون زنان جاهلیت نخستین، در میان جمعیت با خودنمایی ظاهر نشوید.» خودنمایی تمایل به خودنمایی و جلوه گری، از نیازهای طبیعی دختران و زنان است که اگر به صورت مثبت و صحیح از آن استفاده شود، می تواند محیط خانواده را گرم کند، اما اگر بی حد و مرز باشد، نه تنها سازنده نیست بلکه آفتی است هم بر جامعه و هم بر شخصیت خود فرد. بعضی از جلوه های خودنمایی عبارتند از: بیرون گذاردن قسمتی از مو، آرایش های تند، پوشیدن لباس های جذاب و محرک، رفتارهای جلف و سبک، نازک زبانی، استفاده از عطرهای مهیج، راه رفتن به گونه ای محرک، لبخند و خنده های مستانه در برابر نامحرمان و ... و انگیزه های خودنمایی عبارتند از: ۱. ایجاد مقبولیت و محبوبیت در جامعه و کسب شخصیت ۲. جذب همسر مناسب ۳. هوسرانی و خوش گذرانی ۴. ارضای حس خود کم بینی خودنمایی زنان و دختران در جامعه موجب می شود که افراد ظاهر بین و چشم چران به زندگی زناشویی خود بی علاقه شوند

و کم کم زمینه‌ی جدایی و از هم پاشیدن یک خانواده و بی سرپرستی و بلا تکلیفی فرزندان آن خانواده فراهم شود. بی آمد و آثار خودنمایی ۱. ذلت: افراد خودنما و جلوه گر، گرچه در ظاهر چشم‌هایی را متوجه خود خواهند ساخت، اما در واقع جوانان پاکدامن هرگز برای چنین دخترانی ارزش و قیمتی قائل نبوده و تن به ازدواج نخواهند داد و به دنبال عقیف ترین دختران می‌روند. دختران خود نما در چشم‌ها جای دارند ولی دختران عقیف در دلها. جاذبه‌های ظاهری افراد خودنما در اندک زمانی از بین خواهند رفت و پایدار نمی‌ماند. سرانجام چنین افرادی تنهایی است. ۲. فساد: خودنمایی موجب چشم‌چرانی و کشیده شدن جوانان به پرتگاه فساد می‌شود. آنان که با جلوه‌گری، زیبایی خود را به نمایش می‌گذارند، باید بدانند که بزرگترین خیانت و جنایت را به جوانان می‌کنند، چرا که جوانی که شرایط ازدواج برایش فراهم نیست، با دیدن چنین صحنه‌هایی به گناه کشیده می‌شود و گاه برای رفع این نیاز تا مرز جنایت به پیش می‌رود. آیا ارضای هوس خودنمایی و جلوه‌گری ارزش آن را دارد که جوانان را به ورطه‌ی گناه کشانده، خود را در معرض خطر قرار داده و جامعه را آلوده نمائیم؟ برای نگاه و نظر دیگران زندگی کردن خستگی و ناامیدی را در فرد ایجاد می‌کند. ۳. سرد شدن کانون گرم خانواده: خودنمایی زنان و دختران در جامعه موجب می‌شود که افراد ظاهر بین و چشم‌چران به زندگی زناشویی خود بی‌علاقه شوند و کم کم زمینه‌ی جدایی و از هم پاشیدن یک خانواده و بی سرپرستی و بلا تکلیفی فرزندان آن خانواده فراهم شود. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «حفاظت زن از آلودگی‌ها مفیدتر است به حال او و ماندگارتر است برای زیبایی اش». ۴- احساس پوچی: افرادی که تمام هدفشان زمینه‌سازی برای جلب توجه دیگران و تمرکز نگاه‌ها بر روی آنهاست پس از مدتی احساس‌هایی از پوچی و یاس و بیهودگی را در خود خواهند یافت. چرا که این گونه تلاش‌ها بسیار زمان بر بوده و انرژی زیادی را صرف خود می‌کند با هدف اینکه خواسته‌های شخصی و دلخواه فرد را برآورده کند. اما پس از مدتی فرد درک می‌کند که آنچه را می‌خواسته تمام و کمال نیافته و لذا نوعی خستگی و دلزدگی را با خود همراه می‌آورد. همچنین افراد خود نما معمولاً از خود کم بینی درونی رنج می‌برند و با این کار قصد دارند تا احساس‌های منفی درونی خود را برطرف کنند و حال آنکه همین فعالیت‌ها این نگرش‌های منفی را تشدید می‌کند. برای نگاه و نظر دیگران زندگی کردن خستگی و ناامیدی را در فرد ایجاد می‌کند. لذا روان‌شناسان عقیده دارند هر قدر دختران با محبت‌ها و توجه‌های پدری بیشتر خوب بگیرند و از تمجیدهای او سیراب شوند کمتر به نگاه و لبخند و توجه مرد خیابانی نیاز داشته و به آن وابسته می‌شوند. طنین یاس تغییر و تنظیم برای تیان: کهری

بی‌نیاز از نگاه دیگران

دخترم هیچ چیز را در این جهان نمی‌توان یافت که شایسته آن باشد که دختری ناخن پای خود را به خاطر آن عریان کند.....برهنگی، بیچارگی عصر ماست. به گمان من، تن تو باید مال کسی باشد که روحش را برای تو عریان کرده است. (بخشی از وصیتنامه چارلی چاپلین به دخترش ژاکلین) جامعه، آینه فرهنگ، آداب و بینش یک اجتماع انسانی است و پوشش، ظهور جلوه‌ای از این آینه است. پوشش زن ایرانی همیشه تاریخ چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام پوششی مناسب، موقر و راحت بوده است. لباسهای زنان ایرانی، از جنس بسیار مرغوب، کار شده و با رنگهای بسیار شاد تهیه می‌شده و تا مچ دست و پاها را می‌پوشانده. لباسی که نشانگر وقار و حیای یک زن متمدن ایرانی در جهان است. هویت تاریخی زن ایرانی در جهان منحصر به فرد و برجسته است. شواهد زیادی وجود دارد که هویت اصیل، ایده‌آل و بی‌نظیر پوشش ایرانی را در تاریخ جهان می‌نمایاند. اما پرسش اینجاست که با این همه سابقه درخشان فرهنگی، چرا دختر ایرانی امروز، احساس بی‌هویتی می‌کند و دچار یک ایدئولوژی بی‌بندوباری می‌گردد، تا جایی که خود را همچون عروسکهای غربی بزرک کرده و با هزار توجیه نابخردانه در معرض نمایش عمومی می‌گذارد. مگر ما چه کم داریم که فرزندان ما الگوهای غربی را می‌پذیرند و دنباله روی مانکنهای بی‌بندوبار غربی رفته‌اند. مگر نه این است که جوامع غربی تا آنجا

به راه انحطاط رفته‌اند که معیارها و ارزشهایشان از اصالت اخلاق و انسانیت به قساوت امیال شهوانی و اغراض پست نفسانی رسیده‌است. چرا برای دختر امروز ایران، ارزشها رنگ می‌بازد، همیشه یادمان باشد که این دختران و پسران از غرب نیامده‌اند، آنها مردان مریخی و زنان ونوسی نیستند، آنها فرزندان ایران هستند، همان خواهران و برادران ما. خانم‌هایی که خود را عروسک وار به نمایش می‌گذارند آن هم در کوچه و بازار دلیلش این است که دوست دارند خود را برای همه قشری زیبا جلوه دهند و حتی آن پست ترین اقشار هم برایشان مهم هستند که خود را به آنها هم نمایش می‌دهند. فردی که خود را به نحوی زننده و غیر معقول آرایش می‌کند و در جامعه وارد می‌شود با زبان بی‌زبانی می‌گوید: ای مردم من چیزی برای عرضه به شما و جامعه ام نداشته‌ام و هیچ کس به من توجه نکرده است من نه بار علمی دارم نه بار شخصیتی دارم و در اصل هیچ چیز در چنته ندارم فقط یک ظاهر و جسم و لباسی دارم که اگر معمولی باشد شاید به چشم شما نیاید لذا ترجیح دادم خود را غیر از معمول متعارف نمایان کنم که شما من را نگاه کنید. ای مردم تو را به خدا به من نگاه کنید! چرا با دیدی واقع‌بینانه به دختران خودمان آموزش ندادیم، چرا آنها را در برابر هجوم فرهنگهای پوچ و ضد ارزش پرورش ندادیم. مگر نمی‌خواهیم مادران فردا، سالم و تندرست باشند، مگر نمی‌خواهیم نسل ما روح و جسم پاک داشته باشند، سلامت باشند، باهوش باشند، پس چرا وقت نمی‌گذاریم، چرا چهار نفر دکتر و روانشناس را جمع نمی‌کنیم برای این معضل چاره‌اندیشی کنیم، چرا دخترانمان را در محیطی شاد و سالم جمع نمی‌کنیم و بگوییم آخر دخترجان! کدام انسان عاقلی به نام آزادی درب خانه خود را به روی همگان باز می‌گذارد؟! این کدام آزادی است که به تو می‌گوید گوهر با ارزش وجودت را در معرض دزدان آبرو و شرف بگذار، این کدام آزادی است که به تو می‌گوید خودت را پشت هزار قلم رنگ و مواد شیمیایی مضر پنهان کن، مگر تو چه کم داری، زیبایی؟ فکر می‌کنی چه کسانی با این وضع می‌گویند که تو زیبا شده‌ای؟ چه کسانی می‌خواهند با تو همصحبت شوند؟ چه کسانی از تو تعریف می‌کنند؟ اصلاً آنها که با این شکل و شمایل به خیابانها می‌آیند؟ چقدر در خانواده موفقند، چقدر همسر خوبی هستند، چقدر مادر خوبی هستند، چقدر سالم‌تر و پاک‌ترند؟ آخر چرا پول بی‌زبان را، که در این روزگار از زیر سنگ بیرون می‌آید، خرج یک مشت مواد شیمیایی آلوده می‌کنی که پوستت را خراب کند. چین و چروک و اگزما و انواع و اقسام امراض پوستی خطرناک دیگر را به جان می‌خوری که به اصطلاح زیبا شوی، برای چه کسی؟ اصلاً زیبایی کاذب موقتی چه ارزشی دارد؟ یک نفر باید بیاید، بگوید: آخر دخترجان! اگر ما می‌گوییم خودت را برای چشم چرانهای ولگرد خیابان عریان نکن؛ حرف بدی می‌زنیم؟! اگر ما می‌گوییم زیباییات را برای کسی نگهدار که عاشق وجودت باشد و برایت یک زندگی واقعی بسازد، حرف بدی می‌زنیم؟! اصلاً تو حرف حسابت چیست؟ مگر انسان موجودی تنهاست که هر جور دلش می‌خواهد رفتار کند، انسان موجودی اجتماعی است، شما باید به قوانین زندگی اجتماعی احترام بگذارید، آزادی شما، تا جای آزادی است که به آزادی و آرامش دیگران صدمه‌ای نزنند، اگر غیر از این باشد که می‌شود قانون حیات وحش، تازه در آن صورت هم تو شانس برای آزادی نداری چون قانون وحش این است که هر کس زورش بیشتر است زنده بماند، بقیه محکوم به نابودی‌اند... شما حق داری لباس خودت را خودت انتخاب کنی، اما باید به پوشش عرف مردم جامعه که ناشی از دین و فرهنگ و آداب مردمان آن است، احترام بگذاری... چرا با دیدی واقع‌بینانه به دختران خودمان آموزش ندادیم، چرا آنها را در برابر هجوم فرهنگهای پوچ و ضد ارزش پرورش ندادیم. مگر نمی‌خواهیم مادران فردا، سالم و تندرست باشند، مگر نمی‌خواهیم نسل ما روح و جسم پاک داشته باشند، سلامت باشند، باهوش باشند، پس چرا وقت نمی‌گذاریم، چرا چهار نفر دکتر و روانشناس را جمع نمی‌کنیم برای این معضل چاره‌اندیشی کنیم زن باید خود را برای کسی که دوستش دارد زیبا جلوه دهد هر چند عاشق همیشه معشوق را زیبا می‌بیند و باید با چشم دل نگاه کند ولی اگر شخص می‌خواهد آراسته باشد باید مکان و زمان را در نظر بگیرد. کوچه و بازار محل کار، خانه و مجالس عروسی و شادی نیست که خانمهای ما خود را عرضه نمایند. آدم با شخصیت تفاوت خانه و محل جشن و محل کار و تحصیل و کوچه و خیابان را درک می‌کند و می‌داند هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. در هر زمان و مکانی باید

مناسب آن شرایط عمل نمود. مثلاً در دانشگاهها می بینیم که دختران و پسران ما به جای تحصیل انگار به سالن مد آمده اند در حالی که در گذشته تاکید می شد محل علم آموزی باید ساده باشد تا از اهداف والای علمی دور نشود. نمی دانم چرا ما از غربی ها نکات مثبت شان را یاد نمی گیریم و فقط منفی ها را زود جذب می کنیم. در همان غرب و اروپا هم افرادی که سرشان به تنشان می ارزد متشخص هستند و آنهایی را که جوانهای ما از روی فیلم و تبلیغات از آنها تقلید می کنند کسانی هستند که به قول معروف چیزی بارشان نیست و انگل جامعه هستند که متاسفانه چون بدیها همیشه جذاب تر هستند آن هم به دلیل این که آسان تر در دسترس قرار می گیرند و زحمتی ندارند لذا سریع تر جذب می شوند. به جای محکوم کردن و منع کردن جوانان در این دنیای رسانه آزاد که اطلاعات از در و دیوار می ریزد، باید به پرورش فکری جوانان پردازیم و آنها را در برابر این هجوم واکنش نماییم. جوان ما باید بداند رفتن به چه راهی چه نتایجی را برایش در پی دارد. تکلیف جوانان و نوجوانان این مملکت باید روشن باشد نباید بدون برنامه و مقطعی عمل کرد. همه ما به آزادی انسانها ایمان داریم و به حقوق اجتماعی و شهروندی معتقدیم. اما اگر شهروندی، با نوع پوشش خود، بر بدنه تعریف شده فرهنگی اجتماعی جامعه ما، آسیب برساند، حتی اگر مطلوب نظر وی بوده و برایش تعریف شده باشد، حق ندارد به طور آزادانه از آن پوشش استفاده نماید، زیرا در اینجا مسأله ای بزرگتر و مهم تر از آزادی فردی مورد تجاوز و تهدید قرار می گیرد و آن آزادی اجتماعی است. اجتماع که نباید متأثر از فرد یا متأثر از یک بنگاه تبلیغاتی یا یک گروه اقلیت باشد. اجتماع ما باید به اجماع، تعاریف و مصادیق معقول و معروف خود را بر اساس فرهنگ، آداب و شریعت ما تبیین و از طریق ضابطین امر ابلاغ نماید. جریان و بلوغ فرهنگ اجتماعی، یک پروسه تاریخی عقیدتی است. اصولاً، زن ایرانی در تاریخ، هرگز نخواست و نپذیرفته است، که بدن خود را در انداز عمومی نیمه عریان کند، یا لباسهایی آنقدر تنگ بپوشد که اندام او نمایان و در چشم باشد. از نظر زن ایرانی، این کار، نوعی خودفروشی است. در فلسفه پوشش ایرانی، اصل، بر حیا، مصونیت، حفظ و مراقبت از زیبایی است. اما در فلسفه پوشش غربی اصل بر بی قیدی، تظاهر، فریب و خودفروشی است؛ نوعی آزادی کاذب سیاستمداران برای استعمار فکری زنان. خیلی از جوانان ما به دلیل بی اطلاعی از چگونگی پوشش اصیل ایرانی و نبود تعریف و اجرای مدرن این نوع پوشش در جامعه مبادرت به استفاده از پوششهای غربی نموده اند. با این تفاسیر اگر در جامعه ایرانی اسلامی ما برخی به این نتیجه رسیده اند که باید خود را نیمه عریان کنند یا لباسهای بسیار تنگ غربی بپوشند، باید دید که این مسأله از کجا نشأت گرفته است. مرحوم دکتر علی شریعتی گوید: ... تجربه نشان می دهد که به عنوان اینکه دین فلاخن چیز را می گوید، نمی شود حجاب را بر زن تحمیل کرد، و عبادت را بر پسر تحمیل کرد، مگر اینکه یک آگاهی انسانی پیدا کند، و اینها نماینده یک طرز فکر باشد. ... شما طرز فکر بچه ها را عوض کنید، آنها خودشان پوشش را انتخاب خواهند کرد؛ شما نمی خواهید مدلش را بدوزید و تنش کنید! او خودش انتخاب می کند. شما رابطه عاشقانه بین او و این عالم وجود برقرار کنید؛ او خودش به نماز می ایستد. هی به زور بیدارش نکنید! باید به نقد عملکردها و سیاستها پرداخت و برای فرهنگ سازی و یا احیای فرهنگی جامعه ایرانی اسلامی اقدام سریع و جدی نمود. مسأله پوشش تنها، یکی از مسائل فرهنگی ماست. مفهوم فرهنگ گستره کلانی را در بر می گیرد، اما نمایندگان فرهنگی ما چه کسانی هستند و ایده آلهای فرهنگی ما چیست؟ چطور باید به سمت آنها حرکت کرد و از چه کسانی باید کمک خواست؟ با این تفاسیر، من می گویم باید بیشتر برای جوانانمان وقت بگذاریم، بیشتر، بیشتر، بیشتر... منبع: سایت مردمان سایت چارقد گروه خانواده ایرانی سایت تبیان تنظیم و فرآوری: نسرين صفری

بدجبابی، ریشه ها، آثار و راهکارها

از جمله مسائل مهمی که رسالت بررسی و تبیین آن را جامعه شناسی به عهده دارد، ناهنجاری های اجتماعی و ارائه راهکارهای مناسب برای حل آن ها است. سید احمد هاشمی چکیده از جمله مسائل مهمی که رسالت بررسی و تبیین آن را جامعه شناسی به

عهده دارد، ناهنجاری های اجتماعی و ارائه راهکارهای مناسب برای حل آن هاست. بسته به فرهنگ و ارزش های فرهنگی هر جامعه، ناهنجاریهای رفتاری و اجتماعی هم متفاوت است و نقش جامعه شناس در شناخت این پدیده ها حساس تر می نماید. در جوامع دین مدار، ارزش های دینی، بخش جدانشدنی اجتماع است که تاثیر تخطی از آن در روان و امنیت اجتماع بد و جبران ناپذیر است و انگهی این ارزش ها گاه چهره قانونی به خود می گیرد و گذر از آن، جرم به شمار می رود. حجاب یک باید دینی و یک ارزش عرفی در نگاه جامعه ما است. مساله حجاب و نقش آن در ایجاد امنیت روانی- اجتماعی، توسعه فرهنگی و اقتصادی و یک حق مسلم برای زنان مسلمانان در آیات و روایات گویای اهمیت ویژه این واجب الهی است و همه زن و مرد جامعه را به رعایت آن فرا می خواند. اسلام با طرح این مساله اولاً- زمینه حضور اجتماعی زنان مسلمان را فراهم کرد و ثانیاً نگاه جنسیتی و حیوانی مردان به زنان را از بین برد و نگاه انسانی به زن را در جامعه پدید آورد. با این همه، پرسش این است که چرا در جامعه اسلامی خودمان، ناهنجاری بی حجابی را می بینیم؟ در این مقاله قصد داریم به ریشه ها، آثار و راهکارهای مقابله با این پدیده اجتماعی پردازیم. در بررسی این موضوع نگاه ما به بعد روانشناسی مساله و هم به بعد جامعه شناسی آن معطوف است. مقدمه اسلام در نگاه دقیق خود برای حفظ حریم عفت عمومی، جلوگیری از شیوع فحشا و فساد، کنترل غریزه شهوت، پیشگیری از هدر رفتن انرژی ها و رکود بازار اقتصادی و علمی، ارزش نهادن به کرامت انسانی زن که یک دوم نیروی انسانی جامعه است و جلوگیری از نگاه جنسیتی و ابزاری مرد به زن، جلوگیری از فروپاشی خانواده ها و ایجاد نسل بی پایه و اساس، ایجاد آرامش روانی در سطح جامعه و در یک جمله «آزادی واقعی زن از قید هوسها» مساله حجاب را کرد و چه جاهلانه است که بشر امروز برای به اصطلاح ارج نهادن به حریم الهی این موجود مقدس شعار برداشتن محدودیت زن یعنی حجاب را سر داده و برای پر کردن هوس های آلوده و جیب های سرمایه داری از جسم لطیف و دستان ظریف این آینه جمال الهی، او را بازیچه افکار سود محور خود قرار داده است. اصل حجاب ۱- تساوی زن و مرد یا تفاوت؟ از نگاه اسلام- نه نظام حقوقی فمینیستی در غرب - و بر اساس آیات زیادی از جمله سوره مبارکه احزاب و آیه ۳۵، حجرات ۱۳، نحل ۹۷، روم ۲۱، قصص ۷ و آل عمران ۴۵، خمیر مایه زن و مرد یکی است و رسیدن به مراتب کمالی برای هر دو میسر است اما تفاوت های جسمی، روانی و احساسی از نظر تکوینی و تشریحی بین این دو موجود، منشاء تفاوت های حقوقی و اجتماعی شده است هر چند در بسیاری از موارد حقوقی و اجتماعی بین این دو تساوی و بلکه ارجحیت زن حاکم است. (۱) ۲- حجاب از جمله تفاوت های زن و مرد یکی از تفاوت های قراردادی و اجتماعی زن و مرد، حجاب به معنای اصطلاحی و عرفی آن است که اسلام حضور اجتماعی زن را نسبت به مرد با پوشش بیشتری مقید کرده است. نکته ظریف این که حجاب هرگز به معنای محدودیت زن نیست؛ فلسفه اصلی حکم حجاب، ورود زن به عرصه اجتماع است و این همان آزاد کردن زن است نه حصر و محدود کردن او. در این صورت است که نگاه مرد به زن دیگر نگاه جنسیتی نخواهد بود و لذا حجاب یعنی تغییر نگاه مرد به زن. ۳- تاریخچه حجاب با رجوع به تاریخ و کتب تاریخی، روشن می شود مساله حجاب، ویژه به جامعه اسلامی نبوده و حتی در جوامع پیشین، این مساله، جدی بوده چه برسد به جوامع دینی یهودیت، مسیحیت و اسلام که بخشی از دستورات دینی آنها بوده و هنوز هم در برخی هست. در این زمینه مرحوم شهید مطهری در کتاب حجاب (۲) این مساله را در قوم یهود، ایران باستان، جاهلیت عرب و هند بررسی می کند. جناب استاد اسدالله محمدی نیا نیز در کتاب به بهشت جوانان (۳) به تاریخچه حجاب در آسیا، آفریقا، آمریکا، اقیانوسه، هند و عربستان، یونان و روم، چین، بابل؛ مردم غیر متمدن، می پردازد و آمارهای جالبی ارائه می دهد. مرحوم علامه طباطبایی نیز ذیل آیات شریفه ۲۲۸ تا ۲۴۲ بقره و ۱۹۰ تا ۱۹۹ آل عمران و ۲ تا ۶ و ۱۱ تا ۳۵ سوره نساء بحث مبسوطی پیرامون دین تاریخچه دارد. نکته مهمی که در بخش تاریخچه حجاب قابل ذکر است اینکه این گرایش عمومی جوامع متمدن و غیر متمدن، دینی و غیر دینی به مساله حجاب برخی را بر آن داشته که فطری بودن حجاب را مطرح سازند که آموزه های دینی ما نیز موید این تفکر است. (۵) ۴- عمده ترین ادله بیان شده در منابع مراجعه شده در بحث فلسفه

حجاب عبارتند از: الف): آرامش روانی: پر واضح است از جمله غرایز بشر که در طول تاریخ سبب فتنه ها، جنگ ها، تنش های عصبی، ناهنجاری های رفتاری و هزاران بلای دیگر شده و می شود و اکنون نیز ابزار تحمیل فرهنگ و سیاست و رشد مصرف گرایی و تسلط بیگانگان است، غریزه جنسی است که عامل گسترش و تهییج آن طبق قانون خلقت در وجود زن بیشتر قرار داده شده و حجاب روشی است برای جلوگیری از طغیان این غریزه و آرامش روحی افراد جامعه. ب): رشد معنویت: بی تردید زنی که در دام بی حجابی افتد و تمام وقت خود را صرف آرایش و مد گرایی کند فرصتی برای ارتقای روحی و معنوی خود نمی یابد، به علاوه بی حجابی سبب افول معنویت کلی در سطح جامعه می شود. در مقابل، زن مومن با حجاب، هر رفتاری را به جا بروز می دهد و ضمن آن که کانون خانواده را با مهر و زیبایی خویش، معطر می کند در جامعه نیز عنصری فعال، انسان ساز و مربی اخلاق و خوبی ها می شود. ج): استحکام خانواده: وقتی راه رسیدن به هوس ها برای جوانان در عرصه خیابان ها و پاساژها باز باشد روشن است کسی به فکر تشکیل خانواده و قبول مسئولیت استکمالی خانواده نمی افتد چنانکه آمارهای میدانی در غرب حکایت از این مهم دارد. این در حالی است که با کنترل غریزه های جنسی باروش های معقول و کارآمد و سالم، بشریت بشر، نسل به نسل ادامه می یابد و مادران فهیم، فرزندان برومند تحویل جامعه می دهند و ازدواج، عبادتی مقدس و انسان ساز شناخته می شود. د): سلامت اقتصادی و علمی: روشن است در مراکز علمی و اقتصادی حجاب مانع هدر رفتن انرژی هایی می شود که باید در رشد علمی و اقتصادی مصرف می شوند. ه): مانع فرزندان نامشروع و بی سرپرست: از جمله معضلات امروزی جوامع بشری در غرب که تبعات سنگین اقتصادی، اجتماعی، حقوقی در پی داشته وجود فرزندان نامشروع و بی سرپرست است که یقیناً یکی از علل بروز آن نبود حریم خاص بین زن و مرد و روابط اجتماعی غرب است و این مهم بار سنگینی را بر حاکمیت تحمیل می کند جدای از تبعات اجتماعی و اخلاقی آن. و: از نظر سیاسی: یک زن با حجاب به قول یکی از بزرگان، مسجدی متحرک است که پشت نقاب حجاب بر حفظ باورهای دینی خود و فرهنگ دینی اسلام و جلوگیری از سوء استفاده قدرت های استعمارگر اصرار می ورزد. ز): حفظ عزت و کرامت زن و جلوگیری از آزار سوء استفاده از شخصیت وی: (۶) شاید این قسمت مهم ترین فلسفه حجاب باشد چنانکه در سوره احزاب ۵۹ می فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها) روسری های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. به قول ویل دورانت: «زن وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه به او مایه حمایت اوست». این نیاز عاطفی و روانی سبب می شود که زن به اصطلاح قرآن، به تبرج و آرایش میل بیشتری داشته باشد، حال اگر این میل روانی از مجرای حقیقی خود یعنی حریم خصوصی خانواده به عرصه اجتماع کشیده شود طبعاً نگاه حیوانی و جنسی مردان را به خود جلب خواهد کرد و اینجاست که به جای حفظ کرامت و ارزش حقیقی زن - یعنی یک انسان - وی اسیر هوس های زودگذر و آزار مردان خواهد شد. ریشه های بدحجابی ۱- بعد روان شناسی ریشه های بدحجابی در این قسمت مهم ترین عوامل را می توان به صورت ذیل مطرح کرد: الف): هوسرانی: یکی از ابعاد روحی و روانی انسان وجود غرایزی است که به تعبیر امیر بیان در خطبه اول نهج البلاغه: «وَعَزَّزَ غَرَائِزَهَا» در وجود انسان نهاد شده است. قوه شهوت از قویترین قوای غریزی انسان است که به باور فروید و طرفدارانش اساس سایر قوا و تمایلات انسان است. این قوه به ویژه در زنان طبق اطلاعات روانشناسی و دینی بیشتر نمود بروز دارد و انگیزه برخی زنان از بی حجابی نیز همین است. ب): کسب موقعیت و جلب توجه دیگران موقعیت طلبی، کسب شهرت و جلب توجه دیگران نیز از جمله زوایای روحی انسان است که گاهی به صورت حقیقی مثل تحصیل علم و فضایل اخلاقی به دست می آید و گاهی به صورت کاذب در افرادی که معمولاً فاقد ارزش های حقیقی اجتماعی هستند. البته چنین افرادی مانند ساختمانی هستند با نمای زیبا و درونی خراب، در حالی که استحکام بنا به نمای آن نیست. ج): ضعف ایمان و عدم شناخت و آگاهی ایمان،

اعتقاد قلبی و التزام عملی به دستورات الهی است که از نظر روانی ضامن حفظ انسانها از سقوط در ورطه خودخواهی و فساد است. بی‌حجابی نتیجه فقر فرهنگ دینی است؛ کسی که از این فرهنگ غنی دور است و نسبت به آن دانسته و ندانسته جهل می‌ورزد یا التزام عملی به باید‌های دینی از جمله حجاب ندارد، نمی‌تواند به راحتی تن به پذیرش آن دهد. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: الناس اعداء ما جهلوا (۷)؛ مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی‌دانند. د: دگر آزاری: این مولفه که خود معلول عوامل دیگر روان‌شناختی مثل عقده‌های حقارتی است در برخی موارد، زنان را به یک بیمار روانی که علاج درد خود را در آزار دیگران می‌بیند، تبدیل می‌کند. ریشه این گونه تمایلات بیمارگونه معمولاً حقارت‌های خانوادگی است که از سر تربیت‌های غلط و ناسالم است. ه: صید دل‌های مردان: از جمله تفاوت‌های روانی بین زن و مرد اینست که زن میل شدیدی به دلبری دارد چنانکه اسباب آن نیز در وجود او بیشتر قرار داده شده است. گاهی این میل روانی به حد افراط رسیده و محبوبیت عمومی را طلب می‌کند و به یک همسر بسنده نمی‌کند. و: زیبایی طلبی: زیبایی طلبی از جمله گرایش‌های فطری است که در وجود انسانها به صورت ذاتی قرار داده شده است. تصور برخی از زنان به غلط آن است که حجاب مانع و ناقص بروز زیبایی‌های آن‌هاست لذا کثرت رنگ‌ها و مدها و جلوه‌های متفاوت بی‌حجابی بروز و ظهور می‌یابد غافل از آنکه زیبایی تعریف و حد و مرز خود را دارد و اگر از حد اعتدال عبور کند و به تعبیر قرآن به «تبرج» بینجامد یک بیماری روانی می‌شود که گاهی سبب اتلاف عمر و هزینه‌های سنگین اقتصادی اجتماعی می‌شود. ز: ازدواج: عده‌ای از دختران و زنان بی‌حجابی و جلوه‌گری را پلی برای رسیدن به ازدواج می‌دانند، غافل از آنکه ظاهر و درجه تاثیر آن در زندگی زناشویی سهم کوچکی از تمام زندگی دارد بویژه آنکه پسند بر اساس ظاهر، آفت بروز مجدد آن پس از ازدواج را هم دارد هر چند بر اساس واقعیت شاید این جلوه‌نمایی شانس ازدواج را بالا ببرد اما در استحکام و ادامه زندگی نقش منفی بازی خواهد کرد. ح: ضعف حیا: حیا و عفت از جمله ملکات نفسانی و روانی هر انسانی است که او را از ارتکاب بسیاری از گناهان باز می‌دارد؛ به فرموده معصومین کسی که این مولفه را ندارد از دین داری محروم است!! (۸) این پرده عصمت بین خداوند و بنده و بین بنده با بندگان دیگر مانع بروز بی‌حجابی می‌شود. ط: اظهار غنای مالی: این عامل روانی نیز ریشه در خودنمایی و تفاخر انسان دارد که برخی افراد به شکل افراطی بروز می‌کنند و چون عامل دوم راهی برای کسب موقعیت‌های کاذب اجتماعی است که خود معلول عوامل روانی دیگر است به این دسته باید گفت: تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت ادامه دارد... www.rasanews.ir

پی

نوشت‌ها: ۱. ر. ک: مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۲. مطهری، مرتضی، حجاب، ص ۲۱ تا ۳۰ و ۳. محمدی‌نیا، اسدالله، بشهت جوانان، بخش اول ۴. طباطبایی، محمد حسین، میزان، ذیل آیات مذکور ۵. از جمله سوره اعراف آیه ۲۲، که با نبود هیچ شخصی در بهشت مذکور باز آدم و حوا به محض برهنه شدن خود را پوشاندند. ۶. رجیبی، عباس، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۱۴ و ۷. آثار الصادقین، ج ۲، ص ۴۲۲، به نقل از کتاب چرا حجاب، ابراهیم خرمی ۸. بحارالانوار ج ۷۵ ص ۱۱۱

بدحجابی، ریشه‌ها، آثار و راهکارها (۲)

از جمله مسائل مهمی که رسالت بررسی و تبیین آن را جامعه‌شناسی به عهده دارد، ناهنجاری‌های اجتماعی و ارائه راهکارهای مناسب برای حل آن‌هاست. سید احمد هاشمی ریشه‌های بدحجابی ۲- بعد جامعه‌شناختی ریشه‌های بدحجابی: الف: ملامت دیگران: ملامت اعضای خانواده، فامیل، دوستان و برچسب زنی برای ارضای تمایلات شهوانی از سوی آقایان از جمله عوامل جامعه‌شناختی بحث بی‌حجابی است. این ملامت نیز خود ریشه‌های متعدد روانشناسی در وجود ملامت‌گر دارد مانند جهل به آثار و

برکات حجاب، ارضای تمایلات جنسی، ضعف ایمان و غیرت و حیا. ب: غربزدگی و سلطه استعمار: اصل تقلید و الگو پذیری در انسان جزء لا ینفک وجود اوست ولی گاهی این الگو پذیری به یک تقلید کور و جاهلانه و پذیرش فرهنگ مخالف تبدیل می شود بدون توجه به تبعات سنگین اجتماعی و اخلاقی آن. مهم آن روی سکه مقلدان غرب است که امروزه استفاده جنسی از زن، ابزاری برای سلطه استعمار بر منابع مالی و از بین بردن فرهنگ اصیل کشورهای اسلامی است. شعار آزادی زن به قول شهید مطهری ابزاری برای پر کردن جیب سرمایه داران غربی و فروش اجناس آرایشی و بهداشتی و فیلم های مبتذل خود است. این نگاه افراطی به زن که از اوایل قرن بیستم در انگلستان برای اولین بار و سپس در آمریکا و ایتالیا و فرانسه داده شد یک شعار پوچ برای سلطه فرهنگی بود. بنام آزادی و تساوی مرد و زن او را با حقوق ناچیز از کانون گرم خانواده به کارخانجات کشاندند. بنام آزادی از وجود زن برای فروش لوازم آرایشی و لباس های جدید کارخانجاتشان استفاده کردند و برای ساخت فیلم های مبتذل و جذب مردم به ویژه جوانان به سینما و سایت ها و شبکه های خود از شخصیت الهی زن استفاده کردند تا با فروش فیلم ها و سی دی ها و عکس های مبتذل جیب خودشان را پر کنند. به قول مرحوم اقبال لاهوری: خلق را تقلید شان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد ج : خانواده : خانواده کوچکترین نهاد اجتماعی است که بیشترین تاثیر را طبق آموزه های دینی و جامعه شناسی در جامعه دارد. مهم ترین کانون تربیت که بیشترین زمان و تاثیر را بر فرزند دارد. از همین رو وجود آیات و روایات با موضوع تربیت خانوادگی و نظام تربیت خانواده از دیدگاه اسلام حکایت از اهمیت آن دارد. تکالیف سنگینی که اسلام در زمینه حقوق فرزندان بر دوش پدر و مادر نهاده، گویای نقش بی بدیل این کانون است. به جد می توان گفت نقش خانواده در بروز ناهنجاری های رفتاری و اجتماعی در درجه اول اهمیت قرار دارد. ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، نیاز به تعلیم خانواده با عمل و علم و استفاده از ابزار و شیوه های صحیح تربیتی دارد. د: حاکمیت و نقش آن: عملکرد، سخنان، برخوردها و قوانین حاکمان حکومت قطعاً در افزایش یا کاهش بدحجابی سهم بسزایی دارد. بی سبب نیست که در سوره احزاب آیه ۳۵ ابتدا به خود پیامبر حاکم اسلامی دستور می دهد آنهم با شروع از زنان و دختران خود!! حجاب در کشور ما؛ یک قانون است و تخطی از آن یک جرم اما راهکارها و عملکرد قانونمداران در این زمینه دچار نقض است مثلاً- در همین طرح امنیت و انضباط اجتماعی به قول جامعه شناسان دو بعد مهم کار فرهنگی و برخورد های فیزیکی در کنار هم باید دیده شود به ویژه کار فرهنگی یک درمان اصلی نه مقطعی از اهمیت ویژه برخوردار است. ابزار مهمی چون رسانه ملی و روزنامه ها و کتب آموزشی و سینما و تئاتر، همه و همه نقش مهمی در این مقوله دارند. آگاهی بخشی، نشست های علمی و تلویزیونی، رشد علمی جامعه و نهادینه کردن باید های دینی رسالت مهمی است که به عهده حاکمیت است. برنامه ریزی های کوتاه مدت و دراز مدت، ارائه الگوهای صحیح، نظارت بر موسسات تولیدی پوشاک و سینما و غیره از دیگر وظایف مهمی است که باید در برنامه های کشوری دارای تعریف و طرح و اجرای مشخص باشد و در صورت خلا قانونی، باید فکری به حال نقض قانونی آن کرد. آثار بدحجابی الف: عقده ای کردن مردان و بروز جنایت: از دیدگاه علم روانشناسی تا هنگامی که انسان چیزی را نبیند به آن میل پیدا نمی کند و در نتیجه تعادل روانی او حفظ می شود اما اگر ببیند نتواند به آن برسد نا آرام و ملتهب می گردد این مساله در مورد سایر غرایز انسانی غیر از شهوت هم صادق است. در صورت شعله کشیدن غریزه و نرسیدن خوراک آن یا انسان تحمل می کند و به اصطلاح قرآنی «غَضَّ» و حفظ و امساک می ورزد که این ایمانی بس بلند می طلبد و تنها به مدد الهی میسر است و یا برای رسیدن به آن از هر راهی تن می دهد که این مساوی است با بروز فسادها و جایات ها و شکسته شدن حریم ها و یا این که سر از عقده های روحی و روانی در می آورد. ب: سقوط شخصیت زن و مرد: حجاب برای زن، قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت خویش خارج می سازد در این هنگام است که زن در ظاهر از قید حجاب آزاد می شود اما در بند هزاران قید دیگری می افتد و گاهی در این مسیر ارزش های مسلم انسانی مثل حب نفس و تن و مال را از دست داده و تن به هر خفتی می دهد. از طرف مردان نیز وقتی چشم هوس و طمع با بی حجابی باز شد

چشمه های عقل و حکمت و معنویت بسته می شود و مرد را به ورطه سقوط انسانی می کشاند. ج: بلوغ زودرس و عواقب آن: اسلام با ظرافت خاص در سوره نور دو راهکار کنترل غریزه جنسی را مطرح می کند: یک راهکار سلبی که همان عفت چشم و دامن و مبارزه با امیال و دعوت زنان به حفظ پوشش و پرهیز از زینت است و یک راهکار ایجابی که فرمان به والدین و نهادهای اجتماعی و حکومتی برای زمینه سازی ازدواج جوانان است. ۹. حال اگر راهکار سلبی اسلام عمل نشود و با بی حجابی این غریزه خطرناک تشدید شود و از آن سو راهکار ایجابی نیز بر اثر تجمل ها و خودخواهی بسته شود روشن است که با بلوغ زودرس جوانان و عواقب وخیم آن روبرو می شویم. ۱۰. د: تکذیب آیات الهی و احساس پوچی به تعبیر قرآن « تَمَّ كَانْ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ » ۱۱ میل به تبرج و بروز زیبایی ها و فرار از فرمان مقدس الهی نتیجه ای جز تکذیب سایر فرامین الهی نخواهد داشت چنانکه در عرصه اجتماع این مهم قابل مشاهده است. سرنوشت این گونه افراد بعد از عبور دادن از دوران کوتاه زیبایی و طراوت جوانی چیزی جز احساس پوچی و تنهایی نخواهد بود. زیرا نگاه های هوس آلود کسانی که در پی افراد بوده اند تا زمانی بدرقه آنهاست که لطفی برای آن نگاه ها داشته باشند لذا حتی در دستورات فقهی؛ محدوده حجاب برای زنان سالخورده و روستایی و بیابانگرد که از زیبایی کم تر بهره دارند بسیار متفاوت است با دختران جوان تازه به دوران رسیده. از بین رفتن کانون خانواده، عقاب آخرتی و غفلت، از دیگر عوارض بی حجابی است. راهکارهای مقابله با بی حجابی به صورت کلی جامعه شناسان در برخورد با ناهنجاری های رفتاری در سطح جامعه دو راهکار مهم رشد و توسعه فرهنگی و برخورد های قانونی را مطرح می کنند. در بخش اول می توان به شاخص های کار فرهنگی اشاره کرد: الف: اطلاع رسانی و آگاهی زنان و مردان به جد می توان گفت در بسیاری موارد بی حجابی ریشه در عدم آگاهی فرد دارد که گاهی با یک تلنگر متوجه عواقب آن شده و با میل و رغبت آنرا می پذیرد. در عرصه فرهنگی مهم ترین بخش های جامعه عبارتند از رسانه های گروهی، صدا و سیما، مطبوعات، نشریات، سخنوران، نویسندگان، اولیاء و مربیان. نقش هنرهایی چون شعر و نقاشی و مقالات بویژه هنرهای تصویری مثل فیلم ها و سریال ها و سینماها بی بدیل است بویژه با توجه به مولفه الگو پذیری برای نسل جوان از این ابزارها. تعیین روزی بنام حجاب آن هم نه در حد شعار مثل روز ۲۲ تیر که مردم در دفاع از حجاب اسلامی در مسجد گوهرشاد توسط عمال رضا شاه کشته شدند موثر خواهد بود. ب: ترویج فرهنگ غیرت و تحکیم بنیه تقوا بی تردید خانم ها با هر سلیقه شخصی و تفکری که باشند نظر و سلیقه همسر خود را ترجیح می دهند از جمله در وضع ظاهری، اینجاست که غیرت ناموسی مردان نقش مهم خود را باز می یابد؛ در این قسمت نیز استفاده از ابزارهای تبلیغی در قسمت الف مهم و سرنوشت ساز است نقش طلاب علوم دینی در این بخش و نیز بخش الف غیر قابل انکار است. ج: تقویت بخش نظارتی دستگاه حاکم بر رسانه های جمعی امروزه نقش صدا و سیما در تغییرات فرهنگی جامعه حتی تغییرات ارزشی از نظر دین غیر قابل انکار است. نقشی که گاهی در سایر عرصه ها مثل سیاست و اقتصاد نیز به روشنی مشهود است. گاه تبلیغات یک جنس و یک شخص چنان موجدی در جامعه ایجاد می کند که از آن نمی توان به سادگی گذشت. د: معرفی الگوهای مناسب پوششی و رفتاری قبلا هم متذکر شدیم که انسان بخصوص نقش الگو پذیری را همواره مد نظر دارد. تشویق هم در روانشناسی آنچه مهم است که قرآن کریم با ذکر نعمات بهشتی سعی در ایجاد انگیزه انسانها برای انجام اعمال خیر دارد. در مواردی نیز قرآن به ارائه الگوهای عملی و رفتاری انسان های شایسته می پردازد البته در این مهم یعنی الگوها و تشویق دختران جوان بخصوص به امر حجاب باید از راهکارهای ظریف روانشناسی استفاده کرد. در بحث ارائه الگوی برتر جامعه و نهادهای مرتبط به این امر باید چنان عمل کنند که از دید افراد جامعه حجاب یک ارزش ملی و دینی و انسانی و بی حجابی یک ضد ارزش اجتماعی محسوب شود چنانکه اول انقلاب اسلامی نیز چنین بود. آموزش حجاب در مدارس و ارائه الگوهای عملی رفتاری مثل خود معلمان نقش مهمی در این رابطه دارد تعلیمات دینی باید از حد یک کتاب فراتر رود چرا که لا اکره فی الدین شیوه ای که خود اولیاء دین هم بکار بردند همین بود. وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۱۲. نمونه ای از همین شیوه

زیبای تبلیغی است. اسلام مهم ترین الگوی عملی حجاب را در شخصیت بی نظیر حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها نشان داد و به این هم بسنده نکرد و شخصیت بی نظیر حضرت زینب سلام الله علیها را در سخت ترین شرایط اجتماعی به نمایش گذاشت تا بهانه را از دست برخی بهانه جویان بگیرد. نقش خانواده ها نیز در این میان کم نظیر است. دختری که تا سن ۹ سالگی هیچ گونه حد و مرزی در پوشش نداشته و گاه مثل یک عروسک آرایش شده به عرصه جامعه و محافل خانوادگی کشانده می شود چگونه می تواند به یکباره این مهم را رعایت کند. ه: انسجام فرهنگی راه مقابله با تهاجم فرهنگی امروزه بحث تهاجم یا شیخون یا غارت فرهنگی از بحث های مهم جامعه شناسی است که در تمام کشورها به ویژه کشور اسلامی ما مطرح است. در این بین شاید بتوان گفت کارهای فرهنگی موازی زیادی از سوی نهادهای فرهنگی صورت گرفته اما آنچه تاثیر این عملکردها را کم رنگ می کند و گاه از فرصت ها تهدید درست می کند عدم انسجام درونی بین این نهادها است. با سرعت سرسام آور تحولات فرهنگی و علمی و تکنولوژیک نیاز به این انسجام بیش از پیش احساس می شود. خانم بهزادپور در کتاب نقش حجاب در توسعه از زبان "کی روشه" نقل می کند: «چنانچه همبستگی متقابل میان اجزای نظام فرهنگ برقرار نباشد فرهنگ کارائی خود را از دست می دهد زیرا هر جزء در فرهنگ در عین پویا بودن باید بر سایر عناصر و امور دیگر تاثیر گذار باشد و مجموعاً وحدت، نظم فرهنگی را بوجود می آورد تا بتواند همبستگی میان عناصر مادی و معنوی را بوجود آورد. ۱۳ گاه شده که با رشد نرم افزاری فرهنگ و عدم رشد بخش سخت افزاری به قول جامعه شناسان (مثل آقای اکبرن) پس افتادگی فرهنگی بوجود می آید. ۱۴ در بحث تهاجم فرهنگی این نقاط باید مد نظر قرار گیرد: زمینه های تهاجم فرهنگی، ضعف برنامه ریزی های فرهنگی، سرعت تغییرات فرهنگی، عناصر منفی فرهنگ، راه مبارزه با تهاجم فرهنگی، بررسی علل شکاف فرهنگی، مهندسی اجتماعی، شیوه های تبلیغ فرهنگی، اهداف و برنامه ها، نگاه کوتاه مدت و بلند مدت. ۱۵ نکته مهم پ در کار فرهنگی بررسی سه لایه شناختی (معرفتی)، عاطفی و رفتاری با هم است و پرداختن به هر لایه بدون در نظر گرفتن سایر لایه ها کاری از پیش نمی برد. در بخش دوم یعنی برخوردهای قانونی کوتاه مدت و مقطعی دو مرحله قابل ذکر است: الف: مرحله توصیه و تذکر: این مرحله غیر از بحث مهم نظارت، آن هم در قالب امر به معروف و نهی از منکر دینی است بلکه حاکمیت در چارچوب قانون، گروهی را طبق ضوابط مامور توصیه و تذکر این مهم می کند. این شیوه منظم دیگر نقائص برخوردهای اجتماعی و خروج از حد و مرز قانون و شریعت را نخواهد داشت و قابل پی گیری قانونی خواهد بود. البته می توان این قسمت را هم در کار فرهنگی بخش اول لحاظ کرد. ب: برخوردهای امنیتی و پلیسی: در مواردی که یک ناهنجاری رفتاری به نظم عمومی و عفت اجتماع لطمه بزند، یا ترویج یک فکر و ایده خاص غیر اخلاقی و غیر دینی باشد، بخصوص که در قانون تعریف روشن و حد و مرز مشخص داشته باشد چاره ای جز برخوردهای فیزیکی و انضباطی نیست البته پر واضح است این راه دوم و این بخش کار در درجه دوم راهکارهای برخورد با بی حجابی قرار دارد و آنچه مهم است استفاده از راهکارهای فرهنگی است که در بخش اول کاملاً به آن پرداختیم. نکته مهم در برخوردهای امنیتی پرداختن به سرچشمه ها و ریشه های اصلی این مساله است نه فقط عرصه خیابانها و جامعه، مثلاً برخورد با شبکه های توزیع این مدها و بی حجابی ها، کارگاهها و کارخانجات تولید اسباب بی حجابی و سازندگان فیلم های غیر اخلاقی و پخش کنندگان محصولات غیر اخلاقی. خلاصه و نتیجه گیری: ۱- حجاب از ضروریات و بایدهای دینی و قانونی است که تخطی از آن یک گناه و جرم محسوب می شود. ۲- حجاب به معنای اصطلاحی آن از جمله تفاوت های ظاهری لحاظ شده در اسلام بین زن و مرد است که ریشه در تفاوت های جسمی و روحی و احساسی زن با مرد دارد. ۳- حجاب در تمام ملل دینی و غیر دینی دارای پیشینه زیادی است و یک ارزش اجتماعی برای زن مطرح بوده نه یک محدودیت. ۴- حجاب آرامش روانی، رشد معنویت، استحکام خانواده، سلامت اقتصادی و علمی، منع از فرزندان نامشروع و بی سرپرست، موضع سیاسی اسلام در برابر بیگانگان، حفظ عزت و کرامت زن و جلوگیری از آزار او و سوء استفاده از شخصیت وی را در پی دارد. ۵- ریشه های بی حجابی به طور کلی در دو بعد روان شناختی و جامعه

شناختی قابل بررسی است. ۶- در بعد روانشناسی ریشه های بدحجابی به عوامل مهمی چون هوسرانی، کسب موقعیت و جلب توجه دیگران، ضعف ایمان و عدم شناخت و آگاهی، دگر آزاری، صید دل‌های مردان، زیبایی طلبی، تمایل به ازدواج، ضعف حیا، اظهار غنای مالی می‌توان اشاره نمود. ۷- در بعد جامعه‌شناسی ریشه های بدحجابی به این شاخصه‌ها می‌توان اشاره کرد: ملامت دیگران، غریب‌زدگی و سلطه‌استعمار، خانواده، حاکمیت و نقش حساس آن. ۸- عمده‌ترین آثار بی‌حجابی عبارتند از: عقده‌ای کردن مردان و بروز جنایت، سقوط شخصیت زن و مرد، بلوغ زودرس و عواقب آن، تکذیب آیات الهی و احساس پوچی، از بین رفتن کانون خانواده، ایجاد غفلت و عواقب آخرتی آن. ۹- در بخش راهکارهای مقابله با بی‌حجابی به دو راهکار مهم فرهنگی و قانونی را می‌توان برشمرد: در بخش فرهنگی: اطلاع‌رسانی و آگاه کردن افراد جامعه، ترویج فرهنگ غیرت و تحکیم بنیه تقوا، تقویت بخش نظارتی دستگاه حاکم بر رسانه‌های جمعی، معرفی الگوهای مناسب پوششی و رفتاری، انسجام فرهنگی و جلوگیری از کارهای موازی. در بخش قانونی و امنیتی نیز در دو مرحله توصیه و تذکر و برخورد‌های امنیتی - انضباطی می‌توان با سرچشمه‌ها و ریشه‌ها - ای - ای - پدید آمده اجتماعی - برخورد کرد. پی‌نوشت‌ها: ۹. جمعی از نویسندگان،

تفسیر موضوعی، ص ۲۳۸. ۱۰. اکبری، محمدرضا، حجاب در عصر ما، ص ۱۴۴. ۱۱. سوره روم، آیه ۱۰. ۱۲. آل عمران، آیه ۱۵۹. ۱۳. بهزاد پور، سمیندخت (فضه)، نقش حجاب در توسعه، ص ۱۴۴۹. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۳۳. ۱۵. بهزاد پور، سمیندخت (فضه)، نقش حجاب در توسعه، فصل دوم فهرست منابع: ۱- قرآن کریم ۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر موسسه اعلمی بیروت، ۱۴۱۱ ه. ق ۳- محمدی نیا، اسدالله، بشهت جوانان، نشر سبط اکبر، زمستان ۱۳۷۹ ۴- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تیر ۱۳۸۲، چاپ ۳۴ ۵- مطهری، مرتضی، مساله حجاب، انتشارات صدرا، فروردین ۱۳۷۴، چاپ چهل و یک ۶- اکبری - محمد رضا، حجاب در عصر ما، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۰ چاپ اول ۷- حسینی، سیدمجتبی، نگاه و پوشش (از مجموعه پرسشهای دانشجویی)، نشر معارف، زمستان ۱۳۸۶ ۸- خرمی مشکانی، ابراهیم، چرا حجاب؟، انتشارات مرسل، اسفند ۱۳۸۳، چاپ اول ۹- بهزاد پور، سمیندخت (فضه)، نقش حجاب در توسعه، نشر زعیم، ۱۳۸۲، چاپ اول ۱۰- رجبی، عباس، حجاب و نقش آن در سلامت روان، نشر موسسه امام خمینی، پاییز ۱۳۸۵، ۱۱- جمعی از نویسندگان، تفسیر موضوعی، نشر معارف، ۱۳۸۳ ۱۲- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر، مبانی جامعه‌شناسی،

انتشارات بهینه، ۱۳۸۶، چاپ نوزدهم. www.rasanews.ir